



نگاه انقلاب اسلامی به مسئله زن

پیشخوان شماره ۱۰۵

در کلام حضرت آیت الله خامنه‌ای



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست

- ۷/ برکات انقلاب اسلامی برای زن ایرانی / چشم دنیا زنده کند
- ۱۵/ زن ایرانی، حامل پیام جهانی اسلام برای زنان عالم / موفقیت نگاه نظام اسلامی به زن ۱۰۵
- ۲۳/ نگاه جامع و کامل اسلام به زن، علاج هر نقص موجود در / احترام به زن یعنی ایجاد فرصت بروز استعدادهای عظیم
- وضع زنان / آن در سطوح مختلف
- ۲۹/ تفاوت الگوی زن غربی و الگوی زن ایرانی / انقلاب ما انقلاب زیبایی است! ۱۱۷
- ۳۵/ کوله نظری نسبت به زن در طول تاریخ، اولویت‌های مسائل / موفقیت نظام جمهوری اسلامی در پرورش زنان فرزانه و
- زنان در ایران / صاحب اندیشه ۱۲۳
- ۴۵/ طلبگاری جمهوری اسلامی از تمدن غرب درباره موضوع زن / ضرورت کار علمی - کارشناسی در حوزه زن و خانواده ۱۳۱
- ۵۵/ فرهنگ اسلامی، فرهنگ عدم اختلاط زن و مرد است / نگاه اسلام به نقش زن در تحولات اجتماعی ۱۴۳
- ۶۳/ تکامل معنوی، فعالیت اجتماعی و خانواده؛ سه بعد اصلی / زن مسلمان ایرانی تاریخ جدیدی را پیش چشم زنان
- نگرش اسلام به زن / جهان گشود ۱۴۹
- ۷۱/ نقش زن در خانواده / ضرورت ایجاد نهضت بیداری در مسائل زنان در برابر ۱۵۳
- ۸۳/ هدف انقلاب اسلامی از طرح مسأله حقوق زن و راهکارهای / گفتمان غرب
- انقلاب برای آن / باید ذهن‌تان را از تفکرات غربی در مورد زن تخلیه کنید ۱۶۳
- ۹۹/ زن ایرانی باید هویت والای زن مسلمان را در پیش





«معرفتهاتان را بالا ببرید. عزیزان من! سقف معرفت خودتان را، سایتهای سیاسی و اوراق روزنامه‌ها و پرسه‌زدن در سایتهای گوناگون قرار ندهید؛ سقف معرفت شما اینها نیست... سطح معرفت دینی بالا برود؛ این یکی از کارهاست که حتماً لازم است. به نظر من آن کاری که مهم است انجام بگیرد، مطالعات اسلامی است.»

(بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی ۱۶/۰۵/۱۳۹۱)

اشاره

فراتر رفتن از اخبار و هیاهوهای رسانه‌ای روزمره و داشتن برنامه و سیر مطالعات دینی و اجتماعی از جمله توصیه‌ها و تأکیدات همیشگی رهبر معظم انقلاب اسلامی در طول سالیان متمادی بوده است.

از جمله عرصه‌هایی که می‌تواند در مسیر مطالعات اسلامی افراد گوناگون به خصوص فعالین فرهنگی - اجتماعی و ... مورد توجه و استفاده قرار گیرد اندیشه‌های مقام معظم رهبری بوده و اصلی‌ترین مجرای ظهور و بُروز این افکار نیز بیانات معظم‌له می‌باشد. پایگاه اطلاع رسانی KHAMENEI.IR پیش از این در جهت نیل به این مهم و زمینه‌سازی مناسب جهت آشنایی مناسب اقشار گوناگون با ابعاد مختلف این اندیشه‌ها، محصول «پیشخوان» را ارائه داده بود. پیشخوان مبتنی بر فهرست بیانات پایه و اصلی رهبری در یک موضوع بود که هر یک از بیانات مربوط به موضوع نیز دارای نمایه‌ی موضوعی خاص خود بود که هم‌اکنون نیز آرشیو این موضوعات در صفحه‌ی پیشخوان این پایگاه قابل دسترسی است.

اینک در جهت تکمیل این حرکت مطالعاتی، جزوات موضوعی پیشخوان جهت دریافت و مطالعه‌ی مخاطبان آماده شده است. گفتنی است «جزوات پیشخوان» در قالب PDF آماده شده و شامل بیانات مختص به هر موضوع به صورت مجزا و مشخص می‌باشد.



برکات انقلاب اسلامی برای زن ایرانی

زندگی کوتاه از جهاد و تلاش انقلابی

حضرت زهرا (سلام الله علیها)

مقام معنوی بالای حضرت زهرا (سلام الله علیها)

نسبت به مقام جهادی و انقلابی ایشان

منطقی برای تحقیر زنان در عصر جاهلیت قدیم و جدید

فاطمه زهرا (سلام الله علیها) اسوه زنان عالم

امام (ره) زنان ما را زنده کرد!

اوضاع و خیم زنان در نظام پادشاهی

دنیای غرب زن را به ابتذال کشاند!

نمایش شخصیت زن با حفظ متانت و حجاب

اسلامی به برکت انقلاب

تمایل بیش از پیش دنیای غرب به حجاب اسلامی

شأن زن مسلمان عزیزتر از عریان شدن و جلب توجه

جنايت بزرگ غرب نسبت به زن

ننگی برای زن انقلابی مسلمان ایرانی

برکات انقلاب اسلامی برای زن ایرانی *

زندگی کوتاه از جهاد و تلاش انقلابی حضرت زهرا (سلام الله علیها)

شخصیت زهراى اطهر، در ابعاد سیاسى و اجتماعى و جهادى، شخصیت ممتاز و برجسته‌یى است؛ به طوری که همه‌ی زنان مبارز و انقلابی و برجسته و سیاسى عالم می‌توانند از زندگی کوتاه و پرمغز او درس بگیرند. زنی که در بیت انقلاب متولد شد و تمام دوران کودکی را در آغوش پدری گذراند که در حال یک مبارزه‌ی عظیم جهانی فراموش نشدنی بود. آن خانمی که در دوران کودکی، سختیهای مبارزه‌ی دوران مکه را چشید، به شعب ابی طالب برده شد، گرسنگی و سختی و رعب و انواع و اقسام شدت‌های دوران مبارزه‌ی مکه را لمس نمود و بعد هم که به مدینه هجرت کرد، همسر مردی شد که تمام زندگی‌اش جهاد فی سبیل الله بود و در تمام قریب به یازده سال زندگی مشترک فاطمه‌ی زهرا و امیر المؤمنین (علیهما السلام)، هیچ سالی، بلکه هیچ نیم سالی نگذشت که این شوهر، کمر به جهاد فی سبیل الله نبسته و به میدان جنگ نرفته باشد و این زن بزرگ و فداکار، همسری شایسته‌ی یک مرد مجاهد و یک سرباز و سردار دایمی میدان جنگ را نکرده باشد.

پس، زندگی فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها)، اگر چه کوتاه بود و حدود بیست سال بیشتر طول نکشید؛ اما این زندگی، از جهت جهاد و مبارزه و تلاش و کار انقلابی و صبر انقلابی و درس و فراگیری و آموزش به این و آن و سخنرانی و دفاع از نبوت و امامت و نظام اسلامی، دریای پهناوری از تلاش و مبارزه و کار و در نهایت هم شهادت است. این، زندگی جهادی فاطمه‌ی زهراست که بسیار عظیم و فوق‌العاده و حقیقتاً بی‌نظیر است و یقیناً در ذهن بشر - چه امروز و چه در آینده - یک نقطه‌ی درخشان و استثنايي است.

❁ مقام معنوی بالای حضرت زهرا (سلام الله علیها) نسبت به مقام جهادی و انقلابی ایشان

اما مقام معنوی این بزرگوار، نسبت به مقام جهادی و انقلابی و اجتماعی او، باز به مراتب بالاتر است. فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) به صورت، یک بشر و یک زن، آن هم زنی جوان است؛ اما در معنا، یک حقیقت عظیم و یک نور درخشان الهی و یک بنده‌ی صالح و یک انسان ممتاز و برگزیده است. کسی است که رسول اکرم به امیر المؤمنین (علیهما السلام) فرمود: «یا علی... انت قائد المؤمنین الی الجنّة... و فاطمة قد اقبلت یوم القیامة... تقود مؤمنات امتی الی الجنّة»^۱. یعنی در روز قیامت، امیر المؤمنین (ع) مردان مؤمن را و فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) زنان مؤمن را به بهشت الهی راهنمایی می‌کنند. او، عدل و همپایه و همسنگ امیر المؤمنین است. آن کسی که وقتی در محراب عبادت می‌ایستاد، هزاران فرشته‌ی مقرب خدا، به او خطاب و سلام می‌کردند و تهنیت می‌گفتند و همان سخنی را بیان می‌کردند که فرشتگان، قبلاً به مریم اطهر گفته بودند؛ عرض می‌کردند: «یا فاطمة ان الله اصطفاک و طهرک و اصطفاک علی نساء العالمین»^۲. این، مقام معنوی فاطمه‌ی زهراست. زنی، آن هم در سنین جوانی، از لحاظ مقام معنوی به جایی می‌رسد که بنابر آنچه که در بعضی از روایات است، فرشتگان با او سخن می‌گویند و حقایق را به او ارایه می‌دهند. محدّثه است؛ یعنی کسی است که فرشتگان با او حدیث می‌کنند و حرف می‌زنند. این مقام معنوی و میدان وسیع و قلّه‌ی رفیع، در مقابل همه‌ی زنده‌ی آفرینش و عالم است. فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) در قلّه‌ی این بلندای عظیم ایستاده و به همه‌ی زنان عالم خطاب می‌کند و آنها را به پیمودن این راه دعوت می‌نماید.

❁ منطقی برای تحقیر زنان در عصر جاهلیت قدیم و جدید

آنهایی که در طول تاریخ - چه در جاهلیت قدیم و چه در جاهلیت قرن بیستم - سعی کرده‌اند که زن را تحقیر و کوچک کنند و او را دلبسته به همین زخارف و زینتهای ظاهری معرفی نمایند و پایبند مد و لباس و آرایش و طلا و زیور آلات کنند و وسیله و دست مایه‌ی برای خوشگذرانیهای زندگی وانمود نمایند و عملاً در این راه قدم بردارند، منطقی آنها منطقی است که مثل برف و یخ، در مقابل گرمای خورشید مقام معنوی فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) ذوب می‌شود و از بین می‌رود.

❁ فاطمه زهرا (سلام الله علیها) اسوه زنان عالم

اسلام، فاطمه - آن عنصر برجسته و ممتاز ملکوتی - را به عنوان نمونه و اسوه‌ی زن معرفی می‌کند. آن، زندگی ظاهری و جهاد و مبارزه و دانش و سخنوری و فداکاری و شوهرداری و مادری و همسری و مهاجرت و حضور در همه‌ی میدانهای سیاسی و نظامی و انقلابی و برجستگی همه جانبه‌ی او که مردهای بزرگ را در مقابلش به خضوع وادار می‌کرد، این هم مقام معنوی و رکوع و سجود و محراب عبادت و دعا و صحیفه و تضرّع و ذات ملکوتی و درخشندگی عنصر معنوی و همپایه و هموزن و همسنگ امیر المؤمنین و پیامبر بودن اوست. زن، این است. الگوی زنی که اسلام می‌خواهد بسازد، این است.



❁ امام (ره) زنان ما را زنده کرد!

همه‌ی ما، بخصوص زنهای این جامعه، باید حقگزار و قدردان رسالت و پیام آن رهبر و پیشوای فقید عظیم‌الشانّی - یعنی امام بزرگوار (ره) - باشیم که با قیام و حرکت خود و با مطرح کردن ارزشها و عظمت‌های اسلامی و درخشندگیهای شخصیت‌های صدر اسلام - از جمله فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) - ما و بیش از همه زنهای ما را زنده کرد.

❁ اوضاع و خیم زنان در نظام پادشاهی

زن، در جامعه‌ی خود باخته‌ی نظام پلید پادشاهی، حقیقتاً و از همه‌ی جوانب مظلوم بود. اگر زن می‌خواست وارد مقوله‌ی علم بشود، باید قید دین و تقوا و عفاف را می‌زد. مگر یک خانم مسلمان، در دانشگاهها و محیط‌های آموزشی و مراکز علمی و فرهنگی می‌توانست به آسانی حجاب و متانت و وقار خود را حفظ کند؟ مگر ممکن بود؟ مگر می‌شد یک زن مسلمان، در خیابانهای تهران و بعضی از شهرهای دیگر، با متانت و وقار اسلامی یا حتی با حجاب نیمه‌کاره، راحت راه برود و از گزند زبان و حرکت هرزگان و دلباختگان به فساد و فحشای سوغات غرب، مصون بماند؟ کاری کرده بودند که در این مملکت، کسب علم برای زنها غالباً ممکن نمی‌شد. موارد استثنایی را کاری ندارم. به طور غالب، رفتن زنان به وادی علم میسر نمی‌شد؛ مگر با برداشتن حجاب و منصرف شدن از تقوا و وقار اسلامی!

در میدان سیاست و در زمینه‌ی فعالیت‌های اجتماعی هم همین‌طور بود. اگر زنی می‌خواست منصبی از مناصب اجتماعی و سیاسی را در ایران دوران پادشاهی دارا باشد، باید قید حجاب و عفاف و وقار و متانت زن اسلامی را می‌زد. البته، بسته به این بود که خود این زن، جوهر و استعدادش چگونه باشد. اگر خیلی سست عنصر بود، باید تا آن اعماق می‌لغزید. اگر خوددار و خویش‌تندار بود، تا حدودی خود را حفظ می‌کرد؛ اما دائماً با فشارهای روزافزون از سوی محیط اجتماعی روبه‌رو بود. جامعه‌ی ما، این گونه بود. اسلام و انقلاب و امام آمد و در این کشور، زن را در مرکز فعالیت‌های سیاسی قرار دادند و پرچم انقلاب را به دست زنان سپرد؛ در حالی که زن در همان حال توانست حجاب و وقار و متانت اسلامی و عفاف و دین و تقوای خود را حفظ کند. کسی حقی از این بزرگتر بر گردن زن ایرانی و مسلمان ندارد.

❁ دنیای غرب زن را به ابتذال کشاند!

خواهران من! دنیای غرب، زن را به ابتذال کشاند. تا شصت، هفتاد سال قبل از این، در تمام اروپا و کشورهای غربی، زن فقط در سیطره‌ی مرد - یا مرد خود - یا یک مرد دیگر مثل صاحب کارخانه و مزرعه - می‌توانست باشد و هیچ حقی از حقوق اصلی یک انسان در یک جامعه‌ی متمدن را نداشت. حق رأی و حق مالکیت و حق معامله نداشت. بعد آمدند زن را به میدان کار و زندگی و فعالیت اجتماعی کشاندند؛ اما در همان حال، تمام وسایل را برای لغزش زن فراهم کردند و او را در متن جامعه، رها و بی‌پناه گذاشتند.

سرمایه‌داران بزرگ، سیاستمداران خبیث و پلیید و گردانندگان دستگامهای مخفی، فکر کردند که می‌توانند برای کارهای سیاسی و اقتصادی، از این وضعیت بهتر استفاده کنند و زن را به ابتدال بکشانند. بله، در آن جاها، علم و سیاست هم هست و زنها در میدان علم و سیاست هم جلو می‌روند؛ اما به چه قیمتی؟ همین حالا هم توده و عامه‌ی زنها - نه چهار نفر خانم دکتر یا متخصص یا نویسنده و برجستگان و زبندگان - در کشورهای اروپایی و امریکایی که از تمدن غربی حظّ زیادی دارند، در وضعیت سخت و بی‌رحمانه‌ی زندگی می‌کنند و ستم همسران و ستم کاری که بر آنان تحمیل می‌شود و کارهای سخت و سنگینی که بر دوش آنان می‌گذارند، تحمل می‌کنند. با این کار، وانمود می‌کنند که زن را وارد میدان اجتماع کرده‌اند؛ در حالی که فرصت اندیشیدن و فکر کردن و تصمیم گرفتن هم برای آنان وجود ندارد.

نمایش شخصیت زن با حفظ متانت و حجاب اسلامی به برکت انقلاب

به برکت انقلاب، زن ایرانی در راه بسیار خوبی افتاد. امروز، زن ایرانی می‌تواند در میدان علم وارد بشود و مدارج علمی را طی کند؛ در حالی که دین و عفاف و تقوا و وقار و متانت و شخصیت و حرمت زن مسلمان را هم حفظ کرده باشد. الان در بین همین جمع شما، چه قدر دانشجویان و اساتید و دانشمندان زن وجود دارند؟ همچنین زن می‌تواند در میدان علوم و آگاهیهای دینی وارد بشود؛ بدون این که هیچ مانعی بر سر راهش باشد. الان در بین همین جمع شما، عده‌ی کثیری از طلاب و دانشجویان و مدرّسان و اساتید علوم دینی هستند که در میدان فقه اسلامی و بینش دینی تحصیل می‌کنند. امام بزرگوارمان هم به این مسأله بسیار اهمیت می‌دادند و به همین خاطر دستور دادند که این مؤسسه‌ی قم تأسیس شود. امروز، زن در کشور ما می‌تواند در میدان سیاست و فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی و جهادی و کمک به مردم و انقلاب و حضور در میدان‌های گوناگون، شخصیت خودش را با حفظ متانت و وقار و حجاب اسلامی نشان بدهد.

تمایل بیش از پیش دنیای غرب به حجاب اسلامی

تمام دنیای غرب و مطبوعات آنها و این نویسندگان قلم‌به‌مزد و عامل سرمایه‌داران و صهیونیست‌های بزرگ جهانی، دست به دست هم داده‌اند تا جمهوری اسلامی را هو کنند. مسأله‌ی حجاب را مورد تهاجم تبلیغاتی قرار دادند تا شاید ما را از میدان خارج کنند. علی‌رغم تبلیغات آنها، ایران اسلامی و زن مسلمان، پایبندی خود را به مسأله‌ی حجاب و حیثیت اسلامی زن مسلمان و آموزش اسلام در مورد زن، با قدرت و قاطعیت و روح اعتماد و اطمینان به خود حفظ کرد و امروز دنیای غرب است که تدریجاً به سمت حجاب اسلامی متمایل می‌شود.

می‌بینید که زنان و مسلمانان در کشورهای گوناگون - چه کشورهای اسلامی که در آنها خبری از حجاب نبود و در تعلیمات غربی غرق شده بودند و چه حتی کشورهای اروپایی - به سمت حجاب رو می‌کنند. البته، اول مسلمانان گرایش خود را نشان دادند و ما بعد از پیروزی انقلاب دیدیم که کشورهای دور دستی که تحت

تأثیر و مجذوب فرهنگ غربی و اروپایی بودند، حجاب به سبک حجابِ شما زنان ایران را در بین خود آزمایش می کردند و به آن رو آورده بودند و آوردند. این، پیشرفت شماسست.

🔗 شأن زن مسلمان عزیزتر از عریان شدن و جلب توجه

زنهای مؤمن در جامعه‌ی ماسعی کنند قدر زن ایرانی مسلمان را بدانند. ارزش زن اسلامی و مسلمان را بدانید. زنی که در اختلاط و معاشرت، با مرد قاطی نمی شود و خود را وسیله‌ی بی برای جلب چشم مرد نمی داند و خود را بالاتر از این می داند؛ زنی که شأنش را عزیزتر از این می شمارد که خود را عریان کند و با صورت و موی و بدن خود، چشم روندگان را به سمت خویش جلب کند و هوس آنها را اشباع نماید؛ زنی که خود را در دامنه‌ی قله‌ی می داند که در اوج آن، فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) - بزرگترین زن تاریخ بشر - قرار دارد؛ آن زن، زن مسلمان ایرانی است. این زن باید دیگر از این بازیچه‌های فراهم آمده‌ی تمدن غربی و روشهای توطئه آمیز آن، رو بگرداند و به آن بی اعتنایی کند.

🔗 جنایت بزرگ غرب نسبت به زن

در رژیم گذشته، با این که جمع کثیری از زنها، هم بی سواد بودند و هم از مسایل اجتماعی چیزی سرشان نمی شد - یعنی نمی گذاشتند چیزی سرشان بشود - و هم به سرنوشت کشور بی علاقه بودند و اصلاً نمی دانستند که زن می تواند در سرنوشت کشور دخالت داشته باشد، با وجود اینها از لحاظ ظاهر، شبه اروپایی و گاهی هم روی دست زنها غربی و اروپایی زده بودند و وقتی کسی نگاهشان می کرد، خیال می کرد که این زن الان از یک کشور اروپایی و از یک محیط غربی وارد ایران شده است؛ اما اگر با او دو کلمه صحبت می کردی، می دیدی که یک خانم بی سواد و یا کم سواد است!

زن را وادار می کردند که به وسیله‌ی جلوه‌گری و جلب چشمها به سمت خود، برای خویش یک شخصیت کاذب درست کند. این، برای زن انحطاط بود و پیشرفت نبود. آیا جنایتی بزرگتر از این نسبت به زن وجود دارد که بیایند سر او را با آرایش و مُد و جلوه‌گری و لباس و طلا و زیورات بند کنند و از او به عنوان یک ابزار و وسیله، در راه مقاصد گوناگون استفاده کنند و نگذارند در میدان سیاست و اخلاق و تربیت وارد بشود؟ این، آن کاری است که در رژیم گذشته، دقیقاً و با برنامه انجام می گرفت.

🔗 ننگی برای زن انقلابی مسلمان ایرانی

انقلاب آمد و رفتار خانمها و جهت حرکت زنها کشور ما را صد و هشتاد درجه عوض کرد؛ یعنی پشت به آن سمت و رو به سمت نور و رشد و فهم علمی و اخلاقی و سیاسی و حضور در میدانها و رشد شخصیت‌های بشری و فایده بخشیدن برای جامعه به معنای واقعی. مواظب باشید از این راه برنگردید. زنها مواظب باشند این راه مبارک انقلاب را گم نکنند. امروز، سرگرم شدن به زر و زیور، برای زن مسلمان ایرانی انقلابی عیب است. امروز،

پُر کردن سر و سینه و دست از زیورآلات و بت قرار دادن زیور و آرایش و مُد و لباس، برای زن انقلابیِ مسلمانِ ایرانی ننگ است. آن کسی که در پی این گونه چیزهاست، ارزشش پایین است. طلا، برای زن ارزش آفرین نیست؛ بی‌اعتنایی به طلا، ارزش آفرین است. مُد، برای زن ارزش آفرین نیست؛ بی‌اعتنایی نسبت به مُدهای دام‌گونه‌ی ساخته و پرداخته‌ی دشمنان، برای زن ارزش است.

زن مسلمان، شخصیت خودش را پیدا کرده است. مواظب باشید این شخصیت را گم نکنند. ازدواجها در دوران انقلاب و به برکت آن آسان شد؛ چون تشریفات و سختگیریها کم شد. نگذارید دوباره به خانه‌ی اول برگردیم. پدران و مادران، نسبت به مقدمات غیر لازم ازدواج سختگیری نکنند؛ جوانان که سختگیری بی‌ندارند. بگذارند ازدواج اسلامی انجام بگیرد. بگذارند ازدواج برای دختر مسلمان و زن جوانی که در محیط اسلامی است، مثل ازدواج فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) باشد؛ ازدواجی با پیوند عشقی معنوی و الهی و جوششی بی‌نظیر میان زن و مرد مؤمن و مسلمان و همکاری و همسری به معنای واقعی بین دو عنصر الهی و شریف، اما بیگانه از همه‌ی تشریفات و زر و زیورهای پوچ و بی‌محتوای ظاهری. این است ازدواج درست زن مسلمان و تربیت فرزند و اداره‌ی محیط خانه و البته اندیشیدن و پرداختن به همه چیز جامعه و دین و دانش و فعالیت اجتماعی و سیاسی. اسلام، این است.

زن ایرانی، حامل پیام جهانی اسلام برای زنان عالم

- هدف از آفرینش زن و مرد
- مثال قرآن از زنان به عنوان انسانهای خوب و بد
- برداشت غلط نسبت به زن و مرد در طول تاریخ
- تحت الشعاع بودن مفاهیم انسانی در غرب
- اسلام میخواهد زنان به حد اعلی برسند
- حجاب مانع فعالیت های اجتماعی نیست
- عدم باور به توانمندی های اجتماعی زنان
- محجبه در دوران طاغوت
- سربازان خط مقدم انقلاب
- ضرورت تحصیل زنان در علوم مختلف
- دنیا تشنه پیام اسلام در حوزه زنان
- نیازمندی جامعه به خدمات بانوان در عین تعهد دینی

زن ایرانی، حامل پیام جهانی اسلام برای زنان عالم *

هدف از آفرینش زن و مرد

در یک جمله باید بگوییم که ما - کسانی که امروز به نام اسلام سخن می‌گوییم و رسالت اسلام را رسالت برتر می‌دانیم - به وجود خانمهایی مثل شما افتخار می‌کنیم و این از آن جاست که هر تبلیغ و ادعایی، هر گاه به مرحله‌ی عمل و تحقق نزدیک شد، ارزش واقعی خود را خواهد یافت. ما در مورد مسأله‌ی زن از یک سو و مسأله‌ی دانش و تخصص از سوی دیگر و مسأله‌ی خدمت به افراد بشر هم از جانب دیگر، به نام اسلام ادعاهایی داریم. ادعاهای ما، در چارچوب اسلام است.

ما معتقدیم زنان در هر جامعه‌ی سالم بشری قادرند و می‌باید فرصت پیدا کنند که در حد سهم خود، تلاش و مسابقه‌ی خویش را در پیشرفتهای علمی و اجتماعی و سازندگی و اداره‌ی این جهان به عهده بگیرند. از این جهت، میان زن و مرد هیچ تفاوتی نیست. هدف از آفرینش هر فرد انسان، عبارت از همان هدف آفرینش بشریت است؛ یعنی رسیدن به کمال بشری و بهره بردن از بیشترین فضایی که یک انسان می‌تواند به آن فضایل آراسته بشود. فرقی هم بین زن و مرد نیست. نشانه‌اش در درجه‌ی اول، فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) و در درجه‌ی بعد، دیگر زنان بزرگ تاریخ است.

مثال قرآن از زنان به عنوان انسانهای خوب و بد

فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) در قله‌ی بشریت قرار دارد و کسی از او بالاتر نیست و می‌بینیم که آن بزرگوار به عنوان یک بانوی مسلمان، این فرصت و قدرت را یافت که خودش را به این اوج برساند. پس، فرقی بین

زن و مرد نیست و بخصوص شاید از همین جهت هم است که خدای متعال در قرآن کریم، آن وقتی که راجع به نمونه‌ی انسانهای خوب و نمونه‌ی انسانهای بد مثال می‌زند، مثال را در هر دو مورد از زن انتخاب می‌کند. یک مورد زن فرعون و در مورد دیگر، همسر نوح و لوط را مثال می‌زند: «و ضرب الله مثلا للذین امنوا امرات فرعون»^۱. در مقابل هم در مورد انسان بد و نگونسار و کج رفتار و انسانی که در جهت غلط حرکت می‌کند، به زن نوح و لوط مثال می‌زند.

برداشت غلط نسبت به زن و مرد در طول تاریخ

این جا، جای سؤال است که مرد هم بود، حالا یکی را از مرد و یکی را از زن مثال می‌زد. نه، در همه‌ی قرآن، وقتی که می‌گوید: «ضرب الله للذین امنوا» یا «ضرب الله للذین کفروا»، در هر دو مورد از زن مثال می‌زند. آیا این به معنای آن نیست که ما باید از دیدگاه اسلام، به برداشت غلط و متأسفانه مستمر در تاریخ بشریت نسبت به جایگاه زن پاسخی بدهیم؟ اسلام می‌خواهد بایستد و این برداشت و روش و فهم غلط از مسأله‌ی زن را - که در طول تاریخ هم وجود داشته است - تصحیح کند.

من تعجب می‌کنم - جز استثناها - چرا این گونه بوده است؟ چرا بشریت همواره درباره‌ی مسأله‌ی زن و مرد، کج فکر کرده است و می‌خواهد در مقابل این بایستد. شما از تعلیمات انبیا که بگذرید، در همه‌ی برداشتها و تحلیلهای و تفکرات بشری، جایگاه زن و مرد، جایگاه غلطی است و نسبت زن و مرد، نسبت غلطی می‌باشد. حتی در تمدنهای خیلی بلند پایه‌ی دنیای باستان - مثل تمدن روم یا ایران - برداشت از زن، یک برداشت غلط است که من دیگر نمی‌خواهم جزئیات و تفصیلات را بیان کنم و لابد خودتان می‌دانید و می‌توانید هم مراجعه کنید.

امروز هم وضع دنیا همین گونه است. امروز هم علی‌رغم همه‌ی این جنگالها و هیاهوها و ادعاهایی که در حمایت از زن و موضع انسانی او می‌شود، متأسفانه همین برداشت غلط وجود دارد و اروپاییها چون دیرتر از کشورهای اسلامی و کشورهای غیر اروپایی وارد میدان شدند، نسبت به مسأله‌ی زن دیرتر تنبه پیدا کردند.

تحت الشعاع بودن مفاهیم انسانی در غرب

می‌دانید که تا دهه‌های دوم این قرن، هیچ زنی در هیچ جای اروپا، حق رأی نداشت. آن جاهایی هم که دمکراسی بود، زن حق صرف کردن مال خودش را نداشت. از دهه‌ی دوم - یعنی از سالهای هزار و نهصد و شانزده یا هیجده به بعد - آرام آرام در کشورهای اروپایی، تصمیم گرفتند که به زن حق اعمال نظر و تصرف در سرمایه‌ی خود و حقوق اجتماعی متساوی با مرد بدهند. بنابراین، اروپا خیلی دیر از خواب بیدار شد و خیلی دیر مسأله را فهمید. مثل این که می‌خواهد با جنگالهای دروغین، از لحاظ زمان جبران این عقب‌افتادگی را بکند.



البته در تاریخ اروپا، خانمهایی که ملکه می‌شدند و با اشرافی بودند، وجود داشت؛ اما حکم یک زن و زنان یک فامیل یا یک تیره یا یک طبقه، غیر از مسأله‌ی زن است. این تبعیضها همیشه بوده است. خانمهایی هم بوده‌اند که در سطوح بالا قرار می‌گرفتند و مثلاً ملکه‌ی کشوری می‌شدند و این امتیاز، از طریق خانواده و میراث به آنها داده می‌شده است؛ اما «زن» این‌طور نبوده و بر خلاف دیدگاههای ادیان - که سالم و دست نخورده‌اش اسلام است و دیگر ادیان هم یقیناً همین دیدگاه را دارند - به هیچ وجه در جامعه از حقوقی برخوردار نبوده است.

پس، می‌بینید امروز هم که دنیای تمدن غرب می‌خواهد آن عقب‌افتادگی بسیار ملامت‌انگیز خود در مورد مسأله‌ی زن را جبران کند، طور دیگری جبران می‌کند. تصور من این است که آنها جانب مفاهیم انسانی در مورد زن را تحت الشعاع مسایل تبلیغاتی و سیاسی و اقتصادی قرار می‌دهند؛ کما این که از اول هم در اروپا همین‌طور بوده است و از همان هنگام که به زنان حقوقی داده شد، غالباً بر همین مبانی غلط استوار بوده است.

اسلام میخواهد زنان به حد اعلی برسند

وقتی که به صحنه‌ی تفکرات عالم نگاه می‌کنم و بینش اسلام را مشاهده می‌نمایم، بروشنی درمی‌یابم که جامعه‌ی بشری هنگامی خواهد توانست نسبت به مسأله‌ی زن و رابطه‌ی زن و مرد، سلامت و کمال مطلوب خود را پیدا بکند که دیدگاههای اسلام را بدون کم و زیاد و بدون افراط و تفریط درک کند و کوشش نماید آنها را ارایه کند. این، ادعای ما نسبت به مسأله‌ی زن در عالم است. ما آن چیزی را که در تمدنهای مادی امروز نسبت به زن عمل می‌شود و وجود دارد، به هیچ وجه قبول نداریم و آن را به صرفه و صلاح زن و کل جامعه نمی‌شماریم.

اسلام می‌خواهد که رشد فکری و علمی و اجتماعی و سیاسی و - بالاتر از همه - فضیلتی و معنوی زنان، به حد اعلی برسد و وجودشان برای جامعه و خانواده‌ی بشری - به عنوان یک عضو - حد اعلای فایده و ثمره را داشته باشد.

حجاب مانع فعالیت‌های اجتماعی نیست

همه‌ی تعالیم اسلام از جمله مسأله‌ی حجاب، بر این اساس است. مسأله‌ی حجاب، به معنای منزوی کردن زن نیست. اگر کسی چنین برداشتی از حجاب داشته باشد، برداشتش کاملاً غلط و انحرافی است. مسأله‌ی حجاب، به معنای جلوگیری از اختلاط و آمیزش بی‌قید و شرط زن و مرد در جامعه است. این اختلاط، به ضرر جامعه و به ضرر زن و مرد - بخصوص به ضرر زن - است.

حجاب، به هیچ وجه مزاحم و مانع فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی و علمی نیست؛ دلیل عینیش هم شما هستید. شاید عده‌ی تعجب می‌کردند و هنوز هم تعجب کنند که خانمی در سطح بالای علمی در هر

رشته‌یی وجود داشته باشد که خودش را با تعالیم اسلامی و از جمله با مسأله‌ی حجاب منطبق کند. این، برای بعضی باور نکر دنی بود و نمی‌توانستند تصورش را بکنند.

عدم باور به توانمندی‌های اجتماعی زنان محجبه در دوران طاغوت

از برخورد های لوده و هرزه‌ی کسانی هم که در دوران رژیم طاغوت، حجاب را مسخره می‌کردند، می‌گذریم. در آن دوران، افراد معدودی از خانمها و دختر خانمها در دانشگاهها حجاب داشتند که مورد تمسخر و استهزا بودند. آن برخورد، یک برخورد غیر انسانی جلف و غلطی بود که انسان چیزی را که خودش قبول ندارد، آن را به لجن بکشاند و به باد استهزا بگیرد؛ کاری که امروز رسانه‌های غربی عیناً انجام می‌دهند. در آن دوران، این گونه افراد کار اجلاف را انجام می‌دادند که اصلاً محل بحث نیست؛ اما کسانی هم که اهل این جلافتها نبودند، بلکه اهل فکر و منطق و به میزان گفتن و به میزان اندیشیدن بودند، باور نمی‌کردند که ممکن باشد خانمی مقید به مسایل اسلامی - از جمله مسأله‌ی حجاب - باشد و بتواند مدارج علمی را طی کند و عالم بشود؛ همچنان که باور نمی‌کردند چنین کسی بتواند در زمینه‌ی مسایل سیاسی و اجتماعی کسی بشود؛ کما این که فکر نمی‌کردند بتواند یک عنصر فعال انقلابی باشد.

سربازان خط مقدم انقلاب

انقلاب ما، همه‌ی این تصورات باطل را تخطئه کرد و دیدیم که خانمها، سربازان خط مقدم انقلاب بودند و این به معنای واقعی کلمه است و من به عنوان یک مبالغه نمی‌گویم. ما در جریان انقلاب شاهد بودیم که زن در کشور ما، سرباز خط مقدم انقلاب شد. اگر زنها با انقلاب سازگار نبودند و این انقلاب را نمی‌پذیرفتند و به آن باور نداشتند، مطمئناً این انقلاب واقع نمی‌شد. من به این معنا اعتقاد دارم. اولاً، اگر آنها نبودند، نیمی از گروه انقلابیون مستقیماً در میدان نبودند. ثانیاً، به طور غیر مستقیم روی فرزندان و شوهران و برادران و محیط خانه - که زن در محیط خانه دارای تأثیر فرهنگی زیادی است - اثر می‌گذاشتند. این حضور آنها بود که توانست ستون فقرات دشمن را بشکند و مبارزه را به معنای واقعی کلمه پیش ببرد.

در میدانهای سیاسی نیز، ما خانمهایی را دیده‌ایم و می‌بینیم که دارای قدرت تحلیل و سخنوری هستند و برای پذیرش مسؤولیت در نظام اسلامی آماده‌اند. البته این کار باز هم رو به گسترش است و باید پیش برود. در زمینه‌های علمی هم که خود شما مصداق و نمونه‌اش هستید و از قبیل شما در رشته‌های مختلف وجود دارند.

ضرورت تحصیل زنان در علوم مختلف

البته، من این نکته را در همین جا بگویم که رشته‌ی پزشکی - نه فقط زنان - برای خانمها از اولویت

برخوردار است؛ زیرا ما که به وجود یک فاصله‌ی ارتباطی و آمیزشی اجتماعی بین زن و مرد معتقدیم و تأکید داریم که نباید اختلاط بی‌قید و شرط بین زن و مرد باشد و معتقد به حجاب - به معنای کامل و واقعی کلمه - هستیم، نمی‌توانیم در مسأله‌ی پزشکی بی‌تفاوت باشیم. یعنی به همان تعداد که پزشک مرد داریم، به همان تعداد هم پزشک زن لازم داریم. بگذاریم زنها برای مراجعات پزشکی خود، به طبیب زن مراجعه کنند و هیچ لزومی ندارد که ما این فاصله را برنداریم. بایستی کاری بکنیم که زنها بتوانند بدون هیچ گونه مشکلی، به طبیب مراجعه کنند و آن طبیب هم طبیب زن باشد.

بعضی از خانمها خیال می‌کردند که اگر زن در رشته‌ی زنان درس می‌خواند، بایستی فقط در زمینه‌ی بیماریهای ویژه‌ی زنان و مسأله‌ی زایمان درس بخواند؛ در حالی که این طور نیست و خانمها موظفند که انواع و اقسام رشته‌های تخصصی پزشکی - مثل قلب و داخلی و اعصاب و... - را دنبال کنند. این، فریضه است. امروز این تکلیف برای زنها، بیشتر از مردهاست؛ اگر چه در جامعه‌ی ما، آموزش رشته‌های مختلف علوم که برای ساختن این جامعه لازم می‌باشد، برای همه فریضه است. آن کسانی که بتوانند، حقیقتاً امروز از آن روزهایی است که کسب علم فریضه‌ی شرعی است؛ علاوه بر این که فریضه‌ی اجتماعی هم است.

کسب علم فقط یک امتیاز نیست که کسی بخواهد به جایی برسد و شغل پُدرآمدی داشته باشد؛ مسأله این است که کسانی که می‌توانند درس بخوانند، واجب است که درس بخوانند و تخصصها را پیدا کنند. کسب علم و تخصص در رشته‌ی پزشکی - مثل بقیه‌ی رشته‌ها - برای مردها واجب است؛ اما برای زنها واجبتر می‌باشد؛ چون زمینه‌ی کار در میان خانمها کمتر است. به نسبت تعداد زنان در جامعه، ما پزشک زن کمتر داریم. بنابراین از نظر اسلام، این مسأله یک مسأله‌ی حل شده است و جامعه‌ی ما باید پیش برود.

🌍 دنیا تشنه پیام اسلام در حوزه زنان

من می‌خواهم بگویم که شما خانمها برای دنیا پیامی دارید. این پیام را دقیق و مسجل کنید و به دنیا بدهید. پیام هم فقط پیام زبانی و شفاهی و کتبی نیست؛ بلکه بیشتر پیام عملی است. زنها ایران، بخصوص کسانی که در رشته‌های گوناگون دانش و در چارچوب اسلام و احکام اسلامی و مهمتر از همه مسأله‌ی حجاب توانسته‌اند حرکت بکنند، بایستی به زنان و دختران و دانشجویان زن دنیا عملاً تفهیم کنند که علم به معنای بی‌بندوباری نیست و لازمه‌ی تحصیل علم، بی‌قیدی نسبت به موازین اخلاقی در مورد معاشرت زن و مرد نیست؛ بلکه می‌توان با رعایت کامل این موازین، علم را هم تحصیل کرد و به جاهای بالایی رسید و وجود شما می‌تواند به عنوان یک نمونه از پیام جهانی اسلام نشان داده بشود.

بله، من هم این را قبول دارم که گفتید امروز دنیا تشنه است تا ببیند پیام ادیان چیست. در میان ادیان عالم، آن دینی که ادعا می‌کند می‌تواند جامعه را به صورت همه جانبه بسازد، اسلام است. مسیحیت امروز و بقیه‌ی ادیان به طریق اولی، این ادعا را ندارند؛ لیکن اسلام ادعا می‌کند که ارکان بنای یک نظام

اجتماعی را در اختیار دارد و می‌تواند این پایه‌ها و رکنها را بنشانند و بر اساس این پایه‌ها، یک نظام اجتماعی و یک جامعه‌ی سالم و پیشرفته بنا کند. ما بایستی در همه‌ی بخشها، از جمله در مسأله‌ی کسب دانش و همچنین در پیوند با این مسأله، مسأله‌ی زن و دانش، نشان بدهیم که این امکان در اختیار اسلام است.

🏠 نیازمندی جامعه به خدمات بانوان در عین تعهد دینی

شما هر چه بتوانید، بخصوص دانشجویان دختر را تشویق و تربیت کنید و در رشته‌ی علوم پیش ببرید. این کار، انقلاب و کشور را به اهداف خودش نزدیکتر خواهد کرد. مردم به خدمات شما نیازمندند؛ همچنان که به روش و منش و تعهد و پایبندی شما به دین هم نیازمندند. امیدوارم که ان شاء الله خداوند به شما توفیق بدهد و همچنان که گفتید، فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) را الگوی خودتان بدانید و قرار بدهید و مشکلات کار تحصیلی هم از سر راه زنان مسلمان، بیشتر از پیش برطرف بشود. بعضی از مشکلات هنوز در بعضی از مراکز آموزشی شدیداً وجود دارد. ان شاء الله این مشکلات برطرف بشود و دخترها و زنهای مسلمان ما بتوانند این جاده‌ی تحصیل علم را هر چه بیشتر و قویتر بپیمایند و ما به وجود خانمهایی که با حفظ موازین اسلامی، به عالیتیرین قله‌های استعداد بشری - چه از لحاظ علمی و چه از لحاظ اخلاقی و سیاسی و اجتماعی - رسیده‌اند، افتخار کنیم.

نگاه جامع و کامل اسلام به زن، علاج هر نقص موجود در وضع زنان

- ❖ خود آگاهی و احساس شخصیت اجتماعی زن به برکت انقلاب
- ❖ جلوی گیری از تزلزل زن و خانواده توسط انقلاب
- ❖ زن باید شأن حقیقی خودش را پیدا کند
- ❖ ظلمی بزرگ آرمانگرایی زن
- ❖ دید واقع بینانه اسلام به زن و مرد
- ❖ مانع آرمانگرایی زنان در اسلام
- ❖ وظایف شورای عالی زنان نسبت به مایحتاج حرکت زنان
- ❖ مسئولیت برای زنان تا جایی که منع شرعی نداشته باشد
- ❖ ضرورت ریشه کنی باورهای غلط غربی

نگاه جامع و کامل اسلام به زن، علاج هر نقص موجود در وضع زنان *

❏ خود آگاهی و احساس شخصیت اجتماعی زن به برکت انقلاب

مسئله‌ی زن، که موضوع کار جمع خانمهای حاضر است و شما اندکی از مباحث مربوط به زن را بیان فرمودید، مسئله‌ی بسیار مهمی است. البته بعد از انقلاب در کشور ما، وضع زن به عنوان عضوی از جامعه و همچنین به عنوان کسی که صاحب وظایف زنانه است - وظیفه‌ی مادری و همسری و امثال اینها - خیلی بهتر از گذشته است. هر چند در گذشته، برخی از زنان کشور - نه اکثریت آنها - از جنبه‌ی شخصی - نه از آن دو جنبه‌ی که اشاره کردم - شاید وضعیتشان بد نبود و زنان خاصی، از مقداری از تنعمات عمومی جامعه برخوردار بودند؛ لیکن مسئله‌ی شخصی برای زن، مسئله‌ی درجه‌ی یک نیست. اگر ما به ابعاد زندگی زن نگاه کنیم، واقعاً مهمترین جهات و حیثیات وجود او، آن مسایل شخصی محض نیست.

شخصیت اجتماعی زن به عنوان عضوی از این مجموعه‌ی عظیم، خیلی حایز اهمیت است. زنان در گذشته، اصلاً به این بخش توجهی نداشتند و اهمیتی نمی‌دادند. در مسؤولیتهای عمومی جامعه، نقشی برای زنان فرض نمی‌شد؛ خودشان هم نقشی را فرض نمی‌کردند؛ بخصوص در این سطح وسیعی که امروز مطرح است. الان شما ملاحظه کنید، همه‌ی زنان روستاها و شهرهای دورافتاده، به عنوان افرادی از مجموعه‌ی نگهدارنده‌ی این انقلاب و اصحاب و صاحبان آن، برای خودشان شأن قایلند. از این جهت، هیچ فرقی بین زن و مرد نیست؛ بلکه گاهی زنان، ایمان پرشورتر و دید روشنتری نسبت به مسایل جامعه دارند و کشور و مسایل آن را متعلق به خودشان می‌دانند.

چه زمانی چنین احساسی در بین زنان ما، آن هم در چنین سطح وسیعی از جامعه وجود داشت؟ این،

* بیانات در دیدار با اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان
۱. خانم گوهر الشریعه دستغیب، رئیس وقت شورای فرهنگی، اجتماعی زنان

به برکت انقلاب است. همان حالت خودآگاهی و احساس شخصیت اجتماعی که در مردان به وجود آمده است، می‌توان گفت که در زنان با جست‌بیشتری به وجود آمده است. قبلاً هیچ نبوده؛ ولی حالا به میزان خیلی بالایی هست. همچنین آن جنبه‌ی مشاغل و شؤون خاص زنانه و قدر مادر و همسر بودن را دانستن، از جمله چیزهایی است که به آن توجه شده است.

🏠 جلوی‌گیری از تزلزل زن و خانواده توسط انقلاب

در این دو، سه دهه‌ی قبل از انقلاب، به خاطر ورود فرهنگ‌های اروپایی، بنیان خانواده متزلزل شده بود؛ یعنی حقیقتاً خانواده، آن اصالت و ارزش و عظمتی را که در اسلام و فرهنگ سنتی ما دارد، دیگر نداشت. وقتی خانواده هست، همسر و مادر عضو اصلی است. زن در این مجموعه، جای بسیار اساسی و رفیعی دارد. به همین خاطر، وقتی اصل خانواده - یعنی زن - زیر سؤال و متزلزل است، در آن جا هیچ چیزی در جای خودش قرار ندارد. اینها بحثهایی است که واقعاً باید روی آنها خیلی تأمل و تدقیق بشود. اسلام، چه تأملات صحیح و چه راهنماییهای ارزشمندی در مورد این مسایل دارد. این چیزی است که انقلاب به زنان جامعه‌ی ما اعطا کرد و آنها را در صحنه‌ی جهاد، سیاست و تأثیر در سازندگی اساسی کشور - که همان سازندگی انقلاب است - وارد نمود. این، چیز خیلی مهمی است و جز با صدر اسلام، با هیچ وقت دیگر قابل مقایسه نیست.

🏠 زن باید شأن حقیقی خودش را پیدا کند

آنچه که در گذشته، در فرهنگ‌های شرقی و غربی و ایرانی و غیر ایرانی، بر زنان رفته است، لزومی ندارد که من آنها را تکرار کنم؛ بر همه‌ی شما معلوم است. اسلام واقعاً حیات دوباره‌ی بی‌زن بخشید؛ منتهای مراتب، نکته‌ی بی‌شما هم اخیراً به آن اشاره کردید، نکته‌ی مهمی است و من همیشه روی آن تکیه دارم. آن نکته این است که با وجود همه‌ی اینها، زن در جامعه‌ی ایرانی ما، نه از لحاظ حقوق اجتماعی، نه از لحاظ تمکن و قدرت تصرف فردی، نه از لحاظ قوانینی که به اینها ارتباط پیدا می‌کند، هنوز در آن حد و سطحی که اسلام خواسته است، قرار ندارد.

بر بخشی از جامعه‌ی ما، اخلاق بدی نسبت به زن حاکم است، که البته مخصوص ایران هم نیست. اگر آدم نگاه کند، می‌بیند که متأسفانه در طول تاریخ، همواره یک ستم تاریخی بر زن رفته است؛ که بیشتر هم ناشی از این است که قدر زن و جای او را ندانسته‌اند. البته هر جای دیگر چنین بوده، به هر شکلی بوده و هست، به ما ربطی ندارد؛ ولی در جامعه‌ی ما بایستی به آن شکلی باشد که اسلام خواسته است. زن باید شأن حقیقی خودش را پیدا کند و نبایستی به خاطر زن بودن، هیچ ستم و ظلمی به او بشود. این، چیز بسیار بدی است.

🔗 ظلمی بزرگ به آرمانگرایی زن

چه ستمهایی که در حق زن روا داشته شده و آسایش ستم است، و چه ستمهایی که آسایش هم ستم نیست، اما در حقیقت ستم است؛ مثل همین سوق دادن به تجمل و مصرف‌گرایی و آرایشهای بیهوده و مخارج سنگین و تبدیل شدن به یک وسیله‌ی مصرف. این، ستم بزرگی بر زن است. شاید بشود گفت که هیچ ظلمی بالاتر از این نیست؛ زیرا که او را بکلی از آرمانها و اهداف تکاملی خودش غافل و منصرف می‌کند و به چیزهای خیلی کوچک و حقیر سرگرم می‌نماید. این، کاری بوده که در رژیم ظالم پادشاهی انجام شده، و حالا باید جلوی آن گرفته می‌شد. البته در اوایل انقلاب، خیلی هم خوب بود؛ لیکن بعدها باز غفلتهایی شده است، که باید نسبت به آن، حسابی برنامه‌ریزی کرد.

🔗 دید واقع بینانه اسلام به زن و مرد

اسلام نسبت به زن و مرد و همه‌ی خلایق، یک دید واقع بینانه و متکی بر فطرت و طبیعت و نیازهای حقیقی دارد؛ یعنی از هیچ کس بیش از تمکنش و بیش از آن چیزی که به او داده شده است، توقعی ندارد. اصلاً بنای اسلام بر این است؛ یک بنای واقعی و منطقی است. در دعای سحرهای جمعه، فقره‌ی است که بیان می‌کند: «و جعل ما امتنّ به علی عباده فی کفاء لتأدیة حقّه»؛ یعنی آن چیزی که خدای متعال منت گذاشته و به کسی داده، در حد کفایت است، برای این که حقوق الهی را ادا کند. اصلاً شناخت واقعیات هر کس، متناسب با همان توقعی است که از او وجود دارد.

پس، اسلام به نیازها و خواهشها و طبایع بشری و غیربشری اهتمام ورزیده، اصلاً به آنها نظر کرده و حکم الهی را داده است؛ اما به معنای آن نیست که آرمانی برای انسانها ندارد. ما محکوم و اسیر زندان طبیعتیم و در چارچوب قوانین طبیعت حرکت می‌کنیم؛ اما آیا در این چارچوب که ما حرکت می‌کنیم، هدفی در مقابل ما نگذاشته‌اند که بگویند باید به این سمت حرکت بکنید؟

🔗 موانع آرمانگرایی زنان در اسلام

آرمانگرایی در اسلام و گرایش به سمت قله‌ها و اوجها و آرمانها، یک چیز قطعی و حتمی است. زن مثل مرد و مثل همه‌ی خلایق، باید در این سمت حرکت کند. این، با گرایشهای غلیظ و در لاک چیزهای صددرد شخصی و بی‌ارزش رفتن نمی‌سازد. البته در نظام اسلامی، بایستی آنها ریشه‌کن بشود. این گرایش به مصرف و تجمل‌گرایی و امثال آن، که در جوامع جاهلی رشد داده می‌شود، باید در جامعه‌ی اسلامی ریشه‌کن می‌شد، یا لاقلاً در حد متوسطی قرار می‌گرفت و افراطی در آن نمی‌شد؛ اما متأسفانه الان ملاحظه می‌شود که قشرهایی از مردم، باز سرگرم همان سرگرمیهای گذشته‌اند، که باب جوامع دور از اسلام و دور از معنویت و حقیقت است. این، غلط است.

🌸 وظایف شورای عالی زنان نسبت به ما محتاج حرکت زنان

آن چیزی که من می خواستم عرض بکنم، این است که هر نقصی که در وضع زن در جامعه‌ی ما وجود داشته باشد، علاجی دارد؛ چون اسلام نسبت به زن، دید شامل و کامل و جامعی دارد. باید راههای علاج را پیدا کرد. آن روزی که شورای فرهنگی، اجتماعی زنان تشکیل می‌شد، دقیقاً به همین نکات نظر بود. در آن جمع، جناب آقای احمدی و دیگر برادران هم شرکت داشتند. ما باید امروز ببینیم که زنان برای حرکت در آن مسیر مطلوب اسلام برای زن، به چه ابزار قانونی احتیاج دارند، چه تفکرات و تأملاتی بایستی انجام بگیرد، چه راهنمایی‌هایی باید بشوند، چه مراکز هدایتی باید به وجود بیاید؛ آن را بایستی برایشان فراهم کنیم و تدارک ببینیم. البته بایستی مرکزی باشد که این تدارکها و پشتیبانیهای معنوی را تدبیر و اداره و دنبال کند - منظورم پشتیبانیهای مادی نیست؛ در پشتیبانیها مادی، همه با هم شریکند - آن مرکز، همین شورای فرهنگی، اجتماعی زنان است که شما خانمها عضو آن هستید.

شما بایستی نسبت به این مسأله، فکر و تأمل کنید. با مجلس و دولت هم که رابطه دارید. بعلاوه، خود شورای عالی انقلاب فرهنگی، مصوباتی را که لازم الاجراست، می‌گذرانند. از اوایلی که این شورا تشکیل شد، حضرت امام (رضوان الله تعالی علیه) تصریح فرمودند که مصوبات این جلسه باید اجرا بشود. اصلاً این مجموعه‌ی که شما خانمها تشکیل داده‌اید، وصل به آن مرکز است؛ باید جدی فکر کنید و ببینید مشکلات زنان چیست. البته منظور، این مشکلات کوچک عمومی که باید در بخشهای مختلف اداری برطرف بشود - مثل مشکل بیمه و امثال آن - نیست. اینها چیزهایی نیست که مجموعه‌ی خاصی به آنها رسیدگی کند.

شما باید ببینید، زن به جهت زن بودن، چه تکالیفی دارد و برای تحمل این تکالیف، احتیاج به چه هدایت‌هایی دارد؛ چه توصیه‌هایی باید به زنان بشود و چه قوانینی لازم است، برای این که آنها از حقوق اجتماعی و انسانی خود برخوردار بشوند؛ چه سازمانهایی احیاناً باید به وجود بیاید که بخشی از کارها را به عهده بگیرد. شما اینها را بررسی کنید؛ آن وقت به دستگاههای مختلف - مثل مجلس، یا شورای عالی انقلاب فرهنگی - توصیه کنید، تا مصوبه بگذرانند و این کارها انجام بگیرد. وقتی ما این مجموعه را نداشتیم، نداشته‌ایم؛ ولی حالا که داریم، بایستی خیلی کار و حرکت بکنند.

🌸 مسئولیت برای زنان تا جایی که منع شرعی نداشته باشد

به نظر من، اهمیت این کاری که امروز خانمها دارند، از اهمیت مشاغل معمولی آنها در سطح کشور کمتر نیست؛ بلکه از اغلب آنها بیشتر است. بله، شما همین سؤال را مطرح بکنید که چرا زنان مسؤولیتها و مدیریتهای کلیدی ندارند؟ این سؤال قابل قبولی است. چنانچه صلاحیتهای خوبی در زنان هست - نه این که ما تعصب بورزیسم و بگوییم باید حتماً زن در جایی مسؤول شود - آن جاهایی که منع اسلامی ندارد

- چون در جاهایی ممکن است منع اسلامی داشته باشد - تا سطوح بالا را شامل می‌شود. وقتی در این نوع موارد می‌خواهند بررسی کنند و کسانی را به عنوان اصلاح انتخاب نمایند، زنان را هم در کنار مردان و بین این مجموعه ببینند و بدون هیچ‌گونه تعصب، اصلاح را انتخاب کنند. البته این، یک عرف و یک فرهنگ است. این‌طور چیزها، دستوری هم نیست که بخشنامه صادر کنیم. نه، اینها جزو فرهنگ و باورهای جامعه است. باید این قدر گفته بشود، این قدر تکرار و استدلال بشود، تا این که جا بیفتد.

🏠 ضرورت ریشه‌کنی باورهای غلط غربی

به نظر من، آن چیزی که امروز مجموعه‌ی شما و هر مجموعه‌ی بی‌از زنان - که در شکلها و با هدفهای مختلف کار می‌کنند - برعهده دارند، این است که باور غلطی را که فرهنگ غربی و اروپایی در این دهها سال اخیر در ذهن زن ایرانی وارد کرده است، بزدايد. البته باور غلطی هم در گذشته بوده است؛ یعنی گرایش به برخی از شکلهای غلط مصرف و تجمل، از گذشته هم وجود داشته است. با ورود فرهنگ اروپایی، این مدگرایی و نوگرایی در مصرف، به شکل عجیبی تشدید شد. این، محاسبه شده و پیش‌بینی شده بود. سردمداران سیاستهای غربی - که غالباً صهیونیستها و استعمارگران بودند - به قصدی و با نیتی این کار را کردند. این باورهای غلط را باید بزدايد؛ و این نمی‌شود، مگر با ارایه‌ی بحثها و کارهای اسلامی. اگر این کار بشود، ریشه‌ی این مشکلاتی که گاهی اوقات مطرح می‌شود - بدحجابی و رواج فساد و فحشا و این چیزها - به خودی خود کنده خواهد شد. اینها غالباً معلولند؛ علل، همان باورها و فرهنگها هستند که باید روی آنها کار بشود.

امیدواریم که خداوند ان شاء الله به برکت هدایت اسلامی و به برکت وجود فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) این توفیق را به زنان ما بدهد. در بین مسلمین و در فرهنگ اسلامی، زنی با این عظمت وجود دارد. خدای متعال می‌توانست بزرگترین و رفیعترین زن را در میان ملت‌های دیگر و امت‌های سلف قرار بدهد - اشکالی هم نداشت؛ این کار می‌شد - اما در امت اسلام قرار داده است. این هم برای ما حجت و تنبیهی است که می‌توان این الگوی عالی و والا را در مقابل چشم قرار داد و آن را دنبال کرد. ان شاء الله شما خواهران عزیز هم موفق باشید که این راه مهم را با قدرت و با صلابت بپیمایید و خداوند به شما هم توفیق عنایت کند.

تفاوت الگوی زن غربی و الگوی زن ایرانی

عظمت زینب کبری (سلام الله علیها) ❀

الگوخواهی زن امروز دنیا ❀

حضرت زینب (سلام الله علیها) الگوی زن ایرانی ❀

نقش اول زنان در انقلاب و جنگ ❀

حرف اصلی غرب؛ زن وسیله ای برای التذاذ مرد ❀

غرب، مروج زن به سبک اروپایی در جامعه ❀

نکته اصلی در الگوسازی اسلامی برای زنان ❀

مدگرایی مانع رسیدن زنان به ارزشهای واقعی ❀

الزامات تحقق آرمان های اسلامی ❀

تفاوت الگوی زن غربی و الگوی زن ایرانی*

عظمت زینب کبری (سلام الله علیها)

ولادت حضرت زینب کبری (علیها سلام) ایجاب می‌کند که ما دایره‌ی بحث را، بخصوص در شرایط کنونی بشریت، وسیعتر قرار بدهیم. زینب کبری یک زن بزرگ است. عظمتی که این زن بزرگ در چشم ملت‌های اسلامی دارد، از چیست؟ نمی‌شود گفت به خاطر این است که دختر علی بن ابی‌طالب (علیه السلام)، یا خواهر حسین بن علی و حسن بن علی (علیهما السلام) است. نسبت‌ها هرگز نمی‌توانند چنین عظمتی را خلق کنند. همه‌ی ائمه‌ی ما، دختران و مادران و خواهرانی داشتند؛ اما کو یک نفر مثل زینب کبری؟ ارزش و عظمت زینب کبری، به خاطر موضع و حرکت عظیم انسانی و اسلامی او بر اساس تکلیف الهی است. کار او، تصمیم او، نوع حرکت او، به او این‌طور عظمت بخشید. هر کس چنین کاری بکند، ولو دختر امیرالمؤمنین (علیه السلام) هم نباشد، عظمت پیدا می‌کند. بخش عمده‌ی این عظمت از این جاست که اولاً موقعیت را شناخت؛ هم موقعیت قبل از رفتن امام حسین (علیه السلام) به کربلا، هم موقعیت لحظات بحرانی روز عاشورا، هم موقعیت حوادث کشنده‌ی بعد از شهادت امام حسین را؛ و ثانیاً طبق هر موقعیت، یک انتخاب کرد. این انتخابها زینب را ساخت.

قبل از حرکت به کربلا، بزرگانی مثل ابن عباس و ابن جعفر و چهره‌های نامدار صدر اسلام، که ادعای فقاقت و شهامت و ریاست و آقا‌زادگی و امثال اینها را داشتند، گیج شدند و نفهمیدند چه کار باید بکنند؛ ولی زینب کبری گیج نشد و فهمید که باید این راه را برود و امام خود را تنها نگذارد؛ و رفت. نه این که نمی‌فهمید راه سختی است؛ او بهتر از دیگران حس می‌کرد. او یک زن بود؛ زنی که برای مأموریت، از شوهر

و خانواده‌اش جدا می‌شود؛ و به همین دلیل هم بود که بچه‌های خردسال و نوباوگان خود را هم به همراه برد؛ حس می‌کرد که حادثه چگونه است.

در آن ساعت‌های بحرانی که قویترین انسانها نمی‌توانند بفهمند چه باید بکنند، او فهمید و امام خود را پشتیبانی کرد و او را برای شهید شدن تجهیز نمود. بعد از شهادت حسین بن علی هم که دنیا ظلمانی شد و دلها و جانها و آفاق عالم تاریک گردید، این زن بزرگ یک نوری شد و درخشید. زینب به جایی رسید که فقط والاترین انسانهای تاریخ بشریت - یعنی پیامبران - می‌توانند به آن جا برسند.

🌸 الگوخواهی زن امروز دنیا

مادر او فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) زن دیگری بود که مقامش از زینب کبری هم بالاتر بود. اینها زنان الگو و نمونه‌ی اسلامند. زن امروز دنیا الگو می‌خواهد. اگر الگوی او زینب و فاطمه‌ی زهرا باشند، کارش عبارت است از فهم درست، هوشیاری در درک موقعیتهای و انتخاب بهترین کارها؛ ولو با فداکاری و ایستادن پای همه چیز برای انجام تکلیف بزرگی که خدا بر دوش انسانها گذاشته است، همراه باشد. زن مسلمانی که الگویش فاطمه‌ی زهرا یا زینب کبری (علیهما السلام) باشد، این است.

اگر زن به فکر تجملات و خوشگذرانیها و هوسهای زودگذر و تسلیم شدن به احساسات بی‌بنیاد و بی‌ریشه باشد، نمی‌تواند آن راه را برود؛ باید این وابستگیها را که مثل تار عنکبوت بر پای یک انسان رهروست، از خود دور کند، تا بتواند آن راه را برود؛ کما این که زن ایرانی در دوران انقلاب و در دوران جنگ همین کار را کرد، و انتظار این است که در همه‌ی دوران انقلاب همین کار را بکند.

🌸 حضرت زینب (سلام الله علیها) الگوی زن ایرانی

اما الگوی زن ایرانی در این راه، همان است که گفته شد؛ زینب الگوست. زینب زنی نبود که از علم و معرفت بی‌بهره باشد؛ بالاترین علمها و برترین و صافترین معرفتها در دست او بود. همان «سکینه‌ی کبری» بی‌ی که شما اسمش را در کربلا شنیده‌اید، و دختر امام و برادرزاده و شاگرد زینب است - کسانی که اهل تحقیق و کتابند، نگاه کنند - او یکی از مشعلهای معرفت عربی در همه‌ی تاریخ اسلام تا امروز است. کسانی که حتی زینب و پدر زینب و پدر سکینه را قبول نداشتند و ندارند، اعتراف می‌کنند که سکینه (علیها سلام) یک مشعل معرفت و دانش است.

رفتن این راه، به معنای دور شدن از دانش و معرفت و بینش جهانی و روشنفکری و معلومات و آداب نیست؛ اینها و رای آنهاست. زن اسلامی، زنی است که راه را درست می‌رود؛ هدف را درست تشخیص می‌دهد و در این راه حاضر به فداکاری است. و چنین زنی عظمت می‌آفریند؛ همچنان که زنان ایران عظمت آفریدند؛ اینها تعارف نیست.

نقش اول زنان در انقلاب و جنگ

اگر زنان به انقلاب نپیوسته بودند، انقلاب پیروز نمی شد؛ جوانان برای پیوستن به صفوف انقلاب، از خانه‌ها بیرون نمی آمدند؛ مادرانشان نمی گذاشتند، یا حداقل آنها را تشویق نمی کردند. اگر زنان دل در گرو انقلاب نداشتند، مردان این طور آزادانه در صفوف انقلاب جانفشانی نمی کردند. نقش زن در انقلاب، هم به طور مستقیم، و هم به طور غیرمستقیم، یک نقش برجسته و مجموعاً نقش اول است؛ در جنگ هم همین طور بود.

من با خانواده‌های معظم شهدا دیدار و نشست و برخاست زیادی داشته‌ام. در کمتر خانواده‌ی شهیدی است که روحیه‌ی مادر از روحیه‌ی پدر بالاتر نباشد. در اغلب خانواده‌ها، روحیه‌ی مادر شهید از روحیه‌ی پدر شهید بالاتر است. این، یک چیز فوق العاده است. این، نقش زنان مؤمن را در این انقلاب نشان می‌دهد؛ زنانی که برای پیروزی انقلاب و برای پیشرفت مقاصد انقلاب ایستادند و همه چیز را برای اهداف و آرمانهای الهی و اسلامی خود فدا کردند. برای زن، این نقش درست است.

حرف اصلی غرب؛ زن وسیله‌ای برای التذاذ مرد

اما آنچه که الگوی غربی و اروپایی است، نقطه‌ی مقابل این است. این دو، با هم جمع‌شدنی نیست. در الگوی اروپایی زن، مسأله این نیست که آنها می‌خواهند زن عالم باشد، اما اسلام نمی‌خواهد زن عالم باشد؛ آنها می‌خواهند زن در مناصب اجتماعی و صحنه‌ی اجتماعی باشد، ولی اسلام نمی‌خواهد؛ قضیه این نیست. اسلام زنان عالمه‌ی بزرگی پرورش داده است. اگر امروز هم در جامعه‌ی ما مشاهده کنید، می‌بینید که متخصصان زن، دانشمندان زن، پزشکان زن، محققان زن و هنرمندان بزرگ زن کم نیستند؛ انسانهای ارزش آفرین و صاحب فکر و مکتب در بین آنها هست. در صحنه‌ی سیاسی و در قوای مجریه و مقننه هم همین طور است. در همه‌ی بخشهای کشور، حضور زنان، حضور فعالی است. بین ما و آنها، بین تفکر و ارزشگذاری اسلامی و غربی، بحث بر سر اینها نیست؛ بحث بر سر چیز دیگری است. الگوی غربی امروز اروپایی، برخاسته و زاییده از الگوی باستانی رومی و یونانی آنهاست. آن روز هم این طور بود که زن وسیله‌ی برای تکیف و التذاذ مرد بود و همه چیز تحت الشعاع این بود، امروز هم این را می‌خواهند؛ حرف اصلی غربیها این است.

غرب، مروج زن به سبک اروپایی در جامعه

آنها با چه چیز زن مسلمان بیشتر دشمنند؟ با حجاب او. آنها با چادر و حجاب صحیح و متقن شما از همه چیز بیشتر دشمنند. چرا؟ چون فرهنگ آنها این را قبول ندارد. اروپاییها این طورند؛ آنها می‌گویند هر چه را که ما فهمیده‌ایم، دنیا باید از ما تقلید کند! ما بپند که جاهلیت خودشان را بر معرفت عالم غلبه بدهند. آنها می‌خواهند زن به سبک اروپایی را در جامعه رواج بدهند؛ که عبارت است از سبک مد و مصرف و

آرایش در انظار عموم و ملعبه قرار دادن مسائل جنسی بین دو جنس؛ می‌خواهند این چیزها را به وسیله‌ی زنان رواج بدهند. هر جا با این هدفگیری غریبه‌ها مخالفت بشود، فریادشان بلند می‌شود! اینها کم‌طاقت هم هستند! همین مدعیان غربی، کمترین مخالفتی را با مبانی پذیرفته‌ی خودشان تحمل نمی‌کنند. همه جای دنیا را هم توانسته‌اند تحت تأثیر قرار بدهند؛ مگر محیط‌های اسلامی واقعی را. شما اگر به دنیای فقیر آفریقا و امریکای لاتین و شرق آسیا و هر جا که جوامعی هستند، مراجعه کنید، خواهید دید که آن‌جا هم توانسته‌اند همان الگوهای خودشان - همان‌طور آرایش کردن، همان‌طور مصرف کردن و همان‌طور ملعبه شدن زن - را رواج بدهند. تنها جایی که تیر آنها به نشان نخورد، محیط‌های اسلامی است، و مظهر آنها جامعه‌ی بزرگ جمهوری اسلامی است؛ لذا بشدت با این مبارزه می‌کنند.

نکته اصلی در الگوسازی اسلامی برای زنان

امروز شما زنان، سنگربان ارزشهای اسلامی در مقابل وضع جاهلی دنیای غرب هستید. شما هستید که دارید از این حصار مستحکم فرهنگ اسلامی محافظت می‌کنید. در علم، در فرهنگ، در سیاست و در همه چیز، زن باید پرورش اسلامی پیدا کند؛ در میدانهای اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و همه جا برود و پیشتاز باشد؛ اما در مسائل شهوانی و جنسی، ملعبه‌ی دست این و آن نشود؛ این حرف ماست. در مکتب اسلام، حفاظ و حجابی بین زن و مرد وجود دارد. این به معنای آن نیست که زنان، عالم جداگانه‌ی غیر از عالم مردان دارند؛ نه، زنان و مردان در جامعه و در محیط کار، با هم زندگی می‌کنند؛ همه جا با هم سر و کار دارند؛ مشکلات اجتماعی را با هم حل می‌کنند؛ جنگ را با هم اداره می‌کنند و کردند؛ خانواده را با هم اداره می‌کنند و فرزندان را پرورش می‌دهند؛ اما آن حفاظ و حجاب در بیرون از محیط خانه و خانواده حتماً حفظ می‌شود. این، آن نکته‌ی اصلی در الگوسازی اسلامی است. اگر این نکته رعایت نشود، همان ابتدائی که امروز غرب دچار آن است، پیش می‌آید. اگر این نکته رعایت نشود، زن از پیشتازی در حرکت به سمت ارزشها - که در ایران اسلامی دیده شد - باز خواهد ماند. غریبه‌ها مایلند با تمام توان، آن نکته را هم در جایی به نحوی نسبت به هر کسی رسوخ دهند.

مدگرایی مانع رسیدن زنان به ارزشهای واقعی

به اعتقاد من، گرایش به سمت مدگرایی و تجمل‌گرایی و تازه‌طلبی و افراط در کار آرایش و نمایش در مقابل مردان، یکی از بزرگترین عوامل انحراف جامعه و انحراف زنان ماست. در مقابل اینها، خانمها بایستی مقاومت کنند.

آنها برای این که از زن، آن چنان موجودی به وجود بیاورند که مورد نظر خودشان است، محتاج این هستند که دائماً مد درست کنند و چشمها و دلها و ذهنها را به همین چیزهای ظاهری و کوتاه‌نظرانه مشغول کنند. کسی که به این چیزها مشغول شد، کی به ارزشهای واقعی خواهد رسید؟ مجال پیدا نمی‌کند برسد. زنی

که در فکر باشد از خود وسیله‌یی برای جلب نظر مردان بسازد، کی فرصت این را پیدا خواهد کرد که به طهارت اخلاقی فکر کند و بیندیشد؟ مگر چنین چیزی ممکن است؟ آنها این را می‌خواهند. آنها مایل نیستند که زنان جوامع دنیای سوم، دارای فکر روشن و آرمانخواه باشند؛ خودشان دنبال هدفهای بزرگ حرکت کنند و شوهر و فرزند خود را هم حرکت بدهند. زنان جوان در جامعه‌ی ما باید خیلی مراقب باشند، تا این کمند ناپیدای بسیار خطرناک فرهنگ و تفکر غربی را بشناسند؛ از آن پرهیز کنند و جامعه‌ی زنان را از آن جدا و برحذر بدارند.

الزامات تحقق آرمان‌های اسلامی

امروز این راهی که ملت اسلام، بخصوص ملت بزرگ و شجاع ایران در پیش گرفته است - راه تحقق آرمان‌های اسلامی - راه نجات انسانها، راه دفع ظلم، راه شکستن بتهای زر و زور قدرت در دنیا است؛ بایستی این راه را درست شناخت و از آن پاسداری و حراست و حفاظت کرد. به اراده‌های قوی، به دل‌های محکم و ظرفیتهای بالا احتیاج است؛ و این جز با تربیت الهی و اسلامی مرد و زن ما امکانپذیر نیست. صلاح زنان در جامعه، به دنبال خود، صلاح مردان را هم می‌آورد. نقش زنان در این مورد، جزو نقشهای برجسته و شاید نقش اول است.

کوتاه نظری نسبت به زن در طول تاریخ، اولویت‌های مسائل زنان در ایران

درماندگی بشر در حوزه زنان با وجود

پیشرفت‌های فراوان

نگرش غلط دنیا به هندسه قرارگرفتن دو

جنس زن و مرد

چرایی مثال آوردن قرآن از زنان به عنوان

نمونه انسان‌های خوب و بد

فرهنگ رومی، پایه‌ی تمدن امروز اروپایی

علت ابراز محبت پیامبر(ص) به حضرت

زهرا(سلام‌الله‌علیها)

لزوم دانشمند شدن زنان در جامعه با حفظ

حیثیت معنوی

احیا شدن مسائل ارزشی اسلام در مقابل

فرهنگ غربی

طلبگاری ما از غرب در مورد

بجتهایی که در مورد پوشش زن است متأثر از

غرب نباشد

و ...

کوتاه نظری نسبت به زن در طول تاریخ، اولویت‌های مسائل زنان در ایران *

درماندگی بشر در حوزه زنان با وجود پیشرفت‌های فراوان

درباره‌ی مسأله‌ی زن - که امروز همچنان در دنیا یک مسأله است - حرف‌های فراوانی گفته شده و گفته می‌شود. وقتی ما به نقشه‌ی انسانی عالم و جوامع بشری نگاه می‌کنیم - هم جوامع اسلامی مثل کشور خودمان و سایر کشورهای اسلامی، هم جوامع غیر اسلامی و از جمله جوامع به اصطلاح متمدن و پیشرفته - می‌بینیم که در همه‌ی این جوامع، متأسفانه مسأله‌ی بی‌نام مسأله‌ی زن همچنان وجود دارد؛ این نشان‌دهنده‌ی نوعی کج‌بینی و کج‌روی و حاکی از نوعی کوتاه‌نظری نسبت به مسائل انسانی است. معلوم می‌شود که بشر با همه‌ی ادعاهایش، با همه‌ی تلاش‌هایی که مخلصان و دلسوزان کرده‌اند، با همه‌ی کارهای فرهنگی وسیعی که بخصوص در مورد مسأله‌ی زن انجام گرفته است، هنوز نتوانسته درباره‌ی مسأله‌ی دو جنس و مسأله‌ی زن - که به تبع او، مسأله‌ی مرد هم به شکل دیگری مطرح می‌شود - به یک صراط مستقیم و راه درستی دست پیدا کند.

شاید در بین شما خانمها کسانی باشند که آثار ادبی و هنری زنان هنرمند دنیا را - که بعضی هم به فارسی ترجمه شده، و بعضی هم با زبانهای اصلیش وجود دارد - دیده یا خوانده باشند. همه‌ی اینها حاکی از همین مسأله‌ی بی‌است که عرض شد؛ یعنی هنوز بشر نتوانسته مسأله‌ی زن را، و به تبع این مسأله، مسأله‌ی دو جنس - یعنی زن و مرد - را، و قهراً مسأله‌ی انسانیت را، حل کند. به عبارت دیگر، زیاده‌رویها و کج‌رویها و بدفهمیها، و به تبع اینها، تعدیها، ظلمها، نارساییهای روانی، مشکلات مربوط به خانواده و مشکلات مربوط به نحوه‌ی اختلاط و امتزاج و ارتباطات دو جنس، هنوز جزو مسائل حل نشده‌ی

بشریت است. یعنی بشری که در زمینه‌های مادی، در زمینه‌های اجرام آسمانی، در اعماق دریاها، این همه کشفیات انجام داده و این همه دم از ریزه‌کاریهای روان‌شناسی و روانکاوای و مسائل اجتماعی و مسائل اقتصادی و سایر چیزها می‌زند و واقعاً هم در خیلی از این رشته‌ها پیشرفت کرده، در این مسأله در مانده است! اگر من بخواهم این نارساییها را حتی فهرست‌وار بیان کنم، زمان زیادی می‌طلبد و شما خودتان هم واقفید.

🌸 نگرش غلط دنیا به هندسه قرار گرفتن دو جنس زن و مرد

مسأله‌ی «خانواده» که امروز یک مشکل اساسی در دنیاست، از کجا ناشی می‌شود؟ از نحوه‌ی نگرش به مسأله‌ی زن، یا از نگرش به ارتباط زن و مرد ناشی می‌شود. چرا خانواده که یک نهاد طبیعی و اساسی وجود بشری است، الان در دنیا این قدر دچار بحران است؛ به طوری که اگر کسی در دنیای به اصطلاح متمدن غربی امروز، یک پیام‌ولو خیلی رقیقی درباره‌ی استحکام بنیان خانواده داشته باشد، از او استقبال می‌کنند؛ هم زنان استقبال می‌کنند، هم مردان استقبال می‌کنند، هم کودکان استقبال می‌کنند؟ اگر این یک قلم مسأله‌ی خانواده را شما در دنیا بررسی کنید و این بحرانی را که در مسأله‌ی «خانواده» وجود دارد، درست مورد توجه و کاوش قرار بدهید، می‌بینید که این ناشی از آن است که مسائل مربوط به ارتباطات دو جنس و همزیستی دو جنس و روابط دو جنس حل نشده، یا به تعبیر دیگری، نگرش، نگرش غلطی است. حالا ما که در مجموعه‌ی افکاری که مردان آنها را درست کرده‌اند، قرار می‌گیریم، می‌گوییم نگرش به مسأله‌ی زن درست نیست؛ می‌توان گفت نگرش به مسأله‌ی مرد درست نیست - تفاوتی نمی‌کند - یا نگرش به کیفیت دو جنس، یعنی هندسه‌ی قرار گرفتن دو جنس، نگرش غلطی است.

🌸 چرایی مثال آوردن قرآن از زنان به عنوان نمونه انسان‌های خوب و بد

نارساییها زیاد و مشکلات فراوان است؛ علاج چیست؟ علاج این است که ما سراغ راه‌حل الهی برویم و آن را پیدا کنیم؛ چون درباره‌ی مسأله‌ی زن و مرد، پیام وحی حاوی مسائل مهمی است؛ برویم ببینیم وحی در این باره چه می‌گوید. وحی هم فقط به موعظه کردن بسنده نکرده، بلکه نمونه‌سازی کرده است. شما ببینید وقتی که خدای متعال می‌خواهد برای انسانهای مؤمن در طول تاریخ نبوتها در قرآن مثالی بزند، می‌فرماید: «و ضرب الله مثلا للذین امنوا امرأت فرعون»^۱. در زمان موسی، این همه مؤمن بودند، این همه کسانی در راه ایمان تلاش و فداکاری کردند؛ اما آن نمونه را اسم می‌آورد. این ناشی از چیست؟ آیا خدای متعال خواسته از زنان جانبداری کند؛ یا نه، مسأله چیز دیگری است؟ مسأله این است که این زن در اوج حرکت معنوی به جایی رسیده که فقط او را می‌شود مثال زد و لا غیر. حالا این قبل از فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) است؛ این قبل از مریم کبری (سلام الله علیها) است؛ این متعلق به آن زمان است. زن فرعون، نه پیامبر است، نه پیامبرزاده است، نه همسر پیامبر است، نه در خانواده‌ی هیچ پیامبری بوده

است. تربیت معنوی و رشد و بالندگی یک زن، او را به این جا می‌رساند. البته نقطه‌ی مقابله هم هست؛ یعنی در فساد هم اتفاقاً همین است. باز برای این که خدای متعال بدترین انسانها را مثال بزند، می‌فرماید: «ضرب الله مثلاً للذین کفروا امرأت نوح و امرأت لوط». ^۲ باز هم دوزن را مثال می‌زند که بدترین انسانها بودند. زمان نوح و زمان لوط، این همه کفار بودند، بدها بودند، اما قرآن آنها را مثال نمی‌زند؛ زن نوح و زن لوط را مثال می‌زند.

این عنایت به جنس زن و توجه به اوجهای گوناگون و حسیضهای گوناگون زن، ناشی از چیست؟ شاید از این جهت باشد که قرآن می‌خواهد به نگرش غلط مردم آن روز دنیا - که متأسفانه امروز هم همان نگرش غلط باقی است؛ چه مردم جزیره العرب که دخترانشان را زیر خاک می‌کردند، و چه مردم امپراتوریهای بزرگ دنیا، مثل روم و ایران - اشاره کند.

🌸 فرهنگ رومی، پایه‌ی تمدن امروز اروپا

پایه‌ی تمدن امروز اروپایی، همان فرهنگ رومی است. یعنی امروز آنچه که بر سر تا پای فرهنگ اروپایی و غربی و به تبع آنها فرهنگ امریکایی و خرده‌یزهای غرب حاکم است، همان اصول و خطوطی است که در امپراتوری روم وجود داشته؛ همانهاست که امروز ملاک و معیار است. آن زمان هم زنان را به بالاترین مقام می‌رسانند، احترامشان می‌کردند و به آرایشها و زیورها تزیینشان می‌کردند؛ اما برای چه؟ برای اشباع یکی از خاکی‌ترین و مادی‌ترین خصلتهای بشری در مرد! این، چه قدر توهین و چه قدر تحقیر نسبت به انسان و نسبت به جنس زن است!

در ایران هم عیناً همین‌طور بود. از حرمسراهای پادشاهان ساسانی مطالبی شنیده‌اید. حرمسرداری یعنی چه؟ حرمسرداری یعنی همان اهانت به زن. یک مرد چون قدرت دارد، به خودش حق می‌دهد که هزار نفر زن در حرمسرای خودش نگهدارد! اگر همه‌ی ملت آن پادشاه هم همان‌طور قدرت داشتند، هر کدام به قدر خودشان هزار نفر، پانصد نفر، چهارصد نفر یا دویست نفر زن نگه می‌داشتند! این حاکی از چه نگرشی به زن است.

🌸 علت ابراز محبت پیامبر (ص) به حضرت زهرا (سلام الله علیها)

آن وقت در چنین دنیایی، پیامبر اکرم دختری تربیت می‌کند که این دختر، شایستگی آن را پیدا می‌کند که پیامبر خدا بیاید دست او را ببوسد! بوسه بر دست فاطمه‌ی زهرا از طرف پیامبر را، هرگز نباید حمل بر یک معنای عاطفی کرد. این خیلی غلط و خیلی حقیر است اگر ما خیال کنیم که چون دخترش بود و دوستش می‌داشت، دستش را می‌بوسید. مگر شخصیتی به آن ارجمندی، آن هم با آن عدل و حکمتی که در پیامبر هست و اتکایش به وحی و الهام الهی است، خم می‌شود و دست دخترش را می‌بوسد؟ نه، این یک چیز دیگر و یک معنای دیگری است؛ این حاکی است که این دختر جوان، این زنی که وقتی از

دنیا رفته، بین هجده سال تا بیست و پنج سال سن داشته - هجده سال هم گفته‌اند، بیست و پنج سال هم گفته‌اند - اصلاً در اوج ملکوت انسانی قرار داشته و یک شخص فوق‌العاده بوده است. این، نگرش اسلام به زن است؛ سراغ این بروید؛ هم در بررسی‌های مربوط به فرهنگ و مسائل اجتماعی و نگرشها - که این خانمهای عضو شورای فرهنگی، اجتماعی زنان مسؤولش هستند - و هم در پرورش علمی - که شما خانمهای دانشمند دنبالش هستید - سراغ این بروید.

🌸 لزوم دانشمند شدن زنان در جامعه با حفظ حیثیت معنوی

دانش، چیز بسیار عزیزی است و من طرفدار این هستم که زنان در جامعه‌ی ما در همه‌ی رشته‌ها دانشمند بشوند. البته در آن جلسه‌ی قبلی^۳ - که پارسال یا پیرارسال بود - من رشته‌ی پزشکی را اولویت دادم؛ این به خاطر آن است که پزشکی، ضرورت نقد و فوری ماست؛ و الا در همه‌ی رشته‌ها، خانمها بایستی به آن استعدادهای عالی خودشان پاسخ بدهند. فرض بفرمایید در بین این پنجاه میلیون جمعیت کشور ما، اگر مثلاً سی میلیون یا سی و پنج میلیون انسانی هست که در سنین متناسب برای ثمر رساندن به این کشور است، طبیعتاً از این سی و پنج میلیون، نصفش زنان هستند. مگر می‌شود از کنار این همه استعدادی که در اینها نهفته، به آسانی گذشت؟ مگر می‌شود این خزانه‌های الهی را در وجود اینها نادیده بگیریم؟ در میان اینها باید دانشمند باشد؛ منتها دانش با همه‌ی عظمتش، در مقابل آن حیثیت معنوی بی‌که خدای متعال به زن داده، چیزی نیست.

شما خانمی را فرض کنید که در حد اعلای دانش باشد، اما در مسائل انسانی و در ارتباطات انسانی به عنوان یک جنس از دو جنس، دچار ابتدال باشد؛ شما خیال می‌کنید این فرد ارزشی دارد؟ البته خانمی که دانشمند باشد، به یک شکل، کمتر دچار این ابتدالات می‌شود - یکی از آفات بی‌سوادی همین است که زنان را قدری بیشتر از اینها به ابتدال می‌کشاند - لیکن حد ابتدال، یک حد محدودی نیست. خانمی باشد، ولو در حد بالای علمی، اما اگر قدر آن گوهر انسانی‌یی که در او عزیز است - کما این که در مرد هم آن گوهر عزیز است و زن و مرد تلاش می‌کنند، علم و حکمت می‌آموزند، تا آن را در خودشان متجلی کنند - پوشیده و مغفول‌عنه بماند و مورد بی‌توجهی و بی‌احترامی قرار بگیرد، چه ارزشی دارد؟ باید گوهر انسانی در زن و مرد رشد پیدا کند؛ این یک مسأله‌ی ارزشی است.

🌸 احیا شدن مسائل ارزشی اسلام در مقابل فرهنگ غربی

باید مسائل ارزشی اسلام در جامعه‌ی ما احیاء بشود. مثلاً مسأله‌ی حجاب، یک مسأله‌ی ارزشی است. مسأله‌ی حجاب، مسأله‌ی بی‌استی است که اگر چه مقدمه‌ی بی‌استی برای چیزهای بالاتر، اما خود یک مسأله‌ی ارزشی است. ما که روی حجاب این قدر مقیدیم، به خاطر این است که حفظ حجاب به زن کمک می‌کند تا بتواند به آن رتبه‌ی معنوی عالی خود برسد و دچار آن لغزشگاههای بسیار لغزنده‌ی بی‌که سر راهش قرار

داده‌اند، نشود. نقطه‌ی مقابل این، درست همان فرهنگ رومی حاکم بر امروز اروپاست. آنها با همه چیز کنار می‌آیند، جز با دو، سه چیز؛ یکی از آنها - و شاید مهمترینش - حفظ این حالت حفاظ منضبط میان دو جنس زن و مرد است؛ یعنی خویشتنداری در مقابل چیزی که به آن آزادی جنسی گفته می‌شود. در مقابل این، بشدت سرسختند؛ هر کار دیگری نکنند، مهم نیست. از نظر آنها کسی مرتجع است که روی این مسأله تکیه بکند. اگر در کشوری، زنان با یک حدودی از مردان مجزا شدند، این می‌شود خلاف تمدن! راست هم می‌گویند؛ تمدن آنها که بر ویرانه‌های همان تمدن رومی بنا شده، چیزی جز این نیست؛ اما این از لحاظ ارزشی غلط است؛ عکسش درست است.

🏠 طلبگاری ما از غرب نسبت به تحقیر زن

ما از دنیای غرب که آمدند زن بشری را در طول دوره‌های گذشته تا امروز این قدر مورد تحقیر قرار دادند، طلبگاریم. شما ببینید در اروپا و در کشورهای غربی، تا اندکی پیش زنان حقوق مالی مستقلی نداشتند. من یک وقت بدقت آمارش را استخراج کردم و در صحبتی - ظاهراً در نماز جمعه‌ی چهار، پنج سال پیش از این بود^۴ - آن را مطرح کردم. مثلاً تا اوایل قرن بیستم، با همه‌ی آن ادعاهایی که شده است، با آن کشف حجاب عجیب و غریبی که در غرب روزبه‌روز هم بیشتر شده، با آن اختلاط جنسی بی‌نهایت و بی‌مهاری - که خیال می‌کنند این احترام کردن و ارزش دادن به زن است - در عین حال زن غربی حق نداشته از ثروتی که متعلق به خودش بوده، آزادانه استفاده کند! در مقابل شوهر، مالک دارایی خودش نبوده است. یعنی زنی که ازدواج می‌کرد، ثروت و دارایی و ملکش متعلق به شوهرش بود؛ خودش حق نداشت نسبت به آن تصرفی بکند؛ تا این که بتدریج حق مالکیت و حق کار، تا اوایل قرن بیستم به زنان داده شد. یعنی این مسأله‌ی که جزو اولی‌ترین حقوق بشری است، از زن دریغ داشتند؛ اما فشار و تکیه‌ی بیشتر را روی آن مسأله‌ی گذاشتند که درست نقطه‌ی مقابل مسائل ارزشی واقعی است که در اسلام به آن اهتمام شده است. این که ما حالا در باب حجاب این همه تأکید داریم، علتش این است.

🏠 بحثهایی که در مورد پوشش زن است متأثر از غرب نباشد

به نظر ما، بحثهایی که در باب پوشش زن می‌شود، بحثهای خوبی است که انجام می‌گیرد؛ منتها باید توجه کنید که هیچ بحثی در این زمینه‌های مربوط به پوشش زن، از هجوم تبلیغاتی غرب متأثر نباشد؛ اگر متأثر از آن شد، خراب خواهد شد. مثلاً بیاییم با خودمان فکر کنیم که حجاب داشته باشیم، اما چادر نباشد؛ این فکر غلطی است. نه این که من بخواهم بگویم چادر، نوع منحصر است؛ نه، من می‌گویم چادر بهترین نوع حجاب است؛ یک نشانه‌ی ملی ماست؛ هیچ اشکالی هم ندارد؛ هیچ منافاتی با هیچ نوع تحرکی هم در زن ندارد. اگر واقعاً بنای تحرک و کار اجتماعی و کار سیاسی و کار فکری باشد، لباس رسمی زن می‌تواند چادر باشد و - همان طور که عرض کردم - چادر بهترین نوع حجاب است.

البته می‌توان محجبه بود و چادر هم نداشت؛ منتها همین جا هم بایستی آن مرز را پیدا کرد. بعضیها از چادر فرار می‌کنند، به خاطر این که هجوم تبلیغاتی غرب دامنگیرشان نشود؛ منتها از چادر که فرار می‌کنند، به آن حجاب واقعی بدون چادر هم رو نمی‌آورند؛ چون آن را هم غرب مورد تهاجم قرار می‌دهد! شما خیال کرده‌اید که اگر ما چادر را کنار گذاشتیم، فرضاً آن مقنعه‌ی کدایی و آن لباسهای «ولیضربن بخمرهنّ علی جیوبهنّ»^۵ و همانهایی را که در قرآن هست، درست کردیم، دست از سر ما بر می‌دارند؟ نه، آنها به این چیزها قانع نیستند؛ آنها می‌خواهند همان فرهنگ منحوس خودشان عیناً این‌جا عمل بشود؛ مثل زمان شاه که عمل می‌شد. در آن زمان، زن اصلاً پوشش و حجابی نداشت؛ حتی در این جاها وقتی نوبت به این کارها می‌رسد، بی‌بندوباری خیلی بیشتر هم می‌شود؛ کم‌این که در زمان شاه، بی‌بندوباری‌یی که در همین شهر تهران و بعضی دیگر از شهرهای کشور ما بود، از معمول شهرهای اروپا بیشتر بود! زن معمولی در اروپا، لباس و پوشش خودش را داشت؛ اما در این‌جا آن طوری نبود. آن‌طور که دیده بودیم و شنیده بودیم و می‌دانستیم و مناظری که از آن وقت الان جلوی نظر من هست، انسان واقعاً حیرت می‌کند که چرا بایستی این‌گونه بشود؛ کم‌این که در خیلی از کشورهای متأسفانه عقب‌مانده‌ی مسلمان و غیرمسلمان هم همین‌طور است. بنابراین، باید بدقت و با نهایت کنجکاوی و بدون اغماض، مسائل ارزشی را رعایت کرد.

خانواده محل رشد و بالندگی عواطف و احساسات

البته مسأله‌ی خانواده خیلی مهم است. خانم به طرحهای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان اشاره کردند. همت مهمتان در این طرحها باید این باشد - و قاعدتاً هم هست - که واقعاً از کار زن گره‌گشایی کنید؛ ببینید گره‌های عمده کجاست. یکی از مهمترین گرهها در «خانواده» است؛ بروید ببینید در خانواده‌ها چه خبر است؛ خود شماها می‌دانید و می‌بینید. ببینید چه چیزی این نابسامانیها را به وجود می‌آورد؛ ریشه‌های آن را پیدا کنید و طرحهای بلندمدت بریزید، برای این که آن نابسامانیها برطرف بشود. مسأله‌ی مادری، مسأله‌ی همسری، مسأله‌ی خانه و خانواده، مسائل بسیار اساسی و حیاتی است. در همه‌ی طرحهایی که ما داریم، بایستی «خانواده» مبنا باشد. یعنی شما اگر بزرگترین متخصص پزشکی یا هر رشته‌ی دیگری بشوید، چنانچه زن خانه نباشید، این برای شما یک نقص است. کدبانوی خانه شما باید باشید؛ اصلاً محور این است. اگر بخواهیم تشبیه ناقصی بکنیم، باید به ملکه‌ی زنبور عسل تشبیه کنیم. کانون خانواده، جایی است که عواطف و احساسات باید در آن جا رشد و بالندگی پیدا کند؛ بچه‌ها محبت و نوازش ببینند؛ شوهر که مرد است و طبیعت مرد، طبیعت خامتری نسبت به زن است و در میدان خاصی، شکننده‌تر است و مرهم زخم او، فقط و فقط نوازش همسر است - حتی نه نوازش مادر - باید نوازش ببیند. برای یک مرد بزرگ، این همسر کاری را می‌کند که مادر برای یک بچه‌ی کوچک آن کار را می‌کند؛ و زنان دقیق و ظریف، به این نکته آشنا هستند. اگر این احساسات و این عواطف محتاج وجود یک محور اصلی در

خانه - که آن، خانم و کدبانوی خانه است - نباشد، خانواده یک شکل بدون معنا خواهد بود.

🔗 در نظر داشتن سهم "خانه" در کنار فعالیتها

شما کار هم دارید، بیرون هم هستید، جراحیتان را هم می‌کنید، مریضتان را هم می‌بینید، فلان کار علمی را هم می‌کنید، فلان طرح را هم می‌نویسید، فلان درس را هم در دانشگاه می‌دهید - همه‌ی اینها به جای خود محفوظ - اما بایستی سهم «خانه» را هم در نظر داشته باشید. البته سهم خانه، مثل همه‌ی چیزهای دیگر، می‌تواند کمیتش فدای کیفیتش بشود؛ یعنی از کمیت کاستن. حضور بیست و چهار ساعته‌ی زن در خانه، یک معنا دارد؛ ولی وقتی از آن بیست و چهار ساعت کم کردید، اما کیفیتش را بالا بردید، آن وقت یک معنای دیگری خواهد داشت. اگر دیدید آن کارتان به این قضیه ضربه می‌زند، باید برایش فکری بکنید. این، مهم و اساسی است؛ مگر در موارد اضطراری. در همه‌ی چیزها ضرورتی وجود دارد که خارج از حد قاعده است. من قاعده را دارم می‌گویم؛ به استثنای کاری ندارم. شنیدم که زمزمه و صحبت این هست که ان شاء الله دانشگاهی مخصوص زنان به وجود بیاید؛ یعنی استاد و مدیر و دانشجو و حتی کادر اداری هم همه زن باشند؛ بخصوص در دانشگاههای پزشکی. این، فکر بسیار خوبی است. من همین‌طور که با یک نظر دورادور نگاه می‌کنم، بدون این که درست جوانب قضیه را رسیده باشم - چون فرصت این کار را نداشته‌ام - می‌بینیم که اجمالاً این کار با آن هدفهای کلی و ارزشی حرکت زن در جامعه‌ی ما کاملاً متناسب و خیلی خوب است. امیدوارم که ان شاء الله موفق و مؤید باشید.

🔗 دو کار بسیار اساسی در رابطه با زنان

از جمله‌ی کارهای بسیار اساسی، باسواد کردن زنان است. از جمله‌ی کارهای بسیار مهم، کتابخوان کردن زنان است. یک شیوه‌های ابتکاری پیدا کنید، برای این که خانمهای داخل خانه را کتابخوان کنید. متأسفانه زنان ما با کتابخوانی خیلی انسی ندارند. هزاران کتاب در بازار می‌آید و می‌رود، اما اینها مطلع نمی‌شوند. این کتابها معارف بشری است که ذهنها را برای بهتر فهمیدن، بهتر اندیشیدن، بهتر ابتکار کردن، و در موضع بهتر و صحیحتری قرار گرفتن، آماده می‌کند.

از جمله‌ی چیزهای بسیار مهم دیگر، آموختن روشهای صحیح کار داخل خانه - یعنی برخورد با همسر و برخورد با فرزندان - به زنان است. زنانی هستند که خیلی هم خوبند؛ دارای حلم و صبر و گذشت و اخلاق خوبند؛ اما روشهای برخورد با همسر یا با فرزندان را درست نمی‌دانند. این روشها علمی است؛ چیزهایی است که با تجربه‌ی بشری روزبه‌روز پیشرفت کرده و به مراحل خوبی رسیده است. کسانی هستند که تجربه‌های خوبی دارند؛ باید روشهایی پیدا کنید که افرادی که می‌توانند، خانمها را به این مسائل راهنمایی کنند.

نقش تعیین کننده زن در آینده انقلاب

امیدواریم ان شاء الله این سدهایی که به آن اشاره شد،^۷ از جلوی پای زنان جامعه‌ی ما برداشته شود، تا بتوانند پیش بروند. بحمد الله انقلاب کمک عظیمی به جامعه‌ی زنان کشور ما کرد. من خانواده‌ها و زنانی را دیدم و می‌بینم که واقعاً گذشت و فداکاری و دریادلی آنها در مقابل حوادث، از مردان بیشتر است. من با خانواده‌ی شهدا نشست و برخاست نسبتاً زیادی دارم. مکرر این نکته را گفته‌ام که در میان خانواده‌های شهدا، غالباً مادر شهید، برای تحمل این حادثه‌ی مهم، روحیه‌ی بهتر و برداشت بهتر و ظرفیت بیشتری نسبت به پدر شهید دارد. البته موارد عکس هم هست؛ اما این گونه موارد تقریباً بیشتر است و من آن را بیشتر دیده‌ام. بر اثر این حادثه‌ی عظیم انقلاب، خانمها خیلی خیلی پیش آمدند و رشد کردند. نقش زنان در انقلاب، یک نقش تعیین کننده بود؛ در جنگ، یک نقش تعیین کننده بود؛ در دوران آینده هم نقششان ان شاء الله تعیین کننده خواهد بود؛ به شرطی که ما این جهات ارزشی را در زن رعایت کنیم. اینهاست که تأمین کننده و تضمین کننده‌ی این آینده است. امیدواریم که خداوند شماها را تأیید کند.

تجمل گرایی خطری برای زنان

یک جمله را هم در پایان صحبت‌م عرض بکنم. این گرایش به تجمل گرایی که مدتها بود در جامعه‌ی ما یواش یواش کم شده بود، یا در اوایل انقلاب مثلاً خانمها به تجملات و زر و زیورها اعتنایی نمی‌کردند، متأسفانه باز این چیزها - آن طور که شنیده می‌شود - در جامعه‌ی ما دارد رشد می‌کند. زنان اندیشمند و با فکر و با معرفت جامعه‌ی ما باید این را خطر بدانند. نباید زنان به سمت تجمل گرایی سوق پیدا کنند. البته این خطر برای مردان هم هست؛ منتها در زنان بیشتر و امکانش زیادتر است. وانگهی در این قضیه، در موارد بسیاری، مردان تحت تأثیر زنانشان قرار می‌گیرند. شماها واقعاً باید با این قضیه مبارزه کنید؛ خودتان هم مراقبت نمایید.

من با تظاهر به تجمل و تجمل گرایی در حد معتدل کم ناگزیرش مخالفتی نمی‌کنم؛ لیکن اگر بنا شد که روند افراطی پیدا کند، چیز بسیار مزخرفی است. در لباس، در آرایش، در زر و زیورها و طلا و جواهرات، خانمها بایستی خیلی اهمیت بدهند که امساک بشود و بی‌اعتنایی به این چیزها انجام بگیرد، تا شاید ان شاء الله به درخشانگیها و زیباییهای واقعی‌تر بیشتر توجه بشود، تا به این زیباییهای ظاهری.

طلبگاری جمهوری اسلامی از تمدن غرب درباره موضوع زن

❖ مقام تعجب آور و شگفت انگیز فاطمه

زهرا (سلام الله علیها)

❖ برگزیده بودن فاطمه زهرا (سلام الله علیها) در

تمام دورانها

❖ رجوع ائمه به «مصحف فاطمه»

❖ دو علت برای مقام معنوی حضرت

زهرا (سلام الله علیها)

❖ ابعاد زندگی فاطمه زهرا (سلام الله علیها)

الگوی برای همه

❖ حضرت زهرا (سلام الله علیها) در کلام

امیر المؤمنین (ع)

❖ شخصیت جامع الاطراف فاطمه (سلام الله علیها)

الگوی زن مسلمان

❖ طرفداران امروز حقوق بشر، ستمگران به حقوق زن

❖ ظلم بی سابقه غرب به زنان

❖ و ...

طلبگاری جمهوری اسلامی از تمدن غرب درباره موضوع زن *

مقام تعجب آور و شگفت انگیز فاطمه زهرا (سلام الله علیها)

درباره زهرا اطهر سلام الله علیها، هر چه انسان بیشتر فکر کند و در حالات آن بزرگوار تدبّر کند، بیشتر دچار شگفتی خواهد شد. انسان نه فقط از این جهت تعجب می کند که چطور یک انسان در سنین جوانی می تواند به این رتبه از کمالات معنوی و مادی نایل شود - که البته این، خود، یک حقیقت شگفت انگیز است - بلکه بیشتر از این جهت در عجب است که اسلام با چه قدرت عجیبی توانسته است تربیت والای خود را به حدی برساند که یک زن جوان، در آن شرایط دشوار، بتواند این منزلت عالی را کسب کند! هم عظمت این موجود و این انسان والا شگفت انگیز است، هم عظمت مکتبی که این موجود عظیم القدر و جلیل المنزله را پدید آورده است، تعجب آور و شگفت انگیز است.

تولد این دختر بزرگوار پیغمبر - به طور مشهور - در سال پنجم بعثت است؛ که با این حساب، در هنگام شهادت، فاطمه زهرا هجده سال داشته است. بعضی هم تولد ایشان را در سال دوم یا سال اول بعثت گفته اند؛ که با این حساب، حداکثر سن این بزرگوار در آن هنگام، بیست و دو، سه سال می شود. شما یک زن را، با همه محدودیتهایی که از جهات مختلف ممکن است برای او وجود داشته باشد - بخصوص در آن دورانها - در نظر بگیرید و آن وقت ببینید که این بانوی مکرم، چه عظمتی را در آن شرایط، در طول این عمر کوتاه نشان داده است. البته من از جنبه های معنوی و روحی و الهی آن بزرگوار حرفی نمی توانم بزنم. من کوچکتر از این هستم که آن جنبه ها را درک کنم. حتی اگر کسی درک هم نکند، نمی تواند آن چنان که حق آن حضرت است، او را توصیف و بیان کند. آن جنبه های معنوی، عالم جداگانه ای است.

برگزیده بودن فاطمه زهرا (سلام الله علیها) در تمام دورانها

از امام صادق علیه الصلاة والسلام روایت شده است که فرمود: «آن فاطمه کانت محدّثة؛» آن بزرگوار «محدّثة» بود. یعنی فرشتگان بر او فرود می آمدند، با او مأنوس می شدند و با او سخن می گفتند. این، مشخصه ای است که روایات متعددی درباره آن وجود دارد. «محدّثة» بودن مخصوص شیعه هم نیست. شیعه و سنی معتقدند که در دوران اسلام، کسانی بوده اند یا می توانسته اند وجود داشته باشند که فرشتگان با آنها سخن بگویند. مصداق این در روایات ما، فاطمه زهراست. در روایت امام صادق علیه الصلاة والسلام چنین است که فرشتگان الهی نزد فاطمه زهرا سلام الله علیها می آمدند؛ با او حرف می زدند و آیات الهی را بر او می خواندند؛ همان تعبیراتی که نسبت به مریم، علیها سلام در قرآن هست که: «ان الله اصطفیک و طهرک واصطفیک علی نساء العالمین^۱». این عبارات را فرشتگان به فاطمه زهرا سلام الله علیها خطاب می کردند و می گفتند: «یا فاطمه، ان الله اصطفیک و طهرک؛» خدا تو را برگزیده و پاک قرار داده است. «و اصطفیک علی النساء العالمین؛» تو را بر زنان عالم برتری داده است. بعد امام صادق، علیه الصلاة والسلام، در همین روایت می فرماید: یک شب که ملائکه با آن حضرت مشغول صحبت بودند و این تعبیرات را می کردند، فاطمه زهرا سلام الله علیها به آنها فرمود: «ألیست المفضّلة علی نساء العالمین مریم؟» یعنی آن زنی که خدای متعال فرموده است «و اصطفیک علی نساء العالمین» آیا مریم نیست که خدا او را بر زنان عالم برگزید؟ ملائکه در جواب، به فاطمه زهرا سلام الله علیها عرض کردند: «مریم نسبت به زنان دوران خودش برگزیده بود و تو نسبت به زنان همه دورانها - از اولین و آخرین - برگزیده هستی». این چه مقام معنوی والایی است! انسان عادی - مثل ما - نمی تواند این عظمت و رتبه را به درستی، حتی در ذهن خود، تصوّر کند.

رجوع ائمه به «مصحف فاطمه»

یا در روایتی از امیرالمؤمنین علیه الصلاة والسلام، نقل شده است که فاطمه زهرا سلام الله علیها به ایشان می گوید: «ملائکه می آیند و مطالبی را به من می گویند.» امیرالمؤمنین به ایشان می گوید: «وقتی صدای ملک را شنیدی، به من بگو تا آنچه را می شنوی بنویسم.» و امیرالمؤمنین، آنچه را که ملائکه به فاطمه زهرا سلام الله علیها املا می کردند نوشت و این، کتابی شد که در نزد ائمه ما علیهم السلام بود و هست و «مُصْحَفُ فاطمه» یا «صَحِيفَةُ فاطمه» نامیده می شود.

در روایات متعددی است که ائمه علیهم السلام، برای مسائل گوناگون خود، به «مصحف فاطمه» رجوع می کردند. بعد امام می فرماید: «انه لیس فیها حلال و حرام»؛ در این کتاب، احکام حلال و حرام نیست. اما «فیها علم ما یکون»؛ بلکه همه حوادث جاری بشری در دوره های آینده، در این کتاب هست. این، چه دانش والایی است! این، چه معرفت و حکمت بی نظیری است که خدای متعال به یک زن در سنین جوانی بخشیده! این، مربوط به مسائل معنوی است.

دو علت برای مقام معنوی حضرت زهرا (سلام الله علیها)

این مسائل معنوی تا حدود زیادی به فضایل عملی ارتباط پیدا می‌کند. یعنی به آنچه که از تلاش فاطمه زهرا سلام الله علیها ناشی می‌شود. مفت نمی‌دهند و بدون دلیل نمی‌بخشند. عمل انسان - در حدّ بالایی - در احراز فضایل و مناقب تأثیر می‌کند. دختری که در کوره گداخته مبارزات سخت پیغمبر در مکه متولد شد و در شعب ابی طالب یار و غمگسار پدر بود. دختری حدوداً هفت، هشت ساله یا دو، سه ساله - بنا بر اختلاف روایات، کمتر و بیشتر - در شرایطی که خدیجه و ابوطالب از دنیا رفتند، آن شرایط دشوار را تحمل کرد. پیغمبر تنهاست، بی غمگسار است، همه به او پناه می‌آورند؛ ولی کیست که غبار غم را از چهره خود او بزاید؟ یک وقت خدیجه بود، که حالا نیست. ابوطالب بود، که حالا نیست. در چنین شرایط دشواری، در عین آن گرسنگیها و تشنگیها و سرما و گرمای دوران سه ساله شعب ابی طالب که از دورانهای سخت زندگی پیغمبر است و آن حضرت در درّه‌ای با همه مسلمانان معدود، در حال تبعید اجباری زندگی می‌کردند؛ این دختر مثل یک فرشته نجات برای پیغمبر؛ مثل مادری برای پدر خود؛ مثل پرستار بزرگی برای آن انسان بزرگ، مشکلات را تحمل کرد. غمگسار پیغمبر شد، بارها را بردوش گرفت، عبادت خدا را کرد، ایمان خود را تقویت کرد، خودسازی کرد و راه معرفت و نور الهی را به قلب خود باز کرد. اینهاست آن ویژگیهایی که آدمی را به کمال می‌رساند. بعد هم در دوران پس از هجرت، در آغاز سنین تکلیف، وقتی فاطمه زهرا سلام الله علیها، با علی بن ابی طالب علیه الصّلاة والسلام، ازدواج می‌کند، آن مهریه و آن جهیزیه اوست؛ که همه شاید می‌دانید که با چه سادگی و وضع فقیرانه‌ای، دختر اول شخص دنیای اسلام، ازدواج خود را برگزار می‌کند.

ابعاد زندگی فاطمه زهرا (سلام الله علیها) الگویی برای همه

زندگی فاطمه زهرا سلام الله علیها از همه ابعاد، زندگی‌ای همراه با کار و تلاش و تکامل و تعالی روحی یک انسان است. شوهر جوان او دائماً در جبهه و میدانهای جنگ است؛ اما در عین مشکلات محیط و زندگی، فاطمه زهرا سلام الله علیها، مثل کانونی برای مراجعات مردم و مسلمانان است. او دختر کارگشای پیغمبر است و در این شرایط، زندگی را با کمال سرافرازی به پیش می‌برد: فرزندان تربیت می‌کند مثل حسن و حسین و زینب؛ شوهری را نگهداری می‌کند مثل علی و رضایت پدری را جلب می‌کند مثل پیغمبر! راه فتوحات و غنائیم که باز می‌شود، دختر پیغمبر ذره‌ای از لذتهای دنیا و تشریفات و تجملات و چیزهایی را که دل دختران جوان و زنها متوجه آنهاست، به خود راه نمی‌دهد. عبادت فاطمه زهرا، سلام الله علیها، یک عبادت نمونه است.

«حسن بصری» که یکی از عباد و زهاد معروف دنیای اسلام است، درباره فاطمه زهرا سلام الله علیها می‌گوید: به قدری دختر پیغمبر عبادت کرد و در محراب عبادت ایستاد که «تورمت قدمها آ». پاهای آن بزرگوار از ایستادن در محراب عبادت، ورم کرد! امام حسن مجتبی علیه الصّلاة والسلام می‌گوید: شبی - شب جمعه‌ای - مادرم به عبادت ایستاد و تا صبح عبادت کرد. «حتی انفجرت عمود الصبح». تا وقتی که طلوع

فجر شد. مادر من از سر شب تا صبح مشغول عبادت بود و دعا و تضرع کرد. امام حسن، علیه الصلوة والسلام، می گوید - طبق روایت - شنیدم که دائم مؤمنین و مؤمنات را دعا کرد؛ مردم را دعا کرد؛ برای مسائل عمومی دنیای اسلام دعا کرد. صبح که شد گفتم: «یا امّاه!» «مادرم!» «لم لا تدعین لنفسک کما تدعین لغيرک؟» «یک دعا برای خودت نکردی! یک شب تا صبح دعا، همه برای دیگران؟!» در جواب فرمود: «یا بنی، الجار ثم الذّار»؛ «اول دیگران بعد خود ما!» این، آن روحیه والاست. جهاد آن بزرگوار در میدانهای مختلف، یک جهاد نمونه است. در دفاع از اسلام؛ در دفاع از امامت و ولایت؛ در حمایت از پیغمبر؛ در نگهداری بزرگترین سردار اسلام، یعنی امیرالمؤمنین که شوهر او بود.

حضرت زهرا (سلام الله علیها) در کلام امیرالمؤمنین (ع)

امیرالمؤمنین درباره فاطمه زهرا سلام الله علیها فرمود: «ما اغضبنی و لا خرج من امری.»^۴ یک بار این زن در طول دوران زناشویی، مرا به خشم نیاورد و یک بار از دستور من سرپیچی نکرد. فاطمه زهرا سلام الله علیها با آن عظمت و جلالت، در محیط خانه، یک همسر و یک زن است؛ آن گونه که اسلام می گوید. در محیط علم هم یک دانشمند والاست. آن خطبه ای که فاطمه زهرا سلام الله علیها در مسجد مدینه، بعد از رحلت پیغمبر ایراد کرده است، خطبه ای است که به گفته علامه مجلسی، «بزرگان فصحا و بلغا و دانشمندان باید بنشینند کلمات و عبارات آن را معنا کنند!» این قدر پرمغز است! از لحاظ زیبایی هنری، مثل زیباترین و بلندترین کلمات نهج البلاغه است. فاطمه زهرا سلام الله علیها می رود در مسجد مدینه، در مقابل مردم می ایستد و ارتجالاً حرف می زند! شاید یک ساعت، با بهترین و زیباترین عبارات و زبده ترین و گزیده ترین معانی صحبت کرده است.

شخصیت جامع الاطراف فاطمه (سلام الله علیها) الگوی زن مسلمان

آن عبادتش؛ آن فصاحت و بلاغتش؛ آن فرزاندگی و دانشش؛ آن معرفت و حکمتش؛ آن جهاد و مبارزه اش؛ آن رفتارش به عنوان یک دختر؛ آن رفتارش به عنوان یک همسر؛ آن رفتارش به عنوان یک مادر؛ آن احسانش به مستمندان، که وقتی پیغمبر پیر مرد مستمندی را به در خانه امیرالمؤمنین فرستاد که «برو حاجت را از آنها بخواه»، فاطمه زهرا سلام الله علیها تخته پوستی را که حسن و حسین روی آن می خوابیدند و به عنوان زیرانداز فرزندان خود در خانه داشت و چیزی جز آن نداشت، به سائل داد و گفت «ببر بفروش و از پول آن استفاده کن!» این، شخصیت جامع الاطراف فاطمه زهراست. این، الگوست. الگوی زن مسلمان این است. زن مسلمان باید در راه فرزاندگی و علم تلاش کند؛ در راه خودسازی معنوی و اخلاقی تلاش کند؛ در میدان جهاد و مبارزه - از هر نوع جهاد و مبارزه ای - پیشقدم باشد؛ نسبت به زخارف دنیا و تجملات کم ارزش، بی اعتنا باشد؛ عفت و عصمت و طهارتش در حدی باشد که چشم و نظر هرزه بیگانه را به خودی خود دفع کند؛ در محیط خانه، دلارام شوهر و فرزنداناش باشد؛ مایه آرامش زندگی و آسایش محیط خانواده باشد؛ در دامن پرمهر و پر عطف و با سخنان پرنکته و مهرآمیزش، فرزندان سالمی را از لحاظ روانی تربیت کند؛ انسانهای بی عقده،

۴. علل الشرایع: ج ۱، ص ۱۷۳. بحار الانوار: ج ۴۳، ص ۸۱ و ۸۲. محجة البیضاء: ج ۴، ص ۲۰۸

۵. همان

۶. بحار الانوار: ج ۴۳، ص ۱۳۴

انسانهای خوش روحیه، انسانهای سالم از لحاظ روحی و اعصاب، در دامان او پرورش پیداکنند و زنان و شخصیت‌های جامعه را به وجود آورد. مادر از هر سازنده‌ای، سازنده‌تر و بارزتر است. بزرگترین دانشمندان، ممکن است مثلاً یک ابزار بسیار پیچیده الکترونیکی را به وجود آورند، موشک‌های قاره‌پیما بسازند، وسایل تسخیر فضا را اختراع کنند؛ اما هیچ یک از اینها اهمیت آن را ندارد که کسی یک انسان والا به وجود آورد. و او، مادر است. این، آن الگوی زن اسلامی است.

✦ طرفداران امروز حقوق بشر، ستمگران به حقوق زن

دنیای استکباری سرشار از جاهلیت، در اشتباه است که خیال می‌کند ارزش و اعتبار زن به این است که خود را در چشم مردان آرایش کند تا چشم‌های هرزه به او نگاه کنند و از او تمتع گیرند و او را تحسین نمایند. بساط آن چیززی که امروز به‌عنوان «آزادی زن» در دنیا و از سوی فرهنگ منحط غربی پهن شده است، بر پایه این است که زن را در معرض دید مرد قرار دهند تا از او تمتعات جنسی ببرند. مردان از آنها لذت ببرند و زنها وسیله التذاذ مردان شوند. این، آزادی زن است؟ کسانی که در دنیای جاهل و غافل و گمراه تمدن غربی ادعای کنند طرفدار حقوق بشرند، در حقیقت ستمگران به زن هستند. زن را به چشم یک انسان والا نگاه کنید، تا معلوم شود که تکامل و حق او و آزادی او چیست. زن را به‌عنوان موجودی که می‌تواند مایه‌ای برای صلاح جامعه با پرورش انسانهای والا شود نگاه کنید، تا معلوم شود که حق زن چیست و آزادی او چگونه است. زن را به چشم آن عنصر اصلی تشکیل خانواده در نظر بگیرید؛ که خانواده اگر چه از مرد و زن تشکیل می‌شود و هر دو در تشکیل خانواده و موجودیت آن مؤثرند، اما آسایش فضای خانواده، آرامش و سکونتی که در فضای خانه است، به برکت زن و طبیعت زنانه است. با این چشم به زن نگاه کنند تا معلوم شود که او چگونه کمال‌پیدامی کند و حقوقش در چیست.

✦ ظلم بی سابقه غرب به زنان

از روزی که اروپاییها، صنایع جدید را به وجود آوردند - در اوایل قرن نوزدهم که سرمایه‌داران غربی کارخانه‌های بزرگ را اختراع کرده بودند - و احتیاج به نیروی کار ارزان و بی‌توقع و کم‌دردسر داشتند، زمزمه «آزادی زن» را بلند کردند؛ برای این که زن را از داخل خانواده‌ها به درون کارخانه‌ها بکشاند؛ به‌عنوان یک کارگزار ارزان از او استفاده کنند، جیبهای خودشان را پر کنند و زن را از کرامت و منزلت خود بیندازند. امروز آنچه که به‌عنوان «آزادی زن» در غرب مطرح است، دنباله همان داستان و همان ماجراست. لذا ظلمی که در فرهنگ غربی به زن شده است و برداشت غلطی که از زن در آثار فرهنگ و ادبیات غرب وجود دارد، در تمام دوران تاریخ بی سابقه است. در گذشته هم در همه جا به زن ظلم شده است، اما این ظلم عمومی و فراگیر و همه‌جانبه، مخصوص دوران اخیر و ناشی از تمدن غرب است. زن را به‌عنوان وسیله التذاذ مردان معرفی کردند و اسمش را «آزادی زن» گذاشتند! در حالی که به واقع آزادی مردان هرزه برای تمتع از زن و نه آزادی



زن بود. نه فقط در عرصه کار و فعالیت صنعتی و امثال آن، بلکه در عرصه هنر و ادبیات هم به زن ظلم کردند. شما امروز، در داستانها، در رمانها، در نقاشیها، در انواع کارهای هنری نگاه کنید، ببینید با چه دیدی به زن نگریده‌اید؟ آیا جنبه‌های مثبت و ارزشهای والایی که در زن هست، مورد توجه قرار می‌گیرد؟ آیا آن عواطف رقیق، آن مهربانی و خوی مهرآمیزی که خدای متعال در زن به ودیعه گذاشته است - خوی مادری، روحیه نگهداری از فرزند و تربیت فرزند - مورد توجه است یا جنبه‌های شهوانی و به تعبیر آنها عشقی؟ (که این تعبیر غلط و نادرستی است. این شهوت است نه عشق!) زن را این گونه خواستند پرورش و عادت دهند: به عنوان یک موجود مصرف کننده. مصرف کننده دست و دل باز و کارگر کم توقع و کم طلب و ارزان.

منافات نداشتن کار زن با کرامت، ارزش معنوی و انسانی زن

اسلام اینها را برای زن ارزش نمی‌داند. اسلام با کار کردن زن موافق است. نه فقط موافق است، بلکه کار را تا آن جا که مزاحم با شغل اساسی و مهمترین شغل او، یعنی تربیت فرزند و حفظ خانواده نباشد، شاید لازم هم می‌داند. یک کشور که نمی‌تواند از نیروی کار زنان در عرصه‌های مختلف بی‌نیاز باشد! اما این کار نباید با کرامت و ارزش معنوی و انسانی زن منافات داشته باشد. نباید زن را تذلیل کنند و او را وادار به تواضع و خضوع نمایند. تکبر از همه انسانها مذموم است، مگر از زنان در مقابل مردان نامحرم! زن باید در مقابل مرد نامحرم متکبر باشد. «فلا تخضعن بالقول»؛ در حرف زدن مقابل مرد نباید حالت خضوع داشته باشد. این، برای حفظ کرامت زن است. اسلام این را می‌خواهد و این الگوی زن مسلمان است.

معجزه عظیم در رجوع زن به فطرت و اصل خود

شما ببینید وقتی زن مسلمان به فطرت و به اصل خود برمی‌گردد، چه معجزه عظیمی درست می‌کند! آن چنان که در انقلاب ما و در نظام اسلامی ما بحمدالله مشاهده شد و امروز هم مشاهده می‌شود. ما کجا آن قدرت و عظمت را از زنان دیده بودیم که امروز از مادران شهدا می‌بینیم؟ کجا ما آن فداکارها را از زنان جوان دیده بودیم، که با فرستادن همسران محبوبشان به جبهه‌های جنگ، آنها با خاطر آسوده در این میدانها باشند؟ این، عظمت اسلام است که در چهره زنان انقلابی ما، در دوران انقلاب و امروز، بحمدالله آشکار است. تبلیغ نکنند که با حفظ حجاب، با حفظ عفت، با خانه‌داری و با تربیت فرزند، انسان نمی‌تواند کسب علم کند. ما امروز بحمدالله چقدر زنان دانشمند و عالم در رشته‌های مختلف در جامعه‌مان داریم: دانشجویان کوشا و با استعداد و با ارزش، فارغ‌التحصیلان سطح بالا، پزشکان ممتاز و طراز بالا! امروز در جمهوری اسلامی رشته‌های گوناگون علمی در اختیار خانمهاست؛ زنهایی که عفاف و عصمتشان را هم حفظ کردند، طهارت زنانه را هم حفظ کردند، حجاب را هم - به شکل کامل - حفظ کردند، به تربیت فرزند هم به شیوه اسلامی می‌رسند، شوهرداری را نیز همان طوری که اسلام گفته است انجام می‌دهند، فعالیت علمی و سیاسی هم می‌کنند. الان در بین شما - مجموع خانمهایی که این جا تشریف دارید - عده زیادی هستند که فعالیت‌های



سیاسی و اجتماعی دارند؛ آن هم فعالیت‌های ممتاز و برجسته؛ چه خانم‌های مجرّد، چه خانم‌هایی که متأهلند و همسران آنها افتخار می‌کنند و باید هم افتخار کنند که زنهایشان در میدانهای گوناگون پیش‌تازند. با روحیه اسلامی و در محیط اسلامی، زن می‌تواند به کمال واقعی خود برسد؛ دور از آن هرزگیها، دور از آن تجمل‌گراییها و دور از پست‌شدن و حقیرشدن در مقابل مصرف.

اسراف‌الگوی زن مسلمان نیست

من به خانم‌های مسلمان، به خانم‌های جوان و به خانم‌های خانه‌دار عرض می‌کنم: سراغ این مصرف‌گرایی که غرب مثل خوره به جان جوامع دنیا و از جمله جوامع کشورهای در حال توسعه و کشورهای رو به پیشرفت و از جمله کشور ما انداخته است، نروید. مصرف باید در حدّ لازم باشد، نه در حدّ اسراف. خانم‌های کسانی که همسرانشان یا خودشان مسؤولیتهایی در بخشهای مختلف کشور دارند، باید از لحاظ دوری از اسراف، نسبت به دیگران الگو باشند. باید برای دیگران درس باشند و نشان دهند که شأن زن مسلمان بالاتر از این حرفهاست که اسیر زر و زیور و جواهر آلات و از این قبیل شود. نمی‌خواهیم بگوییم اینها حرام است؛ می‌خواهیم بگوییم شأن زن مسلمان بالاتر از این است که در دورانی که بسیاری از مردم جامعه ما محتاج کمکند، کسانی بروند پول بدهند طلا بخرند، زینت آلات بخرند، وسایل زندگی رنگارنگ بخرند و در انواع و اقسام روشها و منشهای زندگی، اسراف کنند. اسراف، الگوی زن مسلمان نیست.

دفاع فرهنگ منحنط غرب در قضیه زن از خود

این، یکی از آن میدان‌هایی است که ما در مقابل دنیای استکباری مدّعی هستیم. من بارها به گویندگان و مبلغین قضیه زن عرض کرده‌ام: این ما نیستیم که باید از موضع خودمان دفاع کنیم؛ این فرهنگ منحنط غرب است که باید از خودش دفاع کند. آنچه را که ما برای زن عرضه می‌کنیم، چیزی است که هیچ انسان اندیشمند با انصافی نمی‌تواند منکر شود که «این برای زن خوب است.» ما زن را به عفت، به عصمت، به حجاب، به عدم اختلاط و آمیزش بی‌حد و مرز میان زن و مرد، به حفظ کرامت انسانی، به آرایش نکردن در مقابل مرد بیگانه - برای آن که چشم او لذّت نبرد - دعوت می‌کنیم. این بد است؟ این کرامت زن مسلمان است. این کرامت زن است. آنهایی که زن را تشویق می‌کنند که خود را به گونه‌ای آرایش دهد که مردان کوچک و بازار به او نگاه کنند و غرایز شهوانی خودش را ارضا کنند، باید از خودش دفاع کنند که چرا زن را تا این حد پایین می‌آورند و تذلیل می‌کنند؟! آنها باید جواب بدهند. فرهنگ ما، فرهنگی است که انسانهای والا و اندیشمند غرب هم آن را می‌پسندند و رفتارشان همین‌طور است. در آن جا هم خانم‌های عقیف و سنگین و متین و زنهایی که برای خودش ارزشی قائلند، حاضر نیستند خودش را برای ارضای غرایز شهوانی بیگانگان و هرزه‌چشمها وسیله‌ای قرار دهند. فرهنگ منحنط غربی، از این قبیل زیاد دارد.

طرفداران دروغگو و فریبکار حقوق بشر

یکی از حرفهایی که می‌زنند، موضوع «حقوق بشر» است. آیا چیزی که غرب از آن دفاع می‌کند حقیقتاً حقوق بشر است؟ آنجا که حقوق یک میلیارد و اندی مسلمان، با اهانت به مقدساتشان تزییع می‌شود، سردمداران حقوق بشر ساکتند و بلکه تشویق هم می‌کنند! می‌بینید امروز همه دستگاههای استکباری و نوکران و مزدوران قلم به دست و جیره خوارشان، در دفاع از انسان بی‌ارزشی که «آیات شیطانی» را در معرض دید مردم قرار داد، صف بسته‌اند؛ همان انسان مرتد ملحد، یعنی سلمان رشدی. این، دفاع از حقوق بشر است؟! چرا آن‌جا که دویست میلیون مسلمان هندی، حقوقشان تزییع می‌شود و عبادتگاهشان به وسیله مشتی جاهل متعصب و با تحریک دشمنان اسلام و مسلمین ویران می‌شود، از حقوق بشر دم نمی‌زنند؟! چرا در بوسنی هرزگوین که میلیونها انسان در معرض سخت‌ترین عقوبتهای ظالمانه قرار گرفته‌اند و قتل عام می‌شوند و بچه‌ها می‌میرند و زنها نابود می‌شوند و مریضها کشته می‌شوند، از حقوق بشر دفاع نمی‌کنند، یا حداکثر به یک اظهار زبانی اکتفا می‌کنند؟! اگر به راستی طرفدار حقوق بشرند، چرا این جاها مرده‌اند؟! چرا در فلسطین که یک ملت را از خانه خودش آواره کردند؛ زمینش را غصب کردند و امروز هم به هر مناسبتی فلسطینیها و طرفدارانشان را در لبنان و اردوگاههای فلسطینی رهامی‌کنند و بمباران می‌کنند، کسانی که طرفدار حقوق بشرند، ساکت می‌نشینند؟ اینها طرفدار حقوق بشرند، یا دروغگو و فریبگرند؟! حقوق بشر به شیوه فرهنگ غربی، ضد حقوق بشر، و حقوق ستمگران بر آحاد بشر است. این حقوق بشر، حقوق بشر نیست. ما طرفدار حقوق بشریم و اسلام طرفدار حقوق انسان است. هیچ مکتبی به قدر اسلام، ارزش و کرامت انسان را والا نمی‌داند. یکی از اصول اسلامی که همیشه در تعریف و معرفی اسلام مطرح شده است، اصل «تکریم انسان» است. ما که منتظر نمی‌نشینیم غریبها بیایند حقوق بشر را به ما یاد بدهند یا ما را توصیه به حفظ حقوق انسان کنند! ما خودمان، اول طرفدار حقوق انسان هستیم. منتها حقوق انسان در سایه اسلام قابل دفاع می‌شود و حقوق انسان به حساب می‌آید. اسلام است که با احکام خود - همه گونه احکام: چه احکام قضایی و جزایی، و چه احکام مدنی و حقوق عمومی و مسائل سیاسی - از حقوق انسانها دفاع کرده است؛ نه آنچه که در اختیار آنهاست، نه آنچه که آنها - به فریب - حقوق انسان به حساب آورده‌اند و اسم گذاری کرده‌اند.

طرفداری از حقوق انسان به خاطر دستورات اسلام

ما طرفدار حقوق بشریم و حقوق بشر را هم دنبال خواهیم کرد. کاری هم به گفته فلان کمیسیون سازمان ملل و فلان کمیته بین‌المللی نداریم. ما خودمان، به خاطر دستور اسلام، طرفدار حقوق انسان هستیم؛ چون از اصول اسلام است. منتها چیزی را که آنها مطرح می‌کنند، یک فریب و دروغ می‌دانیم. آن از طرفداری‌شان از حقوق زن، این از طرفداری‌شان از حقوق بشر! مستکبرین و مستبدین و غارتگران عالم و بی‌اعتنایان به حقوق ملتها و نابودکنندگان منافع ملت‌های ضعیف و اشغالگران سرزمینهای کشورهای ضعیف، امروز پرچم به

اصطلاح دفاع از حقوق انسان و حقوق زن را در دست گرفته‌اند! معلوم است که ملت‌های مسلمان نمی‌توانند به اینها اعتنا کنند.

🏠 مباهات جمهوری اسلامی در حوزه زنان

مهم این است که شما زنان مسلمان؛ بخصوص زنان جوان، دختران دانشجو، خانمهایی که به فعالیتهای علمی و اجتماعی و سیاسی اشتغال دارید، این روش اسلامی را با جدیت و اهتمام کامل دنبال کنید. تربیت اسلامی و انقلابی زن مسلمان، مایه افتخار و مباهات جمهوری اسلامی است. ما به زنان مسلمان خودمان افتخار می‌کنیم. در این راهپیماییها، وقتی دوربینها می‌رود روی چهره خانمهایی که با حجاب کامل، فرزندانشان را هم در بغل گرفته‌اند و در شرایط دشوار به راهپیمایی آمده‌اند، یا برای اعلام موضع سیاسی، یا در نماز جمعه شرکت کرده‌اند و یا برای کار عبادی، سیاسی به پای صندوقهای رأی رفته‌اند، برای ما افتخار است. خانمهایی که در دانشگاهها مراتب عالییه را در راه تحصیل علم به دست آورده‌اند و یا در کنکورهای سراسری در رشته‌های گوناگون رتبه اول و دوم شده‌اند، وقتی در جامعه ما نمود پیدا می‌کنند، جمهوری اسلامی سربلند می‌شود و افتخار می‌کند. این، افتخاری است برای احکام نورانی اسلام که در این دوران، این‌گونه مشغول سازندگی است و در جهانی که از همه طرف امواج تبلیغات غلط انحرافی در جریان است، زن مسلمان، با این شجاعت و استقلال رأی، خودش را می‌تواند نشان دهد. اینها از برکات اسلام است.

🏠 تلاش خانمهای دانشجو و استاد در محیط دانشگاه

محیط دانشگاهها بسیار مهم است. در محیط دانشگاهها، خانمهای دانشجو و استاد باید بکوشند روحیه و فرهنگ اسلامی را ترویج کنند. اجازه ندهید به کسانی - اگر خدای نکرده در دانشگاههای کشور هستند - که نسبت به حجاب اسلامی یا زنان و دانشجویان دختر مسلمان بی‌احترامی کنند. اجازه ندهید که اینها بتوانند افکار فاسد را منتشر کنند. محیط دانشگاه باید محیط اسلامی باشد؛ محیطی برای رشد انسان طراز اسلام؛ انسانی که الگویش فاطمه زهرا سلام الله علیهاست. و این، برای آینده کشور فوق‌العاده مهم است. مخصوصاً بعضی از دانشگاهها، مثل دانشگاه تربیت مدرس که در حقیقت یک نهاد انقلابی است، عنایت بیشتری داشته باشند. من همیشه گفته‌ام: انتظاری که ما از دانشگاه تربیت مدرس داریم، حتی از دانشگاههای دیگر ما بیشتر است. اگر چه امروز بحمدالله همه دانشگاهها در زیر سایه اسلام فعالیت می‌کنند؛ اما دانشگاه تربیت مدرس، پرورده اسلام و مولود اسلام و انقلاب و ساخته شده با هدف تربیت استادان و مدرّسین عالی‌مقام اسلامی است. لذا انتظار از این دانشگاه، بیشتر از دانشگاههای دیگر است. توجه مسؤولین به این‌گونه مراکز هم باید توجه شایسته و بایسته آنها باشد.

فرهنگ اسلامی، فرهنگ عدم اختلاط زن و مرد است

تقسیم بالسویه مقامات معنوی و درجات

انسانی بین زن و مرد در اسلام

برتری حق زن بر مرد به خاطر تحمل سختی بیشتر

ایستادگی اسلام در مقابل زورگویی مردان

تاکید بر حفظ خانواده و عدم اختلاط زن مرد

مقایسه جایگاه زن در غرب و جمهوری اسلامی

ضرورت حفظ مرز بین زن و مرد

زنانی که برای نظام اسلامی مایه افتخارند

فرهنگ غرب، فرهنگ برهنگی

حضور عالی بانوان ما در میدانهای مختلف

فکر بر روی نقش زن مسلمان در پیشرفت جامعه

فرهنگ اسلامی، فرهنگ عدم اختلاط زن و مرد است *

تقسیم بالسویه مقامات معنوی و درجات انسانی بین زن و مرد در اسلام

خواهران من! موضوع زن و برخورد جوامع با او، مسأله‌ای است که از دیرباز در میان جوامع و تمدنهای مختلف مطرح بوده است. همیشه نصف مردم عالم، بانوان هستند. قوام زندگی در عالم، به همان اندازه که به مردان وابسته است، به همان اندازه هم به زنان وابسته است. زنان، بزرگترین کارهای آفرینش را به طور طبیعی برعهده دارند. کارهای اساسی آفرینش، مانند تولیدمثل و تربیت کودک، در دست زنان است. پس مسأله زنان، مسأله مهمی است و از دیرباز، در جوامع، در بین متفکرین و در اخلاق و عادات گوناگون ملتها وجود داشته است. اسلام یک موضع برجسته را در این بین انتخاب کرده؛ از افراط و تفریط جلوگیری نموده، و هشداری به همه مردم عالم داده است. اسلام، مردانی را که به خاطر قدرتمند بودن جسمی یا توانایی مالی، زنان و مردان را به خدمت می‌گرفتند و زن را مورد آزار و احیاناً تحقیر قرار می‌دادند، به کلی سر جای خود نشانده و زن را در جایگاه حقیقی خودش قرار داد و حتی از جهاتی، زن را در ردیف مرد قرار داد: «ان المسلمین والمسلمات والمؤمنین والمؤمنات...»^۱ «مرد مسلمان، زن مسلمان. مرد عابد، زن عابد. مرد متهجد، زن متهجد».

پس، در اسلام همه این مقامات معنوی و درجات انسانی، بین زن و مرد بالسویه تقسیم شده است. در این موارد، مرد و زن با یکدیگر مساوی و برابرند. هر کس که برای خدا کار کند، «من ذکر او انثی^۲؛ چه مرد باشد و چه زن، «فلنجیته حیاتاً طیبه^۳»

* بیانات در دیدار جمعی از پرستاران ۱۳۷۳/۰۷/۲۰

۱. احزاب: ۳۵

۲. آل عمران: ۱۹۵؛ نساء: ۱۲۴؛ نحل: ۹۷؛ غافر: ۴۰

۳. نحل: ۹۷

🕌 برتری حق زن بر مرد به خاطر تحمل سختی بیشتر

اسلام در برخی جاها حتی زن را بر مرد ترجیح داده است. مثلاً آن جا که مرد و زن، پدر و مادری هستند که فرزندی دارند، این فرزند اگرچه فرزند هر دو نفر است، اما خدمتگزاری فرزند در مقابل مادر، لازمتر است. حق مادر بر گردن فرزند، بیشتر و وظیفه فرزند نسبت به مادر سنگینتر است.

روایات فراوانی در این زمینه هست: پیغمبر اکرم در جواب کسی که سؤال کرد: «من اَبَر؟» (به چه کسی نیکی کنم؟) فرمود: «امک.» یعنی «به مادرت.» دفعه دوم هم همین را فرمود؛ دفعه سوم هم همین را فرمود. دفعه چهارم که سؤال کرد، فرمود: «باک.» یعنی «به پدرت.» پس، زن در مقیاس خانواده و در رابطه با فرزندان، حق سنگینتری دارد. البته این هم نه از باب این است که خدای متعال خواسته است جمعی را بر جمع دیگر ترجیح دهد. بلکه به این جهت است که زنان زحمت بیشتری تحمل می کنند. این هم عدل الهی است. زحمت بیشتر است؛ پس حق هم بیشتر است. ناراحتی بیشتری تحمل می کند؛ پس ارزشش بالاتر است. همه اینها از روی عدالت است. در مسائل مالی، مثل حق خانواده و حق سرپرستی خانواده در مقابل وظیفه اداره خانواده، روش اسلام روش متعادل است. قانون اسلامی، در این چیزها هم نگذاشته است که ذره‌ای به زن یا به مرد ظلم شود. حق برای مرد و حقی هم برای زن قرار داده است. یک وزنه در کفه مرد قرار داده و یک وزنه هم در کفه زن قرار داده است. کسانی که اهل مذاقه در این امور هستند، اگر دقت کنند، اینها را می بینند. در کتابها هم نوشته اند. امروز خانمهای اندیشمند و فاضل ما، بحمدالله این مسائل را بهتر از دیگران و بهتر از مردان می دانند و تبلیغ و بیان می کنند. این هم درباره حقوق مرد و زن.

🕌 ایستادگی اسلام در مقابل زورگویی مردان

یک نکته اساسی هم وجود دارد که در آن اسلام ایستادگی کرده است و آن این است که در طول زمان، چون اخلاق مردان خشن تر و اراده آنان در برخورد با مشکلات قویتر و جسمشان سنگینتر بوده است، لذا کارهای مهم و مسؤولیتهای قدرتهای گوناگون را در دست داشته اند و این، به مردان امکانی برای سوء استفاده کردن از جنس مخالف - به نفع خودشان - داده است. شما نگاه کنید ببینید که کدام یک از سلاطین، ثروتمندان و پولداران و زرمندان و زورمندان در دربارها و دستگاههایشان، با داشتن پول و مقام و قدرت، به نحوی از انحاء، دست به سمت تعرض و تخطی و سوء استفاده از زن دراز نکرده اند؟! اسلام در این جا، با کمال قدرت و قوت ایستاده است و بین زن و مرد در جامعه، مرزی قرار داده است. از نظر اسلام، هیچ کس حق ندارد که این مرز را زیر پا بگذارد و بشکند؛ چون از نظر اسلام، خانواده خیلی مهم است.

🕌 تاکید بر حفظ خانواده و عدم اختلاط زن و مرد

رابطه زن و مرد در محیط خانواده به گونه‌ای است، و در محیط جامعه، به گونه‌ای دیگر است. اگر آن

ضوابطی که اسلام در محیط جامعه به عنوان حایل بین زن و مرد قرار داده است، بشکند، خانواده خراب می‌شود. در خانواده، غالباً به زن و گاهی هم به مرد، ممکن است ظلم شود. فرهنگ اسلامی، فرهنگ عدم اختلاط زن و مرد است. چنین زندگی‌ای با خوشبختی ادامه می‌یابد و می‌تواند به درستی و بارعایت موازین عقلی بچرخد و حرکت کند و به پیش برود. در این جا اسلام سختگیری کرده است. اگر آن حدّ و مرزی که در جامعه قرار داده شده است، چه از طرف زن و چه از طرف مرد بشکند، اسلام در مقابل آن سختگیری می‌کند؛ درست نقطه مقابل آنچه که شهوترانان عالم می‌خواسته‌اند و عمل می‌کرده‌اند. قدرتمندان و زورمندان و زورمندان، مردشان، زنشان و زیردست‌هایشان و کسانی که با آنها و برای آنها زندگی می‌کرده‌اند، همیشه عکس این عمل می‌کرده‌اند. آنها مایل بوده‌اند که این حجاب بین زن و مرد، از بین برود، که این، البته برای زندگی جامعه مضرّ و برای اخلاق جامعه بد است. برای حفظ عفت جامعه زینبار و بخصوص برای خانواده از همه چیز بدتر است. این، بنیان خانواده را متزلزل می‌کند.

🔗 مقایسه جایگاه زن در غرب و جمهوری اسلامی

اسلام به خانواده اهمیت می‌دهد. تمام دعوای امروز بلندگوها و بوقهای تبلیغاتی غربی با مسلمین هم بر سر همین است. شما ببینید که در مقابل «حجاب» چه حساسیتی نشان می‌دهند! این حجاب اگر در جمهوری اسلامی باشد، آن را زشت می‌شمارند. اگر در دانشگاه‌های کشورهای عربی باشد، که دختران جوان دانشجو، با معرفت و آگاهی و با میل و اختیار خود به حجاب روی آورده‌اند، حساسیت نشان می‌دهند. اگر در بین احزاب سیاسی باشد، حساسیت نشان می‌دهند. اگر در مدارس و حتی دبستانهای کشورهای خودشان هم باشد - با این که زیردست خودشان است - حساسیت نشان می‌دهند. پس، نقطه دعوا در این جاست. البته در تبلیغاتشان، دائم فریاد می‌زنند که حق زن در اسلام یا در جمهوری اسلامی، پایمال شده است. خودشان هم به این قضیه اعتقادی ندارند و می‌دانند که حق زن در جمهوری اسلامی تضعیف نشده، بلکه تقویت شده است. شما نگاه کنید و ببینید که تعداد محصلین و دانشجویان زن - دختران تحصیل کننده در مراکز عالی - امروز در ایران بیشتر است یا در دوران حکومت طواغیت بیشتر بود؟ می‌بینید که امروز بیشتر است. تعداد دانشجویان دختر برجسته و دارای نمره اول در تحصیلات، امروز بیشتر است یا در آن زمان بیشتر بود؟ می‌بینید که امروز بیشتر است. عده زنانی که در مراکز پزشکی و درمانی و در مراکز گوناگون علمی در این کشور مشغول کار و تحقیق هستند، امروز بیشتر است یا آن روز بیشتر بود؟ می‌بینید که امروز بیشتر است. عده زنانی که در صحنه سیاست کشور و در عرصه‌های مجامع بین‌المللی حضور قدرتمند پیدا می‌کنند و در آن جا از حقوق و نظرات این کشور و این ملت - که کشور خود و ملت خودشان است - دفاع می‌کنند، امروز بیشتر است یا آن روز بیشتر بود؟ می‌بینید که امروز بیشتر است. آن روز زنان با هیأت‌های مختلف به مسافرت‌های گوناگونی می‌رفتند؛ اما تشریفاتی بود. برای هوسرانی و نشان دادن سر و کول خودشان به این و آن بود. لکن زن مسلمان امروز، در مجامع جهانی، در

کنفرانسهای گوناگون جهانی، در مراکز علمی و در دانشگاهها، حضور علمی یا سیاسی یا خدماتی دارد. اینها ارزش دارد. آن روز دخترانی را به عنوان «دختر نمونه» و «دختر شایسته»، از آغوش گرم و عفیف خانوادهها بیرون می کشیدند و در منجلاب فساد فرو می کردند. اما امروز، چنین چیزی نیست. حق زن در کجا ضایع می شود؟ در جایی که جلو تحصیلات زنان گرفته شود؛ جلو اشتغال زنان به کارهای متناسب با بانوان گرفته شود؛ جلو خدمت رسانی زنان یا خدمت رسانی به زنان گرفته شود و نیز در جایی که زن تحقیر می شود. بروید به جوامع امریکایی نگاه کنید! خواهید دید که در آن جا زن تحقیر می شود. زن خانواده، از طرف شوهر تحقیر می شود. مادر خانواده، از طرف فرزندان تحقیر می شود. حق مادری، به این شکلی که در مراکز اسلامی هست، در آن جا معنا ندارد.

❁ ضرورت حفظ مرز بین زن و مرد

جمله‌ای در یک سخنرانی معروف در یک مرکز بین‌المللی - که نمی‌خواهم خصوصیات آن را در این جا ذکر کنم - راجع به خانواده گفته شد. گزارشهایی که از آن جا به ما رسید، حاکی از این بود که مردم آن کشور، نسبت به همان جمله، به شدت علاقه نشان داده بودند؛ به خاطر این که وضع خانواده در آن کشورها از هم پاشیده است. آنجا به زنان ظلم می‌شود؛ اما این جا، آن مرز بین زن و مرد وجود دارد. معنای آن مرز هم این نیست که زنان و مردان در یک محیط تحصیل نکنند، در یک محیط عبادت نکنند، در یک محیط کار نکنند و در یک محیط خرید و فروش نکنند - که این قبیل موارد، فراوان است - بلکه معنایش این است که حد و حدودی در اخلاق معاشرتی خودشان قائل باشند. و این کار بسیار خوبی است.

❁ زنانی که برای نظام اسلامی مایه افتخارند

زن در این جا حجاب خودش را حفظ می‌کند. مردم ما چادر را انتخاب کرده‌اند. البته ما هیچ وقت نگفتیم که «حتماً چادر باشد، و غیر چادر نباشد.» گفتیم که «چادر بهتر از حجابهای دیگر است.» ولی زنان ما می‌خواهند حجاب خودشان را حفظ کنند. چادر را هم دوست دارند. چادر، لباس ملی ماست. چادر، پیش از آن که یک حجاب اسلامی باشد، یک حجاب ایرانی است. مال مردم ما و لباس ملی ماست. خانمهای باسواد مسلمان مؤمن در سخوانی که یا مشغول تحصیلند و یا در دانشگاهها بهترین علوم را در بالاترین مدارج تدریس می‌کنند، زیادند و این برای نظام اسلامی مایه افتخار است. خانمهایی هستند که بحمدلله بالاترین تخصصها را در پزشکی و در علوم گوناگون - در زمینه علوم انسانی، در زمینه علوم تجربی و در زمینه علوم گوناگون دیگر دارند. خانمهایی هستند که در زمینه علوم دینی پیشرفت کرده و به مراتب بالا رسیده‌اند. یک روز یک خانم بزرگوار در ایران - در اصفهان - بود، به نام «بانوی اصفهانی»^۴ که خانم بسیار عالی مقامی بود. مجتهد و عارف و فقیه بود. اما فقط او بود. امروز، بحمدلله دختران جوانی که در آینده نه چندان دور به مقامات عالی علمی، فقهی و فلسفی می‌رسند، بسیارند. اینها افتخار نظام

اسلامی هستند؛ و پیشرفت زن یعنی این.

🕌 فرهنگ غرب، فرهنگ برهنگی

غرب می‌خواهد فرهنگ خود را بر همه جا حاکم کند. فرهنگ غرب، برهنگی است. البته به شما عرض کنم که این برهنگی، این فساد و بی بندوباری و این شکل فضاحت آمیزی که بعضی از زنان در بسیاری از کشورهای غربی دارند، بحمدالله در خود غرب نیز همه گیر نیست. این، کاری است که بر اثر تبلیغات غلط خود آنها، روز به روز افزایش پیدا می‌کند. و الا حتی تا چهل، پنجاه سال پیش، در خود کشورهای غربی، به این شدت نبود. آنها می‌خواهند همان فساد و بی بندوباری را که خودشان گرفتارش شده‌اند، به کشورهای اسلامی هم صادر کنند. ولی ما این را نمی‌خواهیم. این، برای زندگی اجتماعی مضر است و برای آنها هم مضر است. هر جا باشد، مضر است.

🕌 حضور عالی بانوان ما در میدانهای مختلف

روش اسلامی برای ما بهترین است. زنان ما در طول حوادث انقلاب و بعد از انقلاب تا امروز، نشان داده‌اند که در آن چیزهایی که معیار واقعی زندگی و ارزش و برجستگی آنهاست، در سطوح عالی قرار دارند. مادری که فرزندان خود را در راه خدا و در راه هدف - هدفی که برای او مقدس است و پیش خدا هم مقدس است - تقدیم می‌کند و خم به ابرو نمی‌آورد، یک عمل برجسته انجام داده است و این امر کوچکی نیست. این را با هر معیار و میزانی اندازه گیری کنید، با عظمت است. زن جوانی که حرمت همسرش و خودش را به مدت ده، یازده سال که همسرش در زندانهای دشمن اسیر بوده، با کمال عفت و سربلندی و پاکدامنی حفظ کرده است، آیا کارش ارزش نیست؟! اینها ارزشمند.

زنان ما در میدان جنگ حضور پیدا کردند؛ در میدان بازسازی حضور پیدا کردند و در میدان نشان دادن قدرت روانی، از همه بیشتر فعالیت کردند. بهترین کسانی که در جو تبلیغات گوناگون دشمنان ایستادند، بانوان کشور ما بودند. تبلیغات دشمنان، به شکلهای مختلف انتقاد، کاهی را کوهی کردن، مشکل کوچکی را ده برابر جلوه دادن و از این رادیو و آن رادیو گفتن است. متأسفانه بعضی از قلم به مزدهای داخلی خودمان هم که گویی با انقلاب پدر کشتگی دارند، در فلان مجله و فلان نشریه، این چیزها را می‌نویسند. بعضی با شبنامه و بعضی با نشریات آشکار و مجاز تبلیغات می‌کنند. به افراد پول می‌دهند که در صف فلان جنس یا در اتوبوس بایستند و بدگویی کنند. این پولها را هم برای شایعه پراکنی و خراب کردن جو خرج می‌کنند. بهترین کسانی که در چنین جو ایستادند، بانوان کشور ما بودند؛ همین زنان مؤمن که بحمدالله و به کوری چشم دشمنان، عده‌شان هم فراوان و فراوان است و اکثریت زنان ما را تشکیل می‌دهند. این همان جامعه زن زینبی و فاطمی است. این همان تربیت اسلامی و نظام اسلامی است. ارزش، برجستگی و آزادی زن، اینهایند.

فکر بر روی نقش زن مسلمان در پیشرفت جامعه

البته زنان کشور ما بدانند که برای پیشرفت و ترقی، هنوز خیلی جا دارند. من از بانوان کشورمان - چه خانمهایی که در حال تحصیلند؛ چه خانمهایی که فارغ التحصیلند؛ چه خانمهایی که در فعالیتهای سیاسی و اجتماعی و خدماتی حضور دارند؛ چه خانمهایی که در بخشهای مختلف مسؤولند و مسؤولیتهایی دارند و چه خانمهایی که در خانهها هستند، اما دلشان به نور و روحیه انقلاب زنده است و محیط خانهها را محیط اسلامی نگه می دارند - خواهش می کنم که درباره نقش زن مسلمان در پیشرفت جامعه خودشان، باز هم فکر کنند. در باره تشکلهای سیاسی، کارهای علمی، خدمات ارزشمند، بالا بردن سطح معرفت و معلومات و ایستادگی در مقابل دشمنان در همه مراکز و میدانهایی که ایستادگی در آنها مؤثر است، فکر کنند.



تکامل معنوی، فعالیت اجتماعی و خانواده؛ سه بعد اصلی نگرش اسلام به زن

- ❖ ظلم به جامعه زنان، یکی از معضلات دنیای امروز
- ❖ نقش برجسته زنان در انقلاب و جنگ
- ❖ سه دیدگاه از بینش اسلامی نسبت به زن
- ❖ (۱) عدم تفاوت بین زن و مرد در راه تکامل انسانی
- ❖ (۲) نظر میانه در خصوص فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی زنان
- ❖ خانواده‌ها ممانعت از تحصیل دختران نکنند
- ❖ میدان علمی، همه راه‌های فعالیت باید برای زنان باز باشد
- ❖ (۳) نگاه به زن، به عنوان یک عضو در خانواده
- ❖ بنیان بسیار سست خانواده در غرب
- ❖ وظایف بسیار سنگین قانون از زنان خانواده
- ❖ آگاهی و حضور زن و مرد در میادین مختلف
- ❖ افزایش معلومات و وظیفه حتمی و مسلم زن و مرد

تکامل معنوی، فعالیت اجتماعی و خانواده؛ سه بعد اصلی نگرش اسلام به زن *

❏ ظلم به جامعه زنان، یکی از معضلات دنیای امروز

برای من، منظره بسیار جالب و زیبایی است که مشاهده می‌کنم بانوان این استان، اجتماعی را با این عظمت تشکیل داده‌اند. بحمدالله، شما قشرهای مختلف بانوان این استان، از شهرهای مختلف گرد آمده‌اید و این مجمع با شکوه را تشکیل داده‌اید. آنچه که امروز مناسب می‌دانم در این مجموعه بزرگ عرض کنم، دو، سه مطلب اساسی در خصوص مسائل زنان است:

مطلب اول این است که امروز معضل بزرگی در ارتباط با قشر زن، نه فقط در ایران ما، بلکه در سراسر جهان وجود دارد. آن معضل این است که نسبت به حقوق و شخصیت بانوان، در بعضی از بخشهای زندگی، کوتاهی یا تعرض انجام می‌گیرد. یعنی به زنان ظلم می‌شود.

بعضی تصور می‌کنند این ویژگی، مخصوص کشورهای شرقی یا اسلامی است. این تصور، اشتباه است. ظلم به زنان، در کشورهای غربی - با همه ادعاهایی که نسبت به زنان دارند - اگر بیشتر از کشورهای اسلامی و شرقی نباشد، کمتر نیست. آمارهایی مبنی بر آزار زنان در خانواده از طرف مردان - چه شوهر، چه پدر و چه برادر - وجود دارد که من این آمارهای تکان‌دهنده را دیده‌ام. واقعاً انسان را دچار تعجب می‌کند! پس، معضلی که به آن اشاره شد، در همه جای دنیا وجود دارد. این معضل، باید حل شود. البته در کشور ما، به هنگام مقدمات پیروزی انقلاب که زنان در میدانهای عظیم مبارزه سیاسی حضور پیدا کردند و نقش خودشان را به اثبات رساندند، وضع تا حدود زیادی عوض شد.

نقش برجسته زنان در انقلاب و جنگ

من این جا در جمع شما بانوان عزیز و خواهران و فرزندان خودم، عرض می‌کنم که نقش اجتماعات زنان در پیروزی انقلاب، به احتمال زیاد از اجتماعات مخصوص مردان بیشتر بود. یعنی حضور زنان در مبارزات عمومی و سیاسی، یک نقش چند گانه داشت. مرد یک نفر بود و خودش می‌آمد در مبارزات یا در اجتماعات و راهپیماییها شرکت می‌کرد. همین و بس! اما وقتی زن خانه، خود را در مبارزه سهیم می‌دانست و وارد میدان می‌شد، در واقع خانه‌ای را که در آن، مرد و زن و فرزندان هستند، به صحنه می‌آورد و خانواده‌ای را در میدان مبارزه حاضر می‌کرد. در جنگ نیز همین طور بود. یعنی اگر خانواده‌های شهدا - مادران و همسران - صبر نمی‌کردند، جنگ دچار مشکلات بسیار بزرگی می‌شد. در آن مقطع، نقش زنان، بسیار برجسته بود. انقلاب و جنگ، زنان ما را در جامعه از آگاهی و رشد سیاسی برخوردار کرد. زن، وقتی با سواد باشد و از آگاهی سیاسی برخوردار شود، کسی نمی‌تواند به آسانی به او زور بگوید و حقش را پایمال کند. اینها غنیمتهایی بود که در انقلاب برای زنان پیش آمد. این، نکته اول.

سه دیدگاه از بینش اسلامی نسبت به زن

۱) عدم تفاوت بین زن و مرد در راه تکامل انسانی

خواهش می‌کنم دختران جوان و تحصیل کرده و بانوان آگاه و هوشمند به نکته‌ای که می‌خواهم بگویم، درست توجه کنند: زن را از سه دیدگاه می‌شود مورد ملاحظه قرار داد تا بینش اسلامی نسبت به او آشکار شود. یکی نقش زن به عنوان انسانی در راه تکامل معنوی و نفسانی است که در این دیدگاه، زن و مرد با یکدیگر هیچ تفاوتی ندارند. در تاریخ، زنان بزرگ و برجسته‌ای حضور داشته‌اند؛ همچنان که مردان بزرگ و برجسته‌ای بوده‌اند. در قرآن، وقتی خدای متعال می‌خواهد برای مؤمنین مثال بزند، از زن مثال می‌زند: «و ضرب الله مثلاً للذین آمنوا امرأت فرعون^۱». زن به عنوان عنصر مؤمن برجسته‌ای که نظیر او در میان انسانهای آن روز هم نبود یا کمیاب بود، حضور دارد. این، از دیدگاه اول.

۲) نظر میانه در خصوص فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی زنان

دیدگاه دوم، در زمینه فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی، علمی و اقتصادی است. از نظر اسلام، میدان فعالیت و تلاش علمی و اقتصادی و سیاسی برای زنان، کاملاً باز است. اگر کسی با استناد به بینش اسلامی بخواهد زن را از کار علمی محروم کند، از تلاش اقتصادی باز دارد، یا از تلاش سیاسی و اجتماعی بی‌نصیب سازد، به خلاف حکم خدا عمل کرده است. زنان به قدری که توان جسمی و نیازها و ضرورت‌هایشان اجازه می‌دهد، می‌توانند در فعالیتها شرکت کنند. آنها هر چه می‌توانند، تلاش اقتصادی و سیاسی و اجتماعی کنند. شرع مقدس، مانع نیست. البته چون از لحاظ جسمانی زن ظریفتر از مرد است، لذا ضرورت‌هایی دارد. تحمیل کار

سنگین بر زن، ظلم به زن است. اسلام این را توصیه نمی‌کند؛ چنان که منع هم نمی‌کند. البته از امام علی بن ابی طالب علیه‌السلام نقل است که فرمود: «المرأة ریحانة و لیست بقهرمانه^۱». یعنی زن گل است، قهرمانه نیست. «قهرمان» یعنی پیشکار و خدمتگزار آبرومند. خطاب به مردان می‌گوید که زنان در خانه‌های شما مثل گلی لطیفند که باید نسبت به آنها با کمال ظرافت و دقت رفتار کرد. زن، پیشکار شما و خدمتگزار شما نیست که خیال می‌کنید کارهای سنگین را باید به او محول کرد. این، مسأله مهمی است.

در گزارشی که اخیراً به من دادند، آمده است که در بعضی از مناطق آذربایجان غربی، هفتاد درصد کارهای روزمره را زنان و سی درصد بقیه را مردان انجام می‌دهند! این ظلم است. این به خلاف نظر اسلام است. این که بعضی مردان وقتی می‌خواهند از دواج کنند، شرط قائل می‌شوند که زن باید حتماً کار کند و شغل و درآمدی داشته باشد، خطاست. گرچه خلاف شرع نیست، اما اسلام به چنین کاری هم توصیه نمی‌کند. این که ما بگوییم «زن را از فعالیت اقتصادی و اجتماعی ممنوع کنیم»، به استناد نظر اسلام، غلط است. اسلام چنین حرفی نگفته است. اما از آن طرف، این راه هم که زن را مجبور به انجام کارهای سنگین و تلاشهای دشوار اقتصادی، اجتماعی یا سیاسی کنند، اسلام توصیه نکرده است. نظر اسلام، یک نظر میانه است. یعنی زن اگر فرصت و فراغت داشته باشد، بچه‌داری مانع او نگردد، شوق و علاقه و نیرو و توان جسمانی داشته باشد و بخواهد وارد فعالیتهای اجتماعی، سیاسی یا اقتصادی شود، مانعی ندارد. اما این که او را مجبور کنند و بگویند باید حتماً شغلی بپذیری، روزی فلان قدر کار کنی تا با درآمد آن بتوانی در تأمین هزینه خانوار، سهمی به عهده بگیری، نه. این را هم اسلام از زن نخواست است. این را هم یک نوع تحمیل بر زن به حساب می‌آورد.

پس، به طور خلاصه، در دیدگاه دوم، نظر اسلام این است که در میدان فعالیت علمی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، نباید بر زن تحمیل و اجبار کرد؛ چنان که به سد کردن راه او هم نباید پرداخت. اگر خانمها می‌خواهند وارد فعالیتهای اجتماعی و سیاسی شوند، مانعی نیست. البته فعالیت علمی، خیلی خوب است و بر سایر فعالیتهای ترجیح دارد.

خانواده‌ها ممانعت از تحصیل دختران نکنند

من به خانواده‌ها توصیه می‌کنم که اجازه دهند دخترهایشان درس بخوانند. مبدا پدر و مادری، از روی تعصب دینی، خیال کنند که باید جلو دختر را بگیرند تا تحصیلات عالی نکنند؛ نه؛ دین چنین چیزی نگفته است. دین، برای تحصیل علم، میان دختر و پسر فرقی نمی‌گذارد. اگر پسر شما تحصیلات عالی می‌کند، بگذارید دختر شما هم به تحصیلات عالی بپردازد. بگذارید دختران جوان ما درس بخوانند، علم بیاموزند، آگاهی پیدا کنند، به شأن خودشان واقف شوند و قدر خود را بدانند، تا بفهمند که تبلیغات استکبار جهانی در خصوص زن، چقدر بی‌پایه و اساس و پوچ است. در سایه سواد، می‌شود اینها را فهمید.

۲. نهج البلاغه: نامه ۳۱ (وصیت‌نامه‌ای به امام حسن علیه‌السلام)

🌸 میدان علمی، همه راههای فعالیت باید برای زنان باز باشد

امروز متدین‌ترین، انقلابی‌ترین، پاکترین و باایمانترین دختران و زنان جوان ما، در میان قشرهای تحصیلکرده هستند. کسانی که اهل تجمل و چسبیدن به زر و زبورآلات هستند و یا کورکورانه و چشم بسته می‌خواهند از الگوهای غربی در لباس و پوشاک و وضع زندگی تقلید کنند، غالباً از سواد و معلومات و معرفت کافی بهره ندارند. کسی که معلومات داشته باشد، می‌تواند رفتار خود را کنترل کند و آن را با هر چه حق و حقیقت و خوب است، تطبیق دهد. بنابراین، در میدان علمی، همه راههای فعالیت باید برای زنان باز باشد. دختران، حتی در روستاها هم درس بخوانند. توصیه من به پدران و مادران این است که بگذارند دختر بچه‌هایشان به مدرسه بروند و سواد بیاموزند. اگر آنها استعداد دارند و مایلند پس از طی مراحل ابتدایی به تحصیلات عالی و دانشگاهی بپردازند، ممانعت نکنید. بگذارید در جامعه اسلامی ما آنها جزو انسانهای با سواد و دارای معلومات شوند. این هم از دیدگاه دوم.

۳) نگاه به زن، به عنوان یک عضو در خانواده

دیدگاه سوم، نگاه به زن، به عنوان یک عضو در خانواده است که این از همه مهمتر به نظر می‌رسد. عزیزان من! در اسلام به مرد اجازه داده نشده است که به زن زور بگوید و امری را بر او تحمیل کند. برای مرد در خانواده، حقوق محدودی قرار داده شده است که از روی کمال مصلحت و حکمت است. این حقوق، برای هر کس گفته و تشریح شود، مورد تصدیق قرار خواهد گرفت. همچنین، برای زن نیز در خانواده، حقوقی معین شده است که آن هم از روی مصلحت است. مرد و زن، هر کدام طبیعت، اخلاق، روحیات و غرایزی دارند که ویژه خودشان است. آنها اگر از خلیقات ویژه خود به طور صحیح استفاده کنند، در خانواده، زوجی کامل و هماهنگ و مساعد تشکیل می‌دهند. اگر مرد زیاده‌روی کرد، تعادل به هم می‌خورد. اگر زن هم زیاده‌روی کرد، تعادل به هم می‌خورد. اسلام در داخل خانواده، دو جنس زن و مرد را مانند دو لنگه یک در، دو چشم در چهره انسان، دو سنگ‌نشین در جبهه نبرد زندگی و دو کاسب شریک در یک باب مغازه قرار داده است. هر کدام از این دو، طبیعت، خصوصیات و خصلتهایی، هم در جسم و روح و فکر و هم در غرایز و عواطف دارند که ویژه خودشان است. این دو جنس، اگر با همان حدود و موازینی که اسلام معین کرده است در کنار هم زندگی کنند، خانواده‌ای ماندگار و مهربان و با برکت و پرفایده خواهند داشت.

🌸 بنیان بسیار سست خانواده در غرب

امروز در دنیای غرب، خانواده، بنیان بسیار سستی دارد. خانواده‌ها - بخصوص زنان - از جدایی و تلاشی رنج می‌برند. اگر خانواده‌ای، خدای ناکرده، متلاشی شود، هم مرد و هم زن، هر دو، سرگردان و آواره و ناراحت

می شوند و رنج می بینند. اما در این میان، زن بیشتر رنج می بیند. امروز در دنیای غرب، زنان دچار این رنجند؛ چون خانواده‌ها به آسانی به هم می خورند، متلاشی می شوند و از بین می روند. گاهی خود زنان اقدام به فروپاشی کانون خانواده می کنند؛ اما خود آنها هم، چوبش را بیشتر می خورند.

🏠 وظایف بسیار سنگین قانون از زنان خانواده

نکته مهم این است که در محیط خانواده - همان طور که گفتم - این دو عنصر و دو موجود، ضمن برخورداری از خصوصیاتشان، با یکدیگر هماهنگی و همزیستی دارند. لکن زن از لحاظ جسمی، ظرافت بیشتری دارد و مرد، قویتر و گردن کلفت تر است. با این حال، اگر قانون از زن دفاع نکند، ممکن است مرد، نسبت به او تعرض کند. لذا، قانون، در حمایت از بانوانی که خانواده تشکیل داده‌اند و درون محیط خانوادگی خودشان هستند، وظایف بسیار سنگینی دارد. مطلبی که ما در کشورمان باید با جدیت دنبال کنیم، حمایت اخلاقی و قانونی از زن است؛ تا مرد در محیط خانواده نتواند زورگویی کند. گرچه پس از انقلاب، اصلاحات زیادی در قوانین ازدواج و حمایت از خانواده شده است، اما کافی به نظر نمی رسد. لذا، توصیه ما به همه دست اندرکاران - چه آنهایی که در مجلسند، چه آنهایی که در دستگاه دولتی هستند و چه آنهایی که بر منابر خطابه و وعظ هستند - و به خود زنان، این است که چنین مطلبی را مجدانه دنبال کنند. این همان نقطه اساسی است که اسلام مهمترین کار را در این بخش انجام داده است. این همان نکته‌ای است که در دنیای غرب، مغفول مانده و امروز زنان دچار مظلومیت شدیدی هستند. بعضی کسان که ظاهر بینند، به محیط اجتماعی در غرب می نگرند و می بینند زنان بدون هیچ پروایی، در جوامع ظاهر می شوند. لذا، خیال می کنند که آنها در داخل خانواده هم چنین بی پروایی را دارند. در حالی که این تصور اشتباه است و در محیط خانواده به زنان خیلی ظلم می شود. اما اسلام، مانع از چنین ظلمی در حق زن است. امروز اگر ما در جامعه‌مان کمبودی در این زمینه داریم، باید مرتفع شود و حمایت قانونی از زن، با کمال قوت و شدت انجام گیرد. البته در محیط اجتماعی، خدمات و مشارکتهایی وجود دارد که زنان در آن فعالیت کنند.

🏠 آگاهی و حضور زن و مرد در میادین مختلف

خوب است به مناسبت «روز پرستار»، به مسؤولیت پرستاری، که از سابق، زنان در این مسؤولیت بیشتر از مردان تلاش و فعالیت می کردند و کار بسیار مهمی هم هست که ارزش والایی دارد، اشاره کنم: بانوان عزیز و خواهران گرامی! مسأله مهم این است که امروز اسلام با قوانین و معارف خود، کمر به حمایت از همه قشرهای جامعه ما - اعم از زن و مرد، روستایی و شهری، قشرهای مختلف و مخصوصاً قشرهایی که ضعیفند - بسته است. از یک دیدگاه دیگر، می توان چنین گفت که نظام اسلامی و احکام اسلامی، کمر به دفاع از مظلومین در همه دنیا بسته است. به خاطر همین دیدگاه است که امروز استکبار، علیه نظام

جمهوری اسلامی توطئه می‌کند. اکنون کمتر ماهی می‌گذرد که استکبار با دستگاهها، کمپانیها، مغزهای مزدور و مؤسسات طراحی اش - که دائماً مشغول طراحی توطئه علیه ملتها و دولتهای آزاد هستند - در صد ضربه زدن و توطئه علیه نظام جمهوری اسلامی نباشد. این توطئه‌ها، حتی بعضاً هر هفته و هر روز شکل می‌گیرد و به طور مستمر ادامه دارد. اما به فضل پروردگار و به خاطر همین اجتماعات، همین همدلیها، همین همبستگیها و همین آگاهیهایی که بحمدالله زن و مرد در کشور ما از آن برخوردارند، همه تلاش استکبار علیه جمهوری اسلامی، ضایع و باطل شده و در میدان مقابله با این ملت بزرگ، بارها و بارها بینی او به خاک مالیده شده است. مسلماً بیش از همه عوامل در این زمینه، آگاهی مردم و حضورشان در میدانهای مهم اجتماعی و سیاسی نقش داشته است و شما زنان، در این مورد، تأثیر زیادی داشته‌اید و باز هم دارید.

افزایش معلومات و وظیفه حتمی و مسلم زن و مرد

امروز، بحمدالله، در همه کشور، دانشگاه و حوزه علمیه وجود دارد و دختران جوان، در بخشهای مختلف این دو نهاد و مرکز علمی، آگاهی کسب می‌کنند و به علم‌آموزی می‌پردازند. تا وقتی این روحهای جوان، پرشور، دارای آگاهی، با اراده و با محبت، در جامعه ما بحمدالله فراوان است، استکبار، امریکا و دشمنان ریز و درشت این ملت، هیچ غلطی نسبت به این کشور نمی‌توانند بکنند. توصیه من به خواهران و دختران عزیزم این است که معلومات و آگاهیهایتان را بیشتر کنید. مطالعه، دقت، تحقیق، درس، ورود به مسائل مورد ابتلای روز و اهتمام به کارهای دینی، جزو وظایف حتمی و مسلمی است که امروز زنان کشور باید مثل مردان، خود را موظف به انجام آنها بدانند. شما هستید که فرزندان صالح می‌پرورید و همسران خود را برای ورود به میدانهای مثبت، تشجیع می‌کنید. بسیاری از زنان، شوهران خودشان را بهشتی می‌کنند و آنها را از مشکلات دنیا و آخرت نجات می‌دهند. کار و تلاش زن و آگاهی و موضعگیری او، چنین ارزشی دارد.

نقش زن در خانواده

- ❖ دلیل تجلیل از بانوان اهواز و خوزستان
- ❖ تکیه بر نیروی انسانی زن و مرد برای بازسازی یک کشور
- ❖ شأن اسلامی زن را ابتدا خود بانوان باید بشناسند!
- ❖ سه عرصه برای فعالیت زنان در اسلام
- الف) تکامل و رشد معنوی خود زن
- ❖ نمونه های قرآنی در این عرصه
- ب) عرصه فعالیت های اجتماعی زن
- ❖ تحصیل دختران در رشته هایی که برای آنها مفید است
- ❖ حجاب برای امنیت پیدا کردن زن
- ❖ فعالیت اجتماعی زنان، بازگرداندن نیمی از نیروی فعال به جامعه
- ❖ مالکیت زن بر ثروت خود در اسلام
- ج) نقش زن در خانواده
- ❖ و...

نقش زن در خانواده *

دلیل تجلیل از بانوان اهواز و خوزستان

این اجتماع باشکوه و بزرگ، یکی از معدود اجتماعاتی است که در کشور اسلامی ما به معنای حقیقی کلمه برای تجلیل از بانوان فداکار میهن عزیزمان تشکیل شده است. تشکیل این مجلس و این دیدار با عظمت بانوان اهواز و خوزستان، اولاً به خاطر این است که مقام والای زن ایرانی، مخصوصاً در این منطقه ی خونبار مورد احترام و اهتمام ویژه‌ای قرار گرفته باشد. ثانیاً درباره‌ی مسأله‌ی زن ایرانی و زن مسلمان، در اجتماعی که از خود بانوان تشکیل شده است، مطالب لازم و مهمی مطرح شود، تا در تصحیح بینش عمومی ملت عظیم‌الشأن ایران و همه‌ی مسلمانان جهان نسبت به زن مسلمان و دیدگاه اسلام درباره‌ی زن، مؤثر واقع شود. ثالثاً این اجتماع، نشان دهنده‌ی استقلال زن ایرانی و حضورش در میدان سیاست و میدان مسائل انقلابی است و این، نمایش قدرت ملت ایران، مخصوصاً بانوان در مقابل چشم جهانیان است.

تکیه بر نیروی انسانی زن و مرد برای بازسازی یک کشور

آنچه که من عرایضم را با آن شروع می‌کنم، این است که در دوران بازسازی کشور اسلامی - که در این دوران، هم ملت و هم مسؤولان، در صدد آن هستند که ایران بزرگ را هم از لحاظ مادی و هم از لحاظ نظم اجتماعی و هم از جهات معنوی، بازسازی حقیقی کنند - بیشترین تکیه بر نیروی انسانی است. یعنی یک کشور اگر می‌خواهد به معنای واقعی بازسازی کند، باید بیشترین تکیه و بیشترین نگاه و توجهش، به انسان و نیروی انسانی باشد. وقتی که صحبت از نیروی انسانی است، باید توجه کنیم که نصف جمعیت

کشور و نیمی از نیروی انسانی، بانوان کشورند. اگر بینش غلطی در مورد زن وجود داشته باشد، بازسازی به معنای حقیقی و در سطح وسیع آن، شدنی نیست. هم خود بانوان کشور باید نسبت به موضوع زن از نظر اسلام، دارای آگاهی کافی و لازم باشند، تا بتوانند با اتکا به نظر والای دین مقدس اسلام، از حقوق خود به طور کامل دفاع کنند، و هم همه‌ی افراد جامعه و مردان در کشور اسلامی باید بدانند که نظر اسلام در مورد زن، حضور زن در عرصه‌های زندگی، فعالیت زنان، تحصیل زنان، کار و تلاش اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و علمی زنان، نقش زن در خانواده و نقش زن در بیرون از خانواده چیست.

🌸 شأن اسلامی زن را ابتدا خود بانوان باید بشناسند!

درباره‌ی همه‌ی اینها، اسلام یک نظر روشن و صریح دارد که اگر بخواهیم با نظر فرهنگهای دیگر، از جمله فرهنگ غربی مقایسه کنیم، نظر اسلام، هم مترقی‌تر است و هم سابقه‌ی بینش اسلامی، از آنچه که امروز در مرد هست، بیشتر است و هم نظر اسلام موجب آبادی و صلاح و فلاح کشور و موجب اعتلای هر چه بیشتر بانوان در کشور می‌شود. خواهران عزیز! توجه بفرمایید؛ مخصوصاً من اصرار دارم که زنان جوان و کسانی که دارای همت و شور و انگیزه‌ی بیشتری هستند، درست توجه بفرمایند، تا آن قدری که اقتضای این جلسه است، در این باره مطالب کوتاهی را عرض کنم.

نظر اسلام در مورد زندگی انسان و شأن زنان، در سه بخش قابل تقسیم است. من بارها این مطالب را بیان کرده‌ام؛ اما اصرار دارم که هر چه بیشتر این مطلب مهم در مورد بانوان کشور مطرح شود. آن کسی که بیشتر باید در این مورد فعال باشد، خود زنان جامعه‌ی ما هستند. خواهران عزیز و دختران من! اعتقاد این است که اگر در بخشی از جامعه‌ی اسلامی - چه در ایران و چه در بعضی کشورهای دیگر - نسبت به زن مسلمان، کوتاهی‌هایی صورت می‌گیرد، قدری تقصیر مردان و قدری هم تقصیر خود بانوان است؛ چون آن کسی که باید شأن اسلامی زن را بشناسد و از آن دفاع کند، در درجه‌ی اول خود بانوان هستند. باید بدانند که خدا و قرآن و اسلام، درباره‌ی آنها چه قضاوتی دارد، از آنها چه می‌خواهد، مسؤولیت آنها را چه چیزی معین می‌کند و از آنچه که اسلام فرموده و خواسته، دفاع کنند و بخواهند. اگر نخواهند، کسانی که به هیچ ارزشی پایبند نیستند، به خود اجازه خواهند داد که به زن ستم کنند؛ کما این که امروز در دنیای غرب و در زیر سایه‌ی نظامهای مادی آن دیار، با وجود شعارهایی که نسبت به زن می‌دهند، بیشترین ظلم را مردان غربی به زنان می‌کنند؛ پدر به دخترش، برادر به خواهرش، شوهر به زنش. بیشترین ستم و تعرض و تعدی نسبت به زنان و همسران و خواهران و یا حتی دخترانشان - طبق آمارهایی که در دنیا هست - از سوی مردانی است که در نظامهای غربی زندگی می‌کنند. یعنی اگر در نظامی ارزشهای معنوی حاکم نباشد، خدا در دلها نباشد، مرد با تکیه بر قدرت جسمانی، راه خود را برای ظلم و تعدی به زن باز می‌بیند.

چیزی که مانع است، دو چیز است: یکی ملاحظه‌ی خدا و قانون و ایمان و امثال اینها، و یکی هم خود زن که حقوق انسانی و الهی خود را درست بشناسد و از آن دفاع کند و خود را به معنای حقیقی کلمه بطلبد.

در این مورد، اسلام یک حدّ میانه و بدون افراط و تفریط را ارائه می‌دهد. نه به زن اجازه‌ی ظلم کردن می‌دهد و نه طبیعت زن و مرد را نادیده می‌گیرد. خطّ مستقیم و صراط مستقیم، همان خطّ اسلامی است که من به صورت کوتاه آن را تشریح می‌کنم.

سه عرصه برای فعالیت زنان در اسلام

الف) تکامل و رشد معنوی خود زن

در اسلام، برای فعالیت زنان، سه عرصه معین شده است. اول، عرصه‌ی تکامل و رشد معنوی خود زن است. زن و مرد در این بخش، هیچ تفاوتی در میدان رشد و تکامل معنوی ندارند. یعنی مرد می‌تواند به عالیترین مقامات از لحاظ معنوی برسد؛ زن هم می‌تواند به بالاترین مقامات از لحاظ معنوی برسد. مرد می‌تواند به حدّ علی بن ابی طالب علیه السلام برسد و زن می‌تواند به حدّ فاطمه‌ی زهرا سلام الله علیها برسد.

ب) نمونه های قرآنی در این عرصه

قرآن کریم، وقتی می‌خواهد نمونه‌ای برای انسانهای با ایمان ذکر کند، آن را از میان مردان ذکر نمی‌کند؛ از میان زنان ذکر می‌کند: «و ضرب الله مثلاً للذین امنوا امرأة فرعون» (۳۵۸). خدای متعال در این جا، دو زن را به عنوان دو نمونه از انسانهای برجسته و مؤمن - نه از زنان برجسته - ذکر می‌کند. یعنی در صحنه‌ی انسانیت و تکامل معنوی، خدای متعال وقتی می‌خواهد نمونه‌ی ممتازی بیان کند، سخن از پیامبران و مردان بزرگ و شخصیت‌های علمی و دینی نمی‌کند؛ بلکه سخن از دو زن به میان می‌آورد که یکی از آن دو زن، زن فرعون است. «أذ قالت رب ابن لی عندک بیتاً فی الجنة» (۳۵۹)؛ زنی در مقام مبارزه با قدرت طاغوتی شوهرش، زنی با استقلال کامل که زیر بار شوهر متجاوز و قدرتمند و فرعون صفت و فرعون نام خود نمی‌رود. عظمت این زن، این جاست که شوهر نمی‌تواند راه گمراهی را بر او تحمیل کند؛ اگرچه آن شوهر، شخصی در حدّ فرعون با آن قدرت و با آن شخصیت باشد. میلیونها مرد، زیر دست فرعون و محکوم اراده‌ی اویند؛ اما همسر خود این مرد، در خانه محکوم اراده‌ی او نیست؛ آزاد است، به خدا ایمان می‌آورد، راه فرعون را ترک می‌گوید و راه خدا و راه حق را انتخاب می‌کند. لذا به عنوان یک موجود و یک انسان برجسته، نه فقط از میان زنان، بلکه از میان همه‌ی بنی نوع بشر انتخاب می‌شود. زن دیگر، مریم مادر عیسی و دختر عمران است. «مریم ابنة عمران» (۳۶۰). مریم، زنی جوان است که در مقابل تهمت و نگاه سوء ظن آلوده‌ی همه‌ی مردم شهر و منطقه‌ی خود، مثل کوه می‌ایستد و کلمه الله و روح را که خدای متعال با قدرت کامله‌ی خود در دامن پاک او گذاشته است، بر روی دست می‌گیرد و مثل نورافکنی فرزند خود را بر دنیای تاریک آن زمان می‌افکند. این دو زن، دنیا را نور باران می‌کنند. این، نشان دهنده‌ی آن است که در میدان عظیم و محشر وسیعی که همه‌ی انسانها، از اولین و آخرین جمع شده‌اند؛ وقتی خدای



متعال می‌خواهد دو انسان را از مجموع همه‌ی انسانها انتخاب کند و به عنوان مثل و نمونه، آنها را معرفی کند، دو زن را انتخاب می‌کند؛ نه دو مرد را و نه یک مرد و یک زن را. در این کار، رازهایی است. پس، در عرصه‌ی اول - یعنی عرصه‌ی رشد معنوی و تعالی روحی و نفسانی انسان - میان زن و مرد فرقی نیست؛ زن مثل مرد، مرد هم مثل زن هر دو می‌توانند مدارج عالی معنویت و قرب به خدا را طی کنند. لذا در قرآن می‌فرماید: «ان المسلمین والمسلمات والمؤمنین والمؤمنات والقانتین والقانتات والصادقین والصادقات والصابرین والصابرات والخاشعین والخاشعات والمتصدّقین والمتصدّقات والّصائمین والّصائمات والحافظین فروجهنم والحافظات والذاکرین الله کثیراً والذاکرات» (۳۶۱). همه جا، مرد و زن در کنار هم قرار دارند. «اعدالله لهم مغفرة و اجراً عظیماً» (۳۶۲). این، صحنه‌ی اول است که در آن، میان زن و مرد هیچ تفاوتی نیست.

ب) عرصه فعالیت‌های اجتماعی زن

عرصه‌ی دوم، عرصه‌ی فعالیت‌های اجتماعی است؛ اعم از فعالیت اقتصادی، فعالیت سیاسی، فعالیت اجتماعی به معنای خاص، فعالیت علمی، درس خواندن، درس گفتن، تلاش کردن در راه خدا، مجاهدت کردن و همه‌ی میدانهای زندگی در صحن جامعه. در این جا هم میان مرد و زن در اجازه‌ی فعالیت‌های متنوع در همه‌ی میدانها، هیچ تفاوتی از نظر اسلام نیست. اگر کسی بگوید مرد می‌تواند درس بخواند، زن نمی‌تواند؛ مرد می‌تواند درس بگوید، زن نمی‌تواند؛ مرد می‌تواند فعالیت اقتصادی انجام دهد، زن نمی‌تواند؛ مرد می‌تواند فعالیت سیاسی کند، زن نمی‌تواند، منطبق اسلام را بیان نکرده و بر خلاف سخن اسلام حرف زده است. از نظر اسلام، در همه‌ی این فعالیت‌های مربوط به جامعه‌ی بشری و فعالیت‌های زندگی، زن و مرد دارای اجازه‌ی مشترک و همسان هستند. البته بعضی از کارها هست که باب زنان نیست؛ چون با ترکیب جسمانی آنها تطبیق نمی‌کند. بعضی از کارها هم هست که باب مردان نیست؛ چون با وضع اخلاقی و جسمی آنها تطبیق نمی‌کند. این موضوع ربطی به این ندارد که زن می‌تواند در میدان فعالیت‌های اجتماعی باشد یا نه. تقسیم کار، بر حسب امکانات و شوق و زمینه‌های اقتضای این کار است. اگر زن بخواهد شوق داشته باشد، می‌تواند فعالیت‌های گوناگون اجتماعی و آنچه که مربوط به جامعه است، انجام دهد.

البته در عرصه‌ی این فعالیت‌ها، اسلام حدودی را معین کرده است که این حدود، مربوط به زن و اجازه داشتن او برای فعالیت نیست؛ مربوط به اختلاط زن و مرد است که اسلام روی این مسأله حساسیت دارد. اسلام معتقد است که مرد و زن باید یک مرزبندی میان خودشان در همه جا - در خیابان، در اداره، در تجارخانه - داشته باشند. میان زن و مرد مسلمان، حجاب و مرزی معین شده است. اختلاط و امتزاج زن و مرد، مثل اختلاط و امتزاج مردان با هم و زنان با هم نیست. این را باید رعایت کنند. هم مرد باید رعایت کند و هم زن باید رعایت کند. اگر این حساسیت اسلام نسبت به روابط و نوع اختلاط مرد و زن

رعایت شود، همه‌ی کارهایی که مردان می‌توانند در عرصه‌ی اجتماعی انجام دهند، زنان هم - اگر قدرت جسمانی و شوق و فرصتش را داشته باشند - می‌توانند انجام دهند.

🏠 تحصیل دختران در رشته‌هایی که برای آنها مفید است

زنان می‌توانند تحصیلات عالی‌ه کنند. بعضیها خیال می‌کنند که دختران نباید تحصیل کنند. این، اشتباه و خطاست. دختران باید در رشته‌هایی که برای آنها مفید است و به آن علاقه و شوق دارند، تحصیل کنند. جامعه، به تحصیلات دختران هم نیازمند است؛ همچنان که به تحصیلات پسران نیازمند است. البته محیط تحصیل باید سالم باشد؛ هم برای پسر و هم برای دختر. دانشگاه باید برای فرزندان مردم امنیت داشته باشد؛ چه دختر و چه پسر. کوچه و خیابان باید از لحاظ ناموسی و اخلاقی امنیت داشته باشد؛ چه برای دختران و چه برای پسران؛ فرق نمی‌کند. در صورتی که این امنیت حاصل شود، آن وقت در محیط امن، در کوچه و بازار امن، در دانشگاه امن، در دبیرستان امن که امنیت اخلاقی و فکری تأمین شده است - و مسؤولان و پدران و مادران باید آن را تأمین کنند - دختر مسلمان، پسر مسلمان، مرد مسلمان، زن مسلمان می‌توانند فعالیت خودشان را بکنند.

🏠 حجاب برای امنیت پیدا کردن زن

برای این که آن اختلاطی که قبلاً گفتم، پیش نیاید و حدود اخلاقی حفظ شود، اسلام برای زن حجاب را معین کرده است. خود این حجاب، یکی از وسایل امنیت است. با حجاب زن مسلمان، هم خود زن مسلمان امنیت پیدا می‌کند و هم مردان مسلمان امنیت پیدا می‌کنند. آن جایی که حجاب را از زنان دور می‌کنند، آن جایی که زن را به عریانی و برهنگی نزدیک می‌کنند، در درجه‌ی اول، امنیت از خود زن و در درجه‌ی بعد، از مردان و جوانان گرفته خواهد شد. برای این که محیط سالم و دارای امنیت باشد؛ زن بتواند کار خود را در جامعه انجام دهد، مرد هم بتواند مسؤولیتهای خود را انجام دهد، اسلام حجاب را معین کرده است که این حجاب، یکی از آن احکام برجسته‌ی اسلام است و یکی از فوایدش همین است که گفتم. فواید فراوان دیگری هم دارد که در بخش بعد، اگر به یاد آمد و فرصت شد، اشاره‌ای خواهیم کرد.

پس، در عرصه‌ی دوم - که عرصه‌ی فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی و علمی و فعالیت‌های گوناگون است - زن مسلمان مثل مرد مسلمان حق دارد آنچه را که اقتضای زمان است، آن خلأیی را که احساس می‌کند، آن وظیفه‌ای را که بر دوش خود حس می‌کند، انجام دهد. چنانچه دختری مثلاً مایل است پزشک شود، یا فعالیت اقتصادی کند، یا در رشته‌های علمی کار کند، یا در دانشگاه تدریس کند، یا در کارهای سیاسی وارد شود، یا روزنامه‌نگار شود، برای او میدانها باز است. به شرط رعایت عفت و عفاف و عدم اختلاط و امتزاج زن و مرد، در جامعه‌ی اسلامی میدان برای زن و مرد باز است. شاهد بر این معنا، همه‌ی آثار اسلامی است که در این زمینه‌ها وجود دارد و همه‌ی تکالیف اسلامی است که زن و مرد را به طور یکسان،



از مسؤولیت اجتماعی برخوردار می‌کند. این که می‌فرماید: «من اصبح لا یهتم بامور المسلمین فلیس بمسلم» (۳۶۳)، مخصوص مردان نیست؛ زنان هم باید به امور مسلمانان و جامعه‌ی اسلامی و امور جهان اسلام و همه‌ی مسائلی که در دنیا می‌گذرد، احساس مسؤولیت کنند و اهتمام نمایند؛ چون وظیفه‌ی اسلامی است.

فعالیت اجتماعی زنان، بازگرداندن نیمی از نیروی فعال به جامعه

بر اساس آیه‌ی شریفه‌ی سوره‌ی احزاب فرق نمی‌کند؛ چه اسلام، چه ایمان، چه قنوت، چه خشوع، چه تصدق، چه صوم، چه صبر و استقامت، چه حفظ ناموس، چه ذکر خدا، زن و مرد در این بخشها یکسانند. فعالیت زنان در عرصه‌ی اجتماع، فعالیت‌ی کاملاً مباح و روا و مطلوب و مجاز است که با حفظ حدود اسلامی، اینها را انجام دهند و نیمی از نیروی فعال جامعه را به جامعه تقدیم کنند. آن وقتی که در جامعه، هم مرد تحصیل می‌کند و هم زن، جمعیت تحصیل کرده، دو برابر آن زمانی است که فقط مردان تحصیل می‌کنند. آن وقتی که زنان در جامعه تدریس می‌کنند، معلم در جامعه دو برابر تعداد آن وقتی است که فقط مردان تدریس می‌کنند. در فعالیت سازندگی، در فعالیت اقتصادی، در طراحی و فکر کردن و برای امور کشور و یک شهر و یک روستا و یک مجموعه و امور شخصی خانواده مطالعه کردن، میان زن و مرد تفاوتی نیست. همه مسؤولند و همه باید انجام دهند.

مالکیت زن بر ثروت خود در اسلام

دختران مسلمان و زنان مؤمن! این را هم بگویم: اروپایی که امروز ادعا می‌کند زن در آن جا آزاد است، تا نیم قرن پیش به زن اجازه نمی‌داد که در مال شخصی خودش تصرف کند! یعنی مثلاً یک زن اروپایی یا امریکایی، تا پنجاه، شصت سال قبل از این، اگر میلیونها ثروت داشت، خودش حق نداشت که از این ثروت، به میل و اراده‌ی خودش استفاده کند؛ باید در اختیار شوهر یا پدر و یا برادرش می‌گذاشت و آنها هم به میل خودشان از ثروت آن خانم - یا برای او و یا برای خودشان - استفاده می‌کردند! در اسلام، این طور نیست. در اسلام، زن مالک ثروت خود است. شوهرش راضی باشد، یا راضی نباشد؛ پدرش راضی باشد، یا راضی نباشد - فرقی نمی‌کند - او می‌تواند ثروت و مال و اندوخته‌ی خود را مصرف کند و ربطی به کس دیگری ندارد. نظر اسلام، این است. در حمایت از استقلال اقتصادی زنان، دنیا سیزده قرن است که از اسلام عقب است. اسلام این را سیزده قرن قبل گفته است؛ ولی در اروپا تازه چهل، پنجاه سال و در بعضی از کشورها کمتر از این مدت است که تازه شروع کرده‌اند به زن اجازه دهند که در مال و ملک خود، دخل و تصرف کنند! اسلام، از این جهت هم جلو است.

ج) نقش زن در خانواده

بخش سوم - که آن هم بسیار مهم است - بخش خانواده است. به نقش زن در اعتلای معنوی اشاره کردیم و حکم اسلامی هر نوع فعالیت اجتماعی را گفتیم؛ اما در این بخش، نقش زن در خانواده را مطرح می‌کنیم؛ یعنی زن بعنوان یک همسر یا یک مادر. این جا واقعاً احکام اسلام به قدری درخشان و افتخارآمیز است که انسان وقتی احکام اسلام را مشاهده می‌کند، احساس اعتزاز می‌نماید.

زن به عنوان یک زوجه و یک همسر، در مراحل مختلف مورد توجه و عنایت ویژه‌ی اسلامی قرار دارد. در درجه‌ی اول، مسأله‌ی انتخاب همسر است. به نظر اسلام، زن در انتخاب همسر آزاد است و هیچ کس نمی‌تواند در مورد انتخاب همسر، بر هیچ زنی چیزی را تحمیل کند. یعنی حتی برادران زن، پدر زن - خویشاوندان دورتر که جای خود دارند - اگر بخواهند بر او تحمیل کنند که تو حتماً باید با شخص مورد نظر ازدواج کنی، نمی‌توانند و چنین حقی را ندارند. این، نظر اسلام است.

کارهای مسلمانان جاهل ربطی به اسلام ندارد

البته در جامعه‌ی اسلامی، در طول زمان، عادات جاهلی و غلط بوده است؛ الان هم در بعضی از کشورها هست و در کشور خود ما هم در بعضی از جاها - مثل مناطقی از شهرهای مرکزی کشور، مناطقی در خوزستان و جاهای دیگر - عادات غلطی وجود دارد. فرض بفرمایید - آن طوری که اطلاع دارم - در بعضی از عشایر، پسر عموی هر دختری حق دارد که در مورد ازدواج آن دختر، اظهار نظر کند! این، غلط است. اسلام، چنین اجازه‌ای را به هیچ کس نمی‌دهد. آنچه را که مسلمانان جاهل انجام می‌دهند، کسی نباید به حساب اسلام بگذارد. اینها عادات جاهلی است. مسلمانان جاهل، با تکیه بر آداب و عادات جاهلیت، کارهایی انجام می‌دهند که ربطی به اسلام و احکام نورانی آن ندارد. اگر کسی دختری را مجبور کند که باید با پسر عمویت ازدواج کنی، کار خلاف کرده است. اگر کسی به عنوان این که پسر عموی دختری است، به خودش حق بدهد که او را از ازدواج کردن نهی کند و بگوید چون با من ازدواج نکردی، پس من اجازه‌ی ازدواج به تو نمی‌دهم، این پسر عمو و هر کس که به او کمک کند، فعل حرام خلاف شرع کرده است. اینها، خلاف شرع بین است و فقهای اسلام، در این مورد اختلاف نظر ندارند.

اگر فرض کنیم کسی از قبیله‌ای، برای این که اختلافات خود را با قبیله‌ی دیگر حل کند - فرض کنید دعوا و اختلاف و خونریزی بوده است - حل این اختلاف و فصل این نزاع را به این قرار دهد که دختری را از این قبیله به آن قبیله بدهند؛ بدون این که از خود دختر اجازه بگیرند، این کار خلاف شرع است. البته یک وقت از خود دختر اجازه می‌گیرند؛ اشکالی ندارد. دختری است، خودش مایل است و حرفی ندارد که با جوانی از قبیله‌ی دیگر ازدواج کند که ضمناً با این ازدواج، اختلاف و نزاع هم از بین برود. این، ایراد و مانعی ندارد؛ اهلاً و سهلاً. اما اگر بخواهند دختری را به این کار مجبور کنند، این کار، خلاف شرع و خلاف احکام اسلامی است.

احکام اسلام برای تشکیل خانواده، در جهت کمک به زنان

ملاحظه می‌کنید که احکام اسلام در انتخاب همسر، از اول تشکیل خانواده، در جهت کمک به زنان است. چون بعضی از مردان، نسبت به زنان زورگویی و ظلم و تعدی می‌کردند، اسلام در مقابل این ظلم و تعدی ایستاده است. وقتی که عائله تشکیل می‌شود، در داخل عائله، از نظر اسلام، زن و شوهر دو شریک زندگی هستند و باید نسبت به یکدیگر با محبت رفتار کنند. مرد حق ندارد به زن زور بگوید؛ زن هم حق ندارد به مرد زور بگوید. احکام و مقررات اسلامی، در مورد ارتباطات زن و مرد در داخل عائله و خانواده، بسیار دقیق و ظریف است. خدای متعال، با توجه به طبیعت زن و مرد، با توجه به مصالح جامعه‌ی اسلامی، با توجه به مصالح زن و مرد، این احکام را معین کرده است. مرد فقط در چند مورد - که من یک مورد را تصریح می‌کنم و یکی، دو مورد دیگر را تصریح نمی‌کنم - حق دارد به زن دستور بدهد و زن موظف است که دستور را عمل کند. آن موردی که تصریح می‌کنم، این است که مرد می‌تواند از خروج زن از خانه بدون اجازه‌ی خود جلوگیری کند؛ به شرط این که در هنگام عقد ازدواج، شرطی در این مورد انجام نگرفته باشد. اگر شرطی در بین نباشد، مرد می‌تواند مانع شود. این، یکی از آن رازهای دقیق احکام الهی است و این، حق فقط به شوهر داده شده و حتی به پدر هم داده نشده است. پدر نمی‌تواند دختر خود را موظف کند که اگر خواست بیرون برود، از او اجازه بگیرد. پدر چنین حقی ندارد، یا برادر چنین حقی نسبت به خواهر ندارد؛ اما شوهر این حق را نسبت به زن دارد. البته در هنگام صیغه‌ی عقد، زنان می‌توانند شروطی را به عنوان شرط عقد ازدواج ذکر کنند. این شروط را هم زن و هم مرد موظفند که عمل کنند. بنابراین، اگر شرط کردند، آن بحث دیگری است؛ اما در درجه‌ی اول، این طور است. یکی، دو مورد دیگر هم هست که زن موظف است در آن موارد، از مرد اطاعت کند.

مصلحت بشر در گرو رعایت روحیات زن و مرد

اینها همه به خاطر طبیعت زن و مرد است. طبیعت زن و مرد، هر کدام ویژگی‌ای دارد. در داخل خانواده، کار و روحیات مرد را نباید از زنان توقع کرد؛ روحیات زن را هم در خانواده نباید کسی از مرد توقع کند. هر کدام یک خصوصیات طبیعی و روحی دارند که مصلحت بشر، مصلحت جامعه، مصلحت نظام اجتماعی زن و مرد این است که روحیات و خصوصیات مرد و زن در تعامل اینها در داخل خانواده دقیقاً رعایت شود؛ که اگر رعایت شد، هم این خوشبخت است و هم آن. اما کسی به کسی حق ظلم کردن، زور گفتن و استخدام کردن ندارد. بعضی از مردان خیال می‌کنند که زن وظیفه دارد همه‌ی کارهای مربوط به آنها را انجام دهد. البته در محیط خانواده، زن و مردی که به هم علاقه دارند، با کمال میل و شوق، کارها و خدمات یکدیگر را انجام می‌دهند؛ اما انجام دادن از روی میل، غیر از این است که کسی احساس کند، یا این طور عمل کند که گویا وظیفه‌ی زن است که باید مثل یک مستخدم، خدمت مرد را به آن شکل انجام دهد. چنین چیزی در اسلام وجود ندارد.

مسئله تربیت فرزند، وظیفه زن در خانواده

از جمله وظایفی که برعهده‌ی زنان در داخل خانه و خانواده است، مسأله‌ی تربیت فرزند است. زنانی که به خاطر فعالیت‌های خارج از خانواده، از آوردن فرزند استنکاف می‌کنند، برخلاف طبیعت بشری و زنانه‌ی خود اقدام می‌کنند. خداوند به این راضی نیست. کسانی که فرزند و تربیت فرزند و شیردادن به بچه و در آغوش مهر و عطوفت بزرگ کردن فرزند را برای کارهایی که خیلی متوقف به وجود آنها هم نیست، رها می‌کنند، دچار اشتباه شده‌اند. بهترین روش تربیت فرزند انسان، این است که در آغوش مادر و با استفاده از مهر و محبت او پرورش پیدا کند. زنانی که فرزند خود را از چنین موهبت الهی محروم می‌کنند، اشتباه می‌کنند؛ هم به ضرر فرزندشان، هم به ضرر خودشان و هم به ضرر جامعه اقدام کرده‌اند. اسلام، این را اجازه نمی‌دهد. یکی از وظایف مهم زن، عبارت از این است که فرزند را با عواطف، با تربیت صحیح، با دل دادن و رعایت و دقت، آن چنان بار بیاورد که این موجود انسانی - چه دختر و چه پسر - وقتی که بزرگ شد، از لحاظ روحی، یک انسان سالم، بدون عقده، بدون گرفتاری، بدون احساس ذلت و بدون بدبختیها و فلاکتها و بلایایی که امروز نسلهای جوان و نوجوان غربی در اروپا و امریکا به آن گرفتارند، بار آمده باشد.

زن غربی قدر خانواده را ندانست

عزیزان من! شما ببینید زنان غربی، به خاطر این که به خانواده اهمیت ندادند، به تربیت فرزند اهمیت ندادند، امروز کار جوامع غربی به جایی رسیده است که میلیونها نوجوان تبهکار و فاسد در کشورهای اروپایی و امریکایی، در زیر سایه‌ی آن تمدن مادی، آن کاخهای سربرافراشته، آن پایگاههای اتمی، آن آسمانخراشهای صدوچند طبقه، آن پیشرفتهای علمی و تکنولوژیک، در سن ده سالگی، دوازده سالگی مشغول تبهکاریند؛ دزدند، قاتلند، قاچاقچینند، معتادند، سیگار می‌کشند، حشیش می‌کشند! این، به خاطر چیست؟ به خاطر آن است که زن غربی، قدر خانواده را ندانست.

در گذشته، وضع زنان غربی این‌طور نبود. از سی، چهل، پنجاه سال قبل، وضع زنان غربی - بخصوص در امریکا و بعضی از کشورهای اروپایی - روزبه‌روز بدتر شد. آن روزی که زنان غربی این راه غلط را شروع نمودند، فکر نمی‌کردند که سی سال دیگر، چهل سال دیگر، پنجاه سال دیگر، کشور و جامعه‌ی آنها، دچار چنین وضعی شود که نوجوان دوازده ساله، هفت‌تیر ببندد، یا چاقوی ضامن‌دار در جیب خود بگذارد و به هنگام شب یا روز، در گوشه و کنار خیابانهای نیویورک یا لندن یا بقیه‌ی شهرهای غربی، اگر توانست کسی را بکشد، بدون هیچ ملاحظه‌ای بکشد! وضعشان به این جا رسیده است. وقتی خانواده از هم پاشید، وضعیت این گونه می‌شود.

زن عنصر اصلی تشکیل خانواده

در واقع، خانواده را هم زن به وجود می‌آورد و اداره می‌کند؛ این را بدانید. آن عنصر اصلی تشکیل خانواده،



زن است، نه مرد. بدون مرد، ممکن است خانواده‌ای باشد. یعنی اگر فرض کنیم در خانواده‌ای، مرد خانواده حضور نداشته باشد، یا از دنیا رفته باشد، زن خانواده اگر عاقل و با تدبیر و خانه‌دار باشد، خانواده را حفظ می‌کند؛ اما اگر زن از خانواده‌ای گرفته شد، مرد نمی‌تواند خانواده را حفظ کند. بنابراین، خانواده را زن حفظ می‌کند.

علت این که اسلام این قدر به نقش زن در داخل خانواده اهمیت می‌دهد، همین است که زن اگر به خانواده پایبند شد، علاقه نشان داد، به تربیت فرزند اهمیت داد، به بچه‌های خود رسید، آنها را شیر داد، آنها را در آغوش خود بزرگ کرد، برای آنها آذوقه‌های فرهنگی - قصص، احکام، حکایتهای قرآنی، ماجراهای آموزنده - فراهم کرد و در هر فرصتی به فرزندان خود مثل غذای جسمانی چشاند، نسلها در آن جامعه، بالنده و رشید خواهند شد. این، هنر زن است و منافاتی هم با درس خواندن و درس گفتن و کار کردن و ورود در سیاست و امثال اینها ندارد.

منافات نداشتن فعالیت اجتماعی زن با رسیدگی به خانواده

در صدر اسلام، زن در میدان جنگ، علاوه بر بستن زخم مجروحان - که این کار بیشتر بر عهده‌ی زنان بود - حتی گاهی با نقاب، در میدان جنگ و رزمهای دشوار آن روز، شمشیر هم می‌زد! در عین حال در داخل خانه، فرزندان خود را هم در آغوش می‌گرفت، تربیت اسلامی هم می‌کرد، حجاب خود را هم حفظ می‌کرد؛ چون اینها منافاتی با هم ندارد. اگر کسی درست توجه کند، خواهد دید که منافاتی ندارد. بعضی افراط می‌کنند، بعضی تفریط می‌کنند. بعضی می‌گویند چون فعالیت اجتماعی اجازه نمی‌دهد به خانه و شوهر و فرزند برسیم، پس فعالیت اجتماعی نباید بکنیم. بعضی می‌گویند چون خانه و شوهر و فرزند، اجازه نمی‌دهد فعالیت اجتماعی بکنیم، پس شوهر و فرزند را باید رها کنیم. هر دو غلط است. نه این را به خاطر آن، نه آن را به خاطر این، نباید از دست داد.

زن مسلمان، در عائله وظایفی دارد و آن، همان رکنیت اساسی خانواده و تربیت فرزندان و هدایت و تقویت روحی شوهر است. در دوران مبارزات ضد رژیم طاغوت در ایران، خیلیها در میدان مبارزه بودند، ولی زنان آنها نگذاشتند که آنها مبارزه را ادامه دهند؛ به خاطر این که طاقت نداشتند سختیهای مبارزه را تحمل کنند؛ گذشت هم نداشتند. خیلیها هم به عکس، شوهران خود را به ایستادگی در راه مبارزه تشویق می‌کردند، آنها را کمک می‌کردند و برای آنها تقویت و پشتیبانی روحی می‌آفریدند. در سال ۵۶ و ۵۷، آن روزی که خیابانها و کوچه‌ها از اجتماعات مردم پر شده بود، زنان در بسیج و فرستادن شوهران و فرزندان خودشان به میدانهای مبارزه و تظاهرات، نقش حیاتی داشتند.

مادران در دوران انقلاب و در جنگ تحمیلی، فرزندان خود را به سربازان جانباز و شجاع در راه اسلام و مسلمین تبدیل کردند، و همسران در دوران انقلاب و دوران جنگ تحمیلی، شوهران خود را به انسانهای مقاوم و مستحکم مبدل ساختند. این است نقش و تأثیر زن بر روی فرزند و شوهر. این، نقشی است که

زن می‌تواند در داخل خانواده ایفا کند و جزو بزرگترین نقشه‌هاست و به نظر من از همه‌ی کارهای زن مهمتر، همین کار است. از همه‌ی کارهای زن مهمتر، تربیت فرزندان و تقویت روحی شوهران برای ورود در میدانهای بزرگ است، و خدا را شکر می‌کنیم که زن ایرانی و مسلمان، در این میدان هم بیشترین هنر را نشان داده است.

البته زنان شجاع و آگاه و مقاوم و صبور ایران، در دوران انقلاب، در دوران جنگ - چه در پشت جبهه، چه در جبهه، چه در داخل خانه‌ها - و کلاً در همه‌ی میدانها، حضوری فعال داشتند. امروز هم در میدان سیاست، در میدان فرهنگ، در میدان انقلاب، در فعالیتهای مقابل چشم دشمنان جهانی، زنان ما حضور فعال دارند. امروز اجتماع عظیم شما در این جا، یک مفهوم فرهنگی، یک مفهوم سیاسی و یک مفهوم اجتماعی دارد. آن کسانی که قضایای کشور عزیز ما و نظام جمهوری اسلامی را تحلیل می‌کنند، وقتی این اجتماع عظیم، این اراده‌های استوار، این آگاهی و این شور و شوق را از شما مشاهده می‌کنند، نسبت به ایران بزرگ و ملت عظیم الشان ایران و نظام مقدس جمهوری اسلامی، احساس تعظیم و ستایش خواهند کرد.

هدف انقلاب اسلامی از طرح مسأله حقوق زن و راهکارهای انقلاب برای آن

- فاطمه زهرا (سلام الله علیها) سرور همه زنان عالم
- تجلیل از زن ایرانی بعد از انقلاب
- دو سؤال ضروری در حوزه خانواده
- دو هدف فرهنگی و حقوقی برای رسیدن زن به نقطه مطلوب
- برای دفاع از زن چه شعارها و مطالباتی باید داشته باشیم
- الزامات حرکت اجتماعی
- تصورات اشتباه برای فعالیت در حوزه زنان
- تکامل انسانی جنسیت بردار نیست!
- اسلام طرفدار عدالت و تعادل در زمینه زن و مرد
- گرفتاری زن غربی در افراط و تفریط
- تزلزل بنیان خانواده، بزرگترین بلای گریبان گیر غرب
- احقاق حقوق زنان در جامعه بر مبنای اسلامی نه مبنای بی منطق غربی
- و...

هدف انقلاب اسلامی از طرح مسأله حقوق زن و راهکارهای انقلاب برای آن *

فاطمه زهرا (سلام الله علیها) سرور همه زنان عالم

ولادت باسعادت کوثر نور و معرفت، حضرت صدیقه طاهره مرضیه مطهره، فاطمه زهرا سلام الله علیها را به همه شما حضار گرامی و به همه مردم مسلمان، بخصوص بانوان کشور اسلامی تبریک عرض می‌کنم. این ولادت بزرگ، یکی از بزرگترین عیدهای اسلامی است؛ چون فاطمه زهرا سلام الله علیها یک شخصیت برجسته و بزرگ و طراز اول اسلامی است؛ در حقیقت یک شخصیت طراز اول در طول تاریخ بشر است. همچنان که از قول نبی اکرم علیه و علی آله الصلوة والسلام گفته شده است که به فاطمه زهرا فرمودند: «اما ترضی عن تکونی سیدة نساء العالمین»^۱؛ تو سیده و بانوی همه زنان جهان در طول تاریخ هستی. خود فاطمه زهرا سلام الله علیها سؤال می‌کند: «فکیف مریم»؛ چگونه مریم سیده نساء است، که در قرآن هم تصریح شده است؟ حضرت می‌فرمایند مریم سیده زنان زمان خود بود و تو سیده زنان همه تاریخ هستی. اگر شخصیت فاطمه زهرا سلام الله علیها برای ذهنهای ساده و چشمهای نزدیک بین ما آشکار می‌شد، ما هم تصدیق می‌کردیم که فاطمه زهرا سلام الله علیها سرور همه زنان عالم است؛ بانویی که در سنین کم و در عمر کوتاه، به مقامات معنوی و علمی و معرفتی و به مرتبه‌ای برسد که برابر مرتبه انبیا و اولیاست. در واقع فاطمه زهرا فجر درخشانی است که از گریبان او، خورشید امامت و ولایت و نبوت درخشیده است؛ آسمان بلند و رفیعی است که در آغوش آن، ستاره‌های فروزان ولایت قرار گرفته است. همه ائمه علیهم السلام برای مادر بزرگوار خود تکریم و تجلیلی قائل بودند که برای کمتر کسی این همه احترام و تجلیل را از آن بزرگواران می‌شود دید.

بنابراین، این یک عید اسلامی و یک عید بشری است و بخصوص برای مردم ما نکته اساسی تری دارد و آن این که زنان کشور ما، با آشنایی با زندگی فاطمه زهرا سلام الله علیها و معرفت و مبارزات و سخنان حکمت آمیز آن بزرگوار، راهی را در مقابل خود ترسیم کرده اند، از آن راه حرکت کرده اند و بیشتر هم بایستی پیش بروند. لذا من امروز صحبتی که در این مجمع عظیم شما بانوان گرامی می خواهم عرض کنم، درباره مسائل بانوان و مسأله زن در کشور ما و در زمان ما و در منطق اسلام است.

تجلیل از زن ایرانی بعد از انقلاب

البته از بعد از پیروزی انقلاب، درباره مسأله زن و تلاش برای دفاع از حقوق زنان، فعالیت های زیادی شده است. در حقیقت باید گفت که بعد از انقلاب، از زن ایرانی تجلیل شده است. پیشقراول این تجلیل هم امام بزرگوار بود که با همه وجود برای زن ایرانی مسلمان ارزش و احترام قائل بود. همین بینش بود که موجب شد زنان کشور در انقلاب اسلامی سهم بزرگی را ایفا کردند؛ به طوری که اگر حضور زنان در نهضت انقلابی ملت ایران نمی بود، به احتمال زیاد این انقلاب به این شکل پیروز نمی شد؛ یا اصلاً پیروز نمی شد، یا مشکلات بزرگی در سر راه آن پدید می آمد. بنابراین، حضور زنان مشکل گشا بود. در جنگ هم همین طور بود، در مسائل دیگر از اول انقلاب تا به حال هم همین گونه بوده است. بنابراین، تلاش زیادی شده است؛ لیکن در عین حال درباره مسأله ی زن، حقوق زن، رفع ستم از زنان و فراهم کردن زمینه های مناسب برای زنان کشورمان، لازم است کار فرهنگی بزرگی انجام گیرد. من امروز با این نیت این بحث را می کنم که به ایجاد این فضای فرهنگی کمک شود.

اگر فضای فرهنگی جامعه در زمینه مسائل زن، شفاف شود و احکام اسلامی و نظرات قرآنی در این زمینه روشن گردد، راه هموار خواهد شد، برای این که بانوان کشور ما بتوانند به آن نقطه ای که برای یک زن، آرمانی و غایت مطلوب است، برسند. اگر چه بحث است، سخن است، گفتن است، اما در واقع عمل است؛ زیرا این گفتن، فضای فرهنگی جامعه را شفاف خواهد کرد و ذهنها را روشن خواهد نمود.

دو سؤال ضروری در حوزه خانواده

در این سالهای اخیر، در فضای فکری و فرهنگی کشور و در زمینه مسائل زنان، تلاش قابل تقدیری را مشاهده می کنیم؛ اما یک سؤال اساسی وجود دارد: ما که برای حقوق زنان یا برای فراهم کردن زمینه های تکامل و رفع ستم از زنان و درباره آنان صحبت می کنیم، هدفمان چیست؟ هدف از این تلاشها، از این نوشتنها و گفتنها و فعالیت های قانونی چیست؟ این یک سؤال است که حتماً باید به آن جواب داده شود.

سؤال دوم این است: برای این که در جامعه، زن به جایگاه حقیقی خود نائل شود، ما چه شعارهایی را می خواهیم مطرح کنیم و از چه وسایلی می خواهیم استفاده کنیم؟ چون امروز در کشورهای غربی و

همچنین در کشورهایی که با فرهنگ غربی و در حال و هوای کشورهای غربی حرکت و زندگی می‌کنند، چیزی به نام نهضت حقوق زنان وجود دارد؛ آن جا هم زن‌گرایی، نهضت به اصطلاح فمینیسم و زن‌گرایی با نیت و هدف دفاع از حقوق زنان امروز مطرح است. آیا آنچه ما امروز در ایران اسلامی مشاهده می‌کنیم، همان است؟ این شبیه آن است، یا با آن متفاوت است؟ باید سؤال جدی‌ای نسبت به این مسأله بشود و پاسخی جدی نیز به آن داده شود. من امروز در این زمینه قدری صحبت می‌کنم و آنچه را که نظر اسلام در این باره است، به صورت خلاصه و مختصر عرض خواهم کرد.

🏠 دو هدف فرهنگی و حقوقی برای رسیدن زن به نقطه مطلوب

برای تلاش فرهنگی و حقوقی در راه رسیدن زن به نقطه مطلوب، از لحاظ اجتماعی و از لحاظ فردی دو گونه هدف می‌شود تصویر کرد:

یک هدف این است که ما برای رسیدن زن به کمال و جودی خود تلاش کنیم، به مبارزه پردازیم و بنویسیم و بگوییم. یعنی زن در جامعه، اولاً به حق انسانی و حقیقی خود برسد؛ ثانیاً استعدادهای او شکوفا شود و رشد حقیقی و انسانی پیدا کند و در نهایت به تکامل انسانی نائل گردد. زن در جامعه به صورت انسان کامل در آید؛ انسانی که می‌تواند به پیشرفت بشریت و جامعه خود کمک کند و در محدوده تواناییهای خود، دنیا را به بهشت برین و زیبایی مبدل سازد.

یک نوع هدف دیگر این است که ما از این گفتن و تلاش کردن و احیاناً به مبارزه پرداختن بخواهیم یک نوع حالت تخاصم و جدایی و رقابت خصمانه میان دو جنس زن و مرد به وجود آوریم و دنیایی بر اساس رقابت بسازیم؛ کانه در جامعه بشری، مردان یک طرف قرار دارند، زنان هم در طرف دیگر و اینها بر سر دستاوردی با هم نزاع می‌کنند و زن می‌خواهد در این قسمت بر مرد غالب و فائق شود! آیا هدف این است؟

پس، دو دیدگاه در مورد هدف این تلاش و این حرکت - یا اگر تعبیر کنیم این نهضت - می‌تواند ترسیم شود: هدف اول، هدف اسلامی است؛ هدف دوم، هدف کوتاه‌بینانه است، که در تلاشهایی که در کشورهای غربی می‌شود، مارت پای هدف دوم را بیشتر مشاهده می‌کنیم. در خلال صحبت، توضیح بیشتری در این زمینه داده خواهد شد. این یک سؤال است که باید روشن شود؛ هدف از این تلاش برای زن یا برای حقوق زنان چیست؟

🏠 برای دفاع از زن چه شعارها و مطالباتی باید داشته باشیم

سؤال دوم - که آن هم به همین اندازه دارای اهمیت است - این است که ما وقتی به نام زن سخن می‌گوییم و به دفاع از زن می‌پردازیم، چه شعارهایی را مطرح می‌سازیم، چه چیزی را مطالبه می‌کنیم و برای چه چیزی تلاش می‌نماییم؟ این هم خیلی مهم است. در این جا هم روش اسلامی - یعنی آن چیزی

که از مباحث اسلامی درباره زن و تعاریف اسلامی و معارف اسلامی می‌شود فهمید - با آن چیزی که امروز در غرب وجود دارد، متفاوت است.

آنچه در غرب با عنوان شعار وجود دارد، در درجه اول آزادی زن است. آزادی، معنای وسیعی را شامل می‌شود؛ هم شامل آزادی از اسارت است، هم شامل آزادی از اخلاق است - چون اخلاق هم یک قید و بند است - هم آزادی از نفوذ مبنی بر سوء استفاده کارفرمایی است که زن را با مزد کمتری به کارگاه می‌کشد و هم شامل آزادی از قوانینی است که زن را در مقابل شوهر، متعهد می‌کند. آزادی، به همه این معانی می‌تواند باشد. کمالین که در همین شعارهایی که نسبت به زن وجود دارد، طیف وسیعی از این مطالبات و درخواستها هست، که بعضی با یکدیگر به کلی مناقضند. این آزادی معنایش چیست؟

متأسفانه در دنیای غرب، بیشتر متفاهم از این آزادی، آزادی به معنای نادرست و مضر آن است - یعنی آزادی از قید و بندهای خانوادگی، آزادی از نفوذ مطلق مرد، آزادی از حتی قید ازدواج و تشکیل خانواده و پرورش فرزندان در آن جایی که هدف شهوانی زودگذری در مقابل قرار گیرد - نه آزادی به معنای صحیح آن. لذا شما می‌بینید جزو حرفهایی که در دنیای غرب زده می‌شود، مسأله آزادی سقط جنین است، که این نکته بسیار مهمی است و با این که ظاهر ساده و کوچکی دارد، اما باطن بسیار خطرناک و سهمگینی در این سخن مضمّر و مندرج است. این، وسیله و شعار و مطالبه‌ای است که در غرب غالباً مطرح می‌شود؛ لذا می‌گویند نهضت آزادی زنان. در نظام صحیح، در یک مطالبه و مبارزه صحیح، هدف نمی‌تواند این معنای وسیعی باشد که یک بخش آن قطعاً مضر است؛ اگر چه ممکن است بخشهای مفیدی هم در آن باشد. باید به دنبال شعارهایی بهتر، مناسبتر، صحیحتر و گره‌گشا تر گشت.

الزامات حرکت اجتماعی

نقطه اصلی سخنم به شما بانوان عزیز، مخصوصاً خانمهای جوان است که هم سالهای طولانی‌ای را در این دنیا زندگی خواهید کرد و هم باید از امکاناتی که خداوند متعال در این عالم برای تکامل انسان به وجود آورده است، بهره ببرید؛ باید آن را درست بشناسید و راه آن را درست بدانید؛ پس احتیاج به فکر کردن دارید. همچنین برای شما مسأله مبارزه جهت رفع ستم از زنان مطرح خواهد شد؛ لذا باید بدانید که آنچه مطرح می‌شود چیست؟ آنچه لازم است چیست؟ آنچه مضر است چیست؟ بنابراین این نکته برای شما مهم است.

در هر حرکت اجتماعی، آن وقتی حرکت درست خواهد بود و به نتایج درست خواهد رسید که مبنی بر خرد و تأمل و تشخیص و مصلحت و مبتنی بر پایه‌های درست و عقلانی باشد. در هر حرکتی که به قصد احقاق حق زنان انجام می‌گیرد، عیناً باید همین معنا ملاحظه شود؛ یعنی باید هر گونه حرکتی، بر اساس یک بینش خردمندانه، مبتنی بر حقایق هستی - شناسایی طبیعت و فطرت زن و طبیعت و فطرت مرد، مسؤولیتها و مشاغل اختصاصی زن، مسؤولیتها و مشاغل اختصاصی مرد و آنچه می‌تواند مشترک بین

اینها باشد - انجام گیرد و از روی انفعال و تقلید نباشد. اگر حرکت، حرکتی از روی انفعال و تقلید و تصمیم کورکورانه و چشم بسته باشد، حتماً مضر خواهد بود.

تصورات اشتباه برای فعالیت در حوزه زنان

اگر در کشور ما و جامعه ایرانی، کسانی نام زن و حقوق زن را از این جهت بیاورند که مجلات غربی، یا گزارشهای غربی، یا سیاسیون غربی، ایران اسلامی را متهم کرده‌اند به این که به حقوق زن نمی‌رسد، این غلط است. با این هدف نباید وارد این میدان شد؛ چون به انحراف و اشتباه خواهد انجامید. اگر ما با این قصد، وارد این میدان دفاع از زن شویم که از غریبه‌ها عقب نیفتیم، اشتباه خواهیم کرد. اگر به این قصد وارد شویم که آنها به ما نظر بد و منفی نداشته باشند، اشتباه خواهیم کرد. اگر با این تصور و توهم وارد این میدان شویم که خیال کنیم آنها در این زمینه راه صواب پیموده‌اند و راه درست را پیدا کرده‌اند، به شدت اشتباه خواهیم کرد. با این هدفها و با این نیتها وارد این میدان نباید شد؛ چون مبتنی بر اشتباه است. متأسفانه امروز من می‌بینم بعضی از مقالاتی که به عنوان دفاع از زن نوشته می‌شود و بعضی از سخنانی که به عنوان احقاق حقوق بانوان بر زبان جاری می‌گردد، کاملاً از موضع انفعال است؛ چون غریبه‌ها این طور گفته‌اند، چون اروپاییها این گونه نوشته‌اند، چون به ما این طور نسبت داده‌اند. اگر ما هم در مقام دفاع حرفی بزنیم و راهی را بپیماییم، این کاملاً منحرف کننده و اغواکننده است. ما باید ببینیم حقایقی که در عالم وجود دارد - که بیشترین این حقایق هم در تعالیم اسلامی نهفته است - چیست؟

تکامل انسانی جنسیت بردار نیست!

اسلام طرفدار تکامل بشر است. برای اسلام، زن و مرد هیچ فرقی ندارد. برای اسلام، جنس زن یا جنس مرد مطرح نیست؛ تکامل انسانی مطرح است. یک جا سخن از مرد گفته می‌شود، یک جا سخن از زن. به یک مناسبت از زن تجلیل می‌شود، به یک مناسبت از مرد؛ چون دو حصه پیکره بشرند، دو بخش وجود بشری هستند. از لحاظ جنبه‌ی بشری و جنبه‌ی الهی، هیچ تفاوتی با همدیگر ندارند. لذا در قرآن آن وقتی که می‌خواهد راجع به انسانهای خوب یا انسانهای بد مثل بزند، از زن مثل می‌آورد: «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأةً نوح و امْرَأةً لوط»^۲. در مورد کسانی هم که مؤمن هستند، مثال می‌زند؛ «امْرَأةً فرعون»^۳. در هر دو جا، مثال و نمونه کامل راه خطا و راه صواب را از زن ذکر می‌کند؛ یک جا هم راجع به مردان سخن می‌گوید.

اسلام طرفدار عدالت و تعادل در زمینه زن و مرد

برای اسلام، جنس - زن بودن و مرد بودن - مطرح نیست؛ تعالی بشری مطرح است، اخلاق بشری مطرح است، بروز استعدادها مطرح است، انجام وظایفی که به هر کسی یا هر جنسی از جنسهای بشری متوجه

است، مطرح است، که برای این باید طبعاً طبیعتها را شناخت. اسلام، طبیعت زن و طبیعت مرد را هم به خوبی می‌شناسد. در اسلام آنچه که مطرح است، عبارت است از تعادل؛ یعنی رعایت عدالت محض میان افراد بشر، از جمله میان جنس زن و جنس مرد. برابری در حقوق مطرح است، اما در جایی ممکن است احکام زن با احکام مرد متفاوت باشد؛ همچنان که طبیعت زن با طبیعت مرد در بعضی از خصوصیات متفاوت است. بنابراین، بیشترین حقایق و بیشترین واقعیتهای فطرت و طینت بشری در مورد زن و مرد، در معارف اسلامی است.

اگر ما امروز بخواهیم برای زنان کشورمان، یک حرکت حقیقی و اساسی بکنیم، تا زنان بتوانند به وضع مطلوب خودشان برسند، باید به احکام اسلامی نظر داشته باشیم و از آن الهام بگیریم. برای ما، روش را احکام اسلام معین می‌کند. هر روش خردمندانه عقلایی را هم اسلام می‌پسندد و قبول دارد. اگر تجربه‌ای در جایی باشد، مورد قبول است؛ اما تقلید نه. استفاده خردمندانه از تجربیات دیگران درست؛ اما تقلید، غلط. لذا امروز کسانی که برای حقوق زن و برای رشد و شکوفایی استعدادهای زنان در کشور ما تلاش می‌کنند - که البته هم باید این تلاش انجام بگیرد - باید بدانند چه هدفی را دنبال می‌کنند و چه شعارهایی را باید مطرح نمایند.

🏠 گرفتاری زن غربی در افراط و تفریط

اول من نکته‌ای را در مورد گرفتاریهای غربیان و فرهنگ غربی در این زمینه عرض کنم، بعد به نظر اسلام اشاره نمایم. غربیها در زمینه شناخت طبیعت زن و چگونگی برخورد با جنس زن، دچار افراط و تفریط بوده‌اند. اساساً نگرش غربی نسبت به زن، یک نگرش مبنی بر عدم برابری و عدم تعادل است. شما به شعارهایی که در غرب داده می‌شود، نگاه نکنید؛ این شعارها پوچ است و حاکی از واقعیت نیست. فرهنگ غربی را از این شعارها نمی‌شود فهمید. فرهنگ غربی را باید در ادبیات غربی جستجو کرد. کسانی که با ادبیات اروپایی، با شعر اروپایی، با رمان و داستان و نمایشنامه‌های اروپایی آشنا هستند، می‌دانند که در چشم فرهنگ اروپایی، از دوران قرون وسطی و بعد از آن تا اواسط قرن فعلی، زن موجود درجه دوم بوده است! هر چه بر خلاف این ادعا کنند، خلاف می‌گویند. شما به نمایشنامه‌های معروف شکسپیر انگلیسی نگاه کنید، ببینید با چه نفسی و با چه زبانی و با چه دیدی در این نمایشنامه‌ها و سایر ادبیات غربی به زن نگاه می‌شود! مرد در ادبیات غربی، سرور و ارباب زن و اختیاردار اوست، که بعضی از نمونه‌های این فرهنگ و آثار آن، امروز هم باقی است.

امروز هم وقتی زنی با مردی ازدواج می‌کند و به خانه شوهر می‌رود، حتی نام خانوادگی او عوض می‌شود و نام خانوادگی مرد را بر خود می‌گذارد. زن تا وقتی نام خانوادگی خود را دارد که شوهر نکرده است؛ وقتی شوهر کرد، نام خانوادگی زن به نام خانوادگی مرد تبدیل می‌شود. این رسم غربیهاست؛ در کشور ما این طور نبوده، هنوز هم نیست. زن هویت خانوادگی خودش را با خودش حفظ می‌کند؛ ولو بعد از ازدواج. آن،

نشانه همان فرهنگ قدیمی غربی است که مرد سرور زن است.

در فرهنگ اروپایی، وقتی زن با همه موجودی و املاک خود ازدواج می‌کرد و به خانه شوهر می‌رفت، نه فقط جسم او در اختیار شوهر قرار می‌گرفت، بلکه تمام اموال و املاک و داراییهای او هم که از پدر و خانواده‌اش به او رسیده بود، متعلق به شوهر می‌شد! این حقیقتی است که غربیها نمی‌توانند آن را انکار کنند. این در فرهنگ غربی بود. در فرهنگ غربی، زن وقتی به خانه شوهر می‌رفت، شوهر در واقع اختیار جان او را هم داشت! لذا شما در داستانهای غربی و در اشعار اروپایی بسیار می‌بینید که شوهر به خاطر یک اختلاف اخلاقی، همسر خود را می‌کشد و کسی هم او را ملامت نمی‌کند! دختر در خانه پدر هم حق هیچ گونه گزینشی را نداشت.

البته در همان زمان هم در میان غربیها معاشرتهای زن و مرد تا حدودی آزاد بود، ولی اختیار ازدواج و اختیار انتخاب شوهر، یکسره به دست پدر بود. در همان نمایشنامه‌هایی که اشاره کردم، آنچه که شما می‌بینید، همین است: دختری است که مجبور به ازدواج شده است؛ زنی است که از طرف شوهر خود به قتل رسیده است؛ خانواده‌ای است که زن در آن در نهایت فشار است. آنچه که هست، از همین قبیل است. این، ادبیات غربی است. تا اواسط قرن فعلی، همین فرهنگ ادامه داشته؛ اگر چه از اواخر قرن نوزدهم میلادی، حرکت‌هایی به نام آزادی زنان شروع شده است.

بانوان گرامی؛ بخصوص زنان جوان که می‌خواهند در این زمینه‌ها فکر بیندیشند، درست توجه کنند. نکته مهم این است که حتی وقتی در اروپا برای زن حق مالکیت معین شد - طبق بررسی موشکافانه جامعه‌شناسان خود اروپا - به خاطر این بود که کارخانه‌ها که تازه بساط فناوری مدرن و صنعت در غرب را گسترده بودند، احتیاج به کارگر داشتند؛ اما کارگر کم بود و احتیاج به کارگر زیاد احساس می‌شد. لذا برای این که زنان را به کارخانجات بکشانند و از نیروی کارشان استفاده کنند - که البته مزد کمتری هم همیشه به زنان می‌دادند - اعلان شد که زن دارای حق مالکیت است! در اوایل قرن بیستم بود که اروپاییان حق مالکیت را به زن دادند. این، آن نگرش افراطی و غلط و ظالمانه نسبت به زن در غرب و در اروپاست.

یک افراط این چنین، در مقابل تفریط هم دارد. وقتی نهضتی به نفع زنان در چنان فضایی به وجود می‌آید، طبعاً دچار تفریط‌هایی از طرف مقابل می‌شود. لذا شما می‌بینید در طول چند ده سال، آن چنان فساد و بی‌بندی و باری در غرب به وسیله آزادی زنان به راه افتاد و رواج پیدا کرد که خود متفکران غربی را دچار وحشت کرد! امروز دلسوزان و مصلحان، انسانهای خردمند و بانگیزه در کشورهای غربی، از آنچه پیش آمده است، متوحش و ناراحتند و البته نمی‌توانند هم جلو آن را بگیرند. به عنوان این که می‌خواهند به زن خدمت کنند، بزرگترین ضربه را به زندگی او وارد آوردند. چرا؟ به خاطر این که با بی‌بندوباری، با اشاعه فساد و فحشا و با آزادی بی‌قید و شرط معاشرت زن و مرد، بنیان خانواده متلاشی شد. مردی که می‌تواند آزادانه در جامعه اطفای شهوت کند و زنی که می‌تواند بدون هیچ ایراد و اشکالی در جامعه با مردان

گوناگون تماس داشته باشد، هرگز در خانواده، همسران خوب و شایسته‌ای نخواهند بود. لذا بساط خانواده متلاشی شد.

🔷 تزلزل بنیان خانواده، بزرگترین بلای گریبان گیر غرب

امروز یکی از بزرگترین بلاهایی که گریبان کشورهای غربی را به شدت گرفته و آنها را به وضعیت نامطلوب شدیدی دچار کرده، مسأله خانواده است. لذا هر مردی که شعار خانواده بدهد، از نظر غربیها و بخصوص از نظر زنان در غرب، یک فرد مطلوب و یک مرد محبوب است. چرا؟ چون از تزلزل بنیاد خانواده رنج می‌برند؛ به خاطر این که متأسفانه غرب، خانواده؛ یعنی کانونی را که برای مرد و زن و بخصوص برای زن محیط امن و آرامش است، از دست داده است. بسیاری از خانواده‌ها متلاشی شده‌اند. بسیاری از زنان تا آخر عمر تنها زندگی می‌کنند. بسیاری از مردان، زن مورد علاقه و مورد نظر خود را نمی‌یابند و بسیاری از ازدواجها در اولین سالهای پیدایش از بین می‌رود.

خانواده‌ها آن ریشه‌ها و پایه‌های عمیق را که در کشورهای ما وجود دارد، امروز کمتر در غرب دارند. آن خانواده‌ای که پدر بزرگ، مادر بزرگ، نوه‌ها، خویشاوندان، پسر عموها، دختر عموها و سایر شعبش با هم باشند، هم را بشناسند و با هم ارتباط داشته باشند، امروز در غرب بسیار کمیاب است. زن و شوهر هم با یکدیگر صمیمیت لازم را ندارند. این بلایی است که با کارهای غلط، با حرکت افراطی از آن طرف که در مقابل افراطهای قبلی انجام گرفت، بر جامعه بشری نازل شد و بیشتر از همه بر سر زن غربی آمد.

🔷 احقاق حقوق زنان در جامعه بر مبنای اسلامی نه مبنای بی‌منطق غربی

در حقیقت، نهضت دفاع از زنان در غرب، یک حرکت دستپاچه، یک حرکت بی‌منطق، یک حرکت مبتنی بر جهالت، بدون تکیه به سنتهای الهی و بدون تکیه به فطرت و طینت زن و مرد بود که در نهایت به ضرر همه تمام شد؛ هم به ضرر زنان، هم به ضرر مردان، و بیشتر به ضرر زنان. این قابل تقلید نیست. این فرهنگی نیست که در کشور اسلامی کسی به آن نگاه کند و بخواهد از آن چیزی یاد بگیرد؛ این را باید طرد کرد.

آری؛ حرکت در جهت احقاق حقوق زنان در جوامع اسلامی و در جامعه ما حتماً باید انجام گیرد؛ منتها بر مبنای اسلامی و با هدف اسلامی. یک عده نگویند که این چه نهضتی است، این چه حرکتی است؛ مگر زن در جامعه ما چه کم دارد؟ متأسفانه ممکن است بعضی این گونه فکر کنند. این، ظاهر بینی است. زن در همه جوامع - از جمله در جامعه ما - گرفتار ستم و دچار کمبودهایی است که بر او تحمیل می‌شود؛ اما این کمبود، کمبود آزادی به معنای بی‌بندوباری نیست؛ این کمبود، کمبود میدانها و فرصتها برای علم و معرفت و تربیت و اخلاق و پیشرفت و شکوفایی استعدادهاست. این را باید تأمین و جستجو کرد. این همان چیزی است که اسلام بر روی آن تکیه کرده است.

🌟 پرورش زنان با عظمتی که دنیا و تاریخ را تحت تأثیر خود قرار دهند

اگر جامعه اسلامی بتواند زنان را با الگوی اسلامی تربیت کند - یعنی الگوی زهرایی، الگوی زینبی، زنان بزرگ، زنان با عظمت، زنانی که می‌توانند دنیا و تاریخی را تحت تأثیر خود قرار دهند - آن وقت زن به مقام شامخ حقیقی خود نائل آمده است. اگر زن در جامعه بتواند به علم و معرفت و کمالات معنوی و اخلاقی‌ای که خدای متعال و آیین الهی برای همه انسانها - چه مرد و چه زن - به طور یکسان در نظر گرفته است، برسد، تربیت فرزندان بهتر خواهد شد، محیط خانواده گرمتر و با صفا تر خواهد شد، جامعه پیشرفت بیشتری خواهد کرد و گره‌های زندگی آسانتر باز خواهد شد؛ یعنی زن و مرد خوشبخت خواهند شد. برای این باید تلاش کرد؛ هدف این است. هدف، صف‌آرایی زن در مقابل مرد نیست. هدف، رقابت خصمانه زن و مرد نیست. هدف این است که زنان و دختران بتوانند همان سیر و همان حرکتی را انجام دهند که وقتی مردان آن حرکت را انجام دهند، به صورت یک انسان بزرگ در خواهند آمد؛ زنان انسان بزرگ شوند. این ممکن است و در اسلام تجربه شده است.

خواهران من! دختران من! بانوان کشور اسلامی! بدانید، در هر زمانی، در هر محیط کوچکی و در هر خانواده‌ای که زنی با این تربیت توانست رشد کند، همان عظمت را پیدا کرد. مخصوصاً صدر اسلام نبود؛ حتی در دوران اختناق، حتی در دوران حاکمیت کفر هم این ممکن است. اگر خانواده‌ای توانستند دختر خودشان را درست تربیت کنند، این دختر یک انسان بزرگ شد. ما در ایران هم داشتیم، در زمان خودمان هم داشتیم، در خارج از ایران هم داشتیم. در همین زمان ما، یک زن جوان شجاع عالم متفکر هنرمندی به نام خانم «بنت‌الهدی» - خواهر شهید صدر - توانست تاریخی را تحت تأثیر خود قرار دهد، توانست در عراق مظلوم نقش ایفا کند؛ البته به شهادت هم رسید. عظمت زنی مثل بنت‌الهدی، از هیچیک از مردان شجاع و بزرگ کمتر نیست. حرکت او، حرکتی زنانه بود؛ حرکت آن مردان، حرکتی مردانه است؛ اما هر دو حرکت، حرکت تکاملی و حاکی از عظمت شخصیت و درخشش جوهر و ذات انسان است. این‌گونه زنهایی را باید تربیت کرد و پرورش داد.

در جامعه خودمان هم از این قبیل زنان زیاد داشتیم. در دوران اختناق هم کم‌وبیش داشتیم. در دوران مبارزات، بعد در دوران نظام اسلامی، زنان بزرگ؛ این‌زنانی که توانستند شهیدانی را پرورش دهند؛ این‌زنانی که توانستند شوهران یا فرزندان خود را به صورت انسانهای فداکاری در آورند که بروند و از کشور و انقلاب دفاع کنند؛ از هستی ملت و از آبروی ملت دفاع کنند. اینها زنان بزرگی هستند. این زنان بودند که توانستند این کار بزرگ را بکنند، و من موارد متعددی را شاهد بودم.

🌟 نتیجه نسخه غلط غربی برای زن و مرد

خیلی از کسانی که امروز به اصطلاح سنگ حقوق زن را به سینه می‌زنند، در واقع سنگ آزادی غربی و بی‌بندوباری را به سینه می‌زنند و از غربیها تقلید می‌کنند؛ همینهایی که گاهی چیزهایی هم می‌نویسند.

اینها از آن افتخارات سهمی نداشتند؛ از آن عظمتی که زن ایرانی در این هجده ساله بعد از پیروزی انقلاب نشان داده و آفریده است، سهمی نداشتند و کار بزرگی نکردند. خیلی از اینها به فکر جیب خود، درآمد خود، کیف خود و وسایل آرایش و زینت خود بودند. اینها هیچ عظمتی ندارند. آن نسخه، نسخه غلطی است. اگر نسخه غربی در مورد زن درست بود، غربیها مجبور نمی شدند دوباره بعد از هفتاد، هشتاد سال، صد سال، مجدداً یک نهضت حقوق زنان راه بیندازند. مقصود، نهضتی است که سالهای اخیر به راه انداختند. الان ده، بیست سال است که مجدداً نهضت‌های دیگری به عنوان نهضت دفاع از حقوق زن و دفاع از آزادی زن به راه انداخته‌اند. چرا؟ اگر آزادی غربی برنامه موفقی بود، اگر دفاع از حقوق زن حقیقی بود، احتیاج به این نبود که بعد از صد سال دوباره عده‌ای بیایند نهضت به راه بیندازند و جنجال کنند. پس، آن نسخه غلط بود؛ نسخه فعلیشان هم غلط است و جز به بدبختی و مشکلتراشی برای زن و مرد - بخصوص برای زن - به چیزی نخواهد انجامید

سکون و آرامش مهمترین هدف زوجیت در طبیعت بشر

اماروش اسلامی این نیست. هدف اسلام در دفاع از حقوق زنان - همان طور که گفته شد - این است که زن تحت ستم نباشد و مرد خود را حاکم بر زن نداند. در خانواده، حدود و حقوقی هست. مرد حقوقی دارد، زن هم حقوقی دارد و این حقوق به شدت عادلانه و متوازن ترتیب داده شده است. آنچه به نام اسلام است و غلط است، آنها را نمی‌گوییم و از آنها دفاع نمی‌کنیم. آنچه متعلق به اسلام است، بینات اسلام و مسلمات اسلام است. اینها چیزهایی است که میان حقوق زن و مرد در داخل خانواده توازن قائل است. شما ببینید این آیه‌ی شریفه در مورد زن و مرد - عمدتاً در داخل خانواده - چه می‌فرماید. «و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً»^۴. یعنی از جمله‌ی نشانه‌های قدرت الهی یکی این است که برای شما انسانها، از نوع خودتان و از جنس خودتان همسرانی قرار داد؛ برای شما مردان، زنان را و برای شما زنان، مردان را. از خودتان هستند؛ «من انفسکم»، جنس جداگانه‌ای نیستند، در دو رتبه جداگانه نیستند؛ همه یک حقیقتند، یک جوهر و یک ذاتند. البته در بعضی از خصوصیات، با هم تفاوت‌هایی دارند؛ چون وظایفشان دو تاست. بعد می‌فرماید: «لتسکنوا الیها»^۵. یعنی زوجیت و دو جنسی در طبیعت بشر، برای هدف بزرگی است. آن هدف، عبارت است از سکون و آرامش، تا شما در کنار جنس مخالف خودتان در درون خانواده - مرد در کنار زن، زن در کنار مرد - آرامش پیدا کنید. برای مرد هم آمدن به داخل خانه، یافتن محیط امن خانه، زن مهربان و دوستدار و امین در کنار او، وسیله آرامش است؛ برای زن هم داشتن مرد و تکیه‌گاهی که به او عشق بورزد و برای او مانند حصن مستحکمی باشد - چون مرد جسماً قویتر از زن است - یک خوشبختی است؛ مایه آرامش و سعادت است. خانواده این را برای هر دو تأمین می‌کند. مرد برای پیدا کردن آرامش، به زن در محیط خانواده احتیاج دارد؛ زن هم برای یافتن آرامش، به مرد در محیط خانواده نیازمند است - «لتسکنوا الیها» - هر دو برای سکون و آرامش، به هم احتیاج دارند.

مهمترین چیزی که بشر به آن احتیاج دارد، آرامش است. سعادت انسان در این است که از تلاطم و اضطراب روحی در امان و آرامش روحی داشته باشد. این را خانواده به انسان می‌دهد؛ هم به زن و هم به مرد. جمله بعدی بسیار جالب و زیباست. می‌فرماید: «و جعل بینکم مودة و رحمة». رابطه درست زن و مرد این است: مودت و رحمت، رابطه دوستی، رابطه مهربانی؛ هم یکدیگر را دوست بدانند و به هم عشق بورزند و هم با یکدیگر مهربان باشند. عشق ورزیدن همراه با خشونت مورد قبول نیست؛ مهربانی بدون محبت هم مورد قبول نیست.

📌 **جلوگیری جامعه اسلامی از انواع ظلم‌ها به زن**

طبیعت الهی زن و مرد در محیط خانواده، طبیعتی است که برای زن و برای مرد رابطه‌ای فیما بین به وجود می‌آورد که آن رابطه، رابطه عشق و مهربانی است: «مودة و رحمة». اگر این رابطه تغییر پیدا کرد، اگر مرد در خانه احساس مالکیت کرد، اگر به چشم استخدام و استثمار به زن نگاه کرد، این ظلم است، که متأسفانه خیلی از مردان این ظلم را می‌کنند. در محیط بیرون خانواده نیز همین‌طور است. اگر زن محیط امن و توأم با امنیتی برای درس خواندن، برای کار کردن، برای احیاناً کسب درآمد و برای استراحت نداشته باشد، این ظلم و ستمکاری است. هر کس که موجب این ظلم شود، باید قانون و جامعه اسلامی با او مقابله کند.

چنانچه نگذارند زن به تحصیلات صحیح و به علم و معرفت دست پیدا کند، این ظلم است. اگر شرایط طوری باشد که زن فرصت پیدا نکند به خاطر زیادی کار و فشار کارهای گوناگون، به اخلاق خود، به دین خود و به معرفت خود برسد، این ظلم است. اگر زن امکان پیدا نکند که از مایملک خود به طور مستقل و با اراده خود استفاده کند، این ظلم است. اگر به زن در هنگام ازدواج، شوهری تحمیل شود - یعنی خود او در انتخاب شوهر نقشی نداشته باشد و اراده و میل او مورد اعتنا قرار نگیرد - این ظلم است. اگر زن، چه آن وقتی که داخل خانه با خانواده زندگی می‌کند و چه در صورتی که از شوهر جدا می‌شود، نتواند از فرزند خود بهره عاطفی لازم را ببرد، این ظلم است. اگر زن استعدادی دارد - مثلاً استعداد علمی دارد، استعداد برای اختراعات و اکتشافات دارد، استعداد سیاسی دارد، استعداد کارهای اجتماعی دارد - اما نمی‌گذراند از این استعداد استفاده کند و این استعداد شکوفا شود، ظلم است.

ممکن است انواع ظلم‌ها در جامعه وجود داشته باشد، که باید این ظلم‌ها برداشته شود؛ اما در عین حال به مسؤولیت زن و مسؤولیت مرد که در قبال هم هر دو مسؤولیتی به عنوان تشکیل خانواده دارند، باید به چشم اهمیت نگر بسته شود؛ چون خوشبختی زن و خوشبختی مرد در این است. بعضی خیال می‌کنند زن کمبودش این است که مشاغل بزرگ و سروصدا دار ندارد! خیر؛ مشکل زن این نیست. حتی آن زنی هم که شغل بزرگی دارد، به محیط امنی در خانواده، به یک شوهر مهربان با محبت، به یک تکیه‌گاه مطمئن عاطفی و روحی - که شوهر و مرد اوست - نیازمند است. طبیعت و نیاز عاطفی و روحی زن این است؛ باید

این نیاز برآورده شود.

مسئله‌ای مهمتر از شغل برای زن

مسئله شغل هم مسئله دیگری است؛ البته مسئله درجه اولی نیست. اگرچه اسلام مانع مشاغل و مسؤولیتهای زنان نیست - مگر در موارد استثنایی، که بعضی مورد اتفاق بین فقهاست، بعضی هم مختلف‌فیه است، و در این زمینه‌ها هم البته باید کار شود - لیکن مسئله اصلی زن این نیست که آیا شغلی دارد یا ندارد. مسئله اصلی زن، آن مسئله اساسی است که امروز در غرب متأسفانه از بین رفته است، و آن همان احساس آرامش و احساس امنیت و احساس امکان بروز استعداد و مورد ستم قرار نگرفتن در جامعه و در خانواده و در خانه شوهر و در خانه پدر و امثال اینهاست. کسانی که در خصوص مسئله زن تلاش می‌کنند، باید در این زمینه‌ها تلاش کنند.

چند نکته اساسی برای کسانی که در حوزه زنان فعالیت میکنند:

۱) اهمیت به رشد معنوی بانوان توسط خودشان

حال چند نکته اساسی را که باید مورد توجه باشد، عرض می‌کنم:

اولاً فکر رشد زنان از لحاظ معنوی و اخلاقی، بایستی یک فکر رایج در میان خود زنان باشد. خود بانوان باید بیشتر به این مسئله بیندیشند. خود آنها به معارف، به معلومات، به مطالعه و به مسائل اساسی زندگی رو کنند. همان تربیت غلط غربی موجب شد که در دوران حکومت طاغوت در این کشور، زنان به آرایش، تجملات، زینتهای بیخودی، تبرج و خودنمایی تمایل پیدا کنند، که این هم از نشانه‌های مردسالاری است. یکی از نشانه‌های مردسالاری غربیها همین است که زن را برای مرد می‌خواهند؛ لذا می‌گویند زن آرایش کند، تا مرد التذاذ ببرد! این مردسالاری است، این آزادی زن نیست؛ این در حقیقت آزادی مرد است. می‌خواهند مرد آزاد باشد، حتی برای التذاذ بصری؛ لذا زن را به کشف حجاب و آرایش و تبرج در مقابل مرد تشویق می‌کنند! البته این خودخواهی را بسیاری از مردان در جوامعی که از دین خدا بهره‌مند نبودند، از دورانهای قدیم هم داشتند، امروز هم دارند؛ غربیها هم مظهر اعلاهی این بودند. پس، این مسئله که زن به سمت معرفت، علم، مطالعه، آگاهی، کسب معلومات و معارف حرکت کند، باید در میان خود بانوان خیلی جدی گرفته شود و به آن اهمیت بدهند.

۲) اصلاح قوانین

دوم، اصلاح قوانین است. بعضی از قوانین در برخورد با زن و با مرد احتیاج به اصلاح دارد. باید کسانی که اهل این کارها هستند، مطالعه کنند، بررسی کنند و آن قوانین را درست کنند.

۳) تبیین نظر اسلام در مورد حقوق زن و مرد

یک مسأله دیگر که باز از کارهای لازم است، این است که نظر اسلام در مورد حقوق زن و حقوق مرد باید تبیین شود. خود بانوان هم در این زمینه باید کار کنند؛ اما بیشتر باید کسانی که در معارف اسلامی آگاهی دارند، تلاش کنند و بتوانند نظر اسلام را در آن جاهایی که حقوق زن و مرد متفاوت است، درست تبیین نمایند، تا هر کسی تصدیق کند که این دقیقاً براساس طبیعت و فطرت انسانی زن و مرد و بر طبق مصالح جامعه است. البته کارهای خوبی هم شده است؛ امروز هم باید با زبان امروز این کار بشود، و الا در گذشته هم در این زمینه کارهای خوبی انجام گرفته است و اگر کسی مطالعه و توجه کند، به همین اذعان و تصدیق هم خواهد رسید.

۴) اجتناب از بحث‌های انحرافی

نکته بعدی این است که از بحث‌های انحرافی در این زمینه‌ها باید اجتناب شود. بعضی کسان به عنوان این که از زن دفاع می‌کنند، به بحث‌های انحرافی کشانده می‌شوند و بعضی از مسائل از قبیل دیه و امثال اینها را مطرح می‌کنند؛ در حالی که اینها بحث‌های انحرافی است. نظر اسلام در مورد زن و مرد واضح و روشن است. همان طور که بیان شد، نظر اسلام در مورد خانواده کاملاً روشن است. این که کسی بیاید این طور مسائل را مطرح کند، جز دور کردن راه و منحرف کردن ذهنها هیچ فایده‌ای ندارد و کار صحیح و منطقی نیست. بحث‌های انحرافی نباید مطرح شود. این به نفع حرکت صحیح در این باره نیست.

۵) دفاع اخلاقی و قانونی از زن

یک نکته دیگر که باید مورد توجه باشد، دفاع اخلاقی و قانونی از زن، بخصوص در داخل خانواده است. دفاع قانونی با اصلاح قوانین - همان طور که گفته شد - و ایجاد قوانین لازم و دفاع اخلاقی با طرح این مسأله و مواجهه با کسانی که این را درست نمی‌فهمند و زن را در خانه، مستخدم مورد ستم مرد، بدون تمکن از خودسازی معنوی تلقی و این گونه هم عمل می‌کنند. باید با این فکر با قوت و شدت مقابله شود؛ البته به شکل کاملاً منطقی و عقلانی.

۶) اهمیت دادن به عفاف در زن

مسأله بعد، مسأله اهمیت دادن به عفاف در زن است. هر حرکتی که برای دفاع از زنان انجام می‌گیرد، باید رکن اصلی آن رعایت عفاف زن باشد. همان طور که عرض کردم، در غرب به خاطر این که به این نکته توجه نشد - یعنی مسأله عفت زنان مورد اهتمام قرار نگرفت و به آن اعتنایی نکردند - کار به این بی‌بند و باریها کشید. نباید بگذارند عفت زن - که مهمترین عنصر برای شخصیت زن است - مورد بی‌اعتنایی قرار گیرد. عفت در زن، وسیله‌ای برای تعالی و تکریم شخصیت زن در چشم دیگران، حتی در چشم خود مردان

شهو‌تران و بی‌بندوبار است. عفت زن، مایه احترام و شخصیت اوست. این مسأله حجاب و محرم و نامحرم و نگاه کردن و نگاه نکردن، همه به خاطر این است که قضیه عفاف در این بین سالم نگهداشته شود. اسلام به مسأله عفاف زن اهمیت می‌دهد. البته عفاف مرد هم مهم است. عفاف مخصوص زنان نیست؛ مردان هم باید عقیف باشند. منتها چون در جامعه، مرد به خاطر قدرت جسمانی و برتری جسمانی، می‌تواند به زن ظلم کند و برخلاف تمایل زن رفتار نماید، روی عفت زن بیشتر تکیه و احتیاط شده است.

❖ یکی از آمارهای وحشت‌انگیز زنان در آمریکا

شما امروز هم که در دنیا نگاه کنید، می‌بینید یکی از مشکلات زنان در دنیای غرب، بخصوص در کشور ایالات متحده آمریکا، همین است که مردان با تکیه به زورمندی خودشان، به عفت زن تعدی و تجاوز می‌کنند. آمار منتشر شده از سوی مقامات رسمی خود آمریکا را من دیدم که یکی مربوط به دادگستری آمریکا و یکی هم مربوط به یک مقام دیگری بود. آمارها واقعاً وحشت‌انگیز است. در هر شش ثانیه، یک تجاوز به عنف در کشور آمریکا صورت می‌گیرد! ببینید چقدر مسأله عفت مهم است و وقتی بی‌اعتنایی کردند، قضیه به کجا می‌رسد. هر شش ثانیه، یک تجاوز به عنف! برخلاف تمایل زن، مرد زورگو، ظالم، بی‌بندوبار و بی‌عفت بتواند به حریم عفت زن تعدی و تجاوز کند. اسلام اینها را ملاحظه می‌کند. مسأله حجاب که این همه مورد توجه اسلام است، به خاطر اینهاست. پس، مسأله حفظ عفاف و اهمیت دادن به حجاب و عفاف هم مسأله دیگری است.

(۷) تعلیم و تربیت عنصر برای بانوان

یک مسأله هم مسأله تعلیم و تربیت بانوان است. من بر این همیشه تأکید کرده‌ام. خوشبختانه امروز در جامعه ما، تعلیم و تربیت زنان رایج است؛ اما در عین حال هنوز خانواده‌هایی هستند که دختران خودشان را از تحصیل منع می‌کنند. اگر یک روز محیط‌های تحصیلی، محیط‌های ناسالمی بود، امروز بحمدالله در دوران اسلامی آن گونه نیست. باید اجازه بدهند که دختران درس بخوانند، مطالعه کنند، کتاب بخوانند، با معارف دینی و با معارف انسانی آشنا شوند و ذهن و مغزشان قوت و قدرت پیدا کند. این، کار بسیار لازمی است که باید انجام گیرد.

(۸) برخورد سخت با هر گونه ستم و تعدی به زن

نکته آخر این که جامعه، هم از لحاظ قانونی و هم از لحاظ اخلاقی، باید با کسانی که تعدی به زن را حق خودشان می‌دانند، برخورد سخت بکند؛ قانون هم باید در این زمینه مجازاتهای سختی را پیش‌بینی کند. باز همین جا من عرض کنم، در کشورهای غربی علی‌رغم این همه شعاری که می‌دهند، هنوز نتوانسته‌اند این را تأمین کنند. یعنی در داخل خانواده‌ها، زنانی که از دست شوهرانشان کتک می‌خورند

و دخترانی که از دست پدرانشان صدمه می‌بینند و مجروح می‌شوند، فراوانند. آمارهای تکان‌دهنده و وحشت‌آوری هم در این زمینه وجود دارد. منتها در آن جای یک چیز دیگر هم هست و آن قتلِ نفس است. راحت خون می‌ریزند، راحت می‌کشند، کشتن، آن قبحی را که در محیط اسلامی دارد، در آن محیط‌هایی که از معارف الهی بویی نبرده‌اند - متأسفانه - ندارد. کشتن زنان، یکی از بلیه‌های بسیار زشت و نفرت‌انگیزی است که در کشورهای غربی - به‌ویژه امریکا - رایج است. این کارها خوشبختانه در کشور ما به آن شدت نیست و جز موارد استثنایی، دیده نمی‌شود؛ اما به هر حال هر گونه ستم و هر گونه تعدی جسمانی‌ای نسبت به زن، باید با برخورد بسیار سختی مواجه شود، تا در این زمینه جامعه اسلامی ما به آن سطحی که اسلام خواسته است، برسد.

پیشرفت چند برابری در میدان‌هایی که زنان حضور پیدا میکنند

اگر کشور بتواند جامعه زنان را با تکیه بر تعلیمات اسلامی، با همان معارفی که اسلام خواسته است، آشنا کند، من تردیدی ندارم که پیشرفت و ترقی و تعالی کشور مضاعف و چند برابر خواهد شد. در هر میدانی که بانوان مسؤولانه وارد شوند، پیشرفت در آن میدان چند برابر خواهد شد. خصوصیت حضور خانمها در میدان‌های مختلف این است که وقتی زن خانواده وارد میدان می‌شود، یعنی همسر و فرزندانش او هم واردند. حضور مرد به این معنا نیست، اما حضور زن به این معناست. در هر میدانی که زن وارد شود - زنی که خانم و کدبانوی یک خانه است - در حقیقت همه آن خانه را در آن میدان وارد می‌کند. حضور زنان در بخش‌های مختلف بسیار مهم است.

امیدواریم که خداوند متعال به مسؤولان کشور، به قانونگذاران، به برنامه‌ریزان مسائل زنان و به کسانی که در زمینه مسائل زنان فعالیت می‌کنند، کمک کند و توفیق دهد، تا بتوانند راه درست اسلامی و صحیح را بدون تمایل و انعطاف به روش‌های غلط بیگانه و تحمیلی بیابند و ان شاء الله در آن راه حرکت کنند، و بانوان کشور ما بتوانند به آن وضع و سطحی که اسلام برای آنها خواسته است - که شامل خوشبختی مادی و معنوی و خوشبختی دنیا و آخرت است - برسند.

زن ایرانی باید هویت والای زن مسلمان را در پیش چشم دنیا زنده کند

❁ لزوم بازیابی هویت زن مسلمان با تأمل در

مفاهیم اسلامی

❁ زنان، پیشگامان حرکت معنوی انسانیت

❁ عقب افتادگی غرب از اسلام در زمینه حضور

سیاسی-اجتماعی زنان

❁ مراقبت از زن در خانه توسط مرد مانند گل

❁ طراوت بخشی به جامعه با همراهی زنان در انقلاب

❁ بدهکاری غرب به دنیا در خصوص زنان

❁ وظیفه امروز زنان مسلمان

❁ علت گرایش زنان کشورهای غیراسلامی به حجاب

زن ایرانی باید هویت والای زن مسلمان را در پیش چشم دنیا زنده کند *

لزوم بازیابی هویت زن مسلمان با تأمل در مفاهیم اسلامی

فرصت یادبود ولادت فاطمه زهرا سلام الله علیها فرصت مغتنمی برای زنان مسلمان است تا هویت زن مسلمان و ارزش والای زنان در نظر اسلام و در پرتو نظام اسلامی مورد توجه و مذاقه قرار گیرد. مثل همه موضوعات دیگر، موضوع زن هم دستمایه‌ای در دست سوداگران همه ارزشهای انسانی شده است. در دنیا و در رسانه‌های جمعی عالم، در طول سالهای متمادی، کسانی که نه برای زن، نه برای جنس انسان و نه برای کرامتهای انسانی، جز در محاسبه با پول ارزشی قائل نیستند - که متأسفانه در تمدن کنونی مغرب، نقش مهمی را در همه عرصه‌ها ایفا می‌کنند - مسأله زن را هم برای خودشان در میدانهای مختلف به صورت یک سرمایه و یک وسیله سوداگری در آورده‌اند؛ روی آن بحث می‌کنند، فرهنگ‌سازی می‌کنند، تبلیغ می‌کنند و ذهنهای مرد و زن همه دنیا را در سر دوراهی یک وسوسه و گمراهی بزرگ قرار می‌دهند. در چنین شرایطی، جا دارد زن مسلمان با تأمل در مفاهیم اسلامی و ارزشگذاریهای اسلامی و با دقت در خطوطی که در نظام اسلامی برای پیشرفت زنان و مردان پیش‌بینی شده است، هویت خود را بازیابی کند و قامت رسای استدلال را در مقابل سفسطه‌ها و وسوسه‌های عوامل صهیونیسم و سرمایه‌گذاری و زراندوزی به نمایش در آورد.

زنان، پیشگامان حرکت معنوی انسانیت

اسلام در مقابل جاهلیتی که به زن ظلم می‌کرد، ایستادگی کرد؛ هم در میدان معنویت و فکر و ارزشهای انسانی، هم در میدان حضور سیاسی و هم از همه بالاتر در عرصه خانواده. زن و مرد، ناگزیر اجتماع کوچکی

به نام خانواده دارند که اگر در جامعه‌ای ارزشگذاری درست صورت نگیرد، اولین نقطه‌ای که به زن ستم می‌شود، داخل خانواده است. در هر سه عرصه، اسلام ارزشگذاری کرده است.

در زمینه مسائل معنوی، زنان جزو پیشگامان حرکت معنوی انسان به سوی پیشرفت‌ها هستند. در قرآن وقتی می‌خواهد برای انسانهای مؤمن مثال بزند، می‌فرماید: «و ضرب الله مثلا للذین امنوا امرأة فرعون»؛^۱ از یک زن مثال می‌زند. آن جایی که بحث ایمان و اسلام و صبر و صدق و مجاهدت در راه به دست آوردن ارزشهای انسانی و اسلامی و معنوی است، می‌فرماید: «انّ المسلمین والسلمات و المؤمنین و المؤمنات و القانتین و القانتات و الصادقین و الصادقات و الصابرين و الصابرات».^۲ در این آیه ده عنوان برای ارزشهای معنوی ذکر می‌شود؛ اسلام، ایمان، قنوت، صدق، صبر، خشوع و دیگر چیزها. زن و مرد در این میدان، دوش به دوش حرکت می‌کنند و پیش می‌روند؛ هر دو را ذکر می‌کند. این بت‌مردگرایی را که در جاهلیت‌ها همیشه به وسیله مردان و حتی به وسیله زنان پرستیده می‌شد، اسلام در این آیات می‌شکند. در میدان مسائل سیاسی و اجتماعی، بیعت زن را یک امر لازم و یک مسأله زنده معرفی می‌کند.

عقب افتادگی غرب از اسلام در زمینه حضور سیاسی - اجتماعی زنان

شما ملاحظه کنید که در دنیای غرب و همین کشورهای اروپایی که این همه مدّعی دفاع از حقوق زنان هستند - که تقریباً همه‌اش هم دروغ است - تاده‌های اول این قرن که تمام شد، زنان نه فقط حق رأی نداشتند، نه فقط حق گفتن و انتخاب کردن نداشتند، حق مالکیت هم نداشتند. یعنی زن مالک اموال موروثی خودش هم نبود؛ اموال او در اختیار شوهر بود! در اسلام بیعت زن، مالکیت زن، حضور زن در این عرصه‌های اساسی سیاسی و اجتماعی، تثبیت شده است: «اذا جئک المؤمنات یبایعنک علی ان لا یشرکن بالله».^۳ زن‌ها می‌آمدند با پیغمبر بیعت می‌کردند. پیغمبر اسلام فرمود که مردها بیایند بیعت کنند و به تبع آنها، هر چه که آنها رأی دادند، هر چه که آنها پذیرفتند، زن‌ها هم مجبور باشند قبول کنند؛ نه. گفتند زن‌ها هم بیعت می‌کنند؛ آنها هم در قبول این حکومت، در قبول این نظم اجتماعی و سیاسی شرکت می‌کنند. غربی‌ها هزار و سیصد سال در این زمینه از اسلام عقبند و این ادعاهارا می‌کنند! در زمینه مالکیت نیز همین‌طور؛ و در زمینه‌های دیگری که مربوط به مسائل اجتماعی و سیاسی است.

خود الگوه فاطمه‌ی زهرا سلام‌الله‌علیها که در دوران کودکی، در بعد از هجرت پیغمبر به مدینه، در داخل مدینه و در همه‌ی قضایای عمومی آن روز پدرش - که مرکز همه حوادث سیاسی اجتماعی بود - حضور داشت، نشان‌دهنده نقش زن در نظام اسلامی است. البته فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها قلّه این فضائل است. زنان برجسته دیگری هم در صدر اسلام بودند؛ با معرفت، با خرد، با علم، حاضر در میدانها، حتی حاضر در میدانهای جنگ؛ حتی تعدادی که نیروی بدنی داشتند، حاضر در میدان دلاوری در جنگ؛ شمشیرزنی و سربازی. البته این را اسلام برای بانوان واجب نکرده و از دوش آنها برداشته است؛ چون با طبیعت جسمی و نیز با عواطف آنها سازگار نیست.

🌸 مراقبت مرد از زن در خانه مانند گل

در داخل خانواده هم، از نظر اسلام مرد موظف است که زن را مانند گلی مراقبت کند. می‌فرماید: «المرأة ریحانة»^۴ زن گل است. این مربوط به میدانهای سیاسی و اجتماعی و تحصیل علم و مبارزات گوناگون اجتماعی و سیاسی نیست؛ این مربوط به داخل خانواده است. «المرأة ریحانة و لیست بقهرمانة»^۵ این چشم و دید خطابینی را که گمان می‌کرد زن در داخل خانه موظف به انجام خدمات است، پیغمبر با این بیان تخطئه کرده است. زن مانند گلی است که باید او را مراقبت کرد. با این چشم باید به این موجود دارای لطافت‌های روحی و جسمی نگاه کرد. این نظر اسلام است. هم خصوصیت زنانگی زن که همه احساسات و خواسته‌های او بر اساس این خصوصیت زنانگی است، حفظ شده است، بر او تحمیل نشده است، از او خواسته نشده است، که در حالی که زن است، مثل مرد فکر کند، مثل مرد کار کند، مثل مرد بخواهد - یعنی خصوصیت زن بودن که یک خصوصیت طبیعی و فطری و محور همه احساسات و تلاش‌های زنانه است، در دید اسلامی حفظ شده - هم در عین حال، میدان علم، میدان معنویت، میدان تقوا، میدان سیاسی، بر روی او باز شده است و او، هم به کسب علم تشویق شده است، هم به حضور در میدانهای گوناگون اجتماعی و سیاسی. آن وقت در داخل خانواده هم به مرد گفته‌اند که حق تکلیف، تحمیل، زیاده‌روی، اعمال قدرتهای جاهلانه و غیر قانونی ندارد. این، آن نگاه اسلامی است.

🌸 طراوت بخشی به جامعه با همراهی زنان در انقلاب

با همین نگاه بود که وقتی نهضت اسلامی به مرحله انقلاب اسلامی رسید و زنان با همان برداشت طبیعی که از اسلام در جامعه زنانه بود، جلو افتادند؛ امام فرمودند - و درست هم فرمودند - که: اگر زنان در این نهضت همکاری نمی‌کردند، انقلاب هم پیروز نمی‌شد. یقیناً اگر زنها در داخل خیابانها و در راهپیماییهای عظیم حضور پیدا نمی‌کردند - آن حضور عظیم و باشکوه زنان در دوران انقلاب - انقلاب پیروز نمی‌شد. در جنگ تحمیلی اگر امثال همین مادر گرامی سه شهید و مادران شهیدان و همسران شهیدان - که من افتخار داشته‌ام با هزارها نفر اینها از نزدیک نشست و برخاست و گفتگو کنم و خصوصیات آنها را مشاهده کنم - ایمان خود، صبر خود، ایستادگی خود، معرفت خود و روشن بینی خود در قبال ضایعات جنگ و فداکار پهای جوانان و مردان را نشان نمی‌دادند، جنگ پیروز نمی‌شد. اگر مادران و همسران شهدایی صبری نشان می‌دادند، شوق جهاد در راه خدا و شهادت در دل مردها می‌خشکید؛ این گونه نمی‌جوشید؛ این گونه به جامعه طراوت نمی‌داد. در میدان جنگ هم زنان نقشهای درجه اول را ایفا کردند. اگر در طول انقلاب، وفاداری زنان، عواطف زنان، حضور زنان در میدانهای مختلف، در راهپیماییها و در انتخاباتها نمی‌بود، یقیناً این حرکت عظیم مردمی نمی‌توانست این گونه شکل پیدا کند و ادامه یابد. این نظر اسلام است، این نظر نظام اسلامی است.

🌸 **بدهکاری غرب به دنیا در خصوص زنان**

غربیها درباره جنس زن باید پاسخگو باشند؛ چون آنها به زن خیانت کردند. تمدن غربی به زن هیچ نداده است. اگر پیشرفت علمی، سیاسی و فکرای هم در زنان دیده می شود، مال خود زنهایست. در هر کشوری چنین پیشرفتهایی نصیب زنان شود - که در ایران اسلامی و در کشورهای دیگر هم شده است - مال خود زنهایست. آنچه که غربیها به آن دامن زدند و تمدن غربی پایه گذار خشت کج و بنای کجش بود، بی بندوباری و ابتذال زنانه است. زن را به ابتذال کشانده اند و داخل خانواده او را هم اصلاح نکرده اند. مکرر در مطبوعات امریکایی و اروپایی، میزان بالای زن آزاربها و شکنجه ها و بی مهریها منتشر شده است. فرهنگ غربی در مورد زن و بی بندوباری و به ابتذال کشاندن زنان آن مناطق، موجب شده است که بنیان خانواده، سست و متزلزل گردد و خیانت زن و مرد به یکدیگر، در داخل خانواده چندان مهم شمرده نشود. این گناه نیست؟ این خیانت به جنس زن نیست؟ با این فرهنگ، از همه دنیا هم طلبکارند؛ در حالی که باید بدهکار باشند! فرهنگ غربی در مورد زنان باید در موضع مدافع قرار گیرد؛ باید از خودش دفاع کند؛ باید توضیح بدهد؛ اما غلبه و سلطه سرمایه داری و رسانه های مستکبر جبار غربی قضیه را بعکس می کنند؛ آنها می شوند طلبکار؛ آنها می شوند مدافع حقوق زن به قول خودشان و به اصطلاح خودشان! در حالی که چنین چیزی نیست. البته در بین غربیها هم مسلماً متفکرانی، فلاسفه ای و انسانهای صادق و صالحی هستند که صادقانه فکر می کنند و حرف می زنند. آنچه که من می گویم، گرایش عمومی فرهنگ و تمدن غربی به زیان زن و علیه زن است.

🌸 **وظیفه امروز زنان مسلمان**

زن ایرانی در ایران اسلامی، باید کوششش این باشد که هویت والای زن اسلامی را آن چنان زنده کند که چشم دنیا را به خود جلب کند. این امروز وظیفه یی است بر دوش زنان مسلمان؛ بخصوص زنان جوان و دختران دانش آموز و دانشجو.

هویت اسلامی این است که زن در عین این که هویت و خصوصیت زنانه خود را حفظ می کند - که طبیعت و فطرت است و برای هر جنسی خصوصیات آن جنس ارزش است - یعنی آن احساسات رقیق را، عواطف جوشان را، آن مهر و محبت را، آن رقت را، آن صفا و درخشندگی زنانه را برای خود حفظ می کند، در عین حال، هم باید در میدان ارزشهای معنوی - مثل علم، مثل عبادت، مثل تقرب به خدا، مثل معرفت الهی و سیر وادیهای عرفان - پیشروی کند، هم در عرصه مسائل اجتماعی و سیاسی و ایستادگی و صبر و مقاومت و حضور سیاسی و خواست سیاسی و درک و هوش سیاسی، شناخت کشور خود، شناخت آینده خود، شناخت هدفهای ملی و بزرگ و اهداف اسلامی مربوط به کشورهای اسلامی و ملت های اسلامی، شناخت توطئه های دشمن، شناخت دشمن، شناخت روشهای دشمن باید روز به روز پیشرفت کند و هم در زمینه ایجاد عدل و انصاف و محیط آرامش و سکونت در داخل خانواده باید پیشرفت داشته باشد. اگر قوانینی لازم است، اگر تصحیح و اصلاحی در مسائلی که به این جا منتهی می شود، لازم است، زنان، زنان باسواد، زنان آگاه، زنان با معرفت، در همه این

میدانها بایستی پیشروی کنند؛ الگوی زن را نشان بدهند؛ بگویند زن مسلمان زنی است که هم دین خود را، حجاب خود را، زنانگی خود را، ظرافتها و رقتهای خود را حفظ می کند؛ هم از حق خود دفاع می کند؛ هم در میدان معنویت و علم و تحقیق و تقرب به خدا پیشروی می کند و شخصیتهای برجسته ای را نشان می دهد و هم در میدان سیاسی حضور دارد. این می شود الگویی برای زنان.

❏ علت گرایش زنان کشورهای غیراسلامی به حجاب

شما بدانید زنان مسلمان در بسیاری از نقاط دنیا امروز به شما نگاه می کنند و از شما یاد می گیرند. این که می بینید در بعضی از کشورهای غربی، در بعضی از کشورهای مسلمان اما با حکومت های غیر اسلامی، این طور حجاب اسلامی مورد تهاجم دشمنان دین قرار می گیرد، این نشان دهنده گرایش زنان به حجاب است. در کشورهای همسایه ما، آن جاهایی که به حجاب اهتمام نمی شد؛ در کشورهای اسلامی که بنده خودم از نزدیک بعضی جاها را دیدم که هرگز اسمی از حجاب در آن جا آورده نمی شد؛ در مدت بیست ساله بعد از انقلاب، زنان؛ بخصوص زنان روشنفکر و بخصوص دختران دانشجو، به حجاب گرایش پیدا کردند؛ علاقه پیدا کردند؛ رو آوردند و حجاب را حفظ کردند؛ که نمونه هایش علاوه بر اینها در کشورهای غربی هم مشاهده شده است. شما الگو یید، شما نمونه اید.

بدانید امروز در هیچ جای دنیا زنانی که مثل این مادران شهدای ما، مادر دو شهید، مادر سه شهید، مادر چهار شهید باشند، نیستند. در جامعه ما، مادرانی با این خصوصیات که از پدرها بهتر و قویتر و آگاهانه تر ایستادند، در این میدان بسیارند. این همان تربیت اسلامی است؛ این همان دامان پاک و مطهر و نورانی فاطمه زهرا سلام الله علیهاست. شما دختران فاطمه هستید؛ فرزندان فاطمه زهرا هستید؛ دنباله روان فاطمه زهرا هستید.

موفقیت نگاه نظام اسلامی به زن

- آوردن زن به شکل متبرج به وسط میدان بزرگترین خیانت به او
 - خدمت حقیقی به مجموعه‌ی زنان در همه‌ی عالم
 - نشانه نگاه موفقیت آمیز نظام اسلامی به زن
 - رشد فکری و عملی زن، نتیجه محدودیت‌های اسلامی بر طبق فطرت او
 - بازی نکردن با احکام اسلامی برای هماهنگی با کنوانسیون‌های جهانی زن
 - اهمیت بالای نقش زن خانه‌دار در مقابل سایر مسئولیت‌ها
 - کپی دوم مرد، افتخاری برای زن نیست!
 - جلوگیری از مظلومیت زنان در سایه تهذیب مردان
 - داشتن نگاه جامع به زن در اسلام
 - لزوم توجه به اخلاق اسلامی در روابط زن و مرد
- در خانواده
- و...

آوردن زن به شکل متبرج به وسط میدان بزرگترین خیانت به او

همانطور که بارها من اشاره کرده‌ام، در مسأله‌ی زن از دنیا طلبگاریم؛ ما مدعی دنیائییم. حالا مؤسسات وابسته به سازمان ملل یا غیر آنها یا فلان مجموعه‌ی روزنامه‌نگار بیایند به اسم حقوق بشر، موضوع حجاب و بعضی از این قبیل چیزها را زیر سؤال بکشند و اظهار طلبگاری کنند، این واقعیت قضیه را عوض نمی‌کند. ما از دنیا طلبگاریم. دنیا که عرض می‌کنم، یعنی دنیای غرب. ما هستیم که به دنیا خطاب می‌کنیم و می‌گوئیم: شما به بشریت عموماً و به زن خصوصاً خیانت کرده‌اید؛ با کشاندن زن و مرد به وادی ابتلائات جنسی و برافروختن و دامن زدن به آتش زیاده‌روی‌های جنسی بی‌قانون و بی‌نظم در جامعه، با آوردن زن به شکل متبرج به وسط میدان. معلوم است که زن، آن بخش زیبای آفرینش بشر است. این بخش زیبا به طور طبیعی با اندکی در پرده بودن همراه است؛ این خاصیت این بخش زیبا و لطیف وجود انسانی است. این پرده را دریدن و آنچه را که باید با نظم و قانون پیگیری شود - آن نیاز غریزی انسانی، چه در زن و چه در مرد - بی‌قانون و بی‌نظم در جامعه رواج دادن، بزرگترین خیانتی است که در درجه‌ی اول به زن و در درجه‌ی بعد به همه‌ی بشریت - زن و مرد - انجام گرفته؛ این کار را سیاست‌های غربی کرده‌اند. البته اولین ضرر و بزرگترین ضرر را هم خودشان برده‌اند. الان مسأله‌ی همجنس‌گرایی در دنیای غرب یکی از ابتلائات است. البته به رو نمی‌آورند؛ اما حقیقت قضیه این است که امروز برای اندیشمندان و آنها یکی از دردهای بزرگ و غیرقابل علاج شده است؛ چاره‌ای هم ندارند. آنطور حرکت کردن، آنطور ادبیات پرده‌درانه و عریان در زمینه‌ی مسائل جنسی و ارتباط زن و مرد را به میان آوردن، آنطور جنس زن را - یعنی همان بخش

زیبا و لطیف و مستور و در پرده‌ی وجود بشر را - برای شغل، برای تبلیغات، برای کار، به میدان کشاندن، از لبخند او، از زیبایی‌های او، از جسم او، از چهره‌ی او برای ترویج فلان جنس بی‌ارزش و پست، برای به دست آوردن پول استفاده کردن، این چیزها را هم دنبال خودش دارد؛ طبیعی است. این کارها را دنیای غرب کرده، این کارها را سیاست‌های غربی کرده‌اند؛ مربوط به ادیان هم نیست، مربوط به مسیحیت و یهودیت هم نیست؛ مربوط به سیاست‌های جدیدی است که از حدود صد و پنجاه سال پیش - حالا دقیق نمیتوانم عرض کنم - در دنیا رایج شده.

شما ادبیات کشورهای اروپائی را در قرون هجده و نوزده و نگاهشان به زن را ببینید؛ مطلقاً تفاوت دارد با آنچه که در قرن بیستم و در نوشته‌ها و ادبیات قرن بیستم، انسان می‌بیند نسبت به زن، آنها پیگیری کرده‌اند. آن روز نگاهشان، نگاه نجیبانه‌تر، شرم‌آلودتر و متناسب‌تر با طبیعت زن و مرد بود. معلوم میشود این کار سیاسی حالا از طرف صهیونیست‌ها بوده، از طرف دستگاه‌های استعمارگر بوده؛ اینها احتیاج به تحقیق و کار دارد. این همین‌طور بتدریج روز به روز شدت پیدا کرده تا به وضعی که امروز ملاحظه میکنید، رسیده. بنابراین دنیای غرب باید پاسخگو باشد؛ چون به زن ضربه زده‌اند؛ به حقوق زن تجاوز کرده‌اند؛ ارزش زن را تنزل داده‌اند؛ به اسم طرفداری، به او خیانت کرده‌اند. این مطلبی است که ما داریم.

🔗 خدمت حقیقی به مجموعه‌ی زنان در همه‌ی عالم

در زمینه‌ی حقوق اسلامی، خانمها بعضی اظهاراتی کردند، که درست هم هست؛ جا برای کار و بیان و تبیین فراوانی دارد. من تصدیق میکنم مطالبی را که بعضی از خانمها بیان کردند و گفتند ما در تقابل با تبلیغات معارض - از جمله تبلیغات فمینیستی - آنچنان که باید، کار درستی، کار قوی‌ای، کار پُر حجمی و با کیفیت‌های بالا نکرده‌ایم. من از همین جا به دستگاه‌های تحقیقاتی، به پژوهشگاه‌ها، به دانشگاه‌ها، به حوزه‌های علمیه و به صاحب‌نظران توصیه میکنم و از آنها مطالبه میکنم که در این زمینه کار کنند. مسأله، مسأله‌ی مهمی است. ما اگر در مسأله‌ی زن در کشور خودمان خوب کار کنیم، این خدمت به جامعه‌ی زنان در همه‌ی دنیاست؛ خدمت حقیقی است به مجموعه‌ی زنان در همه‌ی عالم. حالا ممکن است بعضی ارزش این خدمت را امروز بفهمند، ممکن است بعضی سالها بعد بفهمند؛ لیکن اگر خوب کار کردیم، این خدمت به آنهاست.

آنچه که من میخواهم عرض کنم، دو سه نکته‌ی کوتاه است که یادداشت کردم بگویم؛ همانها را عرض میکنم.

🔗 نشانه نگاه موفقیت‌آمیز نظام اسلامی به زن

یکی اینکه نفس وجود این مجموعه‌ی بانوان نخبه در رشته‌های مختلف - که همه‌ی بانوان نخبه هم در این جمع خلاصه نمیشود؛ شما نمونه‌ای از نخبگان زن در سرتاسر کشور هستید - نشان‌دهنده‌ی موفقیت

نگاه نظام اسلامی و نگاه اسلام به زن است. ما این همه زن نخبه در دوره‌ی حاکمیت طاغوت نداشتیم. این، حرف من است و بر این اصرار دارم. امروز عدد مطلق و نسبی محققین زن، اساتید زن، دانشمندان زن در رشته‌های مختلف، متفکرین و نویسندگان زن که در رشته‌های گوناگون فکر می‌کنند، صاحب‌نظرند و قلم می‌زنند، ادبای زن، شعرای زن، هنرمندان زن - قصه‌نویس‌ها، شاعرها، نقاش‌ها - بمراتب بیشتر از دوره‌ی طاغوت است؛ یعنی آن دوره‌ای که به نام طرفداری از زن، حجاب و عفاف و وجود فاصله‌ی بین زن و مرد را بکلی از بین برده بودند و روز به روز هم این بی‌بندوباری را ترویج می‌کردند؛ حتی در مواردی از کشورهای اروپائی هم بدتر و تندتر عمل می‌کردند. امروز ما در نظام جمهوری اسلامی و زیر پوشش حجاب، زیر چادر، زیر مقنعه، این تعداد عظیم نخبه‌ی فکری، علمی، عملی، فعال سیاسی، صاحب‌نظران فرهنگی و هنری داریم. آن روز بخشی از بخشها و بعضی از ابعاض این مجموعه را هم ما نداشتیم؛ بسیار محدود بودند. این، یک نظریه‌ای درست عکس آن چیزی را که در صدد بودند القاء کنند، احیاء میکند و او اینکه آن کیفیت ترویج بی‌بندوباری نه فقط به معنای رشد دادن به زن، به معنویات زن، به استعدادهای زن نیست، بلکه سرگرم کردن زن به آنچه که لوازم آن، کیفیت زندگی است - آرایشهای گوناگون و گرفتاری‌های گوناگون جنسی‌ای که این کارها دارد - خودش مانع حرکت به سمت کمال و تعالی زنان است.

🔷 رشد فکری و عملی زن، نتیجه محدودیتهای اسلامی بر طبق فطرت او

در نظام اسلامی محدودیتی که به وجود می‌آید، که این محدودیت بر طبق فطرت انسانی زنانه است؛ هم برای مردها محدودیت است، به یک کیفیتی؛ هم برای زنها به کیفیت دیگری محدودیت است، کمک کننده‌ی به این است که نیروهای آنها هرگز نرود و حتی المقدور در جهت درستی به کار بیفتد؛ که آن وقت نتیجه‌اش میشود رشد فکری و علمی و عملی در جامعه‌ی زنان، که امروز شاهدش هستیم. این نکته‌ی اول. اینکه گفته میشود - و البته هنوز هم بعضی‌ها با غفلت تمام می‌گویند - مگر میشود با حجاب و با رعایت حدود شرعی و اسلامی، جامعه‌ی زنان رشد کند، تکلیف مسأله‌ی زن در نظام اسلامی چه میشود، این جواب عملی‌اش، جواب عینی‌اش، همین وجود مجموعه‌ی عظیم نخبگان زن در جامعه‌ی ماست، که هیچ وقت ما در کشور چنین وضعی را نداشتیم؛ در دوره‌ی طاغوت هم نبوده، قبل از آن هم که وضع تعلیم و تربیت از جهت دیگری اشکال داشته. امروز در نظام اسلامی بحمدالله این فراهم است. حالا تعداد بیشتر برگزیدگان دختر در دانشگاه‌ها و امثال آن، اینها مسائل درجه‌ی دو است؛ مسأله‌ی درجه‌ی یک این است که همین مجموعه‌ی زنان نخبه توانسته‌اند در نظام جمهوری اسلامی در بخشهای مختلف بدرخشند.

🔷 بازی نکردن با احکام اسلامی برای هماهنگی با کنوانسیون‌های جهانی زن

نکته‌ی دیگر این است که ما در کشورمان شاهد هستیم که بعضی از فعالان زن و بعضی از مردها تلاش میکنند برای هماهنگ شدن با کنوانسیون‌های جهانی مرتبط با زن، و با احکام اسلامی ور برونند و بازی



کنند و کم و زیاد کنند؛ این غلط است. من نمیخواهم بگویم همه‌ی آنچه که در فقه ما در مورد احکام مربوط به زنان مطرح شده است، حتماً سخن آخر است؛ نه، ممکن است با یک تحقیقی در یک زمینه‌ای که به وسیله‌ی فقیه ماهر و مسلطی انجام بگیرد، فلان حکم فقهی که امروز در مورد زن وجود دارد، دچار تغییر شود؛ این اشکالی ندارد؛ این ممکن است و اتفاق هم افتاده. در همین مسأله‌ی ارث زن از زمین و غیر منقول - که خانم اشاره کردند - نظر فقهی بعضی از بزرگان قدیم و امروز نظر فقهی خود ما هم همین است که آنچه منع از میراث شده، عین قیمت آن زمین بلاشک حق همسر و زوجه است و ارث میبرد؛ اشکالی هم ندارد. بنابراین در مسائل فقهی چنین چیزی امکان دارد که ما بگوئیم این تغییر پیدا میکند؛ لیکن آنچه که باید در زمینه‌ی مسائل فقهی انجام بگیرد، کار فقهی به وسیله‌ی فقیه ماهر و مسلط به مبانی فقهی است؛ آن هم با نگاه به متد فقه، به شیوه‌ی استفاده‌ی فقه‌تبی؛ نه اینکه کسی بر طبق میل خودش، برای انطباق با آنها، برای اینکه خودش را هماهنگ کند با فلان معاهده‌ی جهانی، فلان کنوانسیون جهانی - که فراهم آورد گانش با مردمی که در این سرزمین با مبانی اسلامی زندگی میکنند و اعتقاد به مبانی اسلامی دارند، اصلاً از لحاظ مبانی فکری متفاوتند - بیاید از گوشه‌ی احکام اسلامی بساید و ببرد؛ این کاملاً غلط است؛ اصلاً قابل دفاع نیست. بدون تردید آنچه که در احکام اسلامی و در فقه اسلامی مطابق مصلحت آمده است، همین هاست، و همین درست است؛ که با یک مذاقه و در بخشهای مختلف، این معلوم میشود.

خواهران عزیز، کسانی که در زمینه‌ی مسائل زنان فعالند و فکر میکنند و کمبودهایی را ملاحظه میکنند، راه علاج را این نبینند که ما در احکام فقهی اسلامی تصرف کنیم؛ نه، احکام فقهی اسلامی آنجائی که با تحقیق استنباط شده و منطبق با مبانی اسلامی است، کاملاً درست و مطابق با مصلحت است. نباید ما به خاطر اینکه در فلان مجمع جهانی، در فلان اجلاس بین‌المللی، فلان چیز تصمیم‌گیری شده و فلان کنوانسیون مثلاً جهانی به وجود آمده، ما بیائیم با نگاه تنگ‌نظرانه و آمیخته‌ی با رعب و مرعوبیت، در تفکرات خودمان و فقه خودمان تصرف کنیم؛ این هم به نظر من درست نیست.

اهمیت بالای نقش زن خانه‌دار در مقابل سایر مسئولیت‌ها

نکته‌ی دیگری که در بیانات خواهران هم تکرار شد، این است که در مسأله‌ی زن آنچه که در درجه‌ی اول اهمیت قرار دارد، مسأله‌ی «خانواده» است؛ نقش زن به عنوان عضوی از خانواده. به نظر من از همه‌ی نقشهائی که زن میتواند ایفاء کند، این اهمیتش بیشتر است. البته بعضی‌ها اینطور حرفها را در همان نظر اول با شدت رد میکنند و میگویند آقا شما میخواهید زن را توی خانه اسیر کنید، محبوس کنید، از حضور در صحنه‌های زندگی و فعالیت باز بدارید؛ نه، به هیچ وجه قصد ما این نیست؛ اسلام هم این را نخواست. اسلام وقتی که میگوید: «والمؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر»،^۱ یعنی مؤمنین و مؤمنات در حفظ مجموعه‌ی نظام اجتماعی و امر به معروف و نهی از منکر

همه سهیم و شریکند؛ زن را استثناء نکرده. ما هم نمیتوانیم زن را استثناء کنیم. مسئولیت اداره‌ی جامعه‌ی اسلامی و پیشرفت جامعه‌ی اسلامی بر دوش همه است؛ بر دوش زن، بر دوش مرد؛ هر کدامی به نحوی بر حسب توانائی‌های خودشان. بحث سر این نیست که زن آیا میتواند مسئولیتی در بیرون از منزل داشته باشد یا نه - البته که میتواند، شکی در این نیست؛ نگاه اسلامی مطلقاً این را نفی نمیکند - بحث در این است که آیا زن حق دارد به خاطر همه‌ی چیزهای مطلوب و جالب و شیرینی که در بیرون از محیط خانواده برای او ممکن است تصور شود، نقش خود را در خانواده از بین ببرد؟ نقش مادری را، نقش همسری را؟ حق دارد یا نه؟ ما روی این نقش تکیه میکنیم. من میگویم مهمترین نقشی که یک زن در هر سطحی از علم و سواد و معلومات و تحقیق و معنویت میتواند ایفاء کند، آن نقشی است که به عنوان یک مادر و به عنوان یک همسر میتواند ایفاء کند؛ این از همه‌ی کارهای دیگر او مهمتر است؛ این، آن کاری است که غیر از زن، کس دیگری نمیتواند آن را انجام دهد. گیرم این زن مسئولیت مهم دیگری هم داشته باشد - داشته باشد - اما این مسئولیت را باید مسئولیت اول و مسئولیت اصلی خودش بداند. بقای نوع بشر و رشد و بالندگی استعدادهای درونی انسان به این وابسته است؛ حفظ سلامت روحی جامعه به این وابسته است؛ سکن و آرامش و طمأنینه در مقابل بیقراری‌ها و بی‌تابی‌ها و تلاطم‌ها به این وابسته است؛ این را نباید فراموش کنیم.

🏠 کپی دوم مرد، افتخاری برای زن نیست!

این هنری نیست که زن کار مردانه را تقلید کند؛ نه، زن یک کار زنانه دارد که ارزش آن از هر کار مردانه‌ای بیشتر است. امروز دستهای بشدت مشکوک موج ضد ارزشی را در دنیا به راه انداخته‌اند - که در همه جا هست، در کشور ما هم متأسفانه در گوشه و کنار دیده میشود - اینها میخواهند زن را وادار کنند به اینکه بشود یک مرد! این را کسر شأن زن میدانند که چرا فلان کارها را مرد میکند، زن نکند! این کسر شأن است؟ نگاه به این مسأله، نگاه غلطی است. این را عیب میگیرند که چرا شما میگوئید زن، زن است؛ مرد، مرد است. خوب، مگر اینطور نیست؟ شما دلتان میخواهد که ما بیائیم بگوئیم زن، یک مرد است؛ آن وقت یک مرد مصنوعی؛ کپی دوم مرد! این چه افتخاری است برای زن؟ افتخار برای زن این است که یک زن باشد؛ یک زن کامل، یک مؤنث کامل. در مقام ارزشگذاری‌های والا اگر نگاه کنیم، این ارزش - یک زن کامل بودن - از یک مرد کامل بودن کمتر که نیست، در مواردی قطعاً بالاتر و بیشتر هم هست. ما چرا این را از دست بدهیم؟

البته مسئولیتهائی هست که مشترک است. همانطور که گفتیم، مسئولیت حضور در جامعه و فهمیدن دردهای عمومی جامعه و سعی در علاج دردهای عمومی جامعه، مخصوص مرد و مخصوص زن نیست؛ زن‌ها هم نمیتوانند شانه‌شان را از این مسئولیت خالی کنند. اگر زن‌ها باید در این زمینه کاری انجام بدهند، البته باید انجام بدهند - محدودیتی هم وجود ندارد - اما مسئولیتهای اختصاصی هم، یعنی آن کاری که خدای

متعال به حسب طبیعت به عهده‌ی زن قرار داده، مهم است.

جلوگیری از مظلومیت زنان در سایه تهذیب مردان

به هر حال شما زنان نخبه‌ی کشورید؛ چه آنهایی که در اول کار و اول راه هستید - یا دانشجویید، یا در دوره‌های اول کار هستید - چه آنهایی که چندین سال کار کردید، زحمت کشیدید. بدانید امروز زنان کشور ما مسئولیتشان سنگین است. مسئولیت مضاعفی که امروز شما دارید، همین است که نگاه غلط به مسأله‌ی زن و مرد را تصحیح کنید. نگاهی که امروز دنیای غرب سعی میکند در مسأله‌ی زن و مرد القاء کند، نگاه غلطی است، نگاه باطلی است؛ این به پایمال شدن ارزشهای بسیاری در جوامع بشری منتهی خواهد شد، که الان دارد گوشه‌هایی از آن نشان داده میشود، دیده میشود، و در جوامع ما به طریق اولی. این نگاه را باید تصحیح کنید. البته این را هم عرض بکنیم؛ شعارها و بافته‌های ذهنی غربی‌ها در مورد زن، هیچ نتوانسته جلوی ظلمی را که در خانواده و بیرون خانواده در طول تاریخ به زنها میشده - که هنوز هم میشود - بگیرد. اگر فرض کنیم بشود در جامعه‌ی از مظلومیت زنان - که این مظلومیت هم یک علل طبیعی و قهری دارد - جلوگیری کرد، فقط در سایه‌ی اخلاق و قانون و تهذیب و تهذب مردان است. اما امروز در غرب مطلقاً از این خبری نیست. آزار زنان، فشارهای گوناگون جسمانی و آزارهای روحی بر زنان در غرب، آمارهایی که الان دارند میدهند، بمراتب از کشور خود ما و از جاهایی که ما اطلاع داریم، بیشتر است. بنابراین جلوی آن مشکل را هم نتوانستند بگیرند، از این طرف هم این همه ضایعه ایجاد کردند.

داشتن نگاه جامع به زن در اسلام

ما باید در مورد مسأله‌ی زن نگاه جامع داشته باشیم، و این نگاه جامع در اسلام هست. مسأله‌ی ارزشگذاری به اصالت زن، زن بودن، برای زن یک ارزش والاست؛ یک اصل است. به هیچ وجه تشبه به مردان برای زن ارزش به حساب نمی‌آید؛ همچنان که برای مردها تشبه به زنان ارزش به حساب نمی‌آید. هر کدام نقشی دارند، هر کدام جایی دارند، جایگاهی دارند و طبیعتی دارند و مقصودی از وضعیت خاص آنها در آفرینش حکیمانه‌ی الهی مورد نظر بوده که این مقصود باید برآورده شود؛ این مسأله مهم است.

لزوم توجه به اخلاق اسلامی در روابط زن و مرد در خانواده

امروز شما خانمها میتوانید در این زمینه نقش ایفاء کنید؛ هم تحقیق کنید، هم بنویسید، هم ترویج کنید، هم عملاً نشان بدهید. البته این را من بارها گفته‌ام، الان هم می‌گوییم؛ در جوامع ما هم - یعنی جوامع اسلامی و جامعه‌ی ایرانی خود ما - متأسفانه مثل جوامع غربی یک بی‌عدالتی در ارتباطات خانوادگی زن و مرد وجود داشته؛ عمده هم مربوط به داخل خانواده است؛ این باید جلویش گرفته شود. یک مقداری با نصیحت امکان پذیر است؛ یک مقداری اش هم با نصیحت ممکن نیست، با ضرب و زور قانون باید جلویش

گرفته شود. زنان، مظلوم واقع میشوند. مرد چون از لحاظ جسمانی و برخی از خصوصیات دیگر توانائی‌های بیشتری دارد، در مواردی از این توانائی‌ها سوء استفاده میکند و زور گوئی میکند؛ این باید جلوی‌ش گرفته شود. این کار با قانون امکان‌پذیر است؛ البته همان‌طور که عرض کردیم، با تهذیب و اخلاق مردان هم امکان‌پذیر است.

تصویر کیفیت برخورد زن و مرد در اخلاق اسلامی و قانون اسلامی هم به نظر ما بایستی بیشتر رویش کار شود. بعضی متدین هم هستند، اما چون با مفاهیم اسلامی درست آشنا نیستند و اخلاقیات مرتبط با روابط زن و مرد را در اسلام درست نمیدانند، تدینشان موجب نمیشود که از غلظتشان کم شود، از تحکم و زور گوئی‌شان بکاهد؛ نه، هم متدینند، هم آن تحکمه‌ها و زور گوئی‌ها را دارند؛ این هم باید اصلاح شود. اخلاق اسلامی در روابط زن و مرد - بخصوص در داخل خانواده - باید مورد توجه قرار بگیرد. البته مسأله‌ی حجاب خیلی مهم است. من مسأله‌ی حجاب را واقعاً مهم میدانم. اهمیت مسأله‌ی حجاب در جاهای با واسطه‌ای خودش را نشان میدهد؛ از جمله در مسأله‌ی خانواده خودش را نشان میدهد.



احترام به زن یعنی
ایجاد فرصت بروز استعداد‌های عظیم آن در سطوح مختلف

- حضور چشمگیر زنان در ایران، به برکت حاکمیت اسلام
- شخصیت بخشی به زنان در اسلام
- نگاه ابزاری به زن در فرهنگ غرب
- احترام به زن یعنی دادن فرصت شکوفایی استعدادهای ذاتی به او

احترام به زن یعنی ایجاد فرصت بروز استعدادهای عظیم آن در سطوح *

حضور چشمگیر زنان در ایران، به برکت حاکمیت اسلام

دو مطلب من عرض میکنم: یک مطلب، اصل این حرکت زنانه‌ی بسیار برجسته و پرشکوه در کشور ما و در جمهوری اسلامی است. مطلب دوم هم درباره‌ی مسائل مربوط به قرآن است. به نظرم اینجور میرسد که اصل توجه بانوان کشور ما به قرآن و حضورشان در صحنه‌ی قرآن، پدیده‌ای است که باید به عنوان توفیق بزرگ نظام جمهوری اسلامی در مقابل چشم بینندگان و جویندگان و منتقدان و دوستداران و مخالفان قرار بگیرد؛ همه ببینند.

اولاً خود ورود بانوان در مسائل تحقیقی و علمی - که این دیگر مخصوص مباحث قرآنی نیست - قابل توجه است. بنده معمولاً مجلاتی را که در کشور منتشر میشود - مجلات علمی؛ علمی، تحقیقی؛ علمی، ترویجی - نگاه میکنم؛ مرور میکنم و در همه‌ی رشته‌هایی که مجلات ما - که حاوی مطالب جدید هستند - بر گرد آنها مطلب مینویسند، انسان می‌بیند شمار نویسندگان و پژوهشگران زن در آنها، شمار برجسته‌ی قابل توجهی است. در علوم حوزوی، در فقه، در فلسفه، در مسائل دانشگاهی، در علوم انسانی، علوم طبیعی، حضور زنان در کشور ما حضور بارز و برجسته‌ای در همه‌ی بخشهای علمی است. دانشگاه‌ها را دختران دانشجوی ما پر کرده‌اند؛ محیطهای علمی را حضور زنان به شکل شگفت‌آوری واضح و آشکار کرده. این چیست؟ این چه پدیده‌ای است؟ این چه حقیقتی است؟ کی ما در کشور این همه عنصر پژوهشگر و محقق و عالم و باسواد و اهل تبلیغ و اهل ترویج از زنان داشتیم؟ در گذشته‌ی تاریخ ما هرگز چنین چیزی وجود نداشته. بله، تک و توکی، دانشمندانی از زنان، برجستگانی بوده‌اند، لیکن نه به معنای حضور

چشمگیر و غالب در همه‌ی جامعه. این مخصوص دوران جمهوری اسلامی است؛ این به برکت حاکمیت اسلام در این کشور است که زنان در عرصه‌ی حضور علمی، اینجور خودشان را دارند نشان میدهند و این برجستگی‌ها را پیدا میکنند. این جزو افتخارات نظام جمهوری اسلامی است. اینی که من مکرر در جمعهای دانشجویی و در جمعهای جوان گفتم که در قضیه‌ی زن، ما در مقابل ادعاهای غربی‌ها دفاع نمیکنیم، ما حمله میکنیم و غرب باید از خود در قضیه‌ی زن دفاع کند، نه اسلام، برای این است.

🌸 شخصیت بخشی به زنان در اسلام

اسلام برخلاف آنجوری که همیشه در نظامهای طاغوتی وجود داشته است که با چشم دیگری اصلاً به زن نگاه میکردند، به زن شخصیت میدهد. در اسلام وقتی برای مؤمن نمونه میخواهند مشخص بکنند، نمونه‌ی زن معین میکنند. «و ضرب الله مثلاً للذین امنوا امرأت فرعون»^۱؛ این نفر اول، «و مریم ابنت عمران»^۲، نفر دوم؛ نمونه برای للذین آمنوا، دو زن. نمونه برای للذین كفروا هم دو زن: «امرأت نوح و امرأت لوط کانتا تحت عبدین من عبادنا ... فخانتهما»^۳. یعنی زن را نه فقط محور و عبرت و آئینه‌ای برای زنان، بلکه برای کل جامعه قرار میدهد. میشد یک مرد انتخاب بکنند، نه، این در مقابله‌ی با آن نگاه انحرافی و غلطی است که نسبت به زنان وجود داشته. این نگاه، همیشه هم تحقیرآمیز نبوده؛ اما همیشه غلط بوده.

🌸 نگاه ابزاری به زن در فرهنگ غرب

همیشه به شکل غلطی در نظامهای طاغوتی به زن نگاه شده؛ امروز در غرب هم همین جور است. حالا عده‌ای از زنان - مثل خیلی از مردان - در همین نظامهای غربی شخصیت‌های برجسته و محترم و پاکیزه‌ای ممکن است در بیایند، لیکن نگاه عمومی به زن که در فرهنگ غربی نهادینه شده، نگاه غلطی است؛ نگاه ابزاری است، نگاه اهانت‌آمیز است. از نظر غرب، علت اینکه شما نباید توی چادر باشید، نباید حجاب داشته باشید، این نیست که آزاد باشید. شما دارید میگوئید من با حجاب هم آزادی دارم. او چیز دیگری مورد نظرش است؛ زن را برای نوازش چشم مرد، برای بهره‌وری نامشروع مرد، میخواهند به شکل خاصی در جامعه ظاهر بشود. این، بزرگترین اهانت به زن است؛ حالا ولو با چندین لفاف تعارف‌آمیز این را بیوشانند و اسمهای دیگری رویش بگذارند.

🌸 احترام به زن یعنی دادن فرصت شکوفایی استعدادهای ذاتی به او

احترام به زن این است که به زن فرصت داده بشود تا آن نیروها و استعدادهای برجسته و عظیمی را که در درون هر انسانی خدای متعال به ودیعه نهاده است - از جمله زن و استعدادهائی که فقط در درون زنان وجود دارد - این استعدادها در سطوح مختلف بروز کند؛ در سطح خانواده، در سطح جامعه، در سطح بین‌المللی، برای علم، برای دانش و معرفت و تحقیق، برای تربیت و سازندگی. احترام به زن این است.

۱. تحریم: ۱۱

۲. تحریم: ۱۲

۳. تحریم: ۱۰

من می‌بینم این در جامعه‌ی ما به توفیق الهی، به فضل الهی دارد خودش را کاملاً نشان می‌دهد. خوب، این مربوط به اساس کاری که امروز بحمدالله بانوان کشور ما دارند که خیلی ارزشمند است که در همه‌ی عرصه‌های علمی حضور دارند، آن هم حضور فعال و تحسین‌برانگیز؛ و بخصوص حضور در مجموعه‌ی قرآنی و کار قرآنی که بسیار چیز بارزشی است.

من گمان نمیکنم در هیچ نقطه‌ای از جهان اسلام، این کمیت عظیم با این انگیزه و شور در کارهای قرآنی فعال باشند. البته اطلاع دقیق ندارم، بررسی نکردم؛ اما آن طور که از اطلاعات عمومی انسان میشنود - «لوکان لبان»؛ اگر بود ما میدانستیم؛ میفهمیدیم - چنین چیزی نیست و من گمان نمیکنم در دنیای اسلام وجود داشته باشد. این، فقط هنر شماس است. این همه خانمهای قرآن پژوه در مسائل گوناگون قرآنی؛ از مسائل صرفاً علمی تا مسائل تبلیغی، تا مسائل تربیتی، تا کار هنری؛ این همه خیلی به نظرم بارزش است. البته اگر آن طوری که پیشنهاد شد - حالا بررسی بشود، جوانبش سنجیده بشود - این مسئله‌ی مسابقات بین‌المللی اگر عملی باشد و اقدام بشود، آنوقت ارج کار زن ایرانی در زمینه‌ی قرآن معلوم و روشن خواهد شد. و این یک افتخار است؛ هم برای زن ایرانی، هم برای جمهوری اسلامی که بتواند در مسئله‌ی قرآن، این چنین فعالیت چشمگیری داشته باشد.

انقلاب ما انقلاب زینبی است!

❁ زینب (سلام الله علیها) مظهر تبدیل عفاف

زنانه به عزت مجاهدانه

❁ نشانه‌های عظمت حرکت زینب

کبری (سلام الله علیها)

❁ زینب کبری (سلام الله علیها) الگوی برای زنان و

مردان بزرگ عالم

❁ در آمیختن عفاف زنانه با عزت مؤمنانه، عظمت زن

❁ انقلاب ما انقلاب زینبی است!

انقلاب ما انقلاب زینبی است! *

🕌 زینب (سلام الله علیها) مظهر تبدیل عفاف زنانه به عزت مجاهدانه

در جمهوری اسلامی روز پرستار را با ولادت حضرت زینب کبری (سلام الله علیها) برابر قرار داده‌اند؛ این هم معنای بزرگی دارد. زینب کبری یک نمونه‌ی برجسته‌ی تاریخ است که عظمت حضور یک زن را در یکی از مهمترین مسائل تاریخ نشان می‌دهد. اینکه گفته میشود در عاشورا، در حادثه‌ی کربلا، خون بر شمشیر پیروز شد - که واقعاً پیروز شد - عامل این پیروزی، حضرت زینب بود؛ و الا خون در کربلا تمام شد. حادثه‌ی نظامی با شکست ظاهری نیروهای حق در عرصه‌ی عاشورا به پایان رسید؛ اما آن چیزی که موجب شد این شکست نظامی ظاهری، تبدیل به یک پیروزی قطعی دائمی شود، عبارت بود از منش زینب کبری؛ نقشی که حضرت زینب بر عهده گرفت؛ این خیلی چیز مهمی است. این حادثه نشان داد که زن در حاشیه‌ی تاریخ نیست؛ زن در متن حوادث مهم تاریخی قرار دارد. قرآن هم در موارد متعددی به این نکته ناطق است؛ لیکن این مربوط به تاریخ نزدیک است، مربوط به امم گذشته نیست؛ یک حادثه‌ی زنده و ملموس است که انسان زینب کبری را مشاهده میکند که با یک عظمت خیره‌کننده و درخشنده‌ای در عرصه ظاهر میشود؛ کاری میکند که دشمنی که به حسب ظاهر در کارزار نظامی پیروز شده است و مخالفین خود را قلع و قمع کرده است و بر تخت پیروزی تکیه زده است، در مقر قدرت خود، در کاخ ریاست خود، تحقیر و ذلیل شود؛ داغ ننگ ابدی را به پیشانی او می‌زنند و پیروزی او را تبدیل میکنند به یک شکست؛ این کار زینب کبری است. زینب (سلام الله علیها) نشان داد که میتوان حجب و عفاف زنانه را تبدیل کرد به عزت مجاهدانه، به یک جهاد بزرگ.

🌸 شانه‌های عظمت حرکت زینب کبری (سلام الله علیها)

آنچه که از بیانات زینب کبری باقی مانده است و امروز در دسترس ماست، عظمت حرکت زینب کبری را نشان میدهد. خطبه‌ی فراموش نشدنی زینب کبری در بازار کوفه یک حرف زدن معمولی نیست، اظهار نظر معمولی یک شخصیت بزرگ نیست؛ یک تحلیل عظیم از وضع جامعه‌ی اسلامی در آن دوره است که با زیباترین کلمات و با عمیق‌ترین و غنی‌ترین مفاهیم در آن شرایط بیان شده است. قوت شخصیت را ببینید؛ چقدر این شخصیت قوی است. دو روز قبل در یک بیابان، برادر او را، امام او را، رهبر او را با این همه عزیزان و جوانان و فرزندان و اینها از بین برده‌اند، این جمع چند ده نفره‌ی زنان و کودکان را اسیر کرده‌اند، آورده‌اند در مقابل چشم مردم، روی شتر اسارت، مردم آمده‌اند دارند تماشا میکنند، بعضی هلهله میکنند، بعضی هم گریه میکنند؛ در یک چنین شرایط بحرانی، ناگهان این خورشید عظمت طلوع میکند؛ همان لحنی را به کار میبرد که پدرش امیرالمؤمنین بر روی منبر خلافت در مقابل امت خود به کار میبرد؛ همان جور حرف میزند؛ با همان جور کلمات، با همان فصاحت و بلاغت، با همان بلندی مضمون و معنا: «یا اهل الکوفه، یا اهل الغدر و الختل»؛ ای خدعه‌گرها، ای کسانی که تظاهر کردید! شاید خودتان باور هم کردید که دنباله‌رو اسلام و اهل بیت هستید؛ اما در امتحان اینجور کم آوردید، در فتنه اینجور کوری نشان دادید. «هل فیکم الا الصلف والعجب والشنف والكذب و ملق الاماء و غمز الاعداء»؛ شما رفتارتان، زبانتان با دلتان یکسان نبود. به خودتان مغرور شدید، خیال کردید ایمان دارید، خیال کردید همچنان انقلابی هستید، خیال کردید همچنان پیرو امیرالمؤمنین هستید؛ در حالی که واقع قضیه این نبود. نتوانستید از عهده‌ی مقابله‌ی با فتنه بریائید، نتوانستید خودتان را نجات دهید. «مثلکم کمثل الّتی نقضت غزلها من بعد قوّه انکاثا»؛ مثل آن کسی شدید که پشم را میریسد، تبدیل به نخ میکند، بعد نخها را دوباره باز میکند، تبدیل میکند به همان پشم یا پنبه‌ی نریسیده. با بی‌بصیرتی، با نشناختن فضا، با تشخیص ندادن حق و باطل، کرده‌های خودتان را، گذشته‌ی خودتان را باطل کردید. ظاهر، ظاهر ایمان، دهان پر از ادعای انقلابیگری؛ اما باطن، باطن پوک، باطن بی‌مقاومت در مقابل بادهای مخالف. این، آسیب‌شناسی است.

🌸 زینب کبری (سلام الله علیها) الگوی برای زنان و مردان بزرگ عالم

با این بیان قوی، با این کلمات رسا، آن هم در آن شرایط دشوار، اینگونه صحبت میکرد. اینجور نبود که یک عده مستمع جلوی حضرت زینب نشسته باشند، گوش فرا داده باشند، او هم مثل یک خطیبی برای اینها خطبه بخواند؛ نه، یک عده دشمن، نیزه‌داران دشمن دور و برشان را گرفته‌اند؛ یک عده هم مردم مختلف‌الحال حضور داشتند؛ همانهایی که مسلم را به دست این زیاد دادند، همانهایی که به امام حسین نامه نوشتند و تخلف کردند، همانهایی که آن روزی که باید با این زیاد در می‌افتادند، توی خانه‌هایشان مخفی شدند - اینها بودند توی بازار کوفه - یک عده هم کسانی بودند که ضعف نفس نشان دادند، حالا هم نگاه میکنند، دختر امیرالمؤمنین را می‌بینند، گریه میکنند. حضرت زینب کبری با این عده‌ی

ناهمگون و غیر قابل اعتماد مواجه است، اما اینجور محکم حرف میزند. او زن تاریخ است؛ این زن، دیگر ضعیفه نیست. نمیشود زن را ضعیفه دانست. این جوهر زنانه‌ی مؤمن، اینجور خودش را در شرایط دشوار نشان میدهد. این زن است که الگوست؛ الگو برای همه‌ی مردان بزرگ عالم و زنان بزرگ عالم. انقلاب نبوی و انقلاب علوی را آسیب‌شناسی میکند؛ میگوید شماها نتوانستید در فتنه، حق را تشخیص بدهید؛ نتوانستید به وظیفه‌تان عمل کنید؛ نتیجه این شد که جگر گوشه‌ی پیغمبر سرش بر روی نیزه رفت. عظمت زینب را اینجا میشود فهمید.

در آمیختن عفاف زنانه با عزت مؤمنانه، عظمت زن

روز پرستار، سالروز ولادت حضرت زینب است؛ این هشدار به زنان ماست: نقش خودتان را پیدا کنید. عظمت زن بودن را در آمیختن حجب و حیا و عفاف زنانه با عزت مسلمانانه و مؤمنانه، درک کنید. زن مسلمان ما اینجور است.

دنیای فاسد غرب خواستند بروز زن را، شخصیت زن را در روشهای غلط و انحرافی که همراه با تحقیر جنس زن است، به زور به ذهن دنیا فرو کنند: زن برای اینکه شخصیت خودش را نشان بدهد، بایستی برای مردان چشم‌نواز باشد. این شد شخصیت برای یک زن؟! بایستی حجاب و عفاف را کنار بگذارد، جلوه‌گری کند تا مردها خوششان بیاید. این تعظیم زن است یا تحقیر زن؟! این غرب مست دیوانه‌ی از همه جا بی‌خبر، تحت تأثیر دستهای صهیونیستی، این را به عنوان تجلیل از زن علم کرد؛ یک عده هم باور کردند. عظمت زن به این نیست که بتواند چشم مردها را، هوس هوسرانان را به خودش جلب کند؛ این افتخاری برای یک زن نیست؛ این تجلیل زن نیست؛ این تحقیر زن است. عظمت زن آن است که بتواند حجب و حیا و عفاف زنانه را که خدا در جبلت زن ودیعه نهاده است، حفظ کند؛ این را بیامیزد با عزت مؤمنانه؛ این را بیامیزد با احساس تکلیف و وظیفه؛ آن لطافت را در جای خود به کار ببرد، آن تیزی و بُرندگی ایمان را هم در جای خود به کار ببرد. این ترکیب ظریف فقط مال زنهاست؛ این آمیزه‌ی ظریف لطافت و بُرندگی، مخصوص زنهاست؛ این امتیازی است که خدای متعال به زن داده است؛ لذا در قرآن به عنوان نمونه‌ی ایمان - نه نمونه‌ی ایمان زنان، نمونه‌ی ایمان همه‌ی بشر؛ زن و مرد - دو زن را مثال میزند: «و ضرب الله مثلا للذین امنوا امرأت فرعون»^۱ و «مریم ابنت عمران»؛^۲ یکی زن فرعون است، دومی هم حضرت مریم است. اینها اشاره‌ها و نشانه‌هایی است که منطق اسلام را نشان میدهد.

انقلاب ما انقلاب زینبی است!

انقلاب ما انقلاب زینبی است. از اول انقلاب، زنان یکی از برجسته‌ترین نقشها را در این انقلاب ایفاء کردند. هم در خود حادثه‌ی بزرگ انقلاب، هم در حادثه‌ی بسیار بزرگ هشت سال دفاع مقدس، نقش مادران، نقش همسران، از نقش مجاهدان اگر سنگین تر و دردناک تر و تحمل طلب تر نبود، یقیناً کمتر نبود. مادری

که جوان خودش را، عزیز خودش را، دسته‌ی گل خودش را هجده سال، بیست سال - کمتر، بیشتر - پرورش داده، با آن محبت مادرانه او را به ثمر رسانده، حالا او را به طرف میدان جنگ میفرستد، که معلوم نیست حتی جسد او هم برخواهد گشت یا نه. این کجا، رفتن خود این جوان کجا؟ که خوب، این جوان، با شور و هیجان جوانی، همراه با ایمان و روحیه‌ی انقلابیگری، حرکت میکند و می‌رود. کار این مادر، از کار آن جوان اگر بزرگتر نباشد، کوچکتر نیست. بعد هم که جسد او را برمیگردانند، افتخار میکند که بچه‌ی من شهید شده. اینها چیز کمی است؟ این، حرکت زنانه، حرکت زینب‌گون در انقلاب ما بود.

عزیزان من، خواهران، برادران! انقلاب ما اینجوری پیش رفت. قدرت و عظمت این انقلاب به این چیزهاست؛ به دل دادن به معنویت، مجذوب شدن در مقابل لطف الهی. وقتی که دشمن می‌خواهد زینب کبری را به آنچه که برایش پیش آمده، شماتت کند، می‌فرماید: «ما رأیت الّا جمیلاً»؛ جز زیبایی، چیزی ندیدم. برادرانش، فرزنداناش، عزیزاناش، نزدیکترین یاراناش، اینها در مقابل چشمش قطعه قطعه شدند، به خاک و خون تپیدند، خونشان ریخته است، سرهایشان بالای نیزه رفته است؛ می‌گوید جمیل، زیبا! این چه جور زیبایی‌ای است؟ این زیبایی را همراه کنی با آنچه که نقل شده است که زینب کبری حتی در شب یازدهم نماز شبش ترک نشد. در طول دوران اسارت، انقطاع الی الله‌اش، دلبستگی‌اش به خدای متعال، رابطه‌اش با خدای متعال سست نشد، کم نشد، بلکه بیشتر شد. این زن، الگوست.

موفقیت نظام جمهوری اسلامی در پرورش زنان فرزانه و صاحب اندیشه

- ❖ مسئله‌ی زن، یکی از اساسی‌ترین مسائل هر تمدن
- ❖ دو مشکل اساسی در باره مسئله زن در جامعه ما
- ❖ (۱) نگاه غلط به جایگاه زن در جامعه
- ❖ (۲) بد فهمیدن و بد عمل کردن مسئله خانواده
- ❖ بزرگترین اهانت به زن
- ❖ سیاست راهبردی اساسی بنیانی غرب بر هرزه شدن زن
- ❖ مشکلات ناشی از نگاه غلط به زن
- ❖ ما در مسئله‌ی زن، از غرب طلب‌گاریم
- ❖ تحقق خواسته‌ی اسلام در مورد خانواده،
- ❖ مستلزم پشتوانه‌ی قانونی و اجرائی
- ❖ حفظ خانواده، وظیفه اساسی زن
- ❖ مثالهای قرآنی ناظر به اهمیت زن و خانواده
- ❖ حضور بانوان در همه عرصه‌های انقلاب، نشان دهنده موفقیت جمهوری اسلامی!
- ❖ و...

موفقیت نظام جمهوری اسلامی در پرورش زنان فرزانه و صاحب اندیشه *

❁ مسئله‌ی زن، یکی از اساسی‌ترین مسائل هر تمدن

خب، حالا تا همین جای قضیه اگر بخواهیم یک قضاوتی را مطرح کنیم، آن قضاوت این خواهد بود که نظام جمهوری اسلامی توانسته است به یک قله‌ای دست پیدا کند که عبارت است از پرورش زنان فرزانه و صاحب اندیشه و صاحب رأی و نظر در ظرفیت‌ترین و حساسترین مسائل یک جامعه، که حالا عرض خواهم کرد. مسئله‌ی زن - که امروز در دنیا باید به عنوان «بحران زن» آن را نامید - یکی از اساسی‌ترین مسائل هر تمدنی، هر جامعه‌ای و هر کشوری است. در این مورد، شما توانسته‌اید به ریزه‌کاری‌هایی، به دقت‌هایی، به سرفصل‌های مهمی دست پیدا کنید و درباره‌ی این مسئله بیندیشید. بنابراین آن قضاوت این شد که جمهوری اسلامی به یک قله‌ای دست یافته است که ای بسا بسیاری از کشورهای عالم به آن دست نیافته‌اند.

❁ دو مشکل اساسی در باره مسئله زن در جامعه ما

یک مطلب را من اینجا عرض بکنم. مسئله‌ی زن و خانواده، با همه‌ی کاری که شده است - شما کرده‌اید، دیگران کرده‌اند - همچنان یک مسئله‌ی مهم و قابل بحث و قابل توسعه در اندیشه‌ورزی است. این موضوع یکی از نشست‌های اندیشه‌های راهبردی است که ان‌شاءالله در آینده آن را خواهیم داشت. نشست‌های اندیشه‌های راهبردی که تاکنون دو نشست آن انجام گرفته و کارهای آن از لحاظ فکری و ان‌شاءالله بعداً برنامه‌ریزی و عمل دنبال خواهد شد، متکفل بررسی اساسی‌ترین و راهبردی‌ترین مسائل فکری جامعه است. یکی از این مسائل، مسئله‌ی زن و خانواده است که در فهرست این مسائل پیش‌بینی شده و در آینده برگزار

خواهد شد. من همین جا از بانوان محترم، اندیشه‌ورزان زن - که امروز نمونه‌هایی از آن را بحمدالله اینجا دیدیم - درخواست میکنم که در این کار مشارکت جدی بکنید؛ بحث کنید، فکر کنید، مطالعه کنید؛ فصول مربوط به مسئله‌ی زن را به طور جداگانه، به طور تخصصی، به شکل علمی، با تکیه‌ی به منابع اسلامی و فکر ناب انقلابی - که خوشبختانه در شما هست - در نشست مربوط به این موضوع بررسی کنید؛ مطرح بشود، بحث بشود و ان شاءالله برای برنامه‌ریزی و عمل دنبال‌گیری شود.

(۱) نگاه غلط به جایگاه زن در جامعه

درباره‌ی مسئله‌ی زن در جامعه، اساس مشکل، دو چیز است؛ دو نقطه‌ی اساسی است که اگر درباره‌ی این دو نقطه بشود فکری کرد، طرحی نو در انداخت و کار پیگیر و مستمری انجام داد، میتوان امیدوار بود که در طول زمان - میان مدت یا بلندمدت - آن چیزی که امروز میتوان آن را بحران مسئله‌ی زن در دنیا دانست، حل شود. آن دو چیز، یکی عبارت است از نگاه غلط و بدفهمیدن جایگاه زن و شأن زن در جامعه؛ که این نگاه و این بدفهمی از غرب شروع شده و خیلی هم قدیمی و ریشه‌دار نیست. آن کسانی که مدعی شدند که در پروتکل‌های اندیشمندان صهیونیست این مسئله وجود داشته، میشود حدس زد که این، خلاف واقع نیست. یعنی اگر نگاه کنیم، می‌بینیم این نگاه غلط، این کج‌فهمی و بدفهمی در زمینه‌ی شأن زن در جامعه، شاید در حدود صد سال، صد و پنجاه سال بیشتر در غرب سابقه ندارد و از غرب سرریز شده است به جوامع دیگر، از جمله جوامع اسلامی. این یک نقطه است.

(۲) بدفهمیدن و بد عمل کردن مسئله خانواده

نقطه‌ی دوم که اساس مشکل است، بدفهمیدن مسئله‌ی خانواده و بد عمل کردن در رفتارهای داخل خانواده است. این دو تا مشکل است که به نظر ما بحران مسئله‌ی زن را - که امروز یک مشکل اساسی در دنیاست - به وجود آورده. شاید تعبیر «بحران زن»، تعبیر تعجب‌آوری باشد. امروز مسئله‌ی بحران آب و هوا، بحران آب، بحران انرژی، بحران گرم شدن زمین، به عنوان مسائل اصلی بشریت مطرح میشود؛ اما هیچکدام از اینها مسائل اصلی بشریت نیست. بیشتر آن چیزهایی که مشکلات اصلی بشریت است، برمیگردد به مسائلی که ارتباط پیدا میکند با معنویت انسان، با اخلاق انسان، با رفتار اجتماعی انسانها با یکدیگر؛ که یکی از آنها مسئله‌ی زن و مرد، جایگاه زن، مسئله‌ی زن و شأن زن در جامعه است؛ که این حقیقتاً یک بحران است، منتها به رو نمی‌آورند، مطرح نمیکنند و سیاستهای مسلط در دنیا به صرفه‌ی خودشان نمیدانند و شاید برخلاف راهبردهای اصلی خودشان میدانند که این مسئله را مطرح کنند.

بزرگترین اهانت به زن

در مورد مسئله‌ی اول، که جایگاه زن در زندگی و در جامعه است - با هر تعبیری که میخواهید مطرح کنید،

میشود از آن اسم برد - اشکال اینجاست که یک نامعادل‌ه‌ای را بتدریج به وجود آورده‌اند؛ یک طرف ذی‌نفع، یک طرف مورد انتفاع؛ بشریت را اینجوری تقسیم کرده‌اند. طرف ذی‌نفع مرد است، طرف مورد انتفاع عبارت است از زن. این به طور آرام، با تدریج، با شیوه‌های گوناگون، با تبلیغات مختلف، در طول ده‌ها سال - که شاید به صد سال، صد و پنجاه سال برسد، که من دقیق نمیتوانم بگویم و این مسئله قابل تحقیق است - در جوامع غربی در درجه‌ی اول، و بعد در جوامع دیگر جا افتاده. شأن اجتماعی زن را اینجوری معرفی کردند، اینجوری تعریف کردند: زن به عنوان یک موجودی که مورد انتفاع مرد باید قرار بگیرد. لذا در فرهنگ غربی اگر زن بخواهد در جامعه نمود پیدا کند، شخصیت پیدا کند، حتماً باید از جذابیت‌های جنسی خودش چیزی را ارائه بدهد. حتی در مجالس رسمی، نوع پوشش زن باید جور باشد که برای طرف ذی‌نفع و منتفع - یعنی طرف مرد - چشم‌نواز باشد.

به نظر من بزرگترین ضربه، بزرگترین اهانت، بزرگترین حق‌کشی که در زمینه‌ی مسئله‌ی زن انجام گرفته، همین است. در محیط اجتماعی، فرهنگی شکل بگیرد که زن به عنوان یک طرف مورد انتفاع، برای استفاده‌ی یک طرف ذی‌نفع مطرح شود؛ این متأسفانه امروز در فرهنگ غربی وجود دارد. دیگران هم از آنها تقلید کردند، در راهش کوشش کردند، تلاش کردند و این در دنیا جا افتاده. اگر کسی خلاف این را بگوید، علیه او جنجال میکنند. فرض کنیم اگر در یک جامعه‌ی مسئله‌ی آرایش زنان و تبرج زنان در محیط‌های عمومی محکوم شود، جنجال بلند خواهد شد. اگر نقطه‌ی مقابل آن انجام بگیرد - یعنی در یک جامعه‌ی عربانی زنان مطرح شود - هیچ سر و صدائی در دنیا بلند نمیشود. اما وقتی پوشش زن، عدم تبرج زن، آرایش نکردن زن در جامعه مطرح شود، دستگاه‌های مسلط تبلیغاتی دنیا سر بلند میکنند، جنجال میکنند؛ این نشان‌دهنده‌ی این است که یک فرهنگی، یک سیاستی، یک راهبردی وجود دارد که سال‌های متمادی است دنبال میشود و پایه‌اش این است که این جایگاه، این شأن، این موقعیت غلط و اهانت‌آمیز را برای زن تثبیت کنند؛ و متأسفانه کردند.

سیاست راهبردی اساسی بنیانی غرب بر هرزه شدن زن

لذا شما می‌بینید در غرب با حجاب تدریجاً به صورت علنی دارد مخالفت میشود. عنوانی که برای این مخالفت ذکر میکنند، این است که میگویند حجاب نماد یک حرکت مذهبی است؛ ما نمیخواهیم در جوامع ما - که جوامع لائیک هستند - نمادهای مذهبی مطرح شوند. به نظر من این دروغ است؛ بحث مذهب و غیر مذهب نیست؛ بحث این است که سیاست راهبردی اساسی بنیانی غرب بر عرضه شدن و هرزه شدن زن است و حجاب مخالف آن است. حتی اگر چنانچه حجاب ناشی از یک انگیزه و ایمان دینی هم نباشد، با آن مخالفت میکنند؛ مشکل اساسی این است. این مسئله آن وقت دنباله‌های خودش را، تبعات بسیار جانکاه خودش را در جوامع بشری به وجود آورده: مسئله‌ی سست شدن بنیان خانواده - گزارش‌های تکان‌دهنده‌ای که یک نمونه‌اش را یکی از خانم‌های محترم اینجا اشاره کردند - مسئله‌ی آمار گریه‌آور و تأسفبار تجارت زنان.



مشکلات ناشی از نگاه غلط به زن

امروز در دنیا طبق گزارشی که داده شده است - که این گزارش به نظرم گزارش سازمان ملل است؛ گزارش یک مرکز رسمی است - سریع‌الرشدترین تجارتهای دنیا، تجارت زنان و قاچاق زنان است. بدترین کشورها هم در این زمینه، چند تا کشورند؛ از جمله رژیم صهیونیستی است. زنان و دختران را با عنوان پیدا کردن کار و عنوان ازدواج و این حرفها، از کشورهای فقیر، از آمریکای لاتین، از برخی کشورهای آسیا، از برخی کشورهای فقیر اروپا جمع میکنند و میبرند آنها را در شرایط بسیار سختی تحویل مراکزی میدهند که انسان از تصور آنها و نام آنها تنش می‌لرزد. همه‌ی اینها مبتنی است بر این نگاه غلط، این نامعادله‌ی ظالمانه در مورد جایگاه زن در جامعه. پدیده‌ی کودکان نامشروع - که بالاترین آمار کودکان نامشروع هم در آمریکا است - پدیده‌ی زندگی‌های مشترکی که بدون ازدواج انجام می‌گیرد؛ یعنی در حقیقت نابود کردن کانون خانواده و محیط گرم و صمیمی خانواده و برکات خانواده، محروم کردن بشر از این برکات، اینها همه ناشی از مشکل اول است؛ باید برای این، یک فکری کرد. باید جایگاه زن را تعریف کرد و در مقابل منطق هوچیگرانه‌ی غربی بجد ایستاد.

مادر مسئله‌ی زن، از غرب طلب‌گاریم

من یک وقتی گفتم؛ از من سؤال کردند که شما در مقابل آنچه که غربی‌ها درباره‌ی مسئله‌ی زن در کشور میگویند، چه دفاعی دارید؟ من گفتم: ما دفاع نداریم، ما هجوم داریم! ما در مسئله‌ی زن، از غرب طلب‌گاریم؛ ما مدعی غربییم؛ آنها هستند که دارند به زن ظلم میکنند، زن را تحقیر میکنند، جایگاه زن را پایین می‌آورند؛ به اسم آزادی، به اسم اشتغال، به اسم مسئولیت دادن، آنها را مورد فشارهای روحی، روانی، عاطفی و اهانت شخصیتی و شأنی قرار میدهند؛ آنها باید جواب بدهند. جمهوری اسلامی در این زمینه یک مسئولیتی دارد. جمهوری اسلامی در مسئله‌ی زن باید به طور صریح و بدون هیچ مجامله، حرف خودش را - که عمدتاً اعتراض به نگاه غربی و این نامعادله‌ی ظالمانه‌ی غربی است - بگوید. با این نگاه، آن وقت مسئله‌ی حجاب، مسئله‌ی نوع ارتباط زن و مرد، همه معنا پیدا میکند. این یک مسئله است.

تحقق خواسته‌ی اسلام در مورد خانواده، مستلزم پشتوانه‌ی قانونی و اجرائی

مسئله‌ی بعدی - که در قضیه‌ی زن مشکل دومی است - مسئله‌ی خانواده است. نظر اسلام در باب خانواده و جایگاه زن در خانواده، نظر خیلی روشنی است. «المرأة سيدة بيتها»؛ بزرگ خانه، زن خانه است؛ این از پیغمبر اکرم است. جایگاه زن در خانواده، همانی است که در گفتارهای گوناگون ائمه (علیهم‌السلام) آمده: «المرأة ریحانة و لیست بقهرمانة»^۱. در تعبیرات عربی، قهرمان یعنی کارگزار، پادو، یک خدمتگزار محترم. میفرماید: در داخل خانه، زن قهرمانه نیست؛ ریحانه است، گل خانه است. خطاب به مردان میفرماید: بهترین شما کسانی هستند که بهترین رفتارها را با همسرانشان دارند. اینها نظرات اسلام است و از این قبیل الی ماشاءالله وجود دارد. ولی در عین حال تحقق خواسته‌ی اسلام در خانواده، یک امری است که با این بیانات تمام نمیشود، حل

۱. نهج الفصاحة، ص ۶۱۴

۲. نهج البلاغه، نامه‌ی ۳۱

نمیشود؛ احتیاج به پشتوانه‌ی قانونی، پشتوانه‌ی اجرائی و ضمانت اجرائی دارد؛ و این کار باید انجام بگیرد. این کار در طول سالهای متمادی گذشته انجام نگرفته است. خانواده‌هائی که متدین بودند، مردانی که از اخلاق خوب برخوردار بودند و پایبندی‌های شرعی داشتند، ملاحظاتی کردند؛ اما در مواردی که این خصوصیات نبوده، این ملاحظات نشده؛ به زن در داخل خانواده ظلم شده.

البته این‌چنین نیست که ما فکر کنیم غربی‌ها در این زمینه از ما جلویند؛ ابداً بنده آمارهای زیادی دارم، این خانم محترم هم آمارهائی را ذکر کردند؛ وضع داخلی خانواده‌های غربی از لحاظ مظلومیت زن و از لحاظ عدم رعایت حقوق زن، از وضع خانواده‌های اسلامی و ایرانی و شرقی یقیناً بدتر است؛ بهتر نیست، اگر بدتر نباشد؛ در مواردی حتماً بدتر است. ما به آنها که نگاه نمیکنیم، آنها که الگوی ما نیستند. مادر محیط خانواده کمبودهای زیادی داریم؛ احتیاج دارد به پشتوانه‌ی قانونی، به تضمین قانونی، به تضمین اجرائی؛ و این باید تحقق پیدا کند. این مسئله از جمله‌ی عرصه‌ها و میدانهای است که در داخل کشور در این زمینه کم کار شده و باید کار شود.

حفظ خانواده، وظیفه اساسی زن

از لحاظ نظر اسلام و متون اسلامی هم در این بخش از مسئله هیچ کمبودی وجود ندارد. ما می‌بینیم گاهی اوقات کسانی که منتقد تفکرات اسلامی هستند، سر قضیه‌ی ارث و دیه و این چیزها اشکال میکنند، در حالی که اشکالها وارد نیست؛ آنها پاسخهای منطقی و قوی دارد. اما در زمینه‌ی رفتارهای داخل خانواده، متأسفانه غالباً به غفلت گذرانده میشود؛ در حالی که نظر اسلام، نظر کاملاً روشنی است. محیط خانواده برای زن باید محیط امن، محیط عزت و محیط آرامش خاطر باشد تا زن بتواند آن وظیفه‌ی اساسی خودش را - که همین حفظ خانواده است - به بهترین وجهی انجام دهد.

مثالهای قرآنی ناظر به اهمیت زن و خانواده

در مورد نگاه اسلام به زن بحثهای زیادی شده است، ما هم بارها گفتیم. من مکرراً عرض کردم که نمونه برای انسان مؤمن و مرضی الهی، و انسان کافر و مردود در گاه پروردگار در قرآن، زن مطرح شده؛ این چیز جالبی است. قرآن وقتی میخواهد برای انسان خوب و انسان بد نمونه ذکر کند، هر دو را از زنان انتخاب میکند: «ضرب الله مثلاً للذین کفروا امرأة نوح و امرأة لوط».^۳ قرآن دو زن را به عنوان «مثل»، یعنی نمونه و نماد زنان بد معرفی میکند؛ همسر نوح و همسر لوط. بعد نقطه‌ی مقابل: «و ضرب الله مثلاً للذین امنوا امرأة فرعون».^۴ به عنوان نماد زن خوب، زن برتر و زن مؤمن، دو نفر را معرفی میکند: یکی همسر فرعون است، یکی هم حضرت مریم است؛ «و مریم ابنت عمران التي احصنت فرجها».^۵ جالب این است که هر چهار تای این زنها خوبی و بدی‌شان مربوط به محیط خانواده است. در مورد آن دو زن بد - «امرأة نوح و امرأة لوط» - میفرماید: «كانتا تحت عبدین من عبادنا صالحین فخانتاهما»؛^۶ این دو زن به همسرانشان - که دو پیغمبر عالی‌شان و عالی‌مقام

بودند - خیانت کردند. مسئله، مسئله‌ی خانواده است. موضوع آن دو زن دیگر هم مربوط به خانواده است؛ اولی که زن فرعون است، ارزش و اهمیت او این است که یک پیغمبر اولوالعزم را، یک موسای کلیم الله را در آغوش خود پرورش میدهد و به او ایمان می‌آورد و به او کمک میکند؛ لذا فرعون از او انتقام میگیرد. مسئله، مسئله‌ی درون خانواده است با این تأثیر و شعاع عظیم کاری که او کرده است، که یک موسائی را تربیت کرده. در مورد حضرت مریم هم همین جور است: «الَّتِي احصنت فرجها»؛ ناموس خود را حفظ کرد، عفت خود را حفظ کرد. این نشان دهنده‌ی این است که در محیط زندگی حضرت مریم (سلام الله علیها) عواملی وجود داشته که میتواند مسئله است تهدیدکننده‌ی عفت و ناموس یک زن عقیف باشد و او توانسته مبارزه کند. بنابراین همه‌اش ناظر به همین جنبه‌های مهمی است که عرض شد؛ جنبه‌ی خانواده و مسئله‌ی شأن زن در جامعه. بنابراین مسئله، مسئله‌ی مهمی است.

حضور بانوان در همه عرصه‌های انقلاب، نشان دهنده موفقیت جمهوری اسلامی!

البته ما در جمهوری اسلامی پیشرفت داشتیم. نگاه من، نگاه خوشبینانه است. ما قبل از انقلاب را از نزدیک دیدیم. وضعی که آن روز کشور ما و جامعه‌ی ما و زنان ما به سمت آن می‌تاختند، وضعیت بسیار هولناک و خطرناکی بود. به خاطر خاصیت تقلیدی بودن کار در اینجا، گاهی وضعیت ظاهر زنان از آنچه که مادر عکسها و نقلها و گزارشها از زنها‌ی اروپائی میدیدیم یا میخواندیم هم بدتر بود! یک چنین وضعی را داشتند ترویج میکردند. البته زن ایرانی به خاطر گوهر ایمان که در او نهاده بود، توانست بر این موج مخرب فائق بیاید؛ در انقلاب مشارکت اساسی داشته باشد؛ هم با حضور خود، هم با تشویق مردان؛ و یک پایه‌ی اساسی پیروزی انقلاب بشود. بعد از انقلاب هم که حرکت زنان، حرکت فوق العاده‌ای است.

همسران مجاهدان راه حق، آیتی از صبر و مقاومت

من لازم است عرض بکنم؛ این همسران مجاهدان راه حق و مبارزان و سرداران و مادران آنها حقیقتاً آیتی هستند از صبر و مقاومت. شرح حال اینها را که انسان نگاه میکند و میخواند، رنجهای اینها را که ملاحظه میکند - البته بانوانی که قبل از انقلاب همسر مبارزینی بودند که سختی‌هایی را تحمل میکردند، نمونه‌هایی هم در آنجا دیده میشود؛ لیکن نمونه‌های کامل در دوره‌ی دفاع مقدس بود - می‌بیند این همسران چه کشیدند، این مادران چه کشیدند. اینها فرزندان را فرستادند جبهه‌ها؛ بسیاری از آنها شهید شدند، جانباز شدند و این اسوه‌های صبر و مقاومت مثل کوه، استوار ایستادند. این در عرصه‌ی مسائل معنوی و انسانی. در عرصه‌ی مسائل سیاسی و در عرصه‌ی مسائل علمی هم کشور بحمدالله پیشرفت فوق العاده‌ای داشته است. این همه زنان دانشمند، استاد در رشته‌های مختلف علمی، در علوم حوزوی، در علوم دانشگاهی - که نمونه‌ای از آنها خوشبختانه شما حضار محترم هستید که در اینجا حضور دارید - همه نشان دهنده‌ی موفقیت جمهوری اسلامی است.

🏠 شرط پیروزی بر فرهنگ غلط غربی

نگاه من، این نگاه است. این نگاه، دل را به آینده امیدوار میکند. ما با همین حرکت و با همین شتاب ان شاء الله پیش برویم، قطعاً خواهیم توانست بر فرهنگ غلط غربی و رائج در دنیا فائق بیائیم. باید کار کرد، باید تلاش کرد، باید دنبال گیری کرد. نگاه، نگاه خوشبینانه است؛ منتها این نگاه خوشبینانه نباید مانع بشود از اینکه ضعفها را ببینیم. مادر جاتی پیش رفتیم، اما ای بسا ده برابر این ممکن بود پیش برویم. آنچه که موجب شد نتوانیم در آن حد جلو برویم، همین ضعفها و مشکلاتی است که وجود داشته؛ که شما به بعضی از آنها اشاره کردید، و مشکلات دیگری هم وجود داشته که باید برطرف شود. آنچه که من میخواهم در پایان عرایض عرض کنم، این است که عمده‌ی کار را خود بانوان باید انجام بدهند. شما هستید که میتوانید فکر کنید، اندیشه‌ورزی کنید، مطالعه کنید، معضلات را در مقام نظر و اندیشه حل کنید و در مقام عمل راهکار اجرایی ارائه بدهید. این، کار را بسیار آسان و نزدیک خواهد کرد. البته در این جلسه بانوان محترم پیشنهادهایی هم دادند؛ بعضی از اینها کاملاً عملی است و دم دست است و میشود اجرا کرد، اقدام کرد، برای بعضی هم میتوان زمینه‌سازی کرد.

ضرورت کار علمی - کارشناسی در حوزه زن و خانواده

- ❖ دو دلیل برای اهمیت مسئله زن و خانواده در کشور
- (۱) نقش فوق العاده و ممتاز زنان در نظام
- ❖ امام؛ اول کسی که نقش عظیم زنان را فهمید
- ❖ احتیاج آینده به حضور زنانه در مجموعه‌ی حضور ملی
- (۲) مسئله خانواده پایه و سلول اصلی جامعه
- ❖ نمود هر چه بیشتر ویرانی خانواده در غرب
- (۳) اعتراضات جبهه دشمن به مسئله زن در اسلام
- ❖ خانواده، نقطه‌ی ضعف غرب
- ❖ دو کار مهم در حوزه زنان:
- (۱) گفتمان سازی و پرکردن خلأهای نظری
- (۲) بررسی و نقد بدون انفعال نظریه‌های رایج دنیا
- ❖ سیاستهای غربی و پروتکلهای صهیونیسم، بزرگترین ضربه و اهانت به کرامت زن
- ❖ نظریه پردازی در حوزه زنان با استفاده از دارائی‌های علمی اسلام
- ❖ و...

ضرورت کار علمی - کارشناسی در حوزه زن و خانواده

دو دلیل برای اهمیت مسئله زن و خانواده در کشور

۱) نقش فوق العاده و ممتاز زنان در نظام

مسئله‌ی زن و خانواده برای کشور، جزو مسائل درجه‌ی یک است. دوستان، خانمها و آقایانی که آمدند صحبت کردند، این معنا را ثابت کردند. هیچ لزومی ندارد که ما بیش از آنچه شما گفتید و خیلی وسیع و خوب بیان کردید، چیزی بگوئیم. خود این بیانات نشان داد که مسئله بسیار مهم است. اولاً نقش و سهم بانوان در نظام، یک نقش فوق العاده و ممتاز است؛ همچنان که در اصل انقلاب، نقش بانوان ممتاز بود. حالا شاید جوانهای عزیزی که در جلسه هستند و در دوران مبارزات نبودند یا در دوران انقلاب نبودند، نمیدانند آنجا چه اتفاقی افتاد؛ جز از طریق گزارشهایی که هم‌اکنون متأسفانه ناقص است. همه‌ی گزارشهایی که از دوران مبارزه و دوران انقلاب بیرون آمده، گزارشهای ناقص و یکجانبه و کوتاه است. یک کار بزرگی هم در این زمینه داریم، که اگرچه جزو اندیشه‌های راهبردی نیست، اما جزو کارهای راهبردی است و ان شاء الله باید دنبال شود.

آن کسانی که سابقه دارند، میدانند که زنان، هم در دوران مبارزه نقش داشتند، هم بخصوص در همان دوران انقلاب - یعنی آن یک سال و نیمی که حرکت انقلابی عمومی شروع شد - نقش داشتند. زنان یک نقش مؤثر و بی جایگزین داشتند؛ که اگر نبودند زنان توی این اجتماعات، بلاشک این اجتماعات عظیم و این تظاهرات عظیم، آن اثر را نمیبخشید؛ علاوه بر اینکه در بعضی جاها مثل مشهد ما، اصلاً شروع این تظاهرات، از زنان شد. یعنی اولین حرکت عمومی مردمی، یک حرکت زنانه بود. البته مورد تعرض پلیس هم قرار گرفتند. بعد از آن

بود که حرکت‌های مردانه راه افتاد. هم در مبارزات اینجور بود، هم در ایفای نقش در تشکیل نظام، هم در دوران سرعت پدید آمده‌ی بعد از تشکیل نظام؛ یعنی دوران جنگ، دوران محنت، دوران امتحان سخت؛ «حتی‌اذا ضاقت علیهم الأرض بما رحبت»^۱. اوضاع و احوال در دوران جنگ سخت شد. حالا بعضی‌ها جنگ را از تلویزیون و رادیو و اینها میشنفتند، بعضی‌ها با جسم و جان و تن خودشان توی میدان جنگ بودند. این گزارش‌های پر از حماسه و شور که از جنگ داده میشود، همه‌اش هم درست است - من چون خیلی از این کتاب‌های مربوط به خاطرات رزمندگان را میخوانم، میدانم همه‌ی اینها درست است - آن شور و شوق و آن عشق به مجاهدت و شوق به شهادت و عدم بیم از مرگ و اینها، همه‌اش همینی است که توی گزارش‌ها هست و درست است؛ لیکن نگاه کلان به جنگ، یک نگاه کاملاً محنت‌بار بود. خب، آن گردانی که جلو با شوق و ذوق دارد می‌جنگد، او که نمیداند توی قرارگاه اصلی نسبت به مجموعه‌ی جبهه چه حالتی وجود دارد، چه ضعف‌هایی هست، چه نگرانی‌ها و دغدغه‌های جدی‌ای هست؛ و پشت سر قرارگاه اصلی، در سطح کلان، در کشور، چه کمبودهایی، چه دلهره‌هایی وجود دارد. دوران سختی بود. در این دوران سخت، نقش زنان، یک نقش فوق‌العاده بود؛ نقش مادران شهید، نقش همسران شهید، نقش زنان مباحثه در میدان جنگ، در کارهای پشتیبانی و بعضاً بندرت در کارهای عملیاتی و نظامی - که من بخش کارهای پشتیبانی‌اش را خودم از نزدیک در اهواز دیدم - یک نقش فوق‌العاده بود. زنها حتی در بخش‌های نظامی هم فعال بودند؛ همین نوشته‌ی خانم حسینی - دا - این را نشان میدهد. اینها یک مجموعه‌ی کاری است که واقعاً با هیچ معیاری، با هیچ ترازویی قابل اندازه‌گیری نیست. مادر، مادر شهید، مادر دو شهید، مادر سه شهید، مادر چهار شهید؛ شوخی نیست؛ اینها به زبان آسان می‌آید. بچه‌ی انسان سرما می‌خورد، دو تا سرفه میکند، چقدر نگران میشویم؟ یک بچه‌ی انسان برود کشته بشود، دومی برود کشته بشود، سومی برود کشته بشود؛ شوخی است؟ و این مادر با همان احساسات مادرانه‌ی سالم و جوشان و پرفوران، آنچنان نقشی ایفاء کند که صد تا مادر دیگر تشویق بشوند بچه‌هاشان را بفرستند میدان جنگ. اگر این مادرها آن وقتی که جنازه‌ی بچه‌هاشان می‌آید یا حتی نمی‌آید، آه و ناله میکردند، گله میکردند، یقه چاک میزدند، اعتراض به امام و اعتراض به جنگ میکردند، مطمئناً جنگ در همان سالهای اول و در همان

مراحل اول زمینگیر میشد. نقش مادران شهید این است.

همسران صبور شهید، زنهای جوان، شوهران جوان خودشان را در آغاز زندگی شیرین خانوادگی مورد آرزو از دست بدهند. اولاً راضی بشوند این شوهر جوان بلند شود برود جانی که ممکن است برنگردد؛ بعد هم شهادت او را تحمل کنند؛ بعد هم افتخار کنند، سرشان را بالا بگیرند. اینها آن نقش‌های بی‌بدیل است. بعد آنچه که تا امروز ادامه دارد، همسری با جانبازان است. خانم‌هایی رفتند همسر جانبازان شدند. یک مرد ناقص معیوب احياناً بداخلاقی به خاطر وضع جسمی یا اختلالات ناشی از موج‌گرفتگی و غیره را انسان به عنوان یک متعهد و یک مسئول، داوطلبانه و بدون هیچ اجباری برود پذیرائی‌اش را به عهده بگیرد، خیلی فداکاری کرده است. یک وقت شما می‌گوئید من می‌آیم روزی دو ساعت از شما پذیرائی میکنم. خب، هر روزی که شما می‌روید، او از شما تشکر میکند. یک وقت هست که نخیر، شما خودتان را به عنوان همسر او توی خانه‌ی او می‌گذارید؛ شدید

بدهکار! یعنی طبیعت کار این است که باید شما این کار را بکنید. اینها این فداکاری را کردند. اصلاً نمیشود نقش زنان را محاسبه کرد.

🔖 امام؛ اول کسی که نقش عظیم زنان را فهمید

و من اقرار کنم، اعتراف کنم؛ اول کسی که این نقش را فهمید، امام بزرگوار ما بود - مثل خیلی چیزهای دیگری که اول او فهمید، در حالی که هیچکدام از ماها نمیفهمیدیم - همچنان که امام نقش مردم را فهمید. امام تأثیر حضور مردم را درک کرد، آن وقتی که هیچ کس درک نمیکرد. بزرگانی با یک تعبیرات زشتی به ما میگفتند که شما فکر میکنید با همین مردم میشود کار بزرگی انجام داد؟! آنچنان با تحقیر حرف میزدند، کأنه اصلاً انسان نیست آن کسی که به او اشاره میکنند! امام نه؛ امام قدر مردم را دانست، مردم را شناخت، توانائیهای آنها را درک کرد، کشف کرد، فراخوان داد. امام چون صادق بود، چون سخن از آن دل پاک بزرگ نورانی بیرون می آمد، اثر گذاشت؛ لذا همه آمدند توی میدان. آن روزی که روز تشکیل کمیته بود، از همه ی قشرها آمدند توی کمیته؛ دانشجو آمد، استاد آمد، طلبه آمد، عالم طراز بالا آمد، مردم کوچه و بازار آمدند؛ آمدند عضو کمیته شدند. آن روزی که نوبت جنگ شد، همه به دستور امام رفتند داخل میدان جنگ شدند. آن روزی که امام در اواخر عمرش فرمود باید بروید، بسازید، درست کنید - استغناء - آمدند وارد میدان سازندگی شدند. آن راهگشائیها تا امروز هم ادامه دارد. به نظر من الان هم هر چه ما داریم پیش میرویم، ضرب دست امام است. ایشان آنچنان این گوی را محکم پرتاب کرده، که حالا حالاها امثال بنده باید دنبالش بدویم. این مردم حرکت کردند. نسل به نسل هم دارد دست به دست میشود. امام در زمینه ی زن هم همین جور بود. امام نقش زنان را فهمید؛ و الا بودند بزرگانی از علما که ما با اینها بگومگو داشتیم، که اصلاً زنها در تظاهرات شرکت نکنند یا نکنند! آنها میگفتند زنها در تظاهرات شرکت نکنند. آن حصار محکمی که انسان به او تکیه میداد، خاطر جمع میشد، تا بتواند در مقابل این جور نظراتی که از مراکز مهمی هم ارائه میشد، بایستد، حصار رأی امام و فکر امام و عزم امام بود. رحمت خدای متعال تا ابد الابدین بر این مرد بزرگ باد.

🔖 احتیاج آینده به حضور زنانه در مجموعه ی حضور ملی

به هر حال نقش زنان، یک نقش بی بدیلی است. پس خود این نقش، اقتضاء میکند؛ چون آینده دارد. تازه از عمر انقلاب، سی و دو سال گذشته. سی و دو سال برای یک انسان هم عمر جوانی است، چه برسد برای یک تاریخ. این نظام الهی باید صدها سال عمر کند. ما هنوز در اول جوانی اش هستیم. آینده احتیاج دارد به این حضور زنانه در مجموعه ی حضور ملی. پس بایستی ما راجع به مسئله ی زن و حفظ این ظرفیت که در جامعه ی ما وجود دارد، تلاش کنیم. این دلیل اول است برای اینکه باید به مسئله ی زن بپردازیم.

۲) مسئله خانواده پایه و سلول اصلی جامعه

دلیل دوم، مسئله‌ی خانواده است. گویندگان محترم امشب درباره‌ی خانواده بسیار بحث‌های خوبی کردند. حقیقتاً بحثها خوب بود. من اگر بخواهم داوری کنم، خواهم گفت که متوسط بحثها از سطح خوب بالاتر بود؛ حرفهای درست، آمارهای خوب، استنباطهای خوب، استنتاجهای خوب، از زوایای مختلف. یک قضیه‌ی چندبعدی راه از هر بعدی، یک صاحب نظری، یک اندیشمندی بررسی کرد. نوافکنها را انداختید به پیکره‌ی این موضوع حساس و مهم. انسان میتواند این زوایا را ببیند. ما واقعاً استفاده کردیم.

بنابراین مسئله‌ی خانواده، مسئله‌ی بسیار مهمی است؛ پایه‌ی اصلی در جامعه است، سلول اصلی در جامعه است. نه اینکه اگر این سلول سالم شد، سلامت به دیگرها سرایت میکند؛ یا اگر ناسالم شد، عدم سلامت به دیگرها سرایت میکند؛ بلکه به این معناست که اگر سالم شد، یعنی بدن سالم است. بدن که غیر از سلولها چیز دیگری نیست. هر جهازی، مجموعه‌ی سلولهاست. اگر ما توانستیم سلولها را سالم کنیم، پس سلامت آن جهاز را داریم. مسئله اینقدر اهمیت دارد. جامعه‌ی اسلامی، بدون بهره‌مندی کشور از نهاد خانواده‌ی سالم، سرزنده و بانشاط، اصلاً امکان ندارد پیشرفت کند. بالخصوص در زمینه‌های فرهنگی و البته در زمینه‌های غیر فرهنگی، بدون خانواده‌های خوب، امکان پیشرفت نیست. پس خانواده لازم است.

نمود هر چه بیشتر ویرانی خانواده در غرب

حالا نقض نشود که شما می‌گوئید در غرب خانواده نیست، پیشرفت هم هست. آنچه که امروز در ویرانی بنیاد خانواده در غرب روزبه‌روز بیشتر دارد نمودارهایش ظاهر میشود، اینها اثرش را خواهد بخشید؛ هیچ عجله‌ای نباید داشت. حوادث جهانی و حوادث تاریخی اینجور نیست که زودباز ده و زوداثر باشد؛ اینها بتدریج اثر خواهد گذاشت؛ کما اینکه تا حالا هم اثر گذاشته. آن روزی که غرب به این پیشرفته‌ها دست پیدا کرد، در آنجا هنوز خانواده سر جای خودش بود؛ حتی مسئله‌ی جنسیت با همان رعایتهای اخلاقی جنسی - البته نه به شکل اسلامی، بلکه به شکل خاص خودش - وجود داشت. اگر کسی با معارف غربی آشنا باشد، هم در اروپا و هم بعداً در آمریکا این را می‌بیند و مشاهده میکند. این مسئله‌ی رعایتهای اخلاقی دو جنس نسبت به یکدیگر، مسئله‌ی حیا، پرهیز از تهمت، اینها چیزهائی بود که آن روز وجود داشت. این بی‌بندوباری‌ها و اباحیگری‌ها بتدریج در آنجا به وجود آمده. آن روز یک زمینه‌هائی فراهم شد و به اینجا رسید. وضع امروز هم فردای بسیار تلخ و سختی را برای آنها رقم می‌زند. این هم جهت دوم.

۳) اعتراضات جبهه دشمن به مسئله زن در اسلام

جهت سوم هم این است که در این سی و دو سال، مسئله‌ی زن از نظر جبهه‌ی دشمنان ما، در یکی از بالانشینهای جدول اعتراضها به ماست. از اول انقلاب روی مسئله‌ی زن تکیه کردند، به ما اعتراض کردند، در ردیف تروریسم و در ردیف نقض حقوق بشر قلمداد کردند. هنوز هیچ خبری هم نبود. معلوم هم نبود که

جامعه‌ی اسلامی با جنس زن چه کار خواهد کرد. آنها شروع کردند که: اسلام علیه زن است، اسلام چنین است. البته این مسئله تا امروز هم ادامه دارد. خب، ما در این زمینه بایستی مواجهه کنیم، مقابله کنیم. افکار عمومی جهان را نمیشود دست کم گرفت. همه که مغرض نیستند، همه که خبائث ندارند؛ خبائث مال یک عده‌ی خاص است، مال سیاستگران و سیاست‌سازان و برنامه‌ریزان و اینهاست؛ ما نباید اجازه بدهیم که عامه‌ی مردم دچار این اغوای بزرگ قرار بگیرند؛ لذا باید وارد شویم.

خانواده، نقطه‌ی ضعف غرب

البته این را هم بگوئیم؛ غرب رندانه از زیر بار طرح مسئله‌ی خانواده در می‌رود. توی همه‌ی بحث‌هایی که اینها میکنند، بحث زن هست، اما اصلاً بحث خانواده نیست. خانواده، نقطه‌ی ضعف غرب است. مسئله‌ی زن را مطرح میکنند، اما اصلاً اسم خانواده را نمی‌آورند؛ با اینکه زن از خانواده جدا نیست. بنابراین رسیدن به این مسئله، لازم است.

دو کار مهم در حوزه زنان:

۱) گفت‌وگو سازی و پر کردن خلأهای نظری

خب، این جلسه هم که خیلی خوب بود. آنچه که ما در این جلسه فهمیدیم، علاوه بر استفاده‌ای که از محتوای مطالب دوستان کردیم، مهم این بود که فهمیدیم در حوزه‌ی زن و خانواده، از لحاظ علمی - کارشناسی، کارهای بر زمین مانده‌الی ماشاءالله داریم. اینقدر کار بر زمین مانده داریم که بعضی از همین پیشنهادهایی که دوستان کردند - که مرکز چینی تشکیل شود، مرکز چنانی تشکیل شود - همه‌اش درست است؛ باید واقعاً بشود. البته ما قبلاً با دوستانی که در دفتر هستند، آقای واعظزاده و دیگران، درباره‌ی ادامه‌ی کار این نشست در مورد مسئله‌ی زن و خانواده صحبت کردیم؛ کارهایی در ذهن دارند. هم در زمینه‌ی مسائل نظریه‌پردازی کارهای مهمی ان شاءالله انجام خواهد گرفت، هم در زمینه‌ی گفت‌وگو سازی، و هم در زمینه‌ی نزدیک کردن این گفت‌وگو به اجرا؛ که البته اگر به صورت گفت‌وگو در آمد، اجرای آن دیگر کار دشواری نیست. یعنی همان اشکالاتی که به مجلس و شورای نگهبان و دولت و غیره دارند، همه‌ی آنها برطرف میشود. گفت‌وگو یک جامعه مثل هوست، همه تنفسش میکنند؛ چه بدانند، چه ندانند؛ چه بخواهند، چه نخواهند. باید این گفت‌وگو سازی انجام بگیرد؛ که البته نقش رسانه‌ها و بالخصوص نقش روحانیون و نقش بزرگان و اساتید دانشگاهی حتماً نقش بارز و مهمی است.

خب، ما باید در این زمینه، خلأهای نظری را پر کنیم. نتیجه این خواهد شد که سرمایه‌گذاری پژوهشی در حد طاقت لازم است؛ این را ما تصدیق میکنیم. ما با مراجعه‌ی به مقاله‌های دوستان - که چکیده‌ی مقاله‌ها و خود مقاله‌ها را قبلاً به من دادند، من هم یک مروری کرده‌ام - به این نتیجه میرسیم که بایستی مجموعه‌ی نظام، سرمایه‌گذاری مهمی در حد طاقت و امکانات خود در زمینه‌ی پژوهش در این مسئله بکند.

۲) بررسی و نقد بدون انفعال نظریه‌های رائج دنیا

دوم: بررسی و نقد نظریه‌های رائج دنیا، بدون انفعال. این مسئله‌ی بدون انفعال، خیلی مسئله‌ی مهمی است. البته من امشب از اولین سخنران که مطالبی را بیان کردند، تا آخر، این روح را دیدم؛ دیدم نگاه، نگاه انتقادی است به وضعی که در غرب در مورد زن و بخصوص در مورد خانواده وجود دارد.

🏠 سیاست‌های غربی و پروتکل‌های صهیونیسم، بزرگترین ضربه و اهانت به کرامت زن

البته انتقادهائی که شما به غرب کردید، بیشتر در زمینه‌ی خانواده بود؛ اما عقیده‌ی من این است که بیشترین جرمه‌ی غرب در مسئله‌ی زن و خانواده، در نگاهش به زن است؛ و این را با یک جمله و دو جمله نمیشود توصیف کرد. بزرگترین ضربه و اهانت به کرامت زن را همین سیاست غربی دارد انجام میدهد. همین فمینیست‌های افراطی هم - که خب، لایه‌های متعددی دارند - من حیث لایشعر دارند به زن ضربه میزنند. حالاً من حیث لایشعر که میگوئیم، نگاه خوشبینانه است - یعنی اینهایی که دست‌اندر کارند، ظاهراً نمیفهمند چه کار دارند میکنند - احتمال دارد سیاست‌گذارانی، برنامه‌ریزانی در پشت صحنه هستند که آنها میفهمند دارند چه کار میکنند؛ کمالینکه این احتمال در همان پروتکل‌های صهیونیسم کاملاً پیش‌بینی شده. یعنی ضایع کردن جنس زن و او را مظهری برای استفاده‌ی شهوانی مرد قرار دادن، در مواد آن پروتکلها هست. حالاً ممکن است کسی در اعتبار و صحت سند آن پروتکل خدشه کند، لیکن وقتی آدم دستگاه صهیونیسم و شبکه‌ی تبلیغاتی صهیونیسم را ملاحظه میکند، می‌بیند عملاً همین کار را میکنند؛ حالاً اگر هم برایشان واجب نشده، به نحو مستحب دارند انجام میدهند؛ ملتزمند این کار را بکنند، و دارند میکنند. زن را ضایع میکنند. یعنی آنچنان رسم و عرف و عادت لایتخلف شده که کسانی جرأت نمیکند برخلاف آن رفتار کنند. در یک مجلس رسمی، یک مرد باید بالباس رسمی بپوشد؛ پاپیون بزند، یقه‌اش بسته باشد، آستینش هم تا سر مچ باشد؛ نه اجازه دارد شلوارک بپوشد، نه اجازه دارد تی شرت بپوشد؛ اما یک خانم در همان جلسه‌ی رسمی، حتماً بایستی بخشهای مهمی از بدنش عریان باشد؛ اگر پوشیده‌ی کامل بیاید، محل اشکال است؛ اگر بدون جذابیتها بیاید، محل اشکال است؛ اگر آرایش نکرده بیاید، محل اشکال است! این شده عرف. افتخار هم میکنند. در غرب، بخصوص در آمریکا و در شمال اروپا - کشورهای اسکاندیناوی - مراکز مهمی وجود دارد که اصلاً بنای کارش بر عرضه‌ی جنسی زن در مقابل مرد است؛ در روزنامه‌ها و مجلات هم تبلیغ میشود، هیچ کس هم اعتراض نمیکند! این شده عرف، این شده عادت. چه ضربه‌ای برای زن از این بالاتر؟ الگو درست کردن برای زنان به این شکل - زنان خودشان را میگویم، و کشورهایی که دنباله‌رو آنها بیاوند، نه زنان ما را - یکی از بزرگترین ضربه‌هایی است که دارند میزنند. بنابراین نباید در مقابل این فرهنگ غلط انفعال داشت. غرب در قضیه‌ی زن و خانواده، در یک گمراهی و ضلالت عمیقی به سر میبرد. فقط خانواده نیست؛ بلکه در مورد شخصیت زن، هویت زن، غرب در یک گمراهی عجیبی است.

🔖 نظریه پردازی در حوزه زنان با استفاده از دارائی های علمی اسلام

ما باید در این بررسی ها، از دارائی های علمی خودمان - که کم هم نیست - استفاده کنیم. ده ها نظریه و الگوی مترقی در همین زمینه ی زن و خانواده میشود استخراج کرد. اینها نظریه پردازی بشود، تئوریزه بشود، با جوانبش، با اجزایش، تدوین بشود و ارائه بشود. اینها کارهای میان مدت و بلندمدتی است که حتماً بایستی انجام بگیرد. تعالیم ناب و مترقی اسلام در قرآن و حدیث باید مورد استفاده قرار بگیرد.

🔖 عمده ی مشکلات بانوان، مربوط به داخل خانواده

البته من یک چند تا یادداشت اینجا نوشته ام، اما هم وقت کم است، هم خیلی از حرفها همین جازده شد؛ بنابراین نیازی نیست که حالا بنده هم آنها را تکرار کنم. از مجموع این چیزهایی که من نوشتم، آنچه که مایلیم اینجا عرض کنم، این است که فی الجمله نگاه اسلام به زن - به حیث جنس - یک نگاه فوق العاده متعالی است. به نظر من خیلی از این مشکلات مربوط به بانوان، ناشی است از مشکلات حیات جمعی خانواده، به حیثی که زن در آن محور است. ما خلأهای قانونی و عاداتی و سنتی عجیب و فراوانی داریم. گاهی اوقات خانمهایی با ما تماس میگیرند - یا از مجلس، یا از حوزه، یا از مراجعات گوناگون مردمی، یا از مراکز دیگر - و مشکلاتشان را میگویند؛ این مشکلات عمدتاً مربوط میشود به مشکلات داخل خانواده. اگر زن داخل خانواده امنیت روانی داشته باشد، امنیت اخلاقی داشته باشد، آسایش داشته باشد، سکن داشته باشد، حقیقتاً شوهر برای او لباس محسوب شود - همچنان که او لباس شوهر است - و همچنان که قرآن خواسته، مودت و رحمت بین اینها باشد، و اگر «و لهن مثل الذی علیهن»^۲ در خانواده رعایت شود - این چیزهایی که اصول کلی و اساسی است - آنگاه مشکلات بیرون خانواده برای زن قابل تحمل خواهد شد؛ اصلاً بر اینها فائق می آید. اگر زن در آسایشگاه خود، در سنگر اصلی خود، بتواند مشکلات خودش را کاهش بدهد، بلاشک در عرصه ی اجتماع هم خواهد توانست.

🔖 نگاه اسلام به جنسیت، یک نگاه درجه ی دو

هم در مسئله ی خود زن، هم در مسئله ی خانواده، اسلام حرفهای جالب، برجسته و مهم دارد. اولاً نگاه اسلام به جنسیت، یک نگاه درجه ی دو است؛ نگاه اول و درجه ی یک، حیث انسانیت است؛ که در آن، جنسیت اصلاً نقشی ندارد. خطاب، انسان است. البته «یا ایها الذین آمنوا» است، «یا ایها الذین آمنن» نیست؛ یعنی صیغه ی آمنوا، صیغه ی مردانه است، نه صیغه ی زنانه؛ اما این به هیچ وجه به معنای این نیست که در این خطاب، مرد بر زن ترجیح دارد؛ این ناشی از عوامل دیگر است؛ آن عوامل هم برای ما روشن است. حالاً نمیخواهیم وارد آن بشویم که چرا ما مثلاً در زبان فارسی جمعیت را میگوئیم مردم؛ از مرد میگیریم، نمیگوئیم زنم؛ در انگلیسی «HUMAN»، چرا «MAN»؟ این نشانه ی این نیست که غلبه ی فرهنگ مردانه این را به وجود آورده و در لغت یک چنین تصرفی کرده؛ نه، این یک عوامل دیگری دارد. بالاخره در داخل خانواده، مرد نمای بیرونی است، زن

نمای داخلی است. بخواهید یک خرده ذوقی تر بگوئید، مرد پوست بادام است، زن مغز بادام است. از این قبیل تعبیرات میشود کرد. مرد ظاهر تر است، ساختمان او اینجوری است؛ خدای متعال او را برای این کار ساخته و پرداخته، زن را برای یک کار دیگری؛ بنابراین بروز و ظهور و نمایش و نمود داشتن در مرد بیشتر است؛ به خاطر همین خصوصیات، نه به خاطر ترجیح. اما در زمینه‌ی مسائل اصلی انسان - که مربوط به انسان است - زن و مرد هیچ فرقی ندارند. خب، شما ببینید در تقرب الی الله، یک زنی مثل حضرت زهرا، مثل حضرت زینب، مثل حضرت مریم هستند؛ رتبه‌شان، رتبه‌های فوق تصور امثال ماهاست. در آیه‌ی شریفه‌ی سوره‌ی احزاب، زن و مرد هیچ فرقی با هم ندارند؛ شاید اصلاً این هم به خاطر همین است که خواستند آن تصورات جاهلی مربوط به زن را بگویند: «آن المسلمین و المسلمات و المؤمنین و المؤمنات و القانتین و القانتات و الصادقین و الصادقات و الصابرين و الصابرات و الخاشعین و الخاشعات و المتصدقین و المتصدقات و الصائمین و الصائمات و الحافظین فروجهن و الحافظات و الذاکرین الله کثیرا و الذاکرات». از اسلام تا ذکر، یک فاصله‌ای است. یک سلسله مدارک متدرجی هم وجود دارد. آدم در این تعبیرات دقت کند، این را پیدا میکند. «عدالله لهم مغفرة و اجرا عظیما».^۳ همه جا مرد، زن: مرد خاشع، زن خاشع؛ مرد متصدق، زن متصدق؛ با هم هیچ فرقی ندارند.

در سوره‌ی مبارکه‌ی آل عمران، بعد از آن «رَبَّنَا» ها میگوید: «فاستجاب لهم ربهم انی لا اذیع عمل عامل منکم من ذکر او انثی بعضکم من بعض».^۴ مرد و زن هیچ تفاوتی ندارند. حتی یک جا برای کوبیدن همین اندیشه‌های جاهلی که عرض کردم، زن را از مرد بالا میکشد؛ که یک چنین حالتی را جز در مورد اشخاص، انسان در قرآن دیگر پیدا نمیکند: «ضرب الله مثلاً للذین کفروا امرأت نوح و امرأت لوط».^۵ نمودار کفار، این دو تا زنند: «امرأت نوح و امرأت لوط». نه نمودار برای زنها؛ نه، برای زن و مرد. «کانتا تحت عبدین من عبادنا صالحین فخانتاهما»^۶ تا آخر. «و ضرب الله مثلاً للذین ءامنوا امرأت فرعون»؛ خدای متعال اینجا هم برای مؤمنین دو تا زن را اسم می آورد. حالا شما ببینید از اول تاریخ تا آخر دنیا، چه تعداد مؤمن، اعم از بزرگان، صلحاء، اولیاء، انبیاء آمدند و رفتند. وقتی میخواهد برای اینها یک نمودار، یک مجسمه، یک نماد معرفی کند، دو تا زن را معرفی میکند: یکی «امرأت فرعون» - اذ قالت رب ابن لی عندک بیتا فی الجنة و نجّنی من فرعون و عمله^۷ تا آخر - دوم «و مریم ابنت عمران الّتی احصنت فرجها فنحننا فیہ من روحنا و صدقت بکلمات ربّها».^۸ اصلاً چیز عجیبی است. بنابراین جنسیت یک امر ثانوی است، یک امر عارضی است؛ در کار کردهای زندگی معنا پیدا میکند، در سیر اصلی بشر هیچ تأثیری ندارد و معنایی پیدا نمیکند. حتی کارهایشان با هم متفاوت است.

شوهرداری شعبه‌ای از جهاد اکبر

«جهاد المرأة حسن التّبعّل»؛^۹ یعنی ثواب مجاهدت آن جوانی را که رفته توی میدان جنگ و جان خودش را کف دستش گرفته، به خاطر این کار، به این زن میدهند؛ چون این کار هم زحمتش کمتر از آن نیست. البته شوهرداری خیلی سخت است. با توقعاتشان، با انتظاراتشان، با بد اخلاقی هاشان، با صدای کلفتشان، با قد بلندترشان؛ خب، زنی بتواند با این شرائط، محیط خانه را گرم و گیرا و صمیمی و دارای سکینه و آرامش -

(۹) کافی، ج ۵، ص ۹

(۶) تحریم: ۱۰

(۳) احزاب: ۳۵

(۷) تحریم: ۱۱

(۴) آل عمران: ۱۹۵

(۸) تحریم: ۱۲

(۵) تحریم: ۱۰

سَکَن - قرار بدهد، خیلی هنر بزرگی است؛ این واقعاً جهاد است؛ این شعبه‌ای از همان جهاد اکبری است که فرموده‌اند؛ جهاد با نفس است.

نقش بسیار مهم همسری در زنان

حالا در مورد خانواده، حرف خیلی زیاد است. مسئله‌ی همسری، مسئله‌ی مادری، اینها همه‌اش باید تفکیک شود. زن در خانواده یک نقش همسری دارد؛ این نقش همسری، فوق‌العاده است؛ ولو اصلاً مادری‌ای وجود نداشته باشد. فرض کنید زنی است؛ یا مایل نیست به زایمان، یا به هر دلیلی امکان زایمان برایش وجود ندارد؛ اما همسر است. نقش همسری را نباید دست کم گرفت. ما اگر میخواهیم این مرد در داخل جامعه یک موجود مفیدی باشد، باید این زن در داخل خانه همسر خوبی باشد؛ والا نمیشود.

مادر دوران مبارزه و بعد از دوران مبارزه، دوران پیروزی انقلاب، آزمایش کردیم؛ مردانی که همسران همراه داشتند، هم در مبارزه توانستند پایدار بمانند، هم بعد از انقلاب توانستند خط درست را ادامه بدهند. البته عکسش هم بود. من گاهی به این دخترها و پسرهایی که می‌آمدند خطبه‌ی عقدشان را میخواندم - آن وقتهایی که میخواندم؛ حالا که توفیق ندارم - میگفتم خیلی از خانمها هستند که شوهرهاشان را اهل بهشت میکنند؛ خیلی خانمها هم هستند که شوهرانشان را اهل جهنم میکنند؛ دست آنهاست. البته مردها هم عیناً همین نقش را دارند. در باب خانواده، نقش مردها را هم بایستی نادیده نگرفت. بنابراین نقش همسری، یک نقش بسیار مهمی است. بعد هم نقش مادری است؛ که خوب، اینجا مفصل بیاناتی کردند و خیلی بحث زیاد است.

مشارکت اجتماعی بانوان به شرط تحت الشعاع نرفتن کار اساسی در خانواده

از جمله‌ی مسائلی که مطرح میشود، مسئله‌ی اشتغال بانوان است. اشتغال بانوان از جمله‌ی چیزهایی است که ما با آن موافقیم. بنده با انواع مشارکتهای اجتماعی موافقم؛ حالا چه از نوع اشتغال اقتصادی باشد، چه از نوع اشتغالات سیاسی و اجتماعی و فعالیتهای خیرخواهانه و از این قبیل باشد؛ اینها هم خوب است. زنها نصف جامعه‌اند و خیلی خوب است که اگر ما بتوانیم از این نیم جامعه در زمینه‌ی اینگونه مسائل استفاده کنیم؛ منتها دوسه تا اصل را باید ندیده نگرفت. یک اصل این است که این کار اساسی را - که کار خانه و خانواده و همسر و کدبانویی و مادری است - تحت الشعاع قرار ندهد. میشود هم. به نظر میرسد مواردی داشتیم که خانمهایی اینطور عمل میکردند. البته یک قدری به آنها سخت میگردد؛ هم درس خواندند، هم درس دادند، هم خانه‌داری کردند، بچه آوردند، بزرگ کردند، تربیت کردند. پس ما با آن اشتغال و مشارکتی کاملاً موافق هستیم که به این قضیه‌ی اصلی ضربه و صدمه نزنند؛ چون این جایگزین ندارد. شما اگر بچه‌ی خودتان را در خانه تربیت نکردید، یا اگر بچه نیاوردید، یا اگر تارهای فوق‌العاده ظریف عواطف او را - که از نخهای ابریشم ظریف‌تر است - با سرانگشتان خودتان باز نکردید تا دچار عقده‌ی [عاطفی] نشود، هیچ کس دیگر نمیتواند این کار را بکند؛ نه پدرش، و نه به طریق اولی دیگران؛ فقط کار مادر است. این کارها، کار مادر است؛ اما آن شغلی که شما بیرون

دارید، اگر شما نکردید، ده نفر دیگر آنجا ایستاده‌اند و آن کار را انجام خواهند داد. بنابراین اولویت با این کاری است که بدیل ندارد؛ تعیین با این است.

🌸 وظیفه دولت نسبت به زنان شاغل

آن وقت همین جا وظیفه‌ای بر دوش دولت است. باید به آن خانمهایی که حالا به هر دلیلی، به هر جهتی، با هر ضرورتی، کار تمام‌وقت یا نیمه‌وقت را قبول کرده‌اند، کمک بشود تا بتوانند به مسئله‌ی مادری برسند، به مسئله‌ی خانه‌داری برسند. با مرخصی‌ها، با زمان بازنشستگی، با مدت کار روزانه، به نحوی بایستی دولت کمک کند تا این خانمی که حالا به هر دلیلی آمده اینجا شاغل شده، بتواند به آن قضیه هم برسد.

🌸 جدی بودن مسئله محرم و نامحرمی در اسلام

دومین مسئله، مسئله‌ی محرم و نامحرم است. مسئله‌ی محرم و نامحرم در اسلام جدی است. البته بخش عمده‌ای از این قضیه‌ی محرم و نامحرم باز برمیگردد به خانواده. یعنی چشم پاک و دل بی‌وسوسه و ریب برای هر یک از زوجین موجب میشود که محیط خانواده از طرف او تقویت و گرم شود؛ مثل یک کانون گرمابخشی، محیط را گرم میکند. اگر آن طرف مقابل هم همین چشم پاک و دل خالی از وسوسه را داشت، طبعاً این دو جانبه خواهد شد و محیط میشود کانون خانواده‌ی گرم و بامحبت. اگر چنانچه نه، چشم خائن، دست خائن، زبان دو وجه، دل بی‌محبت و بی‌اعتقاد به همسر و همسری وجود داشت، ولو ظاهر سازی‌هایی هم باشد، محیط خانواده سرد میشود.

در مقالات دوستان خواندم که همین بیرون رفتنها و همین اشتغالات و اینها موجب میشود که گاهی سوءظن‌های بیجا به وجود بیاید. لیکن فرقی نمیکند؛ بالاخره اگر سوءظن پیدا شد، چه سوءظن، مستند درستی داشته باشد، چه نداشته باشد، اثر خودش را میبخشد؛ مثل گلوله‌ای است که از این لوله بیرون می‌آید؛ اگر توی سینه‌ی کسی خورد، میکشد؛ چه این شخص عامد باشد، چه اشتهاً دستش رفته باشد روی ماشه. گلوله فرقی نمیگذارد. گلوله نخواهد گفت چون کسی که من را شلیک کرد، عامد نبود، پس من سینه‌ی این طرف مقابل را ندم؛ نه، گلوله میدرد. این سوءظن کار خودش را میکند؛ چه منشأ درستی داشته باشد، چه ناشی از وسواس و مثلاً تصورات و توهمات بیجا باشد.

🌸 ضرورت حفظ جنبه قدسی ازدواج

یک نکته هم مسئله‌ی ازدواج است. ازدواج یک تقدسی دارد از نظر ادیانی که حالا من میشناسم. من در این خصوص، تفحص زیادی نکردم. بد هم نیست که بعضی از دوستان آماده‌ی به کار در این زمینه تفحص کنند. غالباً مراسم ازدواج، یک مراسم مذهبی است؛ مسیحی‌ها آن را توی کلیسا انجام میدهند، یهودی‌ها آن را در کنائشان انجام میدهند؛ مسلمانها هم اگر چه در مسجد انجام نمیدهند، اما اگر بتوانند، در مشاهد مشرفه،

والاد در ایام متبرک دینی و عمدتاً به وسیله‌ی رجال دین، این را انجام می‌دهند. رجل دینی هم وقتی برای ازدواج نشست، مبالغی دین بیان میکند. بنابراین صبغه، کاملاً صبغه‌ی دینی است. ازدواج یک جنبه‌ی قدسی دارد؛ این جنبه‌ی قدسی را نباید از آن گرفت. گرفتن جنبه‌ی قدسی به همین کارهای زشتی است که متأسفانه در جامعه‌ی ما رائج شده. این مهریه‌های سنگین به خیال اینکه میتواند پشتوانه‌ی حفظ خانواده و حفظ زوجیت باشد، تعیین میشود؛ در حالی که اینجور نیست. حداکثر این است که شوهر از دادن امتناع میکند، میبردش زندان؛ یک سال، دو سال زندان میماند. در این اقدام، به زن چیزی نمیرسد؛ او بهره‌ای نمیرد، جز اینکه کانون خانواده‌اش هم متلاشی میشود. اینکه در اسلام از حضرت امام حسین (علیه‌السلام) نقل شده که فرمود ما دخترانمان و خواهرانمان و همسرانمان را جز با مهرالسنه عقد نکردیم، به خاطر این است؛ والا میتوانستند. اگر امام حسین میخواست مثلاً با هزار دینار هم عقد بکند، میتوانست؛ لازم نبود مثلاً با پانصد درهم - دوازده و نیم اوقیه - مقید به این کار بشود. آنها میتوانستند، اما کمش کردند. این کم کردن، با یک محاسبه است؛ این خیلی خوب است.

یا همین تشریفات زائد ازدواج - خرجهای زیاد، مجالس متعدد - که واقعاً انسان دلش میگیرد وقتی میشوند. اینها از آن مواردی است که گفتمان سازی میخواهد. خانمهای مؤثر، آقایان مؤثر، اساتید دانشگاه، روحانیون، بخصوص صدا و سیما و رسانه‌ها باید در این زمینه‌ها کار کنند؛ این را از این حالت بیرون بیاورند.

مردان باید قدر دان باشند!

یک کلمه هم درباره‌ی نقش مردان عرض کنیم. در خانواده‌ی گفته میشود نقش زن. دلیلش هم واضح است؛ چون زن در خانواده عنصر محوری است. اما اینجور نیست که مرد در خانواده وظیفه و مسئولیت و نقشی نداشته باشد. مردهای بی خیال، مردهای بی عاطفه، مردهای عیاش، مردهای قدرشناس زحمات زن خانه، اینها به محیط خانه لطمه میزنند. مرد باید قدر دان باشد. جامعه باید قدر دان باشد. حتماً بایستی بر روی کار زنهای خانه‌دار ارزشگذاری ویژه بشود. بعضی میتوانستند بروند کار بگیرند، بعضی میتوانستند تحصیلات عالی بکنند، بعضی تحصیلات عالی هم داشتند - من دیدم زنانی را از این قبیل - گفتند ما میخواهیم این بچه را بزرگ کنیم، خوب تربیت کنیم، نرفتم کار بگیریم. زن نرفته کار بگیرد، آن کار هم زمین نماند؛ آن ده نفر دیگر رفتند آن کار را گرفتند. باید از اینجور زنی قدر دانی شود. در بیاناتی که حضرات فرمودند، این بود که مثلاً بیمه‌هایی برای اینها در نظر گرفته شود. بله، تأمین اقتصادی‌شان، بیمه‌شان، بقیه‌ی چیزهایی که لازم است، باید در نظر گرفته شود.

فرزندان هم نقش دارند. یکی از مهمترین بخشهای خانواده، فرزندانند؛ نقش آنها هم احترام به والدین است. که دیگر حالا این هم داستان مفصلی است.

نگاه اسلام به نقش زن در تحولات اجتماعی

بازگرداندن هویت به زن مسلمان، بزرگترین

خدمت به امت اسلامی

تقابل نگاه اسلام و غرب به زن

سخت‌ترین ضربه‌هایی که غرب از خانواده

خواهد خورد

نقش غیرقابل مقایسه زن در تداوم نسل بشری

یکی از مهمترین مسئولیت‌های بانوان نخبه

نقش موثر زنان در تحولات اجتماعی

توجه آمریکا و صهیونیسم برای مهار بیداری

اسلامی

راه پیروزی قطعی ملت‌ها بر ساز و برگ استکبار

ایستادگی ملت ایران در مقابل تحریم‌ها

زن مسلمان در کشور ایران، سرافراز و عزتمند

نگاه اسلام به نقش زن در تحولات اجتماعی*

بازگرداندن هویت به زن مسلمان، بزرگترین خدمت به امت اسلامی

این اجتماع شما به نظر من بسیار حائز اهمیت است. اجتماع بانوان نخبه از شرق و غرب دنیای اسلام، اهمیتی دارد بیش از اهمیت یک اجلاس برای بیداری اسلامی. این اهمیت از این جهت است که فرصت شناسایی یکدیگر، پیدا کردن یکدیگر برای بانوان نخبه‌ی دنیای اسلام، در این اجلاس فراهم شده است. و این بسیار مهم است. صد سال است که فرهنگ غربی به پشتوانه‌ی پول و زور و سلاح و دیپلماسی، سعی میکند فرهنگ غربی را و اسلوب زندگی غربی را بر جوامع اسلامی در میان زنان تحمیل کند. صد سال تلاش شده است برای اینکه زن مسلمان را از هویت خود بیگانه کنند. تمام عوامل اثرگذاری و قدرت به کار رفته است: پول، تبلیغات، اسلحه، فریبنده‌های گوناگون مادی، استفاده‌ی از غرائز طبیعی جنسی انسان؛ همه‌ی اینها را استخدام کرده‌اند برای اینکه زن مسلمان را از هویت اسلامی خود دور کنند. امروز اگر شما بانوی نخبه‌ی اسلامی تلاش کنید که این هویت را به زن مسلمان برگردانید، بزرگترین خدمت را به امت اسلامی و به بیداری اسلامی و به عزت و کرامت اسلامی کردید. این اجتماع میتواند گام بلند و مؤثری در این راه باشد. به نشستن دور یکدیگر و چند روز گفتگو کردن اکتفا نکنید و این دیدار را مقدمه‌ی یک حرکت بزرگ و ماندگار قرار بدهید که بر دنیای اسلام اثر بگذارد و میتواند اثر بگذارد. بیداری زنان، احساس شخصیت و هویت در میان بانوان، آگاهی و بصیرت در میان جامعه‌ی زن، تأثیرش بر روی بیداری اسلامی و عزت اسلامی یک تأثیر مضاعف است. این مطلب اول.

تقابل نگاه اسلام و غرب به زن

بعضی از خواهران در سخنرانی‌های مفید و پخته و سنجیده‌ای که بیان کردند، پیشنهادهایی را مطرح کردند. ما با دنبال کردن این پیشنهادها موافقیم.

یک مطلب اساسی، در مورد نگاه اسلام به جنس زن است. این نگاه، درست نقطه‌ی مقابل نگاهی است که فرهنگ غربی به جنس زن دارد. نگاه فرهنگ غربی به زن یک نگاه اهانت‌آمیز است. اسم آن را آزادی می‌گذارند، لکن در حقیقت آزادی نیست. غربی‌ها در طول دو سه قرن اخیر، بر روی همه‌ی جنایات خود نامهای زیبا گذاشتند. اگر قتل کردند، اگر غارت کردند، اگر به بردگی کشیدند، اگر ثروتهای ملتها را مصادره کردند، اگر جنگهای تحمیلی میان ملتها به وجود آوردند و دیگر جنایاتی که کردند، بر روی همه‌ی اینها نامهای خوش ظاهر و فریبنده گذاشتند؛ نام آزادی‌طلبی، نام حقوق بشر، نام دموکراسی و امثال اینها. نام آزادی بر آنچه که جهتگیری فرهنگ غربی نسبت به زنان است، یک نام دروغین است؛ این، آزادی نیست. اساس فرهنگ غرب این است که زن را به عنوان یک کالا، به عنوان یک وسیله‌ی تمتع برای مرد در جامعه عرضه بکند. تشویق و تحریص بر عریان‌گرائی به این جهت است. در غرب، زن‌آزاری در طول صد سال و دویست سال گذشته افزایش پیدا کرده است، کاهش پیدا نکرده است. آزادی جنسی و بی بند و باری جنسی در غرب موجب نشده است که دیگ شهوت بشری که غریزی و طبیعی است، از جوشش بیفتد. قبلاً این جور تبلیغ میکردند، میگفتند بگذارید زن و مرد در جامعه روابط آزاد داشته باشند تا حرص شهوت جنسی کم بشود؛ عملاً معلوم شد که قضیه بعکس است. هر چه آزادی روابط زن و مرد در جامعه بیشتر بشود، با وضعی که به وجود آوردند، حرص شهوانی بشر بیشتر میشود. امروز غربی‌ها خجالت نمیکشند و مسئله‌ی همجنس‌بازی را به عنوان یک ارزش مطرح میکنند. انسان با کرامت، عرق شرم بر پیشانی‌اش مینشیند، اما آنها خجالت نمیکشند. نگاه غرب به زن، نگاهی است منحط، ناقص، گمراه‌کننده و غلط. نگاه اسلام به زن، نگاهی است عزت‌بخش، کرامت‌بخش، رشد‌آفرین، استقلال‌دهنده‌ی به هویت و شخصیت زن؛ این ادعای ماست. ما این ادعا را با محکمترین ادله میتوانیم اثبات کنیم.

زن در محیط اسلامی رشد علمی میکند، رشد شخصیتی میکند، رشد اخلاقی میکند، رشد سیاسی میکند، در اساسی‌ترین مسائل اجتماعی در صفوف مقدم قرار میگیرد، در عین حال زن باقی میماند. زن بودن، برای زن یک نقطه‌ی امتیاز است، یک نقطه‌ی افتخار است. این افتخاری نیست برای زن که او را از محیط زنانه، از خصوصیات زنانه، از اخلاق زنانه دور کنیم. خانه‌داری را، فرزندداری را، شوهرداری را ننگ او به حساب بیاوریم.

سخت‌ترین ضربه‌هایی که غرب از خانواده خواهد خورد

فرهنگ غربی خانواده را متلاشی کرد. امروز یکی از مشکلات بزرگ دنیای غرب، متلاشی شدن

خانواده‌هاست، افزایش فرزندان بی هویت است. اینها گریبان غرب را خواهد گرفت. حوادث اجتماعی بمرور پیش می‌آید. غرب از همین نقطه سخت‌ترین ضربه‌ها را خواهد خورد و این تمدن مادی پر زرق و برق از همین نقطه فرو خواهد ریخت.

نقش غیر قابل مقایسه زن در تداوم نسل بشری

اسلام با نظر کرامت به زن نگاه میکند. همه‌ی خصوصیات انسانی میان زن و مرد مشترک است. یک انسان قبل از آنی که اخصاف پیدا کند به زن بودن، یا مرد بودن، متصف است به انسان بودن. در انسانیت، زن و مردی وجود ندارد، همه یکسانند. نگاه اسلام این است. خصوصیات جسمی‌ای خدای متعال در دو جنس قرار داده است که هر کدام نقشی در ادامه‌ی آفرینش، در رشد و تعالی انسان، در حرکت تاریخ بر عهده دارند؛ و نقش زن مهمتر است. مهمترین کار انسان، تداوم بخشیدن به نسل بشری است؛ یعنی تولید مثل؛ نقش زن در این کار قابل مقایسه با نقش مرد نیست. خانه از این جهت مهم است، خانواده از این جهت مهم است، محدودیتهای اعمال غرائز جنسی از این جهت مهم است؛ با این دید باید به مسائل اسلام و به احکام شریعت اسلامی نگاه کرد. غرب گمراه، اسم اینها را میگذارد محدودیت. اسم آن اسارت گمراه‌کننده را میگذارد آزادی! این جزو فریبهای غربی است. این یک نکته در باره‌ی مسئله‌ی زن.

یکی از مهمترین مسئولیت‌های بانوان نخبه

شما بانوان نخبه، دختران نخبه، جوانان نخبه، یکی از مهمترین مسئولیت‌ها تان امروز این است که نقش زن را از دیدگاه اسلام ترسیم کنید، برجسته کنید، روشن کنید؛ تربیت انسانی زن بزرگترین خدمت به جوامع انسانی و اسلامی است؛ این حرکت باید راه بیفتد. البته راه افتاده است، باید تشدید بشود، باید فراگیر بشود، باید پیش برود و شما در این حرکت، بدون تردید پیروز خواهید شد. یک کار اساسی این است. این یک مطلب.

نقش موثر زنان در تحولات اجتماعی

مطلبی دیگر در مورد نقش زنان در تحولات اجتماعی است؛ در انقلابها، در همین حرکت بیداری عظیم اسلامی. من به شما عرض کنم، اگر زنان در حرکت اجتماعی یک ملتی حضور نداشته باشند، آن حرکت به جایی نخواهد رسید، موفق نخواهد شد.^۱ اگر زنان در یک حرکت حضور پیدا نکنند، یک حضور جدی و آگاهانه و از روی بصیرت، آن حرکت به طور مضاعف پیشرفت خواهد کرد. در این حرکت عظیم بیداری اسلامی، نقش زنان، یک نقش بی بدیل است و باید ادامه پیدا کند. زنان هستند که همسران خود را و فرزندان خود را برای حضور در خطرناکترین میدانها و جبهه‌ها آماده میکنند و تشجیع میکنند. ما در دوران مبارزه با طاغوت در ایران و همچنین بعد از پیروزی انقلاب تا امروز، برجستگی نقش زنان را به طور واضح

و ملموس مشاهده کردیم و دیدیم. اگر در جنگی که هشت سال بر ما تحمیل شد، زنان ما، بانوان کشور ما در میدان جنگ، در عرصه‌ی عظیم ملی حضور نمیداشتند، ما در این آزمایش دشوار و پر محنت پیروز نمیشدیم. زنها، ما را پیروز کردند، مادران شهدا، همسران شهدا، همسران جانبازان، همسران اسرا و آزادگان ما؛ مادران اینها با صبر خود یک فضایی را در یک منطقه‌ی محدودی به وجود آوردند، که آن فضا جوانها را، مردان را، به حضور مصممانه تشویق میکرد؛ و این در سراسر کشور گسترده شد و گسترده بود. نتیجه این شد که فضای کشور ما یکسره فضای مجاهدت شد، فضای فداکاری و گذشت شد؛ گذشت از جان. و پیروز شدیم. امروز در دنیای اسلام هم همین است؛ در تونس، در مصر، در لیبی، در بحرین، در یمن، در هر نقطه‌ی دیگر. اگر زنها در صفوف مقدم حضور خودشان را تقویت کنند و ادامه بدهند، پیروزی‌ها یکی پس از دیگری نصیب آنها خواهد شد. در این هیچ تردیدی نیست.^۲

توجه آمریکا و صهیونیسم برای مهار بیداری اسلامی

یک نکته‌ی دیگر، کلمه‌ی دیگر، در مورد اصل مسئله‌ی بیداری اسلامی است. این حادثه‌ی بزرگی که در دنیای اسلام به وجود آمده است که از تونس شروع شد و در مصر عظمتی پیدا کرد و بعد به کشورهای دیگر منتقل شد، این یک حادثه‌ی عجیبی است، نظیر ندارد؛ در تاریخ ما هر چه انسان نگاه میکند، این حادثه یک حادثه‌ی عظیمی است، حادثه‌ی معمولی نیست. این حادثه میتواند مسیر دنیا را عوض کند، میتواند تسلط ظالمانه‌ی استکبار و صهیونیسم را بر دنیای اسلام، که سالهای متمادی است ادامه دارد، قطع کند، میتواند امت اسلامی را متشکل کند؛ به شرط اینکه تداوم پیدا کند. حرکت‌های اسلامی دارای موفقیت‌هایی هستند و در خطر شکست‌هایی هستند؛ آسیبهائی متوجه اینها میشود، باید این آسیبهها را شناخت و از آنها پیشگیری کرد. امروز خوشبختانه ملت‌های مسلمان در شمال آفریقا خوش درخشیدند، خوب حرکت کردند. حرکت عظیمی است و بحمدالله تا امروز حرکت موفق بوده است؛ لکن توجه کنید که غرب و در رأس آنها آمریکا و صهیونیسم با همه‌ی وجود به میدان آمده‌اند و بیشتر به میدان خواهند آمد تا بتوانند این حرکت را مهار کنند و بر این امواج سوار بشوند؛ ملتها باید بیدار باشند. آنها غافلگیر شدند، نمیتوانستند و نتوانستند پیش‌بینی کنند. این غافلگیری مکر الهی است؛ «و مکروا و مکر الله والله خیر الماکرین».^۳

راه پیروزی قطعی ملت‌ها بر ساز و برگ استکبار

در قضیه‌ی لبنان هم با غلبه‌ی جوانان مقاوم لبنانی بر ارتش مسلط صهیونیستی غافلگیر شدند. در انقلاب اسلامی ایران در سی و سه سال قبل از این هم غافلگیر شدند. این غافلگیری‌ها ادامه داشته است. در این حوادث غافلگیر شدند و نتوانستند پیش‌بینی کنند و پیشگیری کنند، لکن در صدد تدارکند. یکی از کارهایشان این است که انگیزه‌های مردم را کم کنند. جوانان دنیای اسلام - چه زنان، چه مردان و نخبگان

دنیای اسلام و بخصوص کشورهای که انقلاب کردند - باید بدانند که اگر در صحنه بایستند و مقاومت کنند، پیروزی آنها بر همه‌ی ساز و برگ استکبار قطعی است. ^۴ همه‌ی ابزارهای اقتدار قدرتهای استکباری در مقابل حضور مردم، در مقابل ایمان ملتها کند است، ناکارآمد است. پول دارند، سلاح دارند، بمب اتم دارند، ارتشهای مجهز دارند، وسائل دیپلماسی دارند، اما همه‌ی اینها در مقابل ایمان ملتها ناکارآمد است. مراقب باشید که این ایمان از دست نرود؛ با ایجاد اختلاف، با سرگرم کردن و مشغول کردن، جوانها را یک جور، پیرها را یک جور، مذهبی‌ها را یک جور، غیر مذهبی‌ها را یک جور. اجتماع مردم بر اساس شعارهای دینی و اسلامی، تنها چیزی است که میتواند این ملتها را پیش ببرد. و ما تجربه‌ی ممتد و طولانی‌ای در این زمینه داریم.

ایستادگی ملت ایران در مقابل تحریم‌ها

خواهران عزیز من! فرزندان عزیز من! ماسی و سه سال است مواجه‌ایم با دشمنی‌های استکبار. امروز جنجالهای جهانی و سر و صدای تبلیغات جهانی متوجه شده است به اینکه ما ایران را تحریم کردیم. آنها نمیفهمند و درک نمیکنند که سی سال است ما را در مقابل تحریم واکسینه کردند. ماسی سال است تحریمیم. ما واکسینه شدیم در مقابل تحریم. تحریم به ما ضربه نمیزند. ملت ایران ایستاد. ملت ایران با جان خود، با مال خود، با عزیزترین عزیزان خود در مقابل توطئه‌های دشمن ایستاد. امروز ما نسبت به سی سال قبل صد برابر قویتر و جلوتر هستیم. ^۵ امروز ما در میدان علم، در میدان سیاست، در میدان اقتصاد، در مدیریت کشور، در بصیرت عمیق مردمی، بمراتب جلوتر هستیم از روزهای اول انقلاب و این در چالش با دشمنی دشمنان، برای ملت ایران حاصل شده است.

زن مسلمان در کشور ایران، سرافراز و عزتمند

امروز زن مسلمان در کشور ایران، یک موجود سرافراز و عزتمند است. هزاران وسیله‌ی تبلیغی، بمباران خبری میکنند برای اینکه این واقعیت را واژگون جلوه بدهند؛ اما حقیقت این است. امروز مؤمن‌ترین و انقلابی‌ترین زنان ما، زنان تحصیلکرده‌ی ما هستند. امروز زنان ما، زنان تحصیلکرده‌ی ما، زنان جوان ما در پیچیده‌ترین آزمایشگاهها و مراکز علمی تجربی و انسانی حضور دارند و فعالند. ^۶ فعالترین زنان ما در زمینه‌ی سیاسی، در زمینه‌ی علمی، در زمینه‌ی مدیریتهای اجتماعی، زنان مؤمن و انقلابی ما هستند؛ دارای تحصیلات خوب، دارای اندیشه‌ی عمیق.

زن مسلمان ایرانی
تاریخ جدیدی را پیش چشم زنان جهان گشود

🕌 زنان بزرگی که تعریف جدیدی از «زن» به شرق
و غرب ارائه کردند
🕌 به نتیجه نرسیدن طرح های نو و کهنه ضد زن

زن مسلمان ایرانی تاریخ جدیدی را پیش چشم زنان جهان گشود *

🏠 زن بزرگی که تعریف جدیدی از «زن» به شرق و غرب ارائه کردند

امروز در این جا برای تعظیم به ارتش هزاران نفره‌ی زنان شهیدی گرد آمده‌اید که در تغییر مسیر تاریخ اسلام و کشور، نقشی شایسته ایفاء کردند و سر بلند به محضر خدای متعال رفتند؛ لشکری از فرشتگان که از جان مقدس خویش در راه اسلام مایه گذاردند، تماشایی نبودند و قدم در میدان عمل نهادند و در نقش معماران ایران جدید ظاهر شدند. اینان زنان بزرگی بودند که تعریف جدیدی از «زن» به شرق و غرب ارائه کردند.

زن در تعریف غالباً شرقی، همچون عنصری در حاشیه و بی نقش در تاریخ‌سازی، و در تعریف غالباً غربی، به مثابه موجودی که جنسیت او بر انسانیتش می‌چربد و ابزاری جنسی برای مردان و در خدمت سرمایه‌داری جدید است، معرفی می‌شد. شیر زنان انقلاب و دفاع مقدس نشان دادند که الگوی سوم، «زن نه شرقی، نه غربی» است. زن مسلمان ایرانی تاریخ جدیدی را پیش چشم زنان جهان گشود و ثابت کرد که می‌توان زن بود، عفیف بود، محجبه و شریف بود و در عین حال، در متن و مرکز بود. می‌توان سنگر خانواده را پاکیزه نگاه داشت و در عرصه‌ی سیاسی و اجتماعی نیز سنگر‌سازی‌های جدید کرد و فتوحات بزرگ به ارمغان آورد. زنانی که اوج احساس و لطف و رحمت زنانه را با روح جهاد و شهادت و مقاومت درآمیختند و مردانه‌ترین میدان‌ها را با شجاعت و اخلاص و فداکاری خود فتح کردند.

در انقلاب اسلامی و در دفاع مقدس، زنانی ظهور کردند که می‌توانند تعریف زن و حضور او در ساحت رشد و تهذیب خویش، و در ساحت حفظ خانه‌ی سالم و خانواده‌ی متعادل، و در ساحت ولایت اجتماعی و جهاد امر

به معروف و نهی از منکر، و جهاد اجتماعی را جهانی کنند و بن‌بست‌های بزرگ را در هم بشکنند. اقتدار و جذبه‌ی تازه‌ای به برکت خون این زنان مجاهد در عصر جدید ظهور کرده است که زنان را ابتداء در جهان اسلام تحت تأثیر قرار داد و دیر یا زود در سرنوشت و جایگاه زنان جهان دست خواهد برد.

🌸 به نتیجه نرسیدن طرح‌های نو و کهنه ضد زن

تا آفتاب درخشان خدیجه‌ی کبری علیهاالسلام و فاطمه‌ی زهرا علیهاالسلام و زینب کبری علیهاالسلام می‌درخشد، طرح‌های کهنه و نو «ضد زن» به نتیجه نخواهد رسید و هزاران زن کربلایی مانده تنها خطوط سیاه ستم‌های ظاهری را در هم شکسته‌اند، بلکه ستم‌های مدرن به زن را نیز رسوا و بی‌آبرو کرده و نشان داده‌اند که حق کرامت الهی زن، بالاترین حقوق زن است که در جهان به اصطلاح مدرن، هرگز شناخته نشده و امروز وقت شناخته شدن آن است. به خانواده‌ی این شهیدان و الامقام تبریک می‌گوییم و امیدوارم که به برکت خون این زنان شریف و مجاهد، رسانه‌ها و هنرمندان و فرزندان و سینماگرانی بتوانند جهاد بزرگ زن ایرانی مسلمان را به دنیا که سخت محتاج شناختن آن است، بنمایانند.

زن مجاهد مسلمان ایرانی، معلّم ثانی برای زنان جهان خواهد بود؛ پس از معلّم اول که زنان مجاهد صدر اسلام بودند.

سلام خدا بر بانوی بزرگ اسلام حضرت فاطمه‌ی زهرا و بر همه‌ی زنان بزرگ صدر اسلام و بر بانوان فداکار و از جان گذشته‌ی ایران اسلامی.

ضرورت ایجاد نهضت بیداری در مسائل زنان در برابر گفتمان غرب

❖ ایجاد جبهه تهاجمی با نشر اندیشه اسلامی در

حوزه زنان

❖ گفتمان حساب شده‌ی سیاسی غرب نسبت به زن

❖ دو جزء گفتمان غربی در مورد زن

❖ انفعال ما نسبت به غرب در خصوص مردواره

کردن زن

❖ حجاب مقدمه جلوگیری التذاذ جنسی مرد از زن

❖ طرح گفتمان اسلامی در مورد زن با روحیه

تهاجم و طلبکارانه

❖ دو مسئله لازم‌الاهتمام‌تر در مسائل فعلی زنان

(۱) مسئله‌ی اهمّیت و اعتبار خانه و خانواده

(۲) جلوگیری از ضعف و ستم‌زدگی زن در سطوح

مختلف

❖ باید کاری کنیم که بچه‌ها دست مادر را حتماً ببوسند

❖ توهین و وحشی‌گری فراوان نسبت به زن در غرب

❖ و...

ضرورت ایجاد نهضت بیداری در مسائل زنان در برابر گفتمان غرب *

ایجاد جبهه تهاجمی با نشر اندیشه اسلامی در حوزه زنان

درباره‌ی مسئله‌ی زن و آنچه که پیرامون این مسئله است، خب حرف خیلی زیاد است؛ ما دچار یک عقب‌ماندگی‌ای هستیم که شما خانمها - بعضی از خانمهایی که صحبت کردید - اشاره کردید. عقب‌ماندگی در این قلمرو، از نوع عقب‌ماندگی در علم - که ما می‌گوییم دچار عقب‌ماندگی هستیم مثلاً - نیست؛ در اینجا اگر تعبیر میکنیم به عقب‌ماندگی، به خاطر این است که ما در زمینه‌ی مسئله‌ی زن، مسئله‌ی جنسیت، مسئله‌ی اموری که حول و حوش وجود زن تحقق پیدا میکند و معنا پیدا میکند - مثل همین خانواده و فرزند و ازدواج و سکن و آرامش و از این مطالب - حرفهای برجسته‌ای داریم که توفیق پیدا نکردیم اینها را منتقل کنیم به دنیا، اینها را مطرح کنیم در ذهنیت جهانی، عقب‌ماندگی از این جهت، در حالی که دنیا احتیاج دارد به مبانی و مفاهیم روشن فراگیر کارگشا؛ همچنان که ملاحظه کردید بعضی از خانمها گفتند که وقتی ما اینها را در دنیا مطرح میکنیم، مورد استقبال قرار میگیرد؛ یا بعضی از خانمها گفتند که دستاوردهای علمی در زمینه‌های روان‌شناسی و غیره، احکام اسلامی را در مورد زن تأیید میکند. خب، این یک گوشه‌ای از توانایی‌های نظام فکری اسلامی در این مسئله‌ی حساس است؛ و ما این توانایی‌ها را نتوانستیم درست بیان کنیم، تعریف کنیم. در خیلی از مناطق گوناگون فکری و قلمروهای فکری همین جور است؛ در خیلی از زمینه‌ها ما واقعاً نظر اسلام را درست نتوانستیم به دنیا منتقل کنیم. حالا اینکه می‌گوییم "نتوانستیم"، این را نمیشود گناه نظام جمهوری اسلامی دانست؛ چون همان مقداری هم که کار شده است، به برکت نظام جمهوری اسلامی است و به برکت نفوذ فکر انقلاب و فکر امام و نام

انقلاب و نام امام و اینها بود که بحمدالله تا حدودی گسترش پیدا کرد؛ لکن بیش از این باید ما کار کنیم، که نیاز داریم به این؛ که حالا عرض خواهم کرد. ما برای اینکه بتوانیم یک جبهه‌ی تهاجمی و مصون از تعرض تهاجم دیگران - یک آرایش تهاجمی - داشته باشیم، نیاز داریم به اینکه این کارها را، این اندیشه‌ها را، این افکار را منتشر کنیم، بگوییم؛ به این واقعاً نیاز مندیم؛ در واقع این تهاجم ما، جنبه‌ی مصونیت‌سازی و تدافعی دارد. بنابراین هر چه شماها کار بکنید برای اینکه این عقب‌ماندگی را جبران بکنید، به نظر من مفید است و لازم است. در زمینه‌ی این نهضت - باید گفت نهضت بیداری در زمینه‌ی مسائل مربوط به زنان - واقعاً هیچ نبایستی ما تعلل کنیم، توقف کنیم؛ بین راه درنگ نباید کرد. با وجود اینکه این گفتمان کامل و مفید و قانع‌کننده را از اسلام در اختیار داریم، اما عملاً خودمان را در موضع انفعال قرار دادیم در مقابل گفتمان غربی در مورد زن.

گفتمان حساب‌شده‌ی سیاسی غرب نسبت به زن

گفتمان غرب در مورد زن، یک گفتمان کاملاً حساب‌شده‌ی سیاسی است؛ یعنی آن روزی که این فکر و این گفتمان درباره‌ی زن، در غرب آغاز به کار کرد و شروع کرد، یک محاسبه‌ی دقیقی پشت این وجود داشت. این البته به عنوان خبر نیست که من از روی اطلاع و با استناد به اخبار بگویم، اما مؤیدات واقعی‌ای دارد که این تحلیل را تقویت میکند؛ یعنی از آغاز رنسانس در غرب و به دنبال آن حضور صنعت و پیدایش صنعت جدید در غرب، بتدریج این گفتمان غربی رشد پیدا کرد؛ و اوجش در روزگار ما است که البته این اوج همراه خواهد بود با انحطاط و نزول و ان‌شاءالله سرافکندگی و فروپاشی این گفتمان.

دو جزء گفتمان غربی در مورد زن

گفتمان غربی در مورد زن اجزاء گوناگونی دارد، لکن دو جزء در آن برجسته است: یکی مردواره کردن زن، یعنی زن را متشبه به مرد قرار دادن، این یک بخش مهم از این گفتمان است؛ یک بخش دیگر هم زن را وسیله‌ی راحتی برای التذاذ جنسی مرد قرار دادن، حالا التذاذ چشمی یا مراحل بدتر و بعدتر از التذاذ چشمی، این هم یک بخش دیگر از گفتمان غربی است در مورد زن. این مسئله‌ی فمینیسم و این چیزهایی که امروز در دنیا رایج شده، همه در واقع فرآورده‌های آن گفتمان غربی است که در نهایت کار به اینجاها میرسد.

انفعال ما نسبت به غرب در خصوص مردواره کردن زن

مردواره کردن زن؛ یعنی به دنبال این بودند که مشاغل گوناگونی که با ساخت جسمی و عصبی و فکری مرد سازگارتر است را بکشانند به سمت بانوان و زنان، و این را یک افتخار برای زن و یک امتیاز برای زن قرار بدهند. ما در مقابل این دچار انفعال شدیم، یعنی دور خوردیم؛ ما هم نادانسته، ناخواسته، این

گفتمان را قبول کردیم. می بینید ما الان افتخار میکنیم که فلان تعداد زن، در فلان بخشهای اجرایی کشور داریم. اشتباه نشود، از اینکه این بانوان در این مناصب اجرایی باشند من هیچ مشکلی ندارم؛ یعنی منع نمیکنم، نفی نمیکنم، ایرادی هم برایش قائل نیستم - فرض کنید وزیر بهداشت ما یک خانم بود، یا معاونین رئیس جمهور مثلاً یا بخشهای مختلف در بینشان بانوان هستند، این از نظر من اشکالی ندارد - آنچه اشکال دارد، افتخار به این است؛ که ما به رخ دنیا بکشیم که ببینید، ما در بخشهای اجرایی اینقدر زن داریم! این همان دُور خوردن است، این همان منفعل شدن است؛ این افتخاری ندارد. خیلی خوب، یک خانمی است، ارزشهایی داشته، تواناییهایی پیدا کرده، مناسب این مقام شده؛ خیلی خوب، بگذارند، خلاف قانون هم که نبوده؛ اما اینکه ما به این افتخار بکنیم که ببینید، ما این تعداد خانم مسئول در بخشهای اجرایی داریم، این غلط است. اگر ما افتخار کنیم که این تعداد خانم روشنفکر، خانم تحصیلکرده داریم، این خوب است، این جا دارد؛ اگر بگوییم این مقدار خانم نویسنده، خانم فعال فرهنگی یا فعال سیاسی داریم، اشکالی ندارد؛ اگر بگوییم این مقدار خانم شهادت طلب و مجاهده کار در میدانهای گوناگون داریم، این خوب است؛ اگر بگوییم این مقدار خانمی که در عرصه های سیاسی انقلابی فعالیت میکنند - گوینده اند، نویسنده اند - داریم، این خوب است؛ افتخار به اینها خوب است؛ اما افتخار به اینکه ما این تعداد وزیر زن، این تعداد نماینده ی زن، این تعداد معاون بخشهای مختلف زن، این تعداد رئیس مؤسسات تجاری زن داریم، افتخار به این غلط است؛ این انفعال در مقابل آنها است. مگر بنا بوده ما کارهای مردانه را به زنها بدهیم؟ نه، جایگاه زن و هویت و شخصیت زن، در جنس خود زن یک هویت بسیار بالا و با کرامتی است، از بعضی جهات از مردها بالاتر است. در مجموع هم که نگاه کنیم، زن و مرد فرقی ندارند؛ از لحاظ خلقت، از لحاظ خصوصیات کیان طبیعی شان که خدای متعال خلق کرده، یک امتیازاتی جانب زنانه دارد، یک امتیازاتی جانب مردانه دارد؛ خدای متعال یک مقدار خصوصیتی را به این جنس داده، یک مقدار خصوصیتی را به آن جنس داده؛ یک برجستگی ها و ارزشهایی این دارد، یک برجستگی ها و ارزشهایی آن دارد؛ لذا است که با همدیگر از لحاظ آنچه که مربوط به انسانیت است هیچ فرقی ندارند، هیچ تفاوتی ندارند؛ در آن چیزهایی که خدای متعال برای انسان قرار میدهد - از لحاظ حقوق انسانی، از لحاظ حقوق اجتماعی، از لحاظ ارزشهای معنوی و سیر تکامل معنوی - هیچ فرقی ندارند؛ یعنی یک مردی مثل علی بن ابی طالب میشود، یک زنی مثل فاطمه ی زهرا میشود؛ یک مردی مثل عیسی میشود، یک زنی مثل مریم میشود؛ تفاوتی ندارند با همدیگر. پس این نگاه درست است که ما زن را در جنسیت خودش - همان جور که هست، زن واقعی، مؤنث واقعی - بشناسیم، و ببینیم چه ارزشهایی میتوانند این فرد متعلق به این جنس را یا این جامعه ی این جنسیت را رشد بدهد و تعالی ببخشد؛ این نگاه، نگاه درست است. ما نباید در مقابل نگاه غرب دچار این انفعال میشدیم که متأسفانه شدیم.

حجاب مقدمه جلوگیری التذاذ جنسی مرد از زن

البته در آن بخش دوم که زن را وسیله‌ای برای التذاذ جنسی مرد قرار میدهد - نه التذاذ معنوی و روحی، نه التذاذ علمی؛ ممکن است دو نفر بنشینند، یکی لذت ببرد از خوش صحبتی یکی، از معلومات کسی؛ نخیر، این مطرح نیست - برای اینکه مرد به راحتی بتواند التذاذ ببرد از مسائل جنسی زن، این مثل یک سیلی وارد کشورهای بی دفاع و بی حفاظ اسلامی شد از طرف غرب؛ کشور ما هم همین جور. خوشبختانه انقلاب آمد، جلوی این تا یک حدود زیادی گرفته شد و بایست جلوی این سد بشود؛ این خطر بزرگی است؛ بلای عظیمی است. مسئله‌ی حجاب یکی از مقدمات این کار است، مسئله‌ی پوشش و لباس همین جور، مسئله‌ی معاشرت زن و مرد و حدود معاشرت یکی از مقدمات این است که این بلای بزرگ که هم بلای برای زن است و هم بلای برای مرد است - و البته شامل تحقیر زن هم هست، بدون اینکه ملتفت بشوند - سد بشود. امروز در دنیا عمداً به این مسئله دامن زده میشود. البته من اطلاع دارم و خوانده‌ام در نوشتجاتی، در مطبوعات، در کتابهایی که اندیشمندان غربی بتدریج دارند احساس ترس و احساس دهشت میکنند از این وضعیت؛ که حق با آنها است، منتها دیر فهمیدند؛ دامن زدن به مسئله‌ی شهوت - که متمرکز بود روی مسئله‌ی زنها؛ و امروز می‌بینید که در دنیا بدتر از اینها دارد میشود، این مسئله‌ی همجنس‌بازی و همجنس‌گرایی و این ازدواجها و خانواده‌های دو جنس مشابه و مانند اینها - اینها چیزهایی است که به زبان آسان می‌آید؛ اینها چاله‌های عظیم و عمیق و خطرناکی است پیش پای آن تمدن و کسانی که آن تمدن را دارند اداره میکنند و پیش می‌برند؛ لغزشگاه عجیبی است، پدر اینها را در خواهد آورد؛ حالا این نیمه‌ی راه است، نیمه‌ی سراسیمه‌ی است. البته به نظر من قادر هم نیستند جلوی آن را بگیرند. یعنی مشکل آنها از این حرفها گذشته است. من چند سال پیش - هفت، هشت، ده سال قبل از این تقریباً - در مطبوعات کشورهای خارجی دیدم و خواندم و شنیدم که آمریکایی‌ها دارند دنبال میکنند که از کتابهای فلان نویسنده‌ی مثلاً رمان نویسی خانواده‌نویس - که رمان‌هایش اطراف خانواده است - فیلم درست کنند برای اینکه بکشاند جهت فیلمسازی و فیلمبرداری و سینما و مانند اینها را به این جهت؛ خوب، یک کارهایی هم کرده‌اند، دارند هم میکنند؛ اما اینها مثل یک جریانهای باریکی است در مقابل یک سیل عظیمی که خودشان به دست خودشان راه انداختند؛ و دچارشان کرده است و بعد از این بیشتر دچارشان خواهد کرد. ما البته نسبت به این قضیه فعلاً یک "مصونیت ما" ای داریم - به خاطر همین حجاب و همین چیزهایی که وجود دارد - منتها این را نبایستی دست کم گرفت، بایستی این را به جد اهمیت داد. در همین مباحثی که خانمها اشاره کردید که دارید کار میکنید، این مسئله‌ی جاذبه‌ی جنسی و خطر جاذبه‌ی جنسی برای زن و برای مرد و برای جامعه و برای خانواده، این را به نظر من خیلی بایستی جدی گرفت.

طرح گفتمان اسلامی در مورد زن با روحیه تهاجم و طلبکارانه

خب، عرض کردیم گفتمان اسلام "زن حقیقی" است؛ این گفتمان را همان طور که اشاره کردم، بایستی

ما به صورت تهاجمی مطرح کنیم. مطلقاً در موضع دفاعی قرار نگیرید. گفتند بعضی از خانمها که آن کسانی که دنبال مثلاً کنوانسیون زنان یا مؤسّسات وابسته به سازمان ملل هستند، تهدید میکنند که اگر چنین کنید، اگر چنان کنید ممکن است علیه شما قطعنامه صادر کنیم! خب به دَرک! قطعنامه صادر کنند. گفتمان اسلامی در مورد زن را بایست با روحیه‌ی تهاجم، طلبکارانه مطرح کرد. اگر آنها گفتند که شما چرا به زن برای اینکه بتواند بی حجاب بگردد آزادی نمیدهید، باید گفت شما چرا این آزادی مضرّ و دهشتناک را میدهید، به آن شکلی که امروز در غرب وجود دارد. آنچه که امروز در غرب در زمینه‌ی بی‌حفاظی و بی‌حجابی زن دارد دنبال میشود، واقعاً گاهی اوقات تصوّرش انسان را دچار دهشت میکند که چکار میخواهند بکنند، کجا دارند میروند؟ که لابد شماها خبرهایتان بیشتر از من است، ولی من هم اطلاعات زیادی دارم در این زمینه که چه کارهایی دارد انجام میگیرد؛ در سطوح مختلف: از سطوح بالا، تا سطوح کار و معیشت متعارف زندگی و شغل و این حرفها. خصوصیات زن در این گفتمان گفته شود؛ کرامت زن، عزّت زن، ظرافت زن، نه فقط ظرافت جسمی بلکه ظرافت ساختمان فکری و عصبی و ظرافت کارکردی که باید بکند. این رشته‌های بشدّت رقیق و نازک اعصاب کودک را فقط سرانگشت ظریف و لطیف مادر است که میتواند از هم جدا کند که عقده به وجود نیاید، گره به وجود نیاید؛ هیچ کس دیگر نمیتواند، یعنی هیچ انسان دیگری که از جنس زن نباشد نمیتواند؛ این کار، کار زنانه است. یعنی برخی از کارکردها بقدری همراه با ظرافت است که انسان استعجاب میکند از قدرت الهی که چطور این توانایی بالا را همراه با ظرافت به زنان عنایت کرده. من همیشه به دوستان و خویشاوندان و زنان میگویم، میگویم برخلاف آنچه که معروف است، در بین این دو جنس، آن جنس قوی تر زن است. زنها قوی تر از مردهایند. زنها میتوانند با تدبیر و با ظرافت، مرد را در دست خودشان بچرخانند؛ انسان، هم در تجربه این را مشاهده میکند، هم با قیاسهای فکری و عقلی این را میتواند اثبات بکند. این واقعیتی است. بله، زنهایی هستند که بی تدبیری میکنند، لذا این کار را نمیتوانند انجام بدهند؛ اما زنی که اهل تدبیر باشد، مرد را میکند رام خودش. این مثل این است که یک نفری بتواند یک شیر درنده را افسار بزند، سوارش بشود؛ این معنایش این نیست که او از لحاظ جسمی از این شیر قوی تر است، معنایش این است که توانسته این اقتدار معنوی را به کار برد؛ زنها این توانایی را دارند، منتها با ظرافت؛ یعنی ظرافتی که میگویم، تنها ظرافت در ترکیب جسمانی و ساختمان جسمانی نیست، بلکه ظرافت در فکر و اندیشه و تدبیر و دستگاه تصمیم گیری است که خدای متعال در زن قرار داده. بنابراین به نظر من اساس کار باید این باشد: این گفتمان بایستی تقویت بشود و پیش برود.

📌 دو مسئله لازم‌الاهتمام تر در مسائل فعلی زنان

(۱) مسئله‌ی اهمّیت و اعتبار خانه و خانواده

مطلب دوّمی که عرض میکنم، در مسائل فعلی زنان کشور ما به اعتقاد من دو مسئله از همه مهم تر

یا بگویید فوری تر و لازم‌الاهتمام‌تر از بقیه‌ی مسائل است. یک مسئله، مسئله‌ی اهمّیت و اعتبار خانه و خانواده است. برای خانه باید شأن قائل شد؛ انسان بدون خانه - که مسکن و مأوایی ندارد - قابل تصوّر نیست. هر انسان احتیاج دارد به خانه و محیط خانه. روح محیط خانه عبارت است از خانواده؛ باید به این اهمّیت داد، باید در این تأمل و تدبّر کرد.

۲) جلوگیری از ضعف و ستم‌زدگی زن در سطوح مختلف

و دوّم جلوگیری از ضعف و ستم‌زدگی زن در سطوح مختلف، ما زنانی داریم که ضعیفند و محرومند، زنانی داریم که ستم‌زده و مظلومند؛ باید جلوی این مظلومیتهای را گرفت. قوانین مهمّی لازم است که باید وجود داشته باشد، خُلقیات لازمی وجود دارد که بایستی دنبال کرد که تحقّق پیدا کند، آداب و سننی لازم است وجود داشته باشد که زن در سطوح مختلف - من اینجا یادداشت کرده‌ام - معاشرتی، جنسی، خانوادگی، فرهنگی و فکری دچار ستم‌زدگی نباشد. یعنی از مسائل کاملاً شخصی و خصوصی - یعنی مسائل جنسی - احتمال و امکان ستم‌زدگی زن و مظلومیّت زن وجود دارد، تا مسائل عمومی تر مثل مسائل معاشرتی، مسائل خانوادگی؛ که در مورد مسائل خانوادگی من اینجا یادداشت کرده‌ام: احترام در چشم شوهر، در چشم فرزند، در چشم پدر، در چشم برادر.

🕌 باید کاری کنیم که بچه‌ها دست مادر را حتماً ببوسند

زن اگر چنانچه در محیط خانواده، محترم و مکرم شمرده بشود، بخش مهمّی از مشکلات جامعه حل خواهد شد. باید کاری بکنیم که بچه‌ها دست مادر را حتماً ببوسند؛ اسلام دنبال این است. کما اینکه در خانواده‌های مذهبی تر و اخلاقی تر و نزدیک تر به مفاهیم مذهبی، اینها مشاهد میشود. فرزندان خانواده نسبت به مادر تکریم داشته باشند. هیچ منافاتی ندارد این تکریم نسبت به مادر، با آن حالت عاطفی و خودمانی‌گری‌ای که بین فرزند و مادر وجود دارد؛ هیچ منافاتی ندارد؛ این احترام باید باشد؛ محترم باید باشد زن در درون خانواده. رفع مظلومیّت به این شکل است.

🕌 توهین و وحشی‌گری فراوان نسبت به زن در غرب

اگر چنانچه فرض کنیم در یک خانواده‌ای، در یک خانه‌ای، مرد به همسر خودش توهین میکند، انواع توهینها، از توهینهای رفتاری تا زبانی تا وحشی‌گری یدی که متأسفانه یک جاهایی هنوز در کشور ما وجود دارد که نباید وجود داشته باشد، البته در بین غربی‌ها هست، فراوان هم وجود دارد، خلاف انتظار هم نیست - غربی‌ها، یعنی بخصوص نژادهای اروپایی، نژادهای وحشی‌اند؛ اینها ظاهرشان اتو کشیده و کراوات زده و ادکلن زده و اینها ایند اما همان باطن وحشی‌گری‌ای که در تاریخ وجود داشته هنوز هم در اینها هست؛ راحت آدم میکشند، خونسرد جنایت میکنند؛ بنابراین کتک زدن زن در داخل خانه به

وسیله‌ی آنها و بعد به وسیله‌ی آمریکاییها، بُعدی ندارد - اما در محیط اسلامی چنین چیزی اصلاً نبایستی تصور بشود؛ ولی متأسفانه هست. بنابراین این دو نقطه، دو نقطه‌ی اصلی است؛ به نظر من هر چه در این زمینه‌ها برنامه‌ریزی بشود، جا دارد.

احصاء شدن موانع ازدواج

بعد از این دو مسائل مهم دیگری هم وجود دارد: مسئله‌ی ازدواج و نجات از تجرد. موانع ازدواج احصاء بشود. همین کارهایی که خانمها اشاره کردند که دارند انجام میدهند و من واقعاً خرسند شدم که بحمدالله به این مسائل پرداخته میشود. مسئله‌ی پوشش، مسئله‌ی معاشرت، واقعاً یک کار مبنایی‌ای در این زمینه انجام بگیرد. مسئله‌ی حمایت مالی و حقوقی از زنان محروم یا مظلوم که حالا مسئله‌ی دادگاه‌ها را که یکی از دغدغه‌های فکری من بود، آن خانم خراسان رضوی اشاره کردند که این کار در دادگستری آنجا شده؛ امیدواریم واقعاً تحقق عینی داشته باشد این کار؛ یکی از دغدغه‌ها و از نگرانی‌های بنده همین است که خانمها در محیطهای دادگاهی و محیطهای قضائی، توانایی دفاع از خودشان را درست نداشته باشند؛ نه پول داشته باشند که بتوانند وکیل درست و حسابی بگیرند، نه خودشان بتوانند از خودشان دفاع کنند و مظلوم واقع بشوند؛ این از جمله‌ی چیزهایی است که مهم است، باید دنبال بشود. مسئله‌ی اشتغال زنان، حدود اشتغال، چه اشتغالی، چه جور کاری، به چه نحوی - همان انعطافی که ما گفتیم در زمینه‌ی مسائل اشتغال - اینها همه کارهایی است که باید انجام بگیرد؛ لکن فوری‌تر از همه‌ی اینها آن دو مسئله‌ای است که اول عرض کردم.

مسائل زنان بایستی یک هندسه‌ی عمومی پیدا کند

یکی از چیزهایی که ذهن بنده را مشغول میکند این است که این همه فعالیت‌های گوناگونی که در زمینه‌ی زن و مسئله‌ی زن در کشور وجود دارد - از مسائل حقوقی و قانونی و فقهی بگیرد تا مسائل اجتماعی، تا مسائل اجرایی، تا مسائل عاطفی، این همه موضوعات مختلفی که در زمینه‌ی زن مطرح است - بایستی یک شکل سیستمی پیدا کند، بایستی یک هندسه‌ی عمومی پیدا بکند. البته بعضی از گزارشهایی که به من دادند یا آنچه که اینجا گفته شد، اشاره‌ای به این میکند که فکری در این زمینه شده، لکن به اعتقاد من باید یک کار جامعی در این زمینه انجام بگیرد. ما همه‌ی مسائل زنان را به یک شکل سیستمی کامل، با یک هندسه‌ی صحیح تصویر کنیم، ترسیم کنیم؛ یک مرکز عالی و ثابت هم با کادرهای قوی و چشم‌انداز بلندمدت - که بنده به کار کوتاه مدّت، در این زمینه‌ی مهم هیچ اعتقادی ندارم - به وجود بیاید؛ آن وقت در ذیل این مرکز عالی و ثابت، نهادها و بنیادهای متناسبی برای بخشهای مختلف تشکیل بشود؛ از کارهای هم مطلع هم بشوند و یک بانک اطلاعاتی مناسبی هم وجود داشته باشد، یعنی الان بسیاری از کارها هست که حتی خانمهایی که در این جلسه حضور دارید ممکن است بعضی از بعضی از کارهای دیگرانتان

اطلاعی نداشته باشند. خب این همه بحمدالله ما زنِ فرزانه و نخبه داریم، در بخشهای مختلف، با نگاههای مختلف، از این مجموعه‌ی عظیم بایستی استفاده کرد.

🌸 نگذارید حضور نمایان زنان فعال در جبهه‌ی انقلاب کم‌رنگ بشود!

یک نکته‌ی دیگر هم - که چون وقت نیست و ظهر است، عرض بکنیم به عنوان مطلب آخر - این است که زنان فعال در جبهه‌ی انقلاب، یک روزی نقش آفرینی برجسته‌ای کردند - هم اندکی پیش از پیروزی انقلاب، هم در اوائل انقلاب، هم در دوران جنگ تحمیلی - و از خودشان حضور نمایانی نشان دادند؛ نگذارید حضور نمایان زنان فعال در جبهه‌ی انقلاب کم‌رنگ بشود. دیگران در مواجهه‌ی با انقلاب و معارضه‌ی با انقلاب سعی میکنند از عنصر زن و زنان کارآمد استفاده کنند؛ جبهه‌ی انقلاب، زنان کارآمد و فعال و زبان آور و نویسنده و عالم و دانشمند بمراتب بیشتر دارد؛ خانمهایی که اهل اقدامند، اهل فکرند، اهل نگارش و نویسندگی‌اند، اهل سخن گفتند، اهل فکر دادند، صحنه‌ی انقلاب و دفاع از انقلاب را خالی نگذارند؛ این یک نکته است. و نکته‌ی آخر را هم با این جمله من تکمیل و متمیم کنم که برای پیشرفت آنچه که در مورد زن ما عرض میکنیم و از شماها می‌شنویم و فکر میشود، حتماً بایستی صداوسیما یک نقش صددرصدی ایفا کند. این را اعتقاد داریم ما و سفارش میکنیم، حتماً بایستی صداوسیما نقش صددرصدی ای ایفا کند؛ میتواند؛ صداوسیما میتواند آنچنان فرهنگ‌سازی‌ای بکند که زن مؤمن، فعال، مجاهد فی سبیل الله، باحجاب، دارای خصوصیات زن اسلامی، در جامعه محترم و مکرم باشد؛ دیگران میخواهند عکسش اتفاق بیفتد. بعضی از برنامه‌های صداوسیما متأسفانه در همان جهت خاص دیگران است؛ باید عکس عمل بشود؛ یعنی واقعاً باید صداوسیما صددرصد در خدمت این فکر قرار بگیرد. به هر حال آنچه که میتوان به عنوان جمع‌بندی مجموعه‌ی کارها، فکر کرد و تصور کرد این است که بحمدالله ما در زمینه‌ی مسائل زنان در نظام جمهوری اسلامی پیشرفتهایی داشتیم، منتها این پیشرفتهای متناسب با نیاز، متناسب با توقع، متناسب با آن امکانی که در اسلام وجود دارد نیست؛ عقب‌ماندگی داریم. این عقب‌ماندگی را ان شاءالله شما خانمها بایستی به بهترین وجهی جبران کنید.

باید ذهن‌تان را از تفکرات غربی در مورد زن تخلیه کنید

❖ فاطمه زهرا (سلام الله علیها) الگویی برای بشریت در

تمام ابعاد

❖ وجود زنان فرزانه و فداکار از بزرگترین افتخارات

نظام

❖ واقعیت‌های بسیار افتخار آمیز زنان جامعه‌ی ما

❖ جهات مختلف تأمل و کار بر روی مسئله زنان

❖ ضرورت ایجاد مرکز عالی فراقوه‌ای برای بررسی

مسائل خرد و کلان در حوزه زنان

❖ ذهن‌تان را از تفکرات غربی در مورد زن تخلیه کنید!

❖ رویکرد غرب به مسئله زن

❖ پرهیز از نگاه غربی نسبت به مسئله زن

❖ احترام به زن در فرهنگ غرب

❖ شروط نگاه سالم و منطقی به مسئله زن:

(۱) استقلال از تفکرات غربی در مسئله زن

(۲) رجوع به متون اسلامی

(۳) پرداختن به مسائل اصلی در احصاء موضوعات زنان

❖ و ...

باید ذهنتان را از تفکرات غربی در مورد زن تخلیه کنید*

فاطمه زهرا (سلام الله علیها) الگویی برای بشریت در تمام ابعاد

اولا مقامات معنوی فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) در شمار برترین مقامات معنوی آحاد معدودی از بشریت است. ایشان معصومند؛ عصمت، ویژه‌ی معدودی از برگزیدگان الهی در میان آحاد بشر است؛ و این بزرگوار - فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) - از آن جمله است، با توجه به این واقعیت که این زن مسلمان و مجاهد فی سبیل الله تنها حدود بیست سال - حالا با اختلاف روایات از هجده سال تا بیست و پنج سال - سنشان بوده؛ زن جوان دارای این مرتبه‌ی عالی از معنویت که در ردیف اولیا و پیامبران و مانند اینها قرار میگیرد و از سوی فرستادگان الهی "سیده‌ی نساء العالمین" نام میگیرد. در کنار این مقام معنوی بروز خصلتهای برجسته و کارکردهای مهم در زندگی شخصی این بانوی بزرگوار هر کدام یک درس است. تقوای او، عفت و طهارت او، مجاهدت او، شوهرداری او، فرزندداری او، سیاست‌فهمی او، حضور او در مهم‌ترین عرصه‌های حیات یک انسان در آن دوره - چه در دوران نوجوانی و کودکی، چه در دوران بعد از ازدواج - هر کدام یک درس است؛ نه فقط درس است برای شما بانوان، [بلکه] برای همه‌ی بشریت درس است. بنابراین این اقتران برای ما یک فرصت است؛ در زندگی فاطمه‌ی زهرا باید دقیق شد، با نگاهی نو آن زندگی را شناخت، فهمید و به معنای واقعی کلمه آن را الگو قرار داد.

وجود زنان فرزانه و فداکار از بزرگترین افتخارات نظام

و اما راجع به مسئله‌ی زن در نظام جمهوری اسلامی و در کشور ما و جامعه‌ی ما. اولاً من عرض بکنم در

هنگامی که به همین مناسبت غالباً بنده مواجه میشوم با بانوان مسلمان، زنان مؤمن و تحصیل کرده، خدا را عمیقاً شکر میکنم؛ واقعاً این یکی از بزرگ‌ترین افتخارات نظام اسلامی است که در سایه‌ی نظام اسلامی این همه زن فرزانه و تحصیل کرده و خوش فکر و ممتاز از لحاظ فکری و عملی در جامعه‌ی ما وجود دارند؛ خیلی نعمت بزرگی است و مایه‌ی افتخار است. حالا امروز که فقط این خانم محترم صحبت کردند، لکن جلسات متعددی ما داشتیم که خانمها متعدّد صحبت کردند؛ هر کدام که بیاناتی را ابراز کردند، یک دریچه‌ای از نگاه نو، فکر نو به روی ذهن انسان گشوده میشد. تربیت این همه انسان والا، برجسته و خوش فکر یکی از بزرگ‌ترین افتخارات نظام اسلامی است. امروز وقتی ما نگاه میکنیم، نام زنان ما بر تارک کتابهای متعددی - کتابهای علمی، کتابهای پژوهشی، کتابهای تاریخی، کتابهای ادبی، کتابهای سیاسی، کتابهای هنری - گذاشته شده؛ جزو برترین نوشته‌ها و آثار مکتوب امروز نظام اسلامی - چه مقالات و چه کتابها - نوشته‌های بانوان ما است، که این واقعاً مایه‌ی افتخار است. در تاریخ ما بی‌سابقه است؛ ما دوره‌های گوناگون را دیدیم، آشنا هم بودیم با فضای فرهنگی کشور؛ ما هرگز این همه انسان برجسته‌ی در زمینه‌های مختلف - چه در مسائل حوزوی، چه در مسائل دانشگاهی - نداشتیم.

واقعیت‌های بسیار افتخار آمیز زنان جامعه‌ی ما

در کنار اینها، بروز و ظهور کاملاً برجسته‌ی هویت و شخصیت مستقل زن ایرانی، در عرصه‌ی مجاهدتها، از جمله در دفاع مقدّس و دنباله‌های آن تا امروز؛ این همه همسران شهدا، همسران جانبازان، مادران شهیدان، بازماندگان برجسته‌ی کسانی که رفتند جانشان را در راه خدا دادند و اینها با اراده‌ی محکم، عزم راسخ و با صبر، هر انسانی را در مقابل خودشان خاشع و خاضع میکنند. بنده که حقیقتاً هر وقت با این زنان برجسته مواجه میشوم، در مقابل آنها احساس خضوع میکنم. بنده زیاد بر خورد میکنم با مادران شهیدان، با همسران شهیدان، با همسران جانبازان؛ این بانوی فداکاری که یک عمر زندگی خودش را میگذارد برای مدیریت کردن و بهبود بخشیدن به زندگی یک معلول و جانباز، برای خاطر خدا؛ این چیز کوچکی نیست، اینها به زبان آسان است. آن مادری که دو فرزند، سه فرزند، چهار فرزند را در راه خدا داده و همچنان محکم ایستاده، به ما سفارش میکند که بایستید؛ محکم باشید! انسان واقعاً در مقابل این همه عظمت احساس خسوع میکند. اینها واقعیت‌های زنانه‌ی جامعه‌ی ما است که بسیار افتخار آمیز و مهم است. خب بحمدالله این، آن بخش روشن و درخشان مسئله‌ی زن در کشور [است].

جهات مختلف تأمل و کار بر روی مسئله زنان

و اما مسئله‌ی زن در دنیای امروز و از جمله در کشور ما، یکی از مسائلی است که به جهات مختلف همچنان در خور پیگیری و تأمل و کار و فکر است. اولاً نیمی از جمعیت کشورها زنان هستند؛ چگونه میتوان به شکل سالمی از این امکان و استعداد عظیم به نفع هر کشوری، از جمله کشور ما استفاده کرد؟ ثانیاً مسئله‌ی

جنسیت که یکی از حساس‌ترین و ظریف‌ترین مسائل آفرینش است، چگونه میتواند در خدمت تعالی انسان قرار بگیرد، نه در خدمت انحطاط بشر و انحطاط اخلاقی؟ ثالثاً به خاطر تفاوت‌های طبیعی‌ای که بین جنس زن و جنس مرد وجود دارد، چگونه میتوان - چه در محیط اجتماعی، چه در محیط خانواده - رفتاری را نهادینه کرد و غیرقابل اجتناب کرد که به زن ظلم نشود؟ اینها مسائل خیلی مهمی است. اگر ما همین دو سه مسئله را محور فکر و تأمل و بحث و کار قرار بدهیم، یک مجموعه‌ی تلاش و کار مطالعاتی و تحقیقی و عملی را به دنبال خود خواهد آورد. این مسئله‌ی ظلم به زنان را کسی خیال نکند که مخصوص جوامع عقب‌افتاده یا جوامع مثلاً فرض کنید وحشی است؛ نه، در جوامع به اصطلاح متمدن امروز، این ظلم به جامعه‌ی زنان اگر بیشتر از جوامع دیگر نباشد، قطعاً کمتر نیست. خوب اینها مسائل مهمی است؛ اینها باید رسیدگی بشود، به اینها باید پرداخته بشود.

ضرورت ایجاد مرکز عالی فراقوه‌ای برای بررسی مسائل خرد و کلان در حوزه زنان

مطالب خوبی در بیانات خانم بود؛ عمده‌ی حرف‌هایی که در ذهن انسان هست، ایشان در بیاناتشان ذکر کردند. ایشان گفتند که ما قبلاً گفته‌ایم در کشور یک مرکز عالی فراقوه‌ای مورد نیاز است که راجع به این مسئله‌ی مهم بحث کند، کار کند. این مسائل، مسائل اساسی ما است؛ مسئله‌ی زن و مسئله‌ی خانواده که البته مسئله‌ی زن از مسئله‌ی خانواده قابل تفکیک نیست. این را هم عرض بکنیم، اگر چنانچه کسی بخواهد مسئله‌ی زن را جدای از مسئله‌ی خانواده بحث بکند، دچار اختلال در فهم و در تشخیص علاج خواهد شد؛ این دو را باید در کنار هم دید، با اینکه دو مسئله است. خوب، مرکز اینچنینی لازم است که البته تاکنون هم تشکیل نشده؛ گفتیم ما، مطرح کردیم؛ چنین مرکز مطالعاتی و کاری که یک راهبرد صحیح و همه‌جانبه را درباره‌ی مسئله‌ی زن - ناظر به همان موضوعاتی که عرض شد و برخی موضوعات دیگر - بررسی کند و دنبال کند و اجرایی کند، نداریم؛ این مرکز باید به وجود بیاید و البته الزاماتی هم دارد.

ذهنتان را از تفکرات غربی در مورد زن تخلیه کنید!

آنچه من امروز عرض میکنم به شما، دو سه نکته است: یک نکته اینکه اگر ما میخواهیم - چه در همین مرکزی که اشاره شد، چه در هر نقطه و دستگاه دیگری - درباره‌ی مسئله‌ی زن درست فکر کنیم و درست حرکت کنیم و دچار خطا نشویم، باید ذهنمان را از حرف‌های کلیشه‌ای فرآورده‌ی غربی‌ها بکلی خالی کنیم. غربی‌ها نسبت به مسئله‌ی زن بد فهمیدند، بد عمل کردند و همان فهم بد و غلط و عمل گمراه‌کننده و مهلک خودشان را به صورت سگه‌ی رایج در دنیا مطرح کردند. علیه هر کسی هم که بر ضد نظر آنها حرف بزند، دستگاه تبلیغاتی وسیع آنها هوجبگری میکند، مجال حرف زدن هم به کسی نمیدهد. اگر میخواهید درباره‌ی مسئله‌ی زن راهبرد درست را پیدا کنید و این راهبرد را با اجرائیات و الزامات اساسی آن همراه

کنید و در بلندمدت پیش بروید و به نتیجه برسید، باید ذهن‌تان را از تفکرات غربی در مورد زن تخلیه کنید. نمی‌گوییم بی‌اطلاع بمانیم، نه؛ ما طرفدار بی‌اطلاعی نیستیم، بنده طرفدار آگاهی و آشنایی هستیم، اما مرجعیت آن افکار را بکلی رد کنیم. افکار غربی‌ها، نظرات غربی‌ها، در زمینه‌ی مسئله‌ی زن مطلقاً نمیتواند مایه‌ی سعادت و هدایت جامعه‌ی بشری باشد. اولاً تفکرات آنها، تفکراتی است مبتنی بر معرفت‌شناسی مادی و غیرالهی، که این خودش یک غلطی است. هر دستگاه علمی و فکری که بر پایه‌ی معرفت مادی و اعتقاد مادی باشد، طبعاً غلط است. نگاه به حقایق آفرینش را بایستی با نگاه معرفت‌شناسی الهی، با اعتقاد به وجود خدا، با اعتقاد به قدرت خدا و حضور الهی و ربوبیت الهی شناخت و فهمید و دنبال کرد. پس پایه و ریشه و اساس تفکرات غربی‌ها چون مادی است، غلط است. این یک.

🏠 رویکرد غرب به مسئله زن

دوم اینکه در رویکرد غربی به مسئله‌ی زن - همچنان که در تاریخ انقلاب صنعتی، انسان بروشنی می‌بیند - یک نگاه کاسب‌گرانه و مادی و اقتصادی دخالت داشته است. یعنی در اروپایی که زن حق مالکیت نداشت و مایملک زن متعلق به مرد و شوهرش بود، و حق تصرف در مایملک خود نداشت یا از وقتی که دموکراسی در غرب راه افتاده بود زن حق رأی دادن نداشت، در یک چنین دنیایی ناگهان مسئله‌ی انقلاب صنعتی و کارخانجات و حضور مؤثر شاغل زن در کارخانجات با خرج کمتر برای سرمایه‌دارها مطرح شد. آن وقت آمدند برای زن حق مالکیت قائل شدند، برای اینکه بتوانند او را به کارخانه بکشانند، به او مزد کمتری بدهند، و طبعاً آمدن او به میدان اشتغال الزامات خودش را داشت و دنباله‌های خودش را تا امروز داشت. بنابراین علاوه بر اینکه نگاه به زن یک نگاه غیرالهی و مادی است، اساساً سیاستهایی که بر اساس آنها، وضعیت کنونی در اروپا عمدتاً و در دنیای غرب پیش آمده است، با یک نگاه کاسب‌کارانه و مادی و اقتصادی همراه بوده.

🏠 پرهیز از نگاه غربی نسبت به مسئله زن

یک جهت دیگر در اینکه ما بایستی از نگاه غربی در مسئله‌ی زن پرهیز کنیم، این است: در نگاه غربی زن وسیله‌ای برای اطفای شهوت است؛ این غیر قابل کتمان است. این را اگر کسی ادعا بکند ممکن است کسانی جنجال کنند که نه آقا این جور نیست؛ لیکن زندگی آنها را که انسان نگاه میکند، اساساً این نگاه حاکم است. در محیط اجتماعی هر چه زن پوشش کمتری داشته باشد، مطلوب‌تر است. در مورد مرد این حرف را نمی‌زنند؛ در مهمانی رسمی، مرد بایستی با لباس کامل، پاپیون زده و کت و شلوار پوشیده و احیاناً لباس رسمی وارد بشود؛ اما خانمها در این مهمانی‌های رسمی بایستی به شکل دیگری ظاهر بشوند؛ این جز برای اینکه چشم هرزه‌ی هوس‌آلود مرد بهره‌مند بشود، هیچ فلسفه‌ی دیگری و حکمت دیگری ندارد؛ امروز در دنیای غرب این جوری است؛ و عملاً بزرگ‌ترین ظلمی که امروز در دنیای غرب به زنان میشود، از

این قبیل است.

✎ احترام به زن در فرهنگ غرب

بنده اهل بریده پیدا کردن از روزنامه‌ها نیستم، اما دیروز، پریروز بود، یک چیزی در روزنامه دیدم؛ دیدم خیلی چیز مهمی است؛ اینجا آوردم برای شما بخوانم. کتابی از "جیمی کارتر" رئیس جمهور پیشین آمریکا، منتشر شده [به اسم "تقاضایی برای اقدام" که به موضوع نقض حقوق بشر و تجاوزات وحشتناک علیه زنان پرداخته. جیمی کارتر در این کتاب میگوید: هر ساله صد هزار دختر به عنوان برده در آمریکا فروخته میشود. جایی که صاحب یک روسپی خانه میتواند دختری را که معمولاً اهل آمریکای لاتین یا آفریقا است، با قیمتی برابر هزار دلار خریداری کند. وی همچنین به تجاوزات جنسی که در محوطه‌های کالج‌ها رخ میدهد اشاره دارد؛ به جایی که از هر بیست و پنج مورد تنها یک مورد گزارش میشود. کارتر همچنین عنوان میکند که تنها یک درصد از متجاوزان جنسی در ارتش محاکمه میشود. انسان گریه‌اش میگیرد! از این قبیل در روزنامه‌ها زیاد می‌بینید، بنده هم زیاد می‌بینم؛ من هیچ وقت هم به اینها استناد نمیکنم، لکن خب اینها واقعیتی است. جیمی کارتر هم بالاخره یک شخصیت معروفی است و این هم کتاب او است. این چه وضعی است در دنیا؟ این چه جور تکریم زن است؟ نویسنده‌ی نامدار و معروف غربی، کتاب زمان مینویسد برای شرافتمندانه نشان دادن شغل روسپی‌گری! که البته به فارسی هم ترجمه شده است. البته در این کتاب اشاره به این است که چگونه دلالتان جنسی، می‌آیند از کشورهای آمریکای لاتین دخترها را با وعده و وعید و فلان بر میدارند می‌برند، و می‌فروشند به این مراکز؛ که البته این مربوط به اروپا است، مربوط به آمریکا نیست. البته سعی میشود در این کتاب و این زمان، که شغل روسپی‌گری یک شغل شرافتمندانه‌ای وانمود بشود. این است فرهنگ غرب نسبت به زن؛ این است احترام اینها نسبت به زن.

✎ شروط نگاه سالم و منطقی به مسئله زن:

۱) استقلال از تفکرات غربی در مسئله زن

اگر می‌خواهیم نگاه ما نسبت به مسئله‌ی زن، نگاه سالم و منطقی و دقیقی باشد، شرط اول آن این است که ذهنمان را از این حرفهایی که غربی‌ها در مورد زن می‌زنند - در مورد اشتغال، در مورد مدیریت، در مورد برابری جنسی - باید بکلی تخلیه کنیم. یکی از بزرگ‌ترین خطاهای تفکر غربی در مورد مسئله‌ی زن، همین عنوان «برابری جنسی» است. عدالت یک حق است؛ برابری گاهی حق است، گاهی باطل است؛ چرا باید انسانی را که از لحاظ ساخت طبیعی - چه از لحاظ جسمی، چه از لحاظ عاطفی - برای یک منطقه‌ی ویژه‌ای از زندگی بشر ساخته شده، از آن منطقه‌ی ویژه جدا کنیم، به منطقه‌ی ویژه‌ی دیگری که

برای یک ساخت دیگر، برای یک ترکیب دیگری خدای متعال آماده کرده بکشانیم؟ چرا؟ این چه منطق عقلایی دارد، چه دلسوزی‌ای در این هست؟ چرا باید کاری که مردانه است به زن داده بشود؟ این چه افتخاری است برای زن، که کاری را انجام بدهد که مردانه است؟

من متأسفم که گاهی خود خانمها، خود بانوان، روی این مسئله حساسیت نشان میدهند که ما با مردها چه فرقی داریم؟ خوب بله، در خیلی از مسائل هیچ تفاوتی نیست. نگاه اسلام نسبت به زن و مرد، نگاه انسان است؛ در مسئله‌ی انسانیت، سیر مقامات معنوی، استعدادهای فراوان فکری و علمی هیچ تفاوتی نیست، اما قالبها دو قالب است: یک قالب برای یک کار و یک صنف کار است، یک قالب برای یک کار دیگر است؛ البته کارهای مشترکی هم وجود دارد. [آیا] این خدمت است که ما بیاییم یکی از این دو قالب را از منطقه‌ی اختصاصی خودش بکشیم بیرون، ببریم در منطقه‌ی اختصاصی آن قالب دیگر؟ این کاری است که غربی‌ها دارند میکنند. خیلی از این کنوانسیون‌های بین‌المللی و جهانی‌شان ناظر به همین مسائل است. روی این فکر غلط، زندگی بشریت را تباه کردند، خودشان را تباه کردند، دیگران را هم میخواهند تباه کنند. شما خانمها بحمدالله عالمید، فاضلید، برجسته‌اید؛ من احترام میکنم [به شما]. هر وقتی که در جلساتی خانمها صحبت میکنند من استفاده میکنم. در همین جایی که ما نشستهایم، جلسه‌ی اندیشه‌های راهبردی بود راجع به مسئله‌ی زن و خانواده؛ چند خانم آمدند صحبت کردند، بدون تعارف حقیقتاً من استفاده کردم، بهره بردم از آن مطالبی که گفتند؛ به نظر من اگر شماها میخواهید برای مسئله‌ی اساسی زن و معضل زن و مشکلاتی که جامعه‌ی زنان در همه‌جا - از جمله در کشور ما - به آن دچارند فکر بکنید، شرط اول آن این است که خودتان را و ذهنتان را باید از تفکرات غربی که یک تفکرات کلیشه‌ای غلط متحجر نونما - ظاهرش نو، باطنش متحجر؛ ظاهرش دلسوزانه، باطنش خائنانه - [است]، خلاص کنید، نجات بدهید؛ فکر مستقل از تفکرات غربی بکنید.

۲) رجوع به متون اسلامی

الزام دوم اینکه به متون اسلامی مراجعه کنید. واقعاً از قرآن و از سنت و از حدیث و از دعا و از متون اسلامی و از کلمات ائمه و رفتار ائمه، آن اصول و پایه‌های اصلی را اتخاذ کنید. وحی است دیگر، وحی مال خدا است؛ خدا آفریننده‌ی من و شما است. من نمیگویم هر چه به نام دین در دهانها می‌افتد آدم قبول کند؛ نه، از همان دین صحیح، که با شیوه‌ی درست استنباط و به وسیله‌ی اهل و شایستگان این کار انجام میگیرد، استفاده شود؛ واقعاً از کتاب خدا، از سنت پیغمبر، از روش ائمه‌ی معصومین و از کلمات اینها استفاده بشود، که ما در زمینه‌ی مسائل زنان باید چه راهبردی را اتخاذ کنیم و خطوط اساسی را از آنجا باید اتخاذ کنیم.

۳) پرداختن به مسائل اصلی در احصاء موضوعات زنان

به نظر من اینها دو کار اصلی است. یک کار سوم هم وجود دارد و آن اینکه در احصای^۱ مسائل اصلی

زنان، حقیقتاً به مسائل اصلی بپردازیم، نه به مسائل درجه‌ی دو. پرداختن به مسئله‌ی خانواده و بخصوص مسئله‌ی سلامت و امنیت و آرامش و تکریم زن در محیط خانواده، یکی از مسائل اصلی است. ما چند مسئله‌ی اصلی داریم، یکی از آنها این است.

نگاه کنید ببینید عوامل سلب آرامش و سکینه‌ی روحی زن در خانواده چه چیزهایی است؟ دنبال این باشید که با قانون، با روشهای تبلیغی، با روشها و شیوه‌های گوناگون، اینها را برطرف کنید. این، اساس قضیه است. زن در خانه مایه‌ی آرامش است؛ مایه‌ی آرامش مرد، و مایه‌ی آرامش فرزندان؛ دختر و پسر. اگر خود زن برخوردار از آرامش روانی و روحی نباشد، نمیتواند این آرامش را به خانواده بدهد. زنی که مورد تحقیر قرار بگیرد، مورد اهانت قرار بگیرد، مورد فشار کار قرار بگیرد، نمیتواند کدبانو باشد؛ نمیتواند مدیر خانواده باشد؛ در حالی که زن، مدیر خانواده است. این مسئله‌ی اصلی است. این یکی از آن اصلی‌ترین مسائل است، که خب در محیط زندگی ما - چه محیطهای قدیمی ما، چه محیطهای جدید ما - چندان مورد توجه قرار نگرفته است و باید مورد توجه قرار بگیرد.

احترام کار زن در خانه

تصوّر از زن در خانه، تصوّر یک موجود درجه‌ی دویی است [است] که موظف به خدمتگزاری به دیگران است؛ این تصوّر بین خیلی‌ها هست - حالا بعضی‌ها به زبان می‌آورند، به رو می‌آورند، بعضی‌ها هم به رو نمی‌آورند، اما در دلشان این است - این درست نقطه‌ی مقابل آن چیزی است که اسلام بیان کرده است. من مکرّر عرض کرده‌ام این حدیث معروف را که «الْمَرْأَةُ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ»؛ «آقهرمان، در تعبیرات رایج عربی، به آن کارگزار میگویند؛ مثل «أَمَرَ قَهْرْمَانُهُ بِكَذَا»؛ مثلاً فلان صاحب ملک و املاک فراوان به قهرمان خودش، یعنی آن کسی که کارگزار امور این املاک است، گفت؛ به این میگویند «قهرمان». در این حدیث میگوید: خیال نکن زن کارگزار تو داخل خانه است که باید کارهای خانه را [انجام دهد]؛ این جور نیست. خب ببینید، این خودش یک فضلی است که از آن چندین فصل گشوده میشود: مسئله‌ی احترام کار زن در خانه و عدم الزام او، مجبور نبودن او، قابل خریداری شدن این کار یعنی قابل مبادله‌ی با پول؛ این است. اینها چیزهایی است که خب در اسلام هست، در فقه اسلام هست؛ همان طور که اشاره کردند ایشان، واقعاً فقه ما فقه مترقی و برجسته‌ای است. یک چیزهایی از آن را بعضی میگیرند، یک چیزهایی از آن را فراموش میکنند، یک چیزهایی را هم به خاطر هماهنگی با این افکار هوچیگرانه‌ی غربی از این رو به آن رو میکنند؛ این را هم دیده‌ایم ما.

مسئله خانه و خانواده، مسئله اصلی حوزه زنان

بعضی‌ها برای اینکه غربی‌ها بدشان نیاید، بعضی از حقایق احکام اسلامی را، واضحات احکام اسلامی را عوض میکنند. قرآن میفرماید: وَإِنْ تَطَعْتُمْ أَكْثَرُ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ

هُم إِلَّا يَخْرُصُونَ؛^۳ دنباله‌رو فکر رایج در دنیای جهل و خرافه نبایند بود؛ فکر اسلامی را باید پیدا کرد، دنبال آن باید رفت، ولو حالا یک عده‌ای بد بگویند. این هم یک مسئله است؛ بنابراین مسئله‌ی اصلی را باید پیدا کرد. به نظر من مسئله‌ی اصلی، یعنی یکی از مسائل اصلی، مسئله‌ی خانه و خانواده است: امنیت زن در محیط خانواده؛ فرصت زن در محیط خانواده و خانه‌داری برای بُروز استعدادها؛ [چیزی] مانع درس خواندن او، مانع مطالعه کردن او، مانع فهمیدن او، مانع نوشتن او نشود - [برای] کسی که اهل این چیزها است - میدان برای این کارها فراهم باشد؛ این اساس قضیه است.

اشتغال بانوان، جزو مسائل اصلی نیست

مسئله‌ی اشتغال بانوان، جزو مسائل اصلی نیست. البته ما با اشتغال بانوان مخالف نیستیم؛ بنده خودم نه با اشتغالشان، نه با مدیریتهایشان مخالفتی ندارم، مادامی که با آن مسائل اصلی معارضه و تنافی پیدا نکند؛ اگر معارضه پیدا کرد، آن مقدم است. یکی از کارهایی که در این زمینه‌ی سوّم که عرض کردیم باید انجام بگیرد، طبعاً این است که نگاه کنند ببینند آن مشاغلی که متناسب با این خصوصیت زن است چیست. بعضی از مشاغل هست متناسب با ساختن زن نیست، خب اینها را دنبال نکنند. یکی از کارها این است که آن تحصیلاتی را که به آن مشاغل منتهی میشود، بر زن تحمیل نکنند. این بحث دانشگاه و تحصیلات و مانند اینها که باز بعضی‌ها جنجال میکنند که در تحصیلات تبعیض است، این تبعیض همه‌جا بد نیست. تبعیض آنجایی که ضدّ عدالت باشد بد است. و الاّ فرض کنید وقتی که شما در یک تیم فوتبال، یکی را میگذارید مهاجم، یکی را میگذارید مدافع، یکی را میگذارید دروازه‌بان، خب این تبعیض است دیگر. اگر آن کسی که باید در خط دفاع و ایستد، گذاشتند مهاجم، خب تیم خواهد باخت. آن کسی که باید مهاجم باشد اگر گذاشتند دروازه‌بان که بلد نیست این کار را، خب تیم میبازد. این تبعیض است، [اما] این تبعیض، عین عدالت است؛ یکی را اینجا میگذارند، یکی را آنجا میگذارند، یکی را آنجا میگذارند. [پس باید] ببینیم با توجه به آن اهداف بلند چه درسی برای بانوان مناسب است، آن درس را در اختیارشان قرار بدهیم؛ نه اینکه مجبورش کنیم که شما چون در کنکور این جوری شرکت کردی، و این جوری نمره آوردی، حتماً باید بروی فلان درس را بخوانی، که این درس نه با طبیعت زنانه‌ی او سازگار است، نه با اهداف عالی او سازگار است، نه شغلی که به دنبال این درس به او داده میشود، متناسب با او است. این چیزها را به نظر من در زمینه‌ی اشتغال زنان باید در نظر گرفت. و خلاصه این را که زن نتواند همه‌ی مشاغلی را که مرد به عهده میگیرد به عهده بگیرد، نباید ننگ دانست یا نقص دانست؛ نخیر، آن چیزی بد است که متناسب با طبیعت الهی [نباشد]. این، آن عرایض ما است که البته حالا چیزهای دیگری هم یادداشت کردیم، که به نظر من همین اندازه کافی است.

❁ ضرورت نگاه به رهنمود الهی و سلب نگاه از رهنمودهای مادی، در مسائل زنان

مسئله‌ی زنان، مسئله‌ی مهمی است؛ بهترین کسانی هم که این مسئله را می‌توانند دنبال کنند و حل کنند خود خانمها هستند. و خانم تحصیل کرده و خوش فکر و با استعداد و خوش قلم و خوش قریحه کم نداریم؛ امروز در کشور ما بحمدالله خیلی زیاد است. عرض کردم؛ هیچ وقت در تاریخ کشور ما این همه زن تحصیل کرده و فرزانه و برجسته ما نداشتیم؛ نه در محیطهای حوزوی، نه در محیطهای دانشگاهی. این همه نویسندگی زن، این همه شاعر زن، این همه محقق زن، پژوهشگر زن، در رشته‌های مختلف نداشتیم؛ خوشبختانه امروز به برکت نظام اسلامی [داریم]. اینها به برکت اسلام است، به برکت جمهوری اسلامی است، به برکت همان نگاه روشن امام به مسئله‌ی زن است، که اشاره کردند.^۴ هیچ وقت ما چنین وضعیتی را در کشورمان نداشتیم. باید خدا را شکر کنیم و از توفیقات او سپاسگزاری کنیم و از افزایش این توفیق را بخواهیم و شکر این توفیق را بکنیم؛ شکرش هم همین است که عرض کردم: نگاه به رهنمود الهی و سلب نگاه از رهنمودهای مادی که امروز متصدی و مباشر آن هم غربی‌ها و آمریکایی‌ها هستند که خیلی هم پرویند، خیلی هم طلبکارند، خیلی هم هوچی هستند، و اگر کسی بر خلافشان حرف بزند، هجوم تبلیغاتی هم میکنند، [اما] نباید اعتنا کرد؛ باید انشاءالله پیش بروید.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

یکی از چیزهایی که ما امروز خیلی احتیاج داریم، برنامه‌های مطالعاتی برای قشرهای مختلف است. بارها اتفاق می‌افتد که جوانها را، نوجوانها را به کتابخوانی تشویق میکنیم؛ مراجعه میکنند، میگویند آقا چه بخوانیم؟ این سؤال یک جواب ندارد؛ احتمالاً جوابهای متعددی دارد. مجموعه‌ی متصدیان امر کتاب - چه در وزارت ارشاد، چه در مجموعه‌ی کتابخانه‌ها - روی این مسئله باید کار جدی بکنند؛ در بخشهای مختلف، برای قشرهای مختلف، به شکلهای مختلف، با تنوع متناسب، سیرمطالعاتی درست کنند؛ اول این کتاب، بعد این کتاب، بعد این کتاب. وقتی که جوان، نوجوان، یا کسی که تاکنون با کتاب انس زیادی نداشته است، وارد شد، حرکت کرد، راه افتاد، غالباً مسیر خودش را پیدا خواهد کرد.

بیانات در دیدار مسئولان کتابخانه‌ها و کتابداران ۱۳۹۰/۴/۲۹